

- رونق تولید، ذهن‌های ساده و مسأله پیچیده
- پوپولسیت‌های سنجاق شده به ناسیونالسم
- زخم‌های جامعه ایران از نگاه رسمی
- معمای سلطه دلار و راز سقوط آن
- ایران تیرنخست را شلیک نکند
- دیروز و فردای اقتصاد ایران
- بازار ارز، راهبر بازارها

تجارت ۲۰ میلیارد دلاری با عراق الزام یا رویا





اتاق ایران منتشر می کند:

بانک اطلاعات اعضا اتاق ایران

معرفی اطلاعات تجاری ۳۶۰۰۰ شرکت عضو اتاق ایران
(کتاب - فضای مجازی - اپلیکیشن - دیجیتال مارکتینگ)

توزیع در:

- کلیه سفارتخانه‌های ایران در سراسر دنیا
- کلیه سفارتخانه‌های کشورهای خارجی در ایران
- کلیه اتاق‌های بازرگانی سراسر دنیا
- کلیه اتاق‌های مشترک ایران و کشورهای خارجی
- کلیه اتاق‌های مشترک کشورهای خارجی در ایران
- سفرای هیات‌های تجاری

تلفن سفارشی تبلیغات

و معرفی برند محصولات

۳۳-۸۵۷۳۲۱۳۰

تلفن بروزرسانی اطلاعات

۸۵۷۳۲۱۳۴

دورنگار

۸۵۷۳۲۱۳۵



ویراستار: فاطمه ابراهیمیان
حروفچین: حمیدرضا خدابخش
ویرایش عکس: عرفان اسلامی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی،
نیش خیابان شهید موسوی
(فرست)، پلاک ۱۷۵
کد پستی: ۱۵۸۳۶۴۸۴۹۹
تلفن: ۰۰۰ ۸۵۷۳ (۰۲۱)
فاکس: ۸۵۷۳۳۳۳۳ (۰۲۱)

چاپ: امکان ۸۸۹۳۲۷۹۳
خیابان دماوند، خیابان ناصری، پلاک ۳

جانشین مدیر مسئول: محمدرضا عرب
سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

معاون سر دبیر:
محمدعلی توحید

تحریریه:
محمدرضا ستاری، منصوره نصرتی کردکندی
حمید باقریان، مونا مشهدی رجبی
حسن صادقی و علی پالار

با تشکر از: حجت سپهوند
مدیر هنری: علی صائمی



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع
معادن و کشاورزی ایران
زیر نظر شورای سیاستگذاری
مدیر مسئول: علیرضا اشرف

در این شماره می‌خوانید:

رونق تولید



۹

انتخاب سردبیر



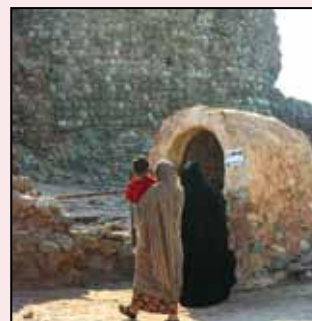
۱۹

چشم‌انداز ۹۸



۳۵

زخم‌های ایران



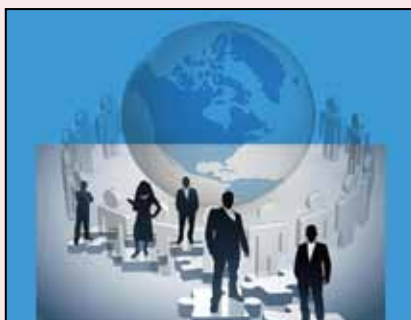
۳۵

تهران- بغداد



۴۷

نظام اداری



۵۹

بازارها



۶۷

ناسیونالیسم جدید



۷۵

آینده دلار



۸۵

نگاه سوئدی



۹۱

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۸

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۸ هجری شمسی، با تبریک عید نوروز و میلاد مسعود امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به هم‌میهنان عزیز و به‌ویژه خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان، و با آرزوی سالی توأم با شادی، سعادت، سلامت جسمی و توفیقات روزافزون مادی و معنوی برای ملت ایران، سال جدید را سال «رونق تولید» نامگذاری کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ارزیابی سال ۹۷، آن را سالی پر ماجرا خواندند و خاطرنشان کردند: دشمنان در این سال نقشه‌های زیادی برای ایران کشیده بودند، اما ملت ایران به معنی واقعی خوش درخشید و با صلابت و بصیرت و با همت جوانان، آن نقشه‌ها را خنثی کرد. رهبر انقلاب اسلامی واکنش مردم به تحریم‌های شدید آمریکا و اروپا را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی واکنشی محکم و مقتدرانه برشمردند و افزودند: در عرصه سیاسی مظهر این واکنش راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن و موضع‌گیری‌ها مردم در طول سال بود و در عرصه تقابل اقتصادی نیز با «افزایش ابتکارات علمی و فنی»، «افزایش چشمگیر شرکت‌های دانش‌بنیان»، «افزایش تولیدات زیربنایی و اساسی داخلی مانند افتتاح فازهای متعدد گاز جنوب کشور و افتتاح پالایشگاه بزرگ بندرعباس»، ملت ایران توانست در مقابل دشمنی و خباثت دشمنان، قدرت و هیبت و عظمت خود را نشان دهد و آبروی ملت و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرد.

ایشان در ادامه مشکل اساسی کشور را همچنان مشکل اقتصادی دانستند و با اشاره به افزایش مشکلات معیشتی مردم در ماه‌های اخیر، گفتند: بخشی از این مشکلات مربوط به مدیریت‌های نارسا در زمینه مسائل اقتصادی است که حتماً باید جبران شود، البته برنامه‌ها



و تدابیری اندیشیده شده است که این تدابیر باید در طول سال جدید به ثمر بنشینند و مردم آثار آن را احساس کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید مجدد بر اینکه اولویت و مسأله فوری و جدی کشور، مسأله اقتصاد است، از «کاهش ارزش پول ملی» «قدرت خرید مردم» و «کم‌کاری و یا تعطیل بعضی کارخانجات» به عنوان مشکلات مهم اقتصاد کشور یاد و تأکید کردند: بر اساس مطالعه و همچنین نظرات کارشناسان، کلید حل همه این مشکلات «توسعه تولید ملی» است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به استقبال مردم از شعار سال ۹۷ یعنی «حمایت از کالای ایرانی» و آثار مثبت آن، افزودند: امسال، مسأله محوری و اصلی، مسأله «تولید» است، زیرا اگر تولید جریان یابد، هم مشکلات معیشتی و اشتغال حل می‌شود، هم موجب استغنائی کشور از بیگانگان و دشمنان خواهد شد و حتی می‌تواند مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند، بنابراین من شعار امسال را «رونق تولید» قرار دادم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همگان را به تلاش برای رونق تولید در کشور فراخواندند و ابراز امیدواری کردند با گسترش چشمگیر و محسوس این تلاش در طول سال، مشکل اقتصادی در مسیر حل شدن قرار بگیرد.

ایشان با درود به ارواح مطهر امام راحل و شهیدان سرافراز، و با سلام به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج)، دعای آن بزرگوار و سعادت ملت ایران و همه ملت‌هایی که نوروز را گرمی می‌دارند، از خداوند متعال مسألت کردند.

متن کامل پیام ایشان درباره رونق تولید داخلی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال.

خدا را شکر گزارم که مقدر فرمود امسال هم عید نوروز را که با میلاد مسعود امیرمؤمنان و مولای متقیان همزمان شده است، به ملت عزیز ایران تبریک عرض کنم؛ عیدتان مبارک هم‌میهنان

عزیز! امیدوارم همه شما با سعادت، با سلامت جسمی، با دل شاد و با توفیقات روزافزون مادی و معنوی ان‌شاءالله این سال جدید را بگذرانید. تبریک ویژه عرض می‌کنم به خانواده معظم شهیدان و به جانبازان عزیز و خانواده‌های آنها، و درود فراوان می‌فرستم به روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهر شهیدان.

سال پرمجربایی را گذرانیدیم. در این سالی که گذشت، ملت ایران به معنی واقعی خوش درخشید. دشمنان نقشه‌ها کشیده بودند، نقشه‌ها داشتند برای ملت ایران. صلابت ملت و بصیرت ملت و همت جوانان، نقشه‌های دشمنان را خنثی کرد. در مقابل تحریم‌های شدید و به قول خودشان بی‌سابقه آمریکا و اروپا، ملت ایران، هم در عرصه سیاسی، هم در عرصه اقتصادی یک واکنش محکم و مقتدرانه‌ای از خود نشان داد.

در عرصه سیاسی، مظهر این واکنش راه‌پیمایی عظیم بیست‌ودوم بهمن و موضع‌گیری‌های مردم در طول ماه‌های این سال بود. مظهر موضع‌گیری تقابل اقتصادی، عبارت است از افزایش ابتکارات علمی و فنی، افزایش چشمگیر شرکت‌های دانش‌بنیان، افزایش تولیدات زیربنایی و اساسی داخلی که از جمله همین چند روز قبل از این، افتتاح فازهای متعدد گاز جنوب کشور و قبل از آن، افتتاح پالایشگاه بزرگ بندرعباس و از این قبیل کارهایی که انجام گرفته، بود. بنابراین ملت در مقابل دشمنی دشمنان و خباثت دشمنان توانست قدرت خود، هیبت خود، و عظمت خود را نشان بدهد و آبروی ملت ما و آبروی انقلاب ما و آبروی نظام جمهوری اسلامی ما بحمدالله افزایش پیدا کرد.

مشکل اساسی کشور، همچنان مشکل اقتصادی است؛ بخصوص در این ماه‌های اخیر، مشکلات معیشتی مردم زیاد شد. بخشی از اینها مربوط است به مدیریت‌های نارسا در زمینه مسائل اقتصادی که اینها حتماً بایستی جبران بشود. برنامه‌هایی وجود دارد، تدابیری اندیشیده شده که ان‌شاءالله این تدابیر در طول سال جاری، سالی که امروز از این لحظه شروع می‌شود - سال ۹۸ - بایستی به ثمر بنشیند و مردم آثار آن را احساس بکنند. آنچه من عرض می‌کنم،

این است که مسأله فوری کشور و مسأله جدی کشور و اولویت کشور فعلاً مسأله «اقتصاد» است. در مسأله اقتصاد مسائلی که داریم زیاد است: بحث کاهش ارزش پول ملی یک مسأله مهم است، بحث قدرت خرید مردم همین جور، بحث مشکل کارخانجات و کم‌کاری و احیاناً تعطیل بعضی از کارخانجات از این قبیل است. اینها مشکلات است. آنچه من مطالعه کردم و از نظر کارشناس‌ها استفاده کردم، کلید این همه، عبارت است از «توسعه تولید ملی».

سال ۹۷ را ما سال «حمایت از کالای ایرانی» اعلام کردیم. نمی‌توانم بگویم که این شعار به طور کامل عملی شد، اما می‌توانم بگویم این شعار به صورت وسیعی مورد توجه قرار گرفت و در بسیاری از موارد، این شعار از سوی مردم مورد استقبال قرار گرفت و عمل شد و همین قطعاً تأثیر خواهد داشت. امسال مسأله «تولید» مطرح است. می‌خواهم مسأله تولید را به عنوان محور فعالیت قرار بدهم. مقصود خود از تولید را ان‌شاءالله در سخنرانی روز اول سال توضیح خواهم داد که منظور از تولید چیست. تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می‌تواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم می‌تواند استغنائی کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، هم می‌تواند مشکل اشتغال را برطرف کند، هم حتی می‌تواند مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند. لذا است که مسأله تولید به نظر من مسأله محوری امسال است؛ لذا من شعار را امسال این قرار دادم: «رونق تولید». باید همه تلاش کنند تولید در کشور رونق پیدا کند. از اول سال تا آخر سال ان‌شاءالله این معنا به صورت چشمگیری در کشور محسوس باشد. اگر این [طور] شد، امیدواریم که ان‌شاءالله حل مشکل اقتصادی راه بیفتد.

سلام و صلوات و درود قلبی خودم را به پیشگاه ولی عصر (ارواحنا فداه) عرض می‌کنم و دعای آن بزرگوار را برای شما ملت عزیز مسألت می‌کنم و سعادت ملت ایران و همه ملت‌هایی که نوروز را گرمی می‌دارند، از خدای متعال مسألت می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته



تجارت با عراق از رویا تا الزام



محمدصادق جنان صفت
سردبیر

ساختار اقتصاد ایران گونه‌ای آرایش یافته که میزان درآمدهای ارزی به مثابه یک متغیر بنیادین و غیرقابل جایگزین برای پایداری و تاب‌آوری آن در برابر شوک‌های داخلی و خارجی شده است. ایران با استفاده از درآمدهای ارزی خود است که می‌تواند تعادل در بالاترین سطح در اقتصاد را ایجاد کند و مانع از تاب‌آوری اجزای آن شود. برای روشن شدن بیشتر اهمیت درآمد ارزی در پایداری و تعادل بخشی درآمد ارزی یادآور می‌شویم که ایران سالانه رقمی معادل ۶۰ میلیارد دلار به‌طور متوسط باید کالا وارد کند تا بخش‌های مختلف اقتصاد در همین اندازه‌ای موجود نیز رشد را تجربه کند. تجارت خارجی ایران تا روزی که جریان صادرات نفت و فرآورده‌های پتروشیمی و فولاد و میعانات گازی برقرار است ادامه دارد و هرمیزان که از حجم صادرات نفت خام، فرآورده‌های پتروشیمی و دو کالای اصلی صادراتی کاسته شود بر جریان واردات اثر منفی دارد. علاوه بر این نهاد دولت بدون درآمدهای ارزی نمی‌تواند مخارج خود و هزینه‌های اداره کشور را دست‌کم تا نیرومند شدن اقتصاد داخلی از محل دیگری تامین کند. دولت برای تامین کارکنان خود و برای تامین برخی نیازهای اساسی مثل بهداشت و درمان و امنیت داخلی و خارجی نیاز به درآمد ارزی دارد. سازوکار اینگونه است که دولت منابع ارزی خود از محل صادرات نفت خام را به بانک مرکزی می‌فروشد و بانک مرکزی نیز آن را متقاضیان ارز به ویژه بازرگانان به ریال می‌فروشد و ریال را نزد خزانه‌داری کل کشور می‌گذارد و هزینه‌های خود را از این محل برمی‌دارد. حالا اما ایران از اوایل سال ۱۳۹۷ برای دومین بار با تحریم اقتصادی اقتصادی گسترده آمریکا مواجه شده است. رهبری کاخ سفید که اکنون در اختیار یک گروه تندرو قرار دارد از زمستان ۱۳۹۶ بر طبل خروج از پیمان بین‌المللی برجام کوبید و تاکید کرد با خروج آمریکا از این پیمان بازگشت

تحریم‌های سست و لغو شده حتمی است. این اتفاق در سال گذشته رخ داده است و آمریکایی‌ها بدون هیچ پنهان‌کاری با صراحت اعلام کرده‌اند تخاصم و درگیری غیرنظامی با ایران به ویژه در حوزه اقتصاد را هر روز افزون‌تر کرده و از اندازه‌های تحریم سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ نیز فراتر خواهند رفت. به این ترتیب احتمال این وجود دارد که با تمدید نکردن معافیت خرید نفت ایران برای برخی از کشورهای اصلی خریدار نفت ایران مثل کره جنوبی، ژاپن، چین و هند درآمدهای ارزی ایران را با محدودیت بیشتری مواجه کنند. مدیران ارشد سیاسی و اقتصادی ایران با قبول این توانایی آمریکا که می‌تواند صادرات نفت ایران را تا اندازه قابل اعتنایی کاهش دهد همواره از اینکه این کشور نمی‌تواند صادرات ایران را صفر کند سخن می‌گویند. ایران در چنین وضعیتی برای افزایش درآمد ارزی و تامین کالاهای مورد نیاز خود مثل برنج، چای، روغن نباتی، بذر و کود و سم و نهاده‌های دامی که عدد قابل توجهی است و همچنین برای تامین مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز تولید صنعتی و حتی ادامه فعالیت برخی بخش‌های خدماتی و نیز مهم‌تر از آنها تامین حقوق و کارکنان خود باید محل تازه‌ای برای تامین درآمد ارزی پیدا کند. بدیهی است در این وضعیت نامساعدی که تشدید تحریم‌ها برای صادرات نفت و انتقال درآمد ارزی حاصل از آن باید راه صادرات سایر کالاها باز شود. رهبران سیاسی و اقتصادی ایران در این مسیر راه توسعه صادرات به کشورهای همسایه را راه ممکن‌تر و قابل دسترس‌تر تشخیص داده‌اند. بررسی از سر اشاره نشان می‌دهد کشورهای همسایه ایران می‌توانند محل صادرات ایران و در نتیجه محل درآمد ارزی ایران باشند. معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران در گزارشی به عملکرد ایران تجارت با ۱۴ کشور همسایه از ابتدای سال تا انتهای دی ماه ۱۳۹۷ را زیر ذره‌بین برده و نتیجه‌گیری کرده است ایران در مدت یادشده توانسته ۲۰ میلیارد و ۶/۲ میلیون دلار کالا به ۱۴ کشور همسایه خود صادر کند. حجم این کالاها ۵۰ میلیون و ۴۷۰ هزار تن بوده است. در برابر این میزان کالای صادر شده اما ایران در این مدت ۹ میلیارد و ۳۶۱

میلیون دلار از این کشورها به ایران وارد شده که وزن آن ۶ میلیون و ۸۲۱ هزار تن است. این آمارها نشان می‌دهد با وجود عدم احتساب صادرات نفتی ایران به کشورهای همسایه، تغییر مثبتی در وضعیت ایران با برخی از کشورهای همسایه به‌ویژه عراق حاصل شده است. براساس گزارش پیش رو، تراز تجاری ایران با ۱۴ کشور مورد بررسی مثبت ۱۱ میلیارد و ۲۴۱ میلیون دلار است. از میان این ۱۴ کشور، عراق دارای بالاترین تراز تجاری مثبت است و تجارت با این کشور، منافع ایران را از این بازار تامین می‌کند. همچنین تراز تجاری ایران تنها با امارات، ترکیه و روسیه منفی است که در میان آنها، بیشترین کسری تجاری با روسیه رقم خورده است.

تصویر ۱۰ ماهه تجارت خارجی ایران با عراق نشان می‌دهد صادرات ایران به عراق از ابتدای امسال تا انتهای دی‌ماه ۷ میلیارد و ۵۱۵ میلیون دلار بوده؛ در صورتیکه تنها ۵۱ میلیون دلار کالا از عراق وارد ایران شده است. بنابراین تراز تجاری ۷ میلیارد و ۴۶۴ میلیون دلاری در تجارت ۱۰ ماهه ایران و عراق رقم خورده است. حجم صادرات به عراق نیز وزنی معادل ۱۶ میلیون و ۷۵۰ هزار تن دارد. اما واردات از این کشور ۶۳ هزار تن بوده است. واقعیت‌های اقتصادی کشورهای همسایه نشان می‌دهد ایران بیشترین امیدش برای کسب درآمد ارزی یا دست‌کم برای تامین کالاهای اساسی به بازار عراق است. این‌گونه شده است که رویای تجارت ۲۰ میلیارد دلاری با عراق در ذهن و جان مدیران سیاسی و اقتصادی و همچنین بخش خصوصی ایران شکل گرفته است. در همین سه ماه تازه سپری شده و بیشتر از هر چیز به امید پوشاندن لباس عمل بر تن این رویا بوده و هست که حسن روحانی به عراق رفت و عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق به ایران آمد. آنهایی که به اقتصاد سیاسی ایران علاقه‌مندند و آنهایی که ذینفع هستند به چشم دیدند که در روزهای نیمه تعطیل ایران چگونه ده‌ها بازرگان ایرانی به اتاق بازرگانی ایران آمدند تا در همایش تجاری ایران و عراق حاضر باشند و با همتهای عراقی خود به گفت‌وگو و بحث بنشینند. به نظر می‌رسد مجموعه شرایط سیاست خارجی و توانایی‌ها و

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

کاش عددها چیز دیگری نشان می‌دادند

محمد عرب محمدی

بیکاری، افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌اندازهای ملی و کاهش درآمدها و مخارج دولت خبر داده است. بر اساس این گزارش، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۸ به منفی ۳/۹ (۳/۹۲۸-) درصد کاهش یافته است. صندوق رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۷ را ۳/۷ (۳/۷۳۲) درصد اعلام کرده است.

کاهش رشد تولید صنعتی به افزایش نرخ بیکاری، کاهش رشد بخش کشاورزی به رشد واردات برخی مواد غذایی و نهادهای دامی و کاهش رشد بخش خدمات به بیکاری گسترده در فعالیتهای خدماتی منجر خواهد شد. رشد منفی ۱۰ درصدی در دوسال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با توجه به رشد جمعیت ۱/۵ درصدی به طور میانگین معنایش کوچک شدن کیک تولید ملی و فقیرتر شدن ۱۳ درصدی شهروندان ایرانی است. این رخداد ناراحت‌کننده برگشت موج منفی به اقتصاد ملی ایران پیامدهای ژرف و گسترده‌ای بر جای خواهد گذاشت و پیامدهای داخلی و خارجی کاهش رشد اقتصادی دامان جامعه ایرانی را به این زودی رها نمی‌کند. پیامد رشد منفی ۱۰ درصدی در داخل به گسترش فقر و تهیدستی در میان حقوق و مزدبگیران منجر می‌شود. همان‌طور که تجربه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نشان داد رشد منفی اقتصادی و شتاب گرفتن نرخ تورم به از دست دادن قدرت خرید شهروندان در سطحی گسترده منجر شده و بر دامنه و ژرفای رکود فعلی می‌افزاید. گسترش تهیدستان و اضافه شدن برلشگر بیکاران فعلی به ویژه اینکه اکثریت بیکران را تحصیلکرده‌ها تشکیل می‌دهند و توزیع نابهنه درآمدها در داخل براندازه و ابعاد نابرابری‌های اجتماعی می‌افزاید و خشم فروخته کسانی که احساس می‌کنند تحقیر شده‌اند آرام آرام از دل‌ها بیرون خواهد زد.

کاهش رشد تولید ناخالص داخلی با توجه به تشدید تحریم‌ها به نظر می‌رسد در مناسبات رقابتی ایران با کشوری مثل عربستان شرایط را به زیان ایران خواهد کرد. رشد اقتصادی عربستان در دو سالی که ایران با رشد منفی ۱۰ درصدی مواجه است دست کم ۵ درصد پیش‌بینی می‌شود. این دو عدد نشان می‌دهد ایران در این دو سال ۱۵ درصد ضعیف‌تر از عربستان عمل می‌کند. با توجه به ذخایر ارزی بزرگ عربستان در مقایسه با ذخایر ارزی ایران وضعیت رقابتی به زیان ایران خواهد شد. در این وضعیت کدام کشور توانایی کمک بیشتر به متحدان منطقه‌ای خود را دارد؟ در حالیکه عربستان جمعیت به مراتب کمتری دارد و موقعیت درآمد سرانه‌اش در برابر ایران قابل مقایسه نیست کدام کشور، ایران یا عربستان در جذب کشورهای منطقه کامیاب‌تر خواهد بود و تاب‌آوری کدام کشور در صورت ادامه خصومت فعلی بیشتر است.

میهن‌دوستی و دیدن پیشرفت سرزمین احساس غریبی است که در میانسالی در ذهن و جان آدمی ریشه می‌دواند و هر چه جلوتر می‌رود پایدارتر می‌شود. هر آدمی به میزانی که سرزمینش را دوست دارد از اینکه ببیند میهن و کشورش در مقام مقایسه با جامعه‌های دیگر در پله‌های بالاتر ایستاده است و روزگارش بهتر از دیگران است احساس خرمی و خوشبختی می‌کند. از سوی دیگر و در مسیر واژگونه نیز اگر بشنویم و ببینیم که ایران از دیگر کشورها در هر عرصه‌ای عقب افتاده است ناراحت و اندوهگین می‌شود. مدیران و رهبران جامعه‌ها با درک دقیق از این احساس آدمی است که راه را برای میهن‌دوستی مثبت هموار می‌کنند تا از این نیروی مرموز برای پیشرفت بیشتر کمک بگیرند. میهن‌دوستی مثبت می‌تواند یک نیروی قابل اعتنا و پایدار برای توسعه‌یافتگی باشد و این چنین نیز شده است. شوربختانه سال‌هایی است که ایرانیان به هر دلیل در مقایسه خود با سایر ملت‌ها احساس پیروزی و سرافرازی نمی‌کنند و این مقوله به ویژه در حوزه اقتصاد و زیرمجموعه‌هایش نمود بیشتری دارد.

اقتصاد ایران سال‌هایی است که رنجور و ناتوان شده و این را آمارهای ارائه شده نهادهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهند. برآوردهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد، سهم ایران از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته و از ۱/۲۸ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۱/۱۹ درصد رسیده است و در سال ۲۰۱۹ بیشتر کاهش خواهد یافت و به ۱/۰۸ درصد خواهد رسید. آیا صندوق بین‌المللی پول پیشگویی می‌کند یا براساس واقعیت‌ها آمار می‌دهد؟ به نظر می‌رسد کسی تردیدی ندارد که این نهاد بین‌المللی با استفاده از روش‌های علمی و بر پایه آمارهایی که به احتمال بالا از سوی نهادهای تولید آمار در کشورهای گوناگون می‌گیرد به این شاخص‌ها دسترسی پیدا کرده و آنها را منتشر می‌کند. در حالیکه ایران نیز به صندوق بین‌المللی پول آمار می‌دهد اما این آمار در اختیار ایرانیان قرار نمی‌گیرد و اقتصاددانان ایرانی باید گمانه‌زنی کنند. به هر حال و بر اساس اطلاعات این صندوق، اگر نرخ میانگین هر دلار برای امسال را ۸۰۰۰ تومان لحاظ کنیم تولید ناخالص داخلی ایران به عدد ۳۰۴ میلیارد دلار می‌رسد که نشان می‌دهد اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ نسبت به پارسال ۳۳ درصد کوچکتر می‌شود. صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود به بررسی ۱۲ شاخص اقتصادی ایران پرداخته و از کاهش سهم ایران از اقتصاد جهان، افزایش بدهی ناخالص دولت، منفی شدن رشد واردات و صادرات، افزایش نرخ تورم و

بضاعت اقتصاد ایران، صادرات به عراق را یک الزام اجتناب‌ناپذیر کرده است. ایران باید رویای ۲۰ میلیارد تجارت با عراق با محوریت توسعه صادرات به عراق را بیش از پیش جدی بگیرد و موانع و محدودیت‌های این راه را دوباره بازشناسایی کرده و از هرگونه سستی و ساده‌انگاری دوری کند. در این روزگاری که داریم و با توجه به اوج خصومت آمریکا علیه ایران و تابعیت کشورهای دیگر از خواست و اراده آمریکا در همراهی با تحریم ایران و با توجه به سطح و عمق بازار سایر کشورهای همسایه حالا دیگر بازار عراق را باید با همه توان شناخت و در آن فعالیت کرد. اما این کار آسانی نیست. یادمان باشد سطح صادرات ایران به عراق پس از جهش نخست دهه منتهی به سال ۱۳۹۷ با رشدهای اندک در سال‌های آخر مواجه شده است. این ارقام و اعداد به اضافه میزان نفوذ سیاسی آمریکا در عراق و احتمال زیر ضرب قرار دادن دولت عراق برای دور کردن ایران از بازار عراق نشان می‌دهد کار سختی در پیش است. در حال حاضر عربستان به مثابه رقیب اصلی منطقه‌ای ایران به ویژه در بستر یارگیری از کشورهای منطقه نیز بیش از پیش به عراق نزدیک شده است و احتمال اینکه بتواند راه نفوذ ایران به عراق را در هر زمینه به ویژه در زمینه توسعه صادرات ایران را تنگ کند وجود دارد. ایران باید در مناسبات خود با عراق نیز رفتاری بسیار سنجیده داشته باشد تا نیروهای ضدایرانی مستقر در عراق نتوانند به بهانه‌های گوناگون راه صادرات ایران به عراق را ببندند. بازرگانان ایرانی که با محدودیت تجارت با دیگر کشورها مواجه شده و حالا چشم به بازار عراق دوخته‌اند نیز باید توجه کنند هرگونه تجارت ناسالم و هرگونه تجارت زودبازده در عراق با کنار گذاردن آداب تجارت می‌تواند راه باقی مانده امید برای ارزآوری و تامین کالا در وضعیت پیچیده امروز را مسدود کند و ایران در وضعیتی نیست که در این باره سستی و ساده‌انگاری کند. توسعه صادرات به عراق و رویای ۲۰ میلیارد دلاری به عراق را باید حالا یک رخداد بسیار الزامی تلقی کرد. باید یادمان باشد این راه باز شده را نباید به سادگی بر روی خودمان ببندیم.

از آن بهار تا این بهار



محمد علی توحید

معاون سردبیر

کاش روزهایی را در ایران ارجمند می‌دیدیم که هر ثانیه آن شادی بخش و نشاط آفرین و امیدوار کننده بود و از نیروی این شادی و امید چرخ‌های جامعه پرشتاب‌تر و سریع‌تر می‌چرخید. شوربختانه اما چنین نیست و جامعه ایرانی گرفتاری‌هایی دارد که راه را بر شادی بسته و دروازه‌های اندوه و ناامیدی را باز کرده است. این گرفتاری‌های ایران البته از جنس سیاست داخلی و سیاست خارجی است که سایه سنگین آنها در فعالیت‌های اقتصادی، حوزه اجتماعی و حوزه فرهنگ احساس می‌شود. این گونه شده است که ایران گرانسنگ به چشم می‌بیند شهروندانش با بدترین وضعیت مواجه شده و با همه نیروی خود می‌خواهند در موقعیت بهتری قرار گیرند. در حالیکه نظام سیاسی آمریکا به مثابه یکی از مهیب‌ترین نیروهای بشری موجود با اکثریت کشورهای جهان دادوستد سیاسی و اقتصادی دارد و اکثریت کشورهای جهان از بازار بزرگ مصرفی این کشور استفاده و با استفاده از تکنولوژی روزآمد اختراع و تولید شده در آمریکا روزگار بهتری را می‌بینند اما ایران با این کشور در شرایط محاصره‌ای پایان‌ناپذیر قرار گرفته است. نظام سیاسی ایران اما علاوه بر اینکه با نظام سیاسی آمریکا در شرایط نبرد بی‌پایان قرار گرفته است به دلیل باورهایش به آرمان‌های قانون اساسی و انقلاب اسلامی روزهایی را تجربه می‌کند که در آن با بیشتر کشورهای همسایه و کمی دورتر در وضعیت نه جنگ و نه صلح قرار دارد و یا حتی با برخی از آنها در موقعیت نبردهای چندسویه قرار دارد. به طور مثال مناسبات ایران با عربستان، با امارات متحده، با بحرین، با کویت که کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند حالت دیپلماتیک عادی ندارد و نبردهای لفظی و حتی عملی با این کشورها ایران را در موقعیت انحصاری قرار داده است. ایران در سمت شرق خود با پاکستان مناسبات آرمانی ندارد و کشورهایی مثل آذربایجان و ترکمنستان نیز آن گونه که باید با ایران همچون همسایه‌ای صمیمی رفتار نمی‌کنند. این روزگار سیاست خارجی ایران راه را برای نامتعادل کردن مناسبات ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا، با ژاپن، با استرالیا، با کانادا و حتی با چین و هندوستان از حالت برنده - برنده خارج کرده است و ایران ناگزیر است امتیازهایی

بدهد که مناسبات کاملاً حذف و قطع نشود. از سوی دیگر در داخل نیز نبرد سیاسی پایان‌ناپذیر جناح‌های سیاسی و طیف‌های درون هر جناح سیاسی روزگار را تنگ کرده و شهروندان را آزار می‌دهد و حاصل برآیند این نیروها تلخکامی برای شهروندان است که از این بازی عجیب خسته شده‌اند. در حالیکه در هیچ سرزمینی دیده و شنیده نشده است که مردان و زنان سیاسی‌شان در نگوشت قدرت و در نگوشت حرص زدن برای کسب قدرت بگویند اما در هیچ سرزمینی نیز نبرد برای کسب و حفظ قدرت تا این میزان شدید و داغ نیست. نهاد دولت در ایران با همه سرکوب‌هایی که بر آن روا داشته شده هنوز آنقدر قدرت در درونی ذخیره دارد که برخی افراد و جریان‌ها برای به دستاوردن آن قدرت همه نیروی خود را برای تخریب رقیب به کار گیرند و از این مسیر به خانه جمهوری بروند. برآیند این نبرد همیشگی هزینه ورود به سیاست را افزایش داده است و شهروندان دارای تخصص جامعه‌داری که توانایی پرداخت این هزینه‌ها را ندارند از ورود به بازی قدرت امتناع می‌کنند. از سوی دیگر مهاجمان و مدافعان قدرت سیاسی در ایران را احزاب و گروه‌های دارای قدرت ریسک بالا و دارای مناسبات با نهادهای بالادستی تشکیل می‌دهند و اجازه زاد و رشد به نیروهای تازه‌نفس نمی‌دهند. نگاهی به بازیگران عرصه قدرت در همین بهار تازه شروع شده نشان می‌دهد بیشتر بازیگران قدرت همان افراد، احزاب و گروه‌های قدیمی هستند که حالا در کهنسالی نیز دست از نبرد برنمی‌دارند. این افراد آنقدر نیروی درهم تنیده دارند که در هر گام برای برداشتن خیز از سوی تازه‌کاران یک سد و مانع ایجاد شده است و کشور از ورود دله‌های جدید محروم مانده است. این وضعیت سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران شوربختانه همه تخریب‌هایش در حوزه اقتصاد کلان، در حوزه بنگاه‌ها و در خانواده‌ها رخ می‌دهد و این تخریب‌ها موجب شده است که ایران در بدترین موقعیت نسبت به همسایه‌ها و کشورهای دیگر قرار گیرد. رشد ناکافی و با نوسان‌های شدید در اقتصاد ایران به ویژگی ذاتی آن تبدیل شده است و این آزاردهنده و ناراحت کننده شده است.

شهروندان ایرانی از این عدم تعادل پدیدار شده در اقتصاد کلان دچار بهت و خشم می‌شوند و نمی‌دانند چه باید کنند؟ در حالیکه نرخ تورم در دنیا به طور میانگین زیر ۵ درصد است و در کشورهایی مثل آلمان، انگلستان، ژاپن، آمریکا، کره جنوبی، کانادا و استرالیا به ۲ درصد نزدیک شده است نرخ تورم ایران پس از یک دوره کوتاه

که به زیر ۱۰ درصد رسید دوباره در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ افسارگسیخته و به سوی اوج می‌رود و نتیجه آن از دست رفتن قدرت خرید شهروندان و کاهش توانایی خرید و در نتیجه رکود فروش بنگاه‌های داخلی است. در ایران اما نرخ بیکاری روند فزاینده دارد و سال‌هاست که در محدوده ۱۱ تا ۱۳ درصد نرخ بیکاری رسمی را می‌بینیم و می‌شنویم که در هر خانواده ایرانی یک یا دو نفر بیکارند و نرخ مشارکت در کشور بسیار کاهش یافته است. ۴۰ میلیون ایرانی اصولاً در ایران هیچ فعالیتی ندارند و بار مالی آنها بر دوش کسانی است که فعالیت دارند و کاری برای خود دست و پا کرده‌اند. در ایران و در بالاترین سطح شاهد هستیم که جوانان تحصیلکرده پس از فراغت از راهی در بازار کار پیدانمی‌کنند و کارآمدترین و هوشیارترین آنها به فکر رفتن از ایران هستند. ایران در حالی نیروهای ارزنده خود را از دست می‌دهد که در کشورهای دیگر آنها را همچون دُر و گوهر در آغوش خود جای می‌دهند. پس از آمریکا که قبله مهاجران است حالا کانادایی‌ها نیز ایرانیان را می‌پذیرند و نرخ ورود مهاجران تحصیلکرده ایرانی به این کشور روندی فزاینده را تجربه می‌کند. ایران در حالیکه می‌توانست در بهترین موقعیت ترانزیتی قرار داشته باشد اما به دلیل مناسبات سیاسی خارجی با جهان از این مزیت کمترین استفاده را دارد. منابع نفت و گاز ایران متأسفانه در اعماق دریاهای و دل بیابان‌ها بدون استفاده مانده است و رقبای ایران به بازارهای قدیمی ایران دست‌اندازی می‌کنند. در حالیکه خط لوله گاز آذربایجان با سرعت به سوی اروپا کشیده شده و روسیه نیز خط لوله‌های قدیمی خود را دارد گاز ایران بدون مشتری مانده است و اصولاً قدرت کشف و استخراج و فراوری آن را از دست داده‌ایم. ایران در حالیکه می‌توانست درآمدهای ارزی خود از پتروشیمی را با استفاده از تکنولوژی روزآمد جهان چندین برابر کند به همان صادرات سنتی با کمترین فراوری ادامه می‌دهد. اینها گوشه‌هایی از روزهای سخت ایران است که شوربختانه انگار نمی‌خواهد تمام شود و دست از سر این سرزمین بردارند. آیا ایران ارجمند آنقدر نیروی ذخیره و پنهان دارد که باز هم تاب بیاورد؟ واقعیت این است که نزدیک به نیم قرن است ایران از جیب و بنیه‌اش می‌خورد و این یک تصور دور و نادرست است که از توانایی‌های این سرزمین داریم. اگر ایران بجنبد که نمی‌جنبد دیگران جلو می‌آیند و آنچه از فرصت و شرایط مناسب است را از ایران می‌گیرند و برای ما افسوس حیرت باقی خواهد ماند.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



ذهن‌های ساده برای مسأله پیچیده

به زودی به سرازیری افتاد. پرش بلند نرخ ارز اما با سیاست نادرست دلارپاشی دولت و تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی فضای تولید را بازهم نامساعدتر کرد. در بهار امسال بود که مرکز آمار ایران با ارائه آمارهای تحولات بخش‌های گوناگون اقتصاد داوری‌های کارشناسان بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، مرکز پژوهش مجلس ایران و واحد اطلاعات اکونومیست و سایر نهادهای پژوهشی را درباره سقوط رشد اقتصادی ایران نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۶ را اعلام کرد.

سرعت مرز روانی ۱۰ هزار تومان را نیز پشت سر گذاشت و به مرز هر دلار ۲۰ هزار تومان رسید. وقتی نرخ ارز این‌گونه مهار گسیخته شد تعادل در بازارهای دیگر نیز از دست رفت. جریان سرمایه‌گذاری برای تولید به طور مستقیم و از مسیر بازار سرمایه و همچنین منابع بانکی یخ زد و به سرعت روندی کاهنده را تجربه کرد. در برابر اما منابع موجود در بانک‌ها با سرعت به سوی بازار ارز سوق داده شد و تولید به دلیل اینکه با نرخ‌های بالای ارز مواجه شده و قدرت خرید شهروندان نیز کاهش می‌یافت

از همان روزهای نخست فروردین ۱۳۹۷ یک رخداد بزرگ بازار ارز افتاد که البته دنباله منطقی صدای پای برگشت تحریم بود. درحالی‌که رئیس بانک مرکزی با زحمت و البته با روش نادرست دلارپاشی توانسته بود نرخ هر دلار آمریکا را زیر ۵ هزار تومان نگهدارد اما در بیست روز نخست فروردین ماه ۱۳۹۷ نرخ دلار به ۶ هزار تومان هم رسید. افزایش نرخ هر دلار آمریکا به ریال ایران ترمز رشد تولید صنعت و حتی برخی خدمات را کشید. نرخ ارز پس از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ به

۳ گام بزرگ پیش‌نیاز رونق تولید

آغاز سال ۹۸ با توجه ویژه مقام معظم رهبری به موضوع رونق تولید همراه بود تا آنجا که سال جدید را به همین عنوان نام‌گذاری کردند و از همه مسئولان خواستند تا در راستای تحقق این هدف والا از هیچ اقدامی دریغ نکنند. به اعتقاد رئیس اتاق ایران آنچه برای رونق تولید ضرورت دارد، اصلاح نظام انگیزشی در کشور است. فعالان اقتصادی باید به معنای تام کلمه احساس کنند که محیط برای تولید مهیا است.

غلامحسین شافعی، رئیس پارلمان بخش خصوصی کشور در گفت‌وگویی با پایگاه خبری اتاق ایران بر این نکته تأکید کرد که رونق تولید در شرایطی که همه عوامل علیه آن است، نیازمند نگاهی سیستمی و همه‌جانبه است و اصلاحات ساختاری جدی طلب می‌کند. البته پیش از هر اقدامی باید ثبات و آرامش بر اقتصاد کشور حکم‌فرما شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.



■ **مقام معظم رهبری سال ۹۸ را به‌عنوان سال «رونق تولید» نام‌گذاری کردند، به نظر شما، وظیفه دولت برای تحقق این شعار چه خواهد بود؟**

تحقق شعار «رونق تولید» آن‌هم در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی مستلزم اقداماتی است که بسیار پیچیده‌تر از شرایط عادی خواهد بود و اقتضائاتی را طلب می‌کند که نیازمند عزم و اراده‌ای قوی از سوی حاکمیت است و نمی‌توان فقط از دولت انتظار داشت به‌عنوان قوه مجریه برای تحقق این هدف والا تلاش کند. مقاوم‌سازی اقتصاد در شرایط جنگ اقتصادی جز از مسیر تقویت و رونق بخشی به تولید محقق نمی‌شود. درک این مسأله که در شرایط بحرانی فعلی، فقط تولید داخلی می‌تواند کشور را از وضعیت وخیم برهاند، بسیار قابل‌ستایش است. در شرایطی که واردات بسیاری از اقلام موردنیاز کشور، تحت تأثیر تحریم با مشکل روبه‌رو شده، فرصتی برای بازگشت به تولید داخل فراهم آمده است. اینکه از این فرصت در راستای تقویت و رونق تولید داخل بهره ببریم یا فرصت‌سوزی کنیم، بستگی زیادی به درایت و نوع نگاه تصمیم‌سازان کشور دارد.

■ **با توجه به تحریم‌ها و شرایط اقتصادی ایجاد شده برای کشور، بخش‌های مختلف تولید با مشکلات و چالش‌هایی مواجه شده است. برای رهایی از این مسائل و درعین حال حمایت مناسب از تولید چه اقداماتی باید صورت گیرد؟**

رونق تولید در شرایطی که همه عوامل علیه آن است، نیازمند نگاهی سیستمی و همه‌جانبه است و اصلاحات ساختاری جدی طلب می‌کند. اولین اقدام دولت برای کمک به بخش‌های تولیدی، بازگرداندن اعتماد به تولیدکنندگان از طریق ایجاد فضای ثبات، آرامش و شفافیت در اقتصاد و جلوگیری از تصمیمات خلق‌الساعه است. جلوگیری از تنش‌های سیاسی و اقتصادی از راهکارهای بازگشت آرامش به بازارها است. تنش در فضای اقتصادی کشور، منجر به افزایش هزینه‌های مبادله خواهد شد و انگیزه برای

رشد منفی ۳/۸ درصدی تولید ناخالص داخلی که از قبل پیش‌بینی می‌شد و احتمال سقوط رشد تولید ناخالص داخلی تا منفی ۶ درصد کابوس اقتصاد ایران در سطح کلان؛ بنگاه‌ها و خانواده‌ها بود و این را البته اقتصاددانان به دولت هشدار داده بودند. مرکز آمار ایران اعداد و ارقام تحولات کمی مرتبط با تولید ناخالص داخلی ایران در ۹ ماه منتهی به آخر پاییز ۱۳۹۷ را اعلام کرد. براساس این گزارش، محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۷ به رقم پانصد و چهل و یک هزار و سیصد و چهل و سه میلیارد تومان با نفت و چهارصد و سی هزار و سیصد و پنجاه و سه میلیارد تومان بدون احتساب نفت رسیده است، در حالیکه رقم مذکور در مدت مشابه سال قبل با نفت پانصد و شصت و دو هزار و هفتصد و بیست و دو میلیارد تومان و بدون نفت چهار صد و سی و هشت هزار و هفتصد و پنجاه و پنج میلیارد تومان بوده که نشان از رشد ۳/۸- درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۱/۹- درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در نه ماهه اول سال ۱۳۹۷ دارد. نتایج مذکور حاکی از آن است که در نه ماهه سال ۱۳۹۷، رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی ۲/۱-، گروه صنعت ۷/۹- و گروه خدمات ۰/۶ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل، رشد داشته است. این اعداد و ارقام و افزایش رشد نرخ بیکاری و رشد نرخ تورم نشان می‌دهد وضعیت متغیرهای کلان در بدترین وضع قرار دارد. این رخداد در سال ۱۳۹۷ شبیه رخداد سال ۱۳۹۱ است. گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد با ادامه روند کنونی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۸ با رشدهای منفی بزرگتر و حتی در اندازه ۶ درصد منفی و نرخ تورم شاید تا ۴۰ درصدی مواجه شود. کاهش رشد تولید صنعتی به افزایش نرخ بیکاری، کاهش رشد بخش کشاورزی به رشد واردات برخی مواد غذایی و نهادهای دامی و کاهش رشد بخش خدمات به بیکاری گسترده در فعالیت‌های خدماتی منجر خواهد شد. رشد منفی ۱۰ درصدی در دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با توجه به رشد جمعیت ۱/۵ درصدی به طور میانگین معنایش کوچک شدن کیک تولید ملی و فقیرتر شدن ۱۳ درصدی شهروندان ایرانی است. این رخداد ناراحت‌کننده برگشت موج منفی به اقتصاد ملی ایران پیامدهای ژرف و گسترده‌ای برای خواهد گذاشت و پیامدهای داخلی و خارجی کاهش رشد اقتصادی دامن جامعه ایرانی را به این زودی رها نمی‌کند. پیامد رشد منفی ۱۰ درصدی در داخل به گسترش فقر و تهیدستی در میان حقوق و مزدبگیران منجر می‌شود. همان‌طور که تجربه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نشان داد رشد منفی اقتصادی و شتاب گرفتن نرخ تورم به از دست دادن قدرت خرید شهروندان در سطحی گسترده منجر شده و بر دامنه و ژرفای رکود فعلی می‌افزاید. گسترش تهیدستی و اضافه شدن بر لشکر بیکاران فعلی به ویژه اینکه اکثریت بیکاران را تحصیلکرده‌ها تشکیل می‌دهند و توزیع نابهنه درآمدها در داخل بر اندازه و ابعاد نابرابری‌های اجتماعی می‌افزاید و خشم فروخته کسانی که احساس می‌کنند تحقیر شده‌اند آرام آرام از دل‌ها بیرون خواهد زد. کاهش رشد تولید ناخالص داخلی با توجه به تشدید تحریم‌ها به نظر می‌رسد در مناسبات رقابتی ایران با کشوری مثل عربستان شرایط را به زیان ایران خواهد کرد. رشد اقتصادی عربستان در دو ساله که ایران با رشد منفی ۱۰ درصدی مواجه است دست‌کم ۵ درصد پیش‌بینی می‌شود. این دو عدد نشان می‌دهد ایران در این دو سال ۱۵ درصد ضعیف‌تر از عربستان عمل می‌کند. با توجه به ذخایر ارزی بزرگ عربستان در مقایسه با ذخایر ارزی ایران وضعیت رقابتی به زیان ایران خواهد شد.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



فعالیت‌های تولیدی را به شدت کاهش خواهد داد.

با توجه به شرایط کنونی و اقدامات آمریکا و همدستان آن در ایجاد تنش و بی‌ثباتی در منطقه و به‌ویژه ایران، وضعیت کشور از شرایط عادی خارج شده و متأسفانه حاکمیت نتوانست در مقابل این تنش‌ها، عملکرد مناسبی داشته باشد و با تصمیمات غیرکارشناسانه و یک‌شبه، ناآرامی‌ها را در اقتصاد گسترش داد. انتظار می‌رود حاکمیت در چنین شرایطی چراغ بخش تولید را به‌عنوان موتور اصلی توسعه، روشن نگاه دارد و تولید را به‌طور خاص حمایت کند.

گام دوم برای رونق تولید، اصلاح نظام انگیزشی است. باید به شیوه‌ای عمل کنیم تا فعالیت‌های تولیدی به‌اندازه کافی تشویق شده و به همان نسبت فعالیت‌های سوداگرانه تقبیح شوند تا انگیزه‌ای برای این دست از فعالیت‌ها در سطح جامعه باقی نماند. تا زمانی که فعالیت‌های غیرمولد در سیستم اقتصادی، پاداش بیشتری نسبت به فعالیت‌های تولیدی دریافت کنند، منابع به سمت تولید سوق نمی‌یابد و انگیزه برای فعالیت‌های تولیدی ایجاد نمی‌شود. چنانچه برخورداری‌های جامعه از فعالیت‌هایی نظیر سوداگری، دلالی و رانت جویی چندین برابر برخورداری از

فعالیت در عرصه تولید باشد، شکل‌گیری یک نظام تولیدی مستحکم دور از انتظار است. مبارزه با فساد سیستمی، اصلاح نظام مالیاتی، نظام ارزی، نظام بانکی و نظام تعرفه‌ای به نفع بخش‌های تولیدی از اقدامات اصلی برای اصلاح نظام پاداش دهی به شمار می‌روند.

■ برخی معتقدند برای حمایت از تولید باید مبارزه با فساد نیز که سال‌هاست به‌عنوان یکی از اولویت‌های اقتصاد مطرح شده به‌صورت جدی‌تر در دستور کار قرار بگیرد چراکه تاکنون باوجود برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های مختلفی که انجام شده، همچنان تبعات فساد دامن‌گیر اقتصاد کشور است. به نظر شما برای تحقق واقعی این هدف چه استراتژی باید در نظر گرفته شود؟

مبارزه با فساد و رانت‌جویی از ارکان اصلی اصلاح نظام انگیزشی است. متأسفانه در یک سال اخیر با خروج آمریکا از برجام، تغییر معادلات جهانی به ضرر ایران بود و اثرات منفی آن بر اقتصاد، بی‌سابقه‌ترین رانت‌جویی‌ها و غارت‌ها را به دنبال داشت و گروهی اندک، منابع و ذخایر محدود ارزی کشور را به تاراج بردند. فعالان اقتصادی با مشاهده چنین برخورداری‌های

بی‌زحمتی، انگیزه‌ای برای تولید که با انواع محدودیت‌ها و موانع روبه‌رو است، نخواهند داشت. بنابراین حاکمیت باید به این اجماع برسد که کشور نیازمند یک برنامه جامع و ملی مبتنی بر پیشگیری از فساد و رانت‌جویی است. بالا بردن هزینه ارتکاب فساد و مفت‌خوارگی، راهکار مناسبی برای پیشگیری از رفتارهای فسادآلود است. به عبارتی باید تمام راه‌های ممکن که فساد را تسهیل می‌کند، شناسایی شود و هزینه ارتکاب فساد به‌گونه‌ای معنادار افزایش یابد تا انگیزه برای کسب درآمد از روش‌های فاسد، کاهش پیدا کند.

همچنین یکی از ارکان اصلاح نظام انگیزشی، اصلاح نظام مالیاتی است. نظام مالیاتی باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که بخش‌های با برخورداری‌های بی‌زحمت نیز مالیات بپردازند. متأسفانه نظام مالیاتی کشور به شیوه‌ای طراحی شده که بخش‌های غیرشفاف با درآمدهای بالا، مورد اصابت نظام مالیاتی قرار نمی‌گیرند اما بخش‌هایی که فعالیت‌ها و صورت‌های مالی شفاف دارند، مجبور به پرداخت مالیات هستند. اگر بخش‌هایی که فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی انجام می‌دهند، مورد توجه نظام مالیاتی قرار گیرند، انگیزه برای انجام این دست از فعالیت‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین باید اصلاح نظام مالیاتی

با این نگاه صورت گیرد به‌ویژه در شرایط فعلی که بخش‌های تولیدی با انواع هزینه‌های غیرمعارف روبه‌رو است، فشارهای مالیاتی بر تولیدکننده باید تخفیف پیدا کند و فشار تأمین درآمدهای مالیاتی از بخش‌های تولیدی به سایر بخش‌ها منتقل شود.

■ به رانت‌زایی‌های گسترده به واسطه چند نرخ‌ی شدن ارز در سال گذشته اشاره کردید. به نظر شما برای ساماندهی وضعیت ارزی کشور باید چه کار کرد؟

باید توجه داشت ساماندهی به نظام ارزی کشور از جمله اقدامات حیاتی برای اصلاح نظام انگیزشی و در راستای حفظ تولید و رونق بخشی به آن نیز محسوب می‌شود. متأسفانه سیاست ارزی سال گذشته به ضرر تولید و به نفع رانت‌جویان و بخش‌های غیرمولد اقتصاد تمام شد. جهش‌های ارزی طی سال گذشته تنها به دلیل خروج آمریکا از برجام نبود و بی‌تدبیری دولت در مدیریت این بازار نقش مؤثری در این نوسانات و نابسامانی‌ها داشت. در این بین رانت‌جویان، بیشترین عایدی را کسب کردند و بدترین ضربه‌ها به سیستم تولید کشور وارد آمد. بخش تولید کشور به دلیل وابستگی شدید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از نوسانات و جهش‌های ارزی به شدت آسیب دید. انتظار می‌رود در این رابطه تمهیداتی اندیشیده شود تا بیش از این محدودیت در تولید ایجاد نشود. در شرایط فعلی که در جنگ اقتصادی به سر می‌بریم و با تنگنای ارزی مواجهیم، سهمیه‌بندی ارز، شفاف‌سازی در تخصیص منابع ارزی و نظارت شدید بر چگونگی مصرف ارزهای کمیاب بسیار اهمیت دارد. از طرف دیگر افزایش مجدد نرخ ارز، بنیه ناتوان تولید را بیش از گذشته تضعیف خواهد کرد. برای همین جلوگیری از افزایش مجدد نرخ ارز باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

اصلاح نظام بانکی و به خدمت گرفتن بانک‌ها برای رونق تولید نیز از دیگر اقداماتی است که باید در دستور کار حاکمیت قرار گیرد. با توجه به شرایط نامساعد بخش‌های تولیدی در کشور، بانک‌ها تمایل چندانی به اعطای وام به این بخش‌ها ندارند و فساد حاکم در سیستم بانکی کشور، منابع را بیشتر از بخش‌های مولد به اشخاص حقیقی و شرکت‌های حقوقی صوری سوق داده

است. همچنین نابسامانی در نظام بانکی به گونه ایست که نمی‌توان انتظار داشت بانک‌ها همه بخش‌های تولیدی نیازمند به وام را تأمین مالی کنند. از این رو ساماندهی وضعیت بانک‌ها، نظارت بر عملکرد آنها و نحوه اعطای وام، رعایت بخش‌نامه‌ها و... از ضروریات است. همچنین باید برای اعطای وام به بخش‌های تولیدی سازوکاری طراحی شود که موجب هدررفت منابع مالی نشده و آنها را در راستای اهداف توسعه‌ای کشور و رونق اقتصاد، به کار گیرد.

اصلاح نظام تعرفه‌ای از دیگر اقداماتی است که در راستای بهبود سیستم انگیزشی باید صورت گیرد. نظام تعرفه‌ای نیز باید در خدمت تولید باشد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد کشورهای موفق، زمانی که در مراحل اولیه توسعه بودند از نظام تعرفه به نفع تولید داخل به‌خوبی بهره بردند. متأسفانه در ایران تعرفه بیشتر محلی برای کسب درآمد و انتفاع گروهی خاص از واردات و صادرات و بر خورداری‌های غیرمعارف بوده است و کارکرد توسعه‌ای خود را از دست داده است. انتظار می‌رود با توجه به جهش‌های ارزی و افزایش قیمت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، نرخ‌های تعرفه به‌گونه‌ای تنظیم شود که فشار مضاعفی بر بخش‌های تولیدی وارد نکند.

■ همواره وجود محیط نامناسب برای کسب‌وکار یکی از دغدغه‌های اصلی فعالان اقتصادی بوده و هست. کارشناسان و اقتصاددانان هم بارها اعلام کرده است که تا وقتی این اتفاق رخ ندهد، حضور فعالانه بخش خصوصی در صحنه اقتصاد ممکن نمی‌شود، برای تبدیل فضای کنونی به فضایی مساعد چه باید کرد؟

در واقع بهبود محیط کسب‌وکار، گام بعدی برای اصلاح نظام انگیزشی نیز هست. متأسفانه محیط کسب‌وکار کشور به دلایل عدیده‌ای چون شیوع فساد، قوانین ناکارآمد و دست‌وپاگیر و متعدد برای تولید، مهیا نیست. محیط نامساعد برای کسب‌وکار و تولید، هزینه‌های مبادله را برای تولیدکنندگان به‌شدت افزایش می‌دهد، حاشیه سود آنها را متأثر می‌سازد و انگیزه برای ادامه مسیر را کاهش می‌دهد. از این رو بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات به نفع بخش‌های تولیدی از ضروریات است. اجرای قانون «بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» یکی از راهکارهای پایش

محیط کسب‌وکار و اصلاح آن است. در این بین حمایت‌های هدفمند، مشروط و در طول زمان کاهنده برای رونق تولید از ضروریات است. متأسفانه در تمام دولت‌های گذشته تا امروز، درک درستی از حمایت واقعی از تولید وجود نداشته است. عدم وجود درک صحیح از حمایت توسعه‌گرا در کشور به اتلاف منابع و وابستگی شدید صنایع به دولت انجامیده است. مثال آن را در صنعت خودرو می‌بینیم. حمایت‌های دولت زمانی به تولید شتابان می‌انجامد که هدفمند باشد. حمایت هدفمند ویژگی‌هایی دارد که بدون توجه به همه ابعاد آن، می‌تواند به ضد خودش تبدیل شود. حمایت‌ها باید بر اساس یک نقشه جامع، تنها به یکسری از بخش‌ها و صنایع گزینش شده، تعلق گیرد و حمایت از همه صنایع و بخش‌های تولیدی توجیه ندارد. معمولاً دولت‌ها برای حمایت از بخش‌ها، فاکتورهایی همچون میزان پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخش‌ها، میزان اشتغال‌زایی، میزان سرمایه مورد نیاز، جایگاه آن در بازارهای جهانی و... را مدنظر قرار می‌دهند.

همچنین حمایت‌ها باید مشروط باشند و در ازای حمایتی که صورت می‌گیرد، تعهداتی از بخش‌های حمایت شده در زمینه اشتغال، سرمایه‌گذاری، میزان تولید و کیفیت گرفته شود. حمایت بدون تعهد، فسادآور است. به علاوه حمایت‌ها باید زمان‌دار باشند. حمایت ابدی از بخش‌های تولیدی به وابستگی و عدم رشد سازنده می‌انجامد. متأسفانه هیچ یک از این سه ویژگی در حمایت‌هایی که تاکنون توسط دولت‌ها از بخش‌های تولیدی صورت گرفته، وجود نداشته است.

انتظار می‌رود همه سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف (ارزی، پولی، مالی و تجاری) در راستای تقویت تولید تنظیم شوند. زمانی می‌توان به رونق تولید امیدوار بود که سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف هم‌راستا و با هدف تقویت تولید باشند. گاهی مشاهده می‌شود سیاست‌ها باهم هماهنگ نیستند و تناقضات موجود، تولیدکنندگان را سردرگم کرده و مانع رونق فعالیت‌های تولیدی می‌شود. اتاق ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی، آمادگی کامل دارد تا نظرات بخش‌های تولیدی خصوصی را به گوش سیاست‌گذاران اقتصادی برساند و مشاوره‌های تخصصی خود را برای بهبود و رونق تولید در اختیار قوای سه‌گانه قرار دهد.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

نگاه رهبران خصوصی

روزهای بلافاصله پس از اعلام رسمی سال حمایت از رونق تولید سراغ روسای اتاق‌ها را گرفته و در گفت‌وگو با آنها خواستار ارائه دیدگاهشان شدند. دقت در سخنان روسای اتاق‌های سراسر کشور نسبت به فضای حمایت از رونق تولید و ارائه راه‌حل‌ها نشان می‌دهد آنها نسبت به برخی گروه‌های اجتماعی - سیاسی نگاه واقع‌بین و دقیق و کارشناسانه‌تری دارند. دیدگاه برخی از روسای اتاق‌ها را به طور خلاصه در ادامه می‌خوانید:

یک راه رونق تولید هم آن است که ذهن مدیران بخش خصوصی باید آن را هموار کند. تا زمانی که رهبران بخش خصوصی به لحاظ ذهنی آمادگی ترویج این اندیشه را ندارند نباید امید داشت که اتفاق بزرگ رونق تولید رخ می‌دهد. مدیران و رهبران اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور می‌توانند در این میدان با راهنمایی فکری و البته اجرایی رونق تولید را از روی کاغذ به صحنه عمل برده و در تحقق آن گام‌های موثر بردارند. به همین دلیل است که رسانه‌ها در

رئیس اتاق کرمان:

نهضت فراگیر شود



سیدمهدی طبیب زاده در نشست خبری گفت: رونق تولید مطالبه جدی استان کرمان است و سازمان‌های دولتی، قضایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رونق تولید، فعالیت‌های خود را در این حوزه تشریح کنند. رونق تولید موجب توسعه اشتغال و صادرات می‌شود زیرا اساس بر تولید است و در این زمینه رسانه‌ها فضای همدلی و آرامی برای جذب سرمایه‌گذار فراهم کنند.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان با تاکید بر اینکه سازمان‌های دولتی با ایجاد فضای همدلی وضعیت تولید را رونق بخشند گفت: چتر حمایتی توسط تمامی مسئولان برای ارتقای تولید و شرایط سخت کنونی فراهم شود. آغاز امسال سیل به بخش عمده تولید، صنعت و کشاورزی کشور آسیب زده است و وظیفه کرمان را که از این آسیب‌ها به دور بوده برای توسعه و رونق تولید سنگین کرده است.

طبیب‌زاده عنوان کرد: بهبود فضای کسب‌وکار، تامین مالی واحدهای تولیدی، چتر حمایتی قضایی، توسعه صادرات، ارتقای مهارت آموزی، راه اندازی واحدهای نیمه تمام و راکد، کمک به حفظ وضع موجود، تامین قطعات و مواد اولیه در شرایط تحریم‌ها اولویت اتاق کرمان در سال رونق تولید است که پیگیری می‌شود. تامین مالی واحدهای تولیدی نیازمند تحول در نظام بانکی در راستای رونق تولید است زیرا تولید در شرایط تحریم اکنون به سخت‌ترین روش ممکن انجام می‌شود. عقب‌ماندگی رشد فناوری امکان رقابت را دشوار کرده است و شرکت‌های دانش بنیان با وجود تهدیدات هنوز نتوانسته نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا کند.

رئیس اتاق فارس:

حذف موانع



جمال رازقی، دوشنبه در نشست ستاد اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی فارس در شیراز گفت: آنچه آمریکا در وضع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان دنبال می‌کند، ضربه زدن به تولیدمان است که رهبر معظم انقلاب نیز این موضوع را به درستی تشخیص دادند و با توجه به این مهم باید برای حذف موانع موجود بر سر راه تولید تلاش شود. تولید باید سود آور شود تا به تبع آن جذب سرمایه صورت گیرد و اگر تولید با سودآوری توأم نباشد، رونقی در پی نخواهد داشت. امروز کشور نیازمند این است که رونق تولید در عمل محقق شود و اگر این اتفاق نیافتد با مشکل مواجه خواهیم شد. اگر بنا باشد شعار رونق تولید به درج بر روی چند بنر و پوستر یا قرار گرفتن در سربرگ مکاتبات‌های اداری منتهی شود، هیچ رونق و اشتغالی شکل نخواهد گرفت. اشتغال پایدار زمانی محقق می‌شود که به تولید پایدار توجه شود، بنابراین اگر خواستار ایجاد فرصت‌های شغلی هستیم باید از تولید دفاع و حمایت کنیم. امروز در مسیر تولید در کشور موانعی وجود دارد که باید این موانع برطرف شود و اگر این امر محقق نشود نمی‌توان امیدوار بود که مشکلات اقتصادی کشور حل شود و یا اشتغالی شکل گیرد. برای تحقق رونق تولید باید در نظام بانکی، مالیاتی و تامین اجتماعی در کشور اصلاحاتی صورت گیرد. برخی از سیاست‌های نظام بانکی باعث شده که تولید در کشور تحت فشار قرار گیرد از این رو ضروری است حرکتی جدی برای اصلاح نظام بانکی انجام شود. نوک حمله تحریم‌ها متوجه صنایع کوچک و متوسط کشور است و انتظار می‌رود که نظام بانکی در مسیر کمک و حمایت از این صنایع حرکت کند.

رئیس اتاق اصفهان: اقتصاد خصوصی راه حل است



رئیس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی استان اصفهان گفت: حمایت، تقویت و توسعه اقتصاد خصوصی، مهم‌ترین راهکار تحقق شعار

امسال یعنی رونق تولید است. مسعود گلشیرازی درباره نامگذاری امسال به «رونق تولید» افزود: برای تحقق این شعار، دولت باید دست از سر اقتصاد بردارد و اجازه دهد بخش خصوصی اقتصاد کشور را در دست بگیرد و موانع را از سر راه بردارد. رونق به معنی داغی بازار است و باید شرایطی ایجاد شود که تقاضا در بازار از عرضه بیشتر شود که لازمه آن تغییرات بنیادی در شاخص‌های اقتصاد کلان کشور است.

این فعال اقتصادی اضافه کرد: اگر این اتفاق بیفتد، شاهد خواهیم بود که موضوع اشتغال در کشور ساماندهی می‌شود. برای ایجاد اشتغال، باید حمایت و رونق تولید در سطح خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی، سیاستگذاری و دولت مورد اقبال جدی قرار گیرد، خاطرنشان کرد: در بحث آسیب شناسی باید نگاه ویژه‌ای به اشتغال و بیکاری شود و موضوع جایگزینی تولید داخل به جای قاچاق و واردات مورد توجه جدی قرار گیرد. وی با بیان اینکه وضعیت تولید در شرایط نامناسبی است، تصریح کرد: به دلیل بوروکراسی بیش از حد و دست و پاگیر در دستگاه‌های دولتی، شاخص‌های محیط کسب و کار و حمایت از فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان خوب نیست. اگر به خودمان نیایم در بخش تولید آسیب جدی می‌بینیم و همین اشتغال موجود از دست می‌رود. وی از جمله اقدام‌های لازم برای رونق تولید را اصلاح قواعد زائد که محل تولید و کسب و کار هستند، عنوان و خاطرنشان کرد: این کار با تعامل، تخصص‌گرایی، توجه به شرکت‌های دانش بنیان و بهبود شاخص‌های محیط کسب و کار در بخش‌های مالیات، تامین اجتماعی، سرمایه‌گذاری و حمایت قضایی از فعالان اقتصادی انجام می‌شود.

رئیس اتاق کرمانشاه: اصلاح فضای کسب و کار



رئیس اتاق کرمانشاه ضمن بیان راهکاری تحقق شعار سال، ایجاد رونق تولید را مستلزم اصلاح و مساعد شدن فضای کسب و کار دانست. رئیس اتاق کرمانشاه ضمن بیان راهکاری تحقق شعار سال، ایجاد رونق تولید را مستلزم اصلاح و مساعد شدن فضای کسب و کار دانست. اعلام شعار سال با عنوان «رونق تولید» توسط مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۹۸ یک بارقه امید برای تولیدکنندگان اعم از خرد و بزرگ دانست. به نظر می‌رسد اگر امسال ما بتوانیم همت کنیم و از این رویکرد مقام معظم رهبری استفاده خوبی را ببریم، ممکن است چندین اتفاق متفاوت را در کشور شاهد باشیم.

رئیس اتاق کرمانشاه تاکید کرد: رونق تولید را نمی‌توان ایجاد کرد مگر اینکه در ابتدا فضای کسب و کار را مساعد کرد. شاخص‌های فضای کسب و کار نیز مشخص است و خیلی هم کار پیچیده‌ای نیست و هزینه زیادی هم نمی‌خواهد. کاشفی گفت: ابتدا ما باید فضای کسب و کار را اصلاح کنیم که قطعاً اولین قدم خواهد بود. چند ارگان وجود دارد که در بحث رونق تولید نقش موثر مفید و حیاتی دارند که شاید اولین اینها شاید بانک‌ها باشند. در این راستا بحث ارتباطات بانکی مهم است و بانک‌ها هم به لحاظ بحث نقدینگی و هم ارتباطی که با واحدهای تولیدی دارند، باید حتماً از انعطاف بیشتری برخوردار شوند. خیلی از قوانین بانکی و قراردادهای باید مورد بازنگری مجدد قرار گیرد و به نظر می‌رسد در این زمینه از جو شعار امسال می‌توان استفاده کرد که این اتفاق رخ دهد. سازمان امور مالیاتی امروز یکی از سازمان‌های مهم کشور است که در بحث تولید بسیار صاحب نظر و جز یکی از عوامل اساسی در این زمینه و به خصوص در بحث مالیات ارزش افزوده که یکی از موارد بسیار اساسی حوزه تولید و گرفتاری حوزه تولید است، به حساب می‌آید. شاید بتوانیم با توجه به همین شعاری که مقام معظم رهبری برای امسال تعیین کردند، بالاخره این تابوی اصلاح قانون ارزش افزوده را بشکنیم و شاهد قانون بهتری باشیم.

بیمه نیز یکی از ارکان اصلی برای کار تولید است. باید این موضوع نیز مورد بازنگری قرار گیرد. اگر امسال بتوانیم به موارد ذکر شده پردازیم کار بسیار مهمی خواهد بود. امسال طی همین یکی دو روز گروهی از این فعالان بخش خصوصی و اعضای دانشگاهی بسیج شده ایم و در صدد هستیم که از طریق بخش خصوصی یک سندی را برای تحقق این رونق اقتصادی تنظیم و تقدیم کنیم و امیدواریم که با همکاری سایر دستگاه‌های اقتصادی استان تبدیل به یک سند نهایی شود.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

نایب رئیس اتاق ایران: فقط حرف نباشد



حسین سلاح‌ورزی با بیان اینکه اعلام شعار «رونق تولید» از سوی رهبر انقلاب در شرایطی که اقتصاد با رشد منفی روبه‌روست هوشمندانه است، اظهار داشت: برای رونق تولید باید به چند نکته توجه داشته باشیم نخست افرادی که موانع اصلی تولید هستند امیدوارم بعد از تعطیلات این موضوع را فقط با برگزاری همایش، کنفرانس و سمینار دچار شعارزدگی نکنند.

وی توجه به عرضه و تقاضا را به عنوان نکته دوم در رونق تولید برشمرد و افزود: برای محقق شدن این امر استراتژی توسعه صادرات مبتنی بر یک جغرافیای تعامل اقتصادی با کشورهای دنیا مخصوصاً کشورهای منطقه را باید مد نظر قرار دهیم تا کالاهایی با ارزش افزوده بالا داشته باشیم. اصلاح ساختار بانک‌ها، بیمه و مالیات سه موضوعی هستند که باید به شکلی جدی به آن‌ها توجه شود و از سویی تا زمانی که سیستم تأمین اجتماعی دولتی هزینه ناکارآمدی اش بر دوش کارفرما باشد نمی‌توانیم به رونق تولید کمک کنیم. وی با تأکید بر این که نظام مالیاتی ما مبتنی بر نظام بانکی کسب درآمد شرکت‌ها باید باشد افزود: در صورت عدم اصلاح نظام بانکی و اگر توجه به مالیات بر مصرف و مالیات مجموع درآمد نداشته باشیم نمی‌توانیم به شکل واقعی در راستای رونق تولید گام برداریم. نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران در بخشی دیگر بهبود فضای کسب‌وکار را یکی از عوامل مهم در تحقق شعار سال عنوان کرد و گفت: بر مبنای برنامه ششم توسعه در سال ۱۴۰۰ باید جزء کشورهای منطقه در رتبه‌های بالا (نخست) باشیم که متأسفانه براساس آمار دو پله نزول و کاهش در این بخش را داشته‌ایم.

سلاح‌ورزی درباره نقش بخش خصوصی با توجه به اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز اضافه کرد: بخش خصوصی و تشکلهای آن به عنوان خط مقدم فعالیت اقتصادی کشور هستند و زمانی این امر محقق خواهد شد که قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار اجرا شود و به طور مثال براساس قانون در بخش اقتصاد هیچ تصمیمی بدون در نظر گرفتن بخش خصوصی نباید گرفته شود، اما شاهد تصمیم گیری بدون در نظر گرفتن بخش خصوصی در اقتصاد هستیم. طی سالیان گذشته براساس این اصل بیشتر شاهد واگذاری‌ها بودیم تا خصوصی سازی به شکل واقعی انجام شود. نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران با تأکید بر این که در بخش رونق تولید باید به عرضه و تقاضا توجه ویژه شود و در کنار آن اصلاح نظام بانکی و بهبود فضای کسب‌وکار به شکل عملی را شاهد باشیم، گفت: نباید برای کنترل تورم دولت به سمت قیمت‌گذاری برود باید سیاست‌های پولی و مالی را طوری تنظیم کند که کنترل تورم را داشته باشد و در بخش تقاضا در صادرات مقررات را تسهیل دهیم. براساس شاخص‌های بانک جهانی که هر سال منتشر می‌شود متأسفانه فضای کسب‌وکار بهبود نیافته است و حتی بنا به گفته ناظران بیرونی و مؤسساتی که در این زمینه پایش انجام می‌دهند (براساس تکلیف قانون که اتاق بازرگانی این پایش را انجام می‌دهد) از لحاظ تسریع مقررات برای بهبود فضای کسب‌وکار اقدامی جدی را شاهد نیستیم و امیدواریم در سال رونق تولید با تصمیمات اساسی میان دولت و بخش خصوصی شاهد بهبود در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور باشیم.

رئیس اتاق البرز: معاف کردن «تولید» از «ارزش افزوده»



رئیس اتاق بازرگانی استان البرز با بیان اینکه مایه می‌توانیم ۲ سال تولید را از ارزش افزوده معاف کنیم که بتوانیم رونق تولید را داشته باشیم، گفت: امیدواریم دوستان دولتی ما هم عنایت داشته باشند که این گذر را با توجه به تحریم‌ها رد کنیم.

رحیم بنامولایی در مراسم دیدار با فعالان اقتصادی در سال جدید که در اتاق بازرگانی استان البرز برگزار شد، اظهار داشت: امیدواریم در سالی که رونق تولید نام دارد همه ما با همدلی و همسویی بتوانیم شعار سال را محقق کنیم و اتاق بازرگانی در رونق تولید نیاز به زیرساخت‌ها و تغییرات دارد. با ایجاد کمیسیون‌های جدید در اتاق و همکاری با صنعت و معدن و با دستور استاندارد در راستای فرمایش مقام معظم رهبری در رونق تولید همکاری‌های لازم را داریم. با دستور استاندارد در روزهای اول سال کمیته کاربردی و راهبردی تولید را ساماندهی کردیم که امیدواریم با همکاری مسئولین فنی استان بتوانیم با کارهایی که در کمیسیون‌ها انجام می‌دهیم آن را ساماندهی کنیم. ما نشان دادیم در طول ۴۰ سال با همدلی و همسویی بسیاری از مشکلات را برطرف می‌کنیم، گفت: جوانان ما نشان دادند در قالب استارت‌آپ‌ها به شکل‌های مختلف سربازانی هستند که در عرصه‌های مختلف اقتصاد و صنعت وارد میدان شدند و سال جاری که سال بسیار حساسی است را باید بتوانند با هم فکری و خرد جمعی پشت سر بگذارند.

بنامولایی با بیان اینکه ما نباید به فکر جیب خود باشیم بلکه باید مقداری فراسرزمینی عمل کنیم و ایران را باید مانند اجدادمان حفظ کنیم و امسال هم باید با همدلی مشکلات را حل کنیم، خاطر نشان کرد: البته مشکلاتی با بانک‌ها، جابجایی ارز و ثبات نرخ ارز داریم که ان‌شاءالله بتوانیم راهکارهایی را در ارتباط با این عوامل ارائه دهیم و نیاز به یکسری زیرساخت‌ها در این مورد وجود دارد.

وی با بیان اینکه در زمانی که ۴۰ درصد دستمزد را بالا می‌بریم می‌توانیم ۲۳ درصد تأمین اجتماعی و مالیات ارزش افزوده را کمتر کنیم، افزود: ما نمی‌گوییم ۲۳ درصد را نمی‌دهیم ما می‌توانیم در حال حاضر ۱۰ درصد را پرداخت کنیم و ۱۳ درصد باقی مانده را در سال‌های بعد بدهکار شویم و به صورت وام به ما تعلق گیرد.

ذهن ساده و داستان واردات

که همین امر به رونق تولید کمک می‌کند و حتی صادرات ما را افزایش می‌دهد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، محمود بهمنی با اشاره به ارزیابی خود از شعار سال ۹۸ مبنی بر «رونق تولید» که رهبر انقلاب برای امسال تعیین کردند، اظهار کرد: مقام معظم رهبری دوبار به رونق تولید اشاره کردند. ما هم باید توجه داشته باشیم که موانع تولید را بشناسیم و در جهت رفع این موانع تلاش کنیم. وی تاکید کرد: اگر رونق تولید ایجاد شود، کارخانجات ما با حداکثر ظرفیت خود می‌توانند کار کنند که در ادامه، افزایش اشتغال، افزایش تولید، افزایش عرضه کالا و کاهش قیمت‌ها را دربر خواهد داشت. زمانی که این پروسه را طی کنیم، قطعاً افزایش تولید را شاهد خواهیم بود. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس دهم یادآور شد: یکی از آثار «رونق تولید» مربوط به تصحیح حلقه واردات می‌شود. ما باید درمورد کالاهایی که واردات آن را انجام می‌دهیم و تولیدات مشابه آن را در داخل کشور داریم، واردات را محدود کنیم. این عمل باعث می‌شود صرفه‌جویی ارزی داشته باشیم که همین امر به رونق تولید کمک می‌کند و حتی صادرات ما را افزایش می‌دهد.

♦ رونق تولید

سبحانی‌فر یک نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه دولت باید تلاش کند از واردات جلوگیری شود، گفته است: باید ممنوعیت واردات کالاهایی که تولید داخلی دارند نیز حفظ شود، حتی کالاهایی که تولید می‌شود و در لیست قرار ندارد نیز در لیست قرار گیرد و واردات آن ممنوع شود. دولت نیز باید تلاش کند تا از واردات جلوگیری نماید، همان‌گونه که واردات ۱۴۰۰ قلم کالا را ممنوع کردند، باید ممنوعیت کالاهایی که تولید داخلی دارند نیز حفظ شود، حتی کالاهایی که تولید می‌شود و در لیست قرار ندارد نیز در لیست قرار گیرد و واردات آن ممنوع شود، در این صورت حمایت از تولید داخلی صورت می‌گیرد. نماینده مردم سبزوار در خصوص پیش‌شرط‌های لازم برای رونق تولید، گفت: باید جلوی واردات کالاهایی که مشابه دارند، گرفته شود، حمایت از تولیدکنندگان صورت گیرد، اگر تولیدکنندگان نیاز به سرمایه در گردش دارند، با بهره‌پایین‌تر در اختیار آنها قرار گیرد و مصرف‌کنندگان نیز باید کالاهای داخلی خرید کنند. این موارد پیش‌شرط‌هایی است که می‌تواند برای رونق تولید مفید و موثر باشد.

بررسی حتی از سر اشاره به دیدگاه مدیران و قانونگذاران ایرانی نشان می‌دهد که شمار قابل‌اعتنایی از آنها درباره رفتار متغیرهای اقتصادی و پیچیدگی‌های این فعالیت انسانی ذهن ساده‌ای دارند. اینها برای اینکه یک تنگنا را در ذهن خود برطرف کنند بدون توجه به ابعاد و درهم‌تنیدگی‌های هر زیرمجموعه از فعالیت اقتصادی احکام کلی یک‌سویه صادر می‌کنند. به طور مثال هرگاه سخن از حمایت از تولید داخلی و حمایت از کالاهای ایرانی شود بی‌درنگ یادشان می‌افتد که برای رونق تولید داخل باید راه واردات مسدود شود. آیا این یک راه‌حل برای رشد تولید داخلی است؟ در صورتیکه یادمان باشد گمرک ایران و نهادهای متولی و متصدی در واردات همواره می‌گویند که نزدیک به ۸۵ درصد واردات ایران را کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه تشکیل می‌دهد به ابعاد پیچیده این داستان بیشتر وارد خواهیم شد.

در همین ماه‌های تازه سپری شده بسیار شنیدیم که به دلیل تنگنای واردات راه تولید داخلی ناهموار شده و بسیار خواندیم که برای خوب شدن حال تولید باید دیوار بلندی بر سر راه واردات کشید.

♦ محمود بهمنی

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس دهم از جمله هواداران کشیدن دیوار به دور بازار داخلی برای حمایت از رونق بخشیدن به تولید داخلی است. او می‌گوید: یکی از آثار «رونق تولید» مربوط به تصحیح حلقه واردات می‌شود. ما باید درمورد کالاهایی که واردات آن را انجام می‌دهیم و تولیدات مشابه آن را در داخل کشور داریم، واردات را محدود کنیم. این عمل باعث می‌شود صرفه‌جویی ارزی داشته باشیم



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

باز هم فشار به بانکها

در اقتصاد ایران برای هر مشکل و هر تنگنایی یک راه حل ساده وجود دارد: بانکها باید کمک کنند. این راه حل ساده همیشه از سوی کسانی که بخشی از قدرت را در اختیار دارند تنها با اتکا به همان قدرت برای هر رخدادی بیان و بر روی اجرای آن پای فشاری می شود. توصیه کنندگان به این راه حل دیواری کوتاه تر از دیوار شهروندان در مانده های که منابع کوچک و پس اندازهای خرد خود را به بانکها می سپارند پیدا نمی کنند. این در حالی است که بانکها نیز در یک گام به عهده ای از همین مسیرها به سودهای قابل توجه و به رانت های موجود در بالادست خود که همان بانک مرکزی باشد دسترسی یافته و سرانجام از جیب و کیسه سپرده گذاران است که منابع از بانک خارج می شوند. درحالی که این یک کار تجربه شده است و مهم ترین تجربه نیز در اوایل روی کار آمدن دولت احمدی نژاد تحت عنوان بنگاه های زود بازده تجربه شد و در سال های اخیر نیز دولت یازدهم و دوازدهم منابع قابل اعتنائی را برای حل مشکلات بنگاه های دارای مشکل به باد دادند باز هم در روزهای گذشته در این باره شاهد تکرار خواسته یاد شده هستیم. بانک مرکزی ایران یکی از نهادهایی است که باید مطابق با وظایف قانونی خود از منابع مالی و سپرده های شهروندان صیانت کند و راه های افزایش درآمد سپرده گذاران را مهیا کند تا پس انداز ملی از این مسیر با رعایت اصول اقتصاد به بخش تولید سرازیر شود. اما روسای بانک مرکزی ایران بدون توجه به این اصل هر گاه لازم باشد فرمان برداشت از پس انداز شهروندان را براساس قدرت در اختیارشان صادر می کنند.

♦ چیز تازه ای نیست

عبدالنصر همتی، رئیس بانک مرکزی نیز از این قاعده بیرون نبوده است و چنین فرمانی را صادر می کند. او که در جمع مدیران عامل و اعضای هیات مدیره بانکها و موسسات اعتباری سخن می گفت، با مرور شرایط کشور در سال گذشته، تاکید کرد متأسفانه جمع زیادی از هموطنان به دلیل سیل با مشکلات زیادی مواجه شدند که ضمن ابراز همدردی با آنان، ان شاء الله با استفاده از ظرفیت سیستم بانکی در جهت بهبود شرایط زندگی و ارائه تسهیلات لازم به ویژه در حوزه منازل مسکونی واحدهای تجاری و باغات و کارگاه های صنعتی و سایر نیازها تلاش خواهد کرد. این رئیس بانک مرکزی در یادداشتی کوتاه ۶ راه را برای حمایت بانکها از رونق تولید داخل یادآور شد. وی نوشت به گزارش خبرنگار مهر، عبدالنصر همتی در یادداشت خود نوشت: نام گذاری سال ۹۸ با عنوان رونق تولید از سوی مقام معظم رهبری، مسئولیت بانک مرکزی و نظام بانکی کشور را مضاعف کرد. توجه به تأمین مالی طرح های تولیدی و تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی از طرف نظام بانکی کشور، همراه با تمرکز بانک مرکزی بر تأمین ارز مواد اولیه و واسطه های تولید و مقابله جدی با روش ها و تصمیماتی که ارز حاصل از صادرات نفتی و غیر نفتی کشور را صرف واردات غیر ضرور و ضد تولید می کند، رونق تولید و تقویت ارزش پول ملی در گرو چند نکته است.

۱- کاستن از وام های تکلیفی کاهنده توان بانکها
۲- تلاش برای کاستن از فشار ناترازی بودجه جاری دولت بر سیستم بانکی و بانک مرکزی

۳- کاهش معوقات بانکی و فروش اموال مازاد بانکها
۴- پیگیری با قدرت اصلاح ناترازی بانکهای کشور
۵- برگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد
۶- اصلاح نقشه تجاری کشور و مبادی وارداتی و مقاصد صادراتی و از این طریق کاهش نیاز کشور به ارزهای مورد هدف تحریم های آمریکا
دقت در این عناصر شش گانه نشان می دهد حتی اگر قرار بر حمایت از رونق تولید داخل نبود نیز باید این کارها انجام می شد.

محمود بهمنی، رئیس پیشین بانک مرکزی نیز همین تصور نادرست را دارد و می گوید: خاطر نشان یکی از الزامات عملیاتی شدن رونق تولید حمایت دولت از این بخش است. دولت باید نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی را تأمین کند، همچنین باید نظارت بر تولید و حتی مصرف را داشته باشد که این نقدینگی تنها در جهت تولیدات مورد استفاده قرار بگیرد نه اینکه به بازار سفته بازی سرازیر شود. اگر این نقدینگی ها در تولید هزینه شود، قطعاً قیمت کالاها را کاهش خواهد داد. وی افزود: برای رونق تولید می توانیم تسهیلات ارزان قیمت را در اختیار واحدهای تولیدی قرار دهیم در کنار این موضوع باید بر واردات کالاها کنترل داشته باشیم تا جلوی واردات کالاها را مشابه داخلی گرفته شود.



مرکز فرماندهی و آدرس نادرست

است. نوبخت که حالا یکی از فرماندهان واقعی اقتصاد دولتی است هرگز نگفت منابع تأمین این ارقام کجاست؟ آیا در بودجه ۱۳۹۷ این رقم دیده شده است یا ناگهان و بر اساس شرایط، سازمان برنامه و بودجه تصمیم گرفته است این رقم را برای بسته‌های حمایتی تأمین کند؟ آیا قرار است منابع لازم از محل پس اندازهای شهروندان در بانک‌ها برداشته شود؟ آیا دولت درآمد تازه‌ای از محل فروش نفت یا دلار گران به دستاورده است؟ در هر صورت باید محل تأمین منابع به صورت شفاف توضیح داده شود تا عدم تعادل تازه پدیدار نشود. سازمان برنامه و بودجه توضیح نداد آیا این ۲۵ قلم کالا از محل تولید داخلی خریداری خواهد شد و متولی این خرید کدام نهاد، سازمان یا موسسه و شرکت دولتی است؟ فروشندگان چگونه انتخاب شدند؟ آیا با توجه به اعلام رقم دلاری، احتمال داشت این میزان کالا از محل واردات تأمین شده باشد. در این صورت باز هم می‌توان پرسید سازمان متولی خرید این ۱۳ میلیارد دلار ادعایی کیست و قرار است این ۲۵ قلم کالا از مسیر کدام شبکه توزیع و چگونه به دست مردم برسد. رئیس سازمان برنامه و بودجه نگفت از ۱۲۵۰۰ میلیارد تومان باقی‌مانده برای حمایت از تولید، حمایت از پیمانکاران، حمایت از فقرا، سهم مثلاً بخش تولید چقدر است و سازوکار اختصاص هر رقم به این بخش و اولویت پرداخت چیست و آیا این محل باز کردن راه رانت تازه و تبعیض بین بنگاه‌های تولیدی نخواهد بود؟

با هر محاسبه و تحلیلی که داشته باشیم بدون تردید سازمان برنامه و بودجه در راس مراکز فرماندهی اقتصادی قرار دارد. این سازمان که سابقه تأسیس آن به سال‌های دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ برمی‌گردد به دلیل اینکه سازمان مسئول در تدوین بودجه‌های سالانه است و وظیفه دشوار و خطیر تخصیص منابع را بردوش می‌کشد باید کارآمدترین نهاد در میان مراکز فرماندهی اقتصاد باشد. سازمان برنامه و بودجه مسئولیت دارد برای هر ریال خرج اصول اقتصاد را رعایت کند و به همین دلیل است که نهادی بزرگ شده است. سازمان برنامه و بودجه اما برخلاف انتظار در داستان رونق تولید داخل به جای ارائه طرح‌هایی با هدف استوارسازی بنیادین تولید در ایران به راه‌حل‌های کوتاه‌مدت پرداخت.

◆ یک نمونه نه‌چندان دور

در روزهای داغ شهریورماه ۱۳۹۷ و در اوج ناراحتی شهروندان از مارپیچ تورم دلار و کالاها که کسب‌وکار ایرانیان را در غبارها گم کرده و شهروندان ایرانی خشمگین بودند محمدباقر نوبخت با بسته‌های خوشبختی خود خبرساز شد. وی از اختصاص ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اجرای برنامه‌ها و بسته‌های اقتصادی دولت خبر داده و گفته است: ۱۳ میلیارد دلار از این مبلغ برای ۲۵ قلم کالای اساسی، دارو نهاده‌های کشاورزی اختصاص خواهد یافت که معادل ریالی آن ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است که ۷۵۰۰ میلیارد تومان این مبلغ به ۵ قلم کالا اختصاص خواهد یافت. دولت در حدود ۲۹ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اجرای برنامه‌ها و بسته‌های تهیه‌شده اختصاص داده است. وی البته جز این مورد یک فهرست از ۵ بسته را ارائه کرده است که شامل حمایت از تولید و حمایت از پیمانکاران و حمایت از گروه‌های کم‌درآمد است که جز همان بسته بالایی بقیه در دست اقدام

◆ باز هم از جیب ملت و بانک‌ها

در حالیکه رئیس سازمان برنامه و بودجه در روزهای نخست سال جدید تأکید کرده بود با حضور خبرنگاران از بسته رونق تولید داخل رونمایی می‌کند اما رسانه‌ها دنبال نرخ ارز بودند. اما سایت خبری این سازمان در انعکاس نشست دیروز خلاصه از مباحث مطروحه را از زبان مدیران سازمان برنامه و بودجه منتشر کرده است. در خبر ارائه شده از سوی سایت سازمان برنامه به نقل از افشین برمکی رئیس امور اقتصاد مقاومتی و شورای اقتصاد سازمان برنامه و بودجه کشور از منابع مالی تجهیز شده برای برنامه‌های رونق تولید در سال ۱۳۹۸ آمده است «منابع تبصره ۱۸ قانون بودجه، منابع صندوق توسعه ملی، بودجه عمرانی دولت، سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی، تسهیلات بانکی، تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) و تهاتر بدهی‌های دولت به بخش خصوصی از عمده‌ترین ساز و کارهای تجهیز منابع برای رونق تولید ملی است... ۱۷ هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی، حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات ریالی صندوق توسعه ملی و حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی و بالغ بر ۶۶ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی سال ۱۳۹۸ از عمده‌ترین منابع به حساب می‌آیند.»



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



ایران نباید تیر نخست را شلیک کند

قبلا انجام نداده است. تحلیل‌ها در این جهت است که این اقدام که ریشه و ماخذ آن مقامات طرفدار اسرائیل مانند پومپئو وزیر خارجه و بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا هستند عمدتاً جنبه تحریک آمیز دارد. یعنی عواقب این عمل به نوع عکس‌العمل‌هایی که از طرف ایران انجام می‌شود بستگی خواهد داشت. این اقدام ترامپ در سطح کشورهای دیگر با تعجب و عدم تأیید همراه است و در نتیجه هر اقدامی از طرف آمریکا که همکاری و همراهی بین‌المللی طلب می‌کند را منتفی می‌سازد مگر این که اقدامات محاسبه نشده‌ای از طرف برخی در داخل ایران انجام شود. شرایط نامطلوبی که ترامپ در داخل آمریکا دارد ممکن است تا قبل از انتخابات سال ۲۰۲۰ برای او انگیزه ماجرایی در مورد ایران را تقویت کند.

ایرانی‌ها شلیک کنند. یک اقتصاددان ایرانی در این باره نوشته است: اقدام اخیر ترامپ در تروریستی خواندن سپاه پاسداران و قرار دادن این سازمان و شرکت‌ها و تشکیلات و افراد وابسته به آن تحت عنوان تروریست مورد توجه منابع خبری و جراید بین‌المللی قرار گرفته است. مطلب بالا از روزنامه گاردین در این مورد و عکس‌العمل داخلی ایران به این رویکرد است. ذات این اقدام ترامپ مطلب جدیدی را به رویه خصمانه‌ای که طی دهه‌ها سال از طرف دولت‌های مختلف آمریکا اعمال شده اضافه نمی‌کند. چون قبلاً هم فهرست طولیلی از قوانین و دستورات اجرایی در زمینه‌های مشابه صادر شده و این اقدام مطلب یا تهدید جدیدی را در بر ندارد. همچنین مشخص نیست دولت آمریکا باین اعلامیه چه کار جدیدی می‌تواند انجام دهد، که

رفتار گروه حاکم بر کاخ سفید به ویژه وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی دولت ترامپ با ایران را می‌توان برپایه گفتارهای امروز و دیروز آنها پیش‌بینی کرد. این گروه می‌خواهند از هر ابزار و ترفندی برای افزایش فشارها بر ایران استفاده کنند و البته در نهایت علاقه‌مندند برخی نهادهای قدرت در ایران از سر خشم و نفرت دست به کاری شتابزده بزنند که بهانه‌ای برای آمریکایی‌ها باشد تا برخورد با ایران وارد مدار دیگری شود. در این باره که آیا ایران این بهانه را به دست آمریکایی‌ها می‌دهد میان افراد و جریان‌های سیاسی و اجتماعی تفاوت وجود دارد. گروهی از رسانه‌ها و افراد اصرار دارند ایران پیش‌دستی کرده و به نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیب بزند اما کارشناسان و افرادی هم هستند که باور دارند تیر نخست را نباید

بخش خصوصی و زندگی مخفی

با وضع موجود بخش خصوصی می‌گوید من این قدر توان مالی دارم همان بهتر که مخفیانه زندگی کنم، اگر هم لازم شد و خواستم فعالیت کنم بروم خارج از کشور. آنچه در بالا آمد سخنان پوری حسینی رئیس سازمان خصوصی سازی است. او با اشاره به ارتباط بین انتقادات سال قبل درباره سازمان خصوصی و فرار سرمایه‌ها اظهار کرد: با اینکه ما هدف اصلی این حملات بودیم اما احساس می‌کنم بخش خصوصی هم در این وقایع آسیب دید. امیدواریم در سال ۹۸ این آسیبی که بخش خصوصی دید به حداقل برسد. طبق قانون همه بنگاه‌های گروه یکی باقیمانده و همه بنگاه‌های گروه دو که خارج از ۲۰ درصد دولت هستند، باید در فهرست واگذاری قرار بگیرند رئیس سازمان خصوصی سازی افزود: آمار در سایت ما وجود دارد، یعنی هر آن چیزی که تا به امروز واگذار نشده که بالغ بر ۵۰۰ عنوان بنگاه است همه در فهرست واگذاری هستند، همه باید واگذار شوند و امیدواریم با تقویت ارکان و ماملا حفظه‌ای که عزیزان خواهند فرمود ان شاء الله امسال هیات واگذاری با قدرت وارد میدان شود و طبق قانون راه را برای اجرای بهتر اصل ۴۴ باز کند. می‌گویند سرمایه بسیار فرار است، یک لحظه احساس ناامنی بکند زود از آنجا فرار می‌کند، بدیهی است که اگر کسی دوست دارد در کشور خودش سرمایه‌گذاری کند اوضاعی ببیند که فکر کند من این قدر توان مالی دارم همان بهتر که مخفیانه زندگی کنم، اگر هم لازم شد و خواستم فعالیت کنم بروم خارج از کشور، این برخلاف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، ما قرار است توانمندی داخل کشورمان را گسترش بدهیم نه این که آن را تضعیف بکنیم منتها بعضی‌ها از سر دلسوزی یک کارهایی می‌کنند که متأسفانه نتیجه عکس حاصل می‌شود. معاون وزیر اقتصاد در سازمان خصوصی سازی در پایان نقش خود در خصوصی سازی را این گونه تشریح کرد: درست است که من هدف اصلی انتقادات آقایان بودم و بیشتر من را می‌کوبند، به جای اینکه سؤال آنها را هیات واگذاری جواب بدهد، من جواب می‌دادم. به جای اینکه هیات واگذاری از قیمت دفاع کند، من دفاع می‌کنم، به جای اینکه هیات واگذاری از اهلیت دفاع کند، من دفاع می‌کردم و من به نیابت از هیات واگذاری دفاع می‌کردم. چون این کارها کار من نبود، نه تصویب قیمت پایه کار من است و نه تصویب اهلیت پای من است و نه تصویب شرایط واگذاری، من فقط مجری هستم و مجری امینی هستم، مجری قاطعی هستم یعنی اجازه نمی‌دهم کسی در اجرای قانون، منویاتش را به خصوصی سازی تزریق کند و ما هم تسلیم شویم بگویم چشم، نه این کار را نمی‌کنم و قانون را خیلی محکم اجرا می‌کنم؛ اما قانون را کسی دیگر می‌نویسد، قیمت پایه را کسی دیگر می‌نویسد، شرایط را کسی دیگر می‌نویسد من نمی‌نویسم اما من با دقت و حساسیت هر چه تمام‌تر آن مصوبه و قانونی را که دارم اجرا می‌کنم و تا پایان محکم از آن دفاع می‌کنم.

مردم بندر ریگ با نیروهای حشد الشعبی

برخورد نداشتند

فرمانده انتظامی شهرستان گناوه، درگیری مردم بندر ریگ گناوه را با نیروهای حشدالشعبی را تکذیب کرد. به گزارش فارس، سرهنگ حسین احمدی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: کلبی که در فضای مجازی مبنی بر درگیری روز گذشته مردم و حمله یکپارچه شهروندان جنوبی به نیروهای حشدالشعبی در بندر ریگ این شهرستان انتشار یافته صحت ندارد و تکذیب می‌شود.

فرمانده انتظامی شهرستان گناوه، هیچ گونه درگیری در این خصوص رخ نداده است و روز گذشته هیچ گونه درگیری در شهرستان گناوه گزارش نشده است و این موضوع منتشر شده صحت ندارد. وی تصریح کرد: کلبی منتشر شده در فضای مجازی مربوط به بندر ریگ، شهرستان گناوه و حتی استان بوشهر نمی‌باشد و مردم از انتشار چنین کلبه‌های در فضای مجازی خودداری کنند.

فرصت‌های گاز ایران در بی‌هوشی

توسعه پاک را توسعه داده و سهم خود در انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از زغال سنگ و نفت خام را به حداقل ممکن کاهش دهد. پیش از انجام این پروژه، تقاضای گاز مورد نیاز اروپا از سه منبع روسیه، نروژ (دریای شمال) و الجزایر و نیز مقداری از طریق LNG تأمین می‌شد. اجرای کریدور جنوبی گاز و انتقال گاز از دریای خزر به قاره اروپا به واسطه کشور جمهوری آذربایجان تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران داشت و شاید هنوز داشته باشد. اجرای این خط لوله، در صورت عدم تدوین استراتژی صحیح در حوزه بین‌الملل انرژی، ممکن است فرصت حضور و حتی توسعه وضعیت موجود ایران را در بازار انرژی منطقه با محوریت گاز کم‌رنگ‌تر کند. با توجه به حضور زنجیره کاملی از شرکت‌های نفت و گاز در زمینه اکتشاف، توسعه، استخراج، انتقال و توزیع انرژی، بنابراین جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند از این فرصت برای توسعه و بهره‌برداری از منابع دریای خزر خود به خوبی بهره گیرد. این امر می‌تواند فرصت‌های شغلی فراوان و رونق و رشد اقتصادی مضاعفی را متوجه اقتصاد کشور سازد. با توجه به رشد و تمایل کشورهای پیشرفته و در حال توسعه اروپایی به استفاده بیش از پیش گاز طبیعی و جایگزینی آن با زغال سنگ، به رغم اجرای خط لوله کریدور جنوبی، در آینده نه‌چندان دور، این کشورها به واردات بیشتر گاز طبیعی روی خواهند آورد. لذا یکی از بازارهای بالقوه منابع نفت و گاز کشور هم در خلیج فارس و هم در دریای خزر کشورهای اروپایی است.

ایران این شانس را داشت که به عنوان دومین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی در یک دوره میان مدت به فروشنده اول گاز به اروپا و حتی جهان تبدیل شود. این چیزی بود که در سال‌های اخیر بارها در کانون توجه و تأیید کشورهای اروپایی گرفت و آنها برای رهایی از چنگ گاز پروم روس حاضر بودند با ایران در این حوزه همکاری کنند. اما شوربختانه تحریم‌های آمریکایی از دهه ۱۳۷۰ به این طرف و فقدان انعطاف از سوی مقام‌های ایرانی این شانس را از دست ایران به مرور خارج کرد. استفاده از شانس نیازمند تدبیر، هوشمندی، آینده‌نگری و فرصت‌شناسی بالایی بود که ایران آن را نداشت. دنیا و اروپا و هیچ کشور دیگری اما چشم به راه نمی‌مانند که کشور دیگری شانس خود را دور بیندازد و آنها همچنان دست روی دست بگذارند. در حالیکه ایران می‌توانست به اروپا کمک کند از شر روسیه خلاص شود و به ایران نیز سود بلندمدت فروش گاز و تأمین امنیت برسد اما این اتفاق نیفتاد. اروپایی‌ها منتظر ایران نماندند و به سراغ آذربایجان و باکو رفتند و حالا خط لوله گاز از این همسایه ایران به اروپا از مسیر ترکیه کشیده شده است. خط لوله کریدور جنوبی گاز، برخلاف میل و حساسیت جمهوری فدرال روسیه، اما با حمایت کامل اتحادیه اروپا، به عنوان چهارمین منبع عرضه گاز طبیعی به قاره اروپا در حال تکمیل بوده و مراحل پایانی خود را سپری می‌کند. با تکمیل این پروژه عظیم گازی، اروپا ضمن افزایش امنیت عرضه انرژی خود می‌تواند مکانیسم‌های

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

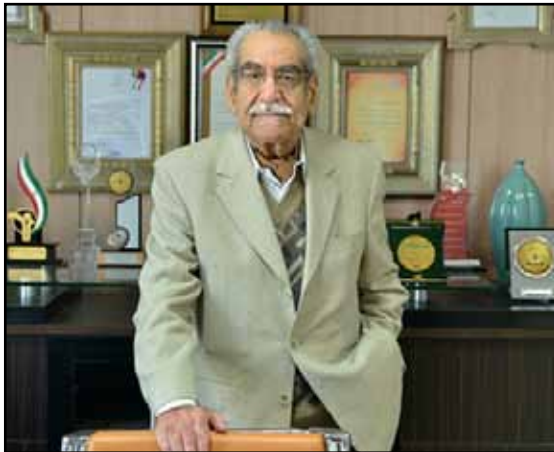
بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

به احترام شاهرخ ظهیری که حرف‌هایش همیشه فایده داشت و شیرین بود



محمد صادق جنان‌صفت - آخرین بار که او را در جمع صنعتگران دیدم همین یکشنبه ۱۸ فروردین بود. مثل همواره که در سال ۱۳۷۱ دیده بودمش خوش سخن، نکته‌سنج، تیزبین و دقیق بود و از آخرین خبرهای سیاسی و اقتصادی به ویژه درباره صنعت ایران اطلاعات داشت.

او شاد و بذله‌گو در روزیکشنبه ۱۸ فروردین در طبقه نهم ساختمان قدیم اتاق بازرگانی ایران مراسم دید و بازدید بود و شمار قابل اعتنائی از صنعتگران ایرانی در اینجا حاضر بودند حاضر شده بود. مثل همیشه همکاران دور و نزدیک دور و بر او می‌چرخیدند و با او خوش و بش می‌کردند و او نیز مثل همیشه با هوشمندی چیزی مناسب حال و احوال کسی که با او گفت و گو می‌کرد می‌گفت که شادی‌آفرین باشد.

مرا که دید با دست اشاره کرد نزدش بروم و صندلی خالی کنارش را نشان داد و خواست که بنشینم. پس از احوال‌پرسی اما مثل همیشه گفت: شما که روزنامه‌نگاری و اطلاعات بیشتری از اخبار داری بگو ببینم امسال روزگارمان چیست؟ توضیح مختصری با توجه به بضاعت کارشناسی دادم و او اضافه کرد: آرزو کنیم اقتصاد و صنعت ایران امسال را نیز دوام بیاورند. نگرانی او درباره صنعت ایران به ویژه صنعت غذا در این سال‌ها زیان‌زد صنعتگران بود. او زبان تیز ، بلند و کارشناسانه صنعت غذا در ایران بود و حرف‌هایش را می‌گفت و برخی وقت‌ها نیز می‌نوشت. شاهرخ ظهیری بدون تردید یکی از افتخارآفرینان تاریخ صنعت ایران از نظر پایداری بر سر اصول و دفاع از بخش خصوصی و دفاع از اقتصاد آزاد بوده است. او فردی نامدار در صنعت غذای ایران است و در نوآوری نیز مشهور است. جلالپور رئیس سابق اتاق ایران درباره او می‌نویسد: «... پس از فراز و فرودهای بسیاری که می‌بیند سرانجام در سال ۱۳۴۹ شرکت مهرام را راه‌اندازی می‌کند. آن روزها در ایران کمپوت و رب گوجه فرنگی و برخی محصولات کنسرو شده تولید می‌شد اما ظهیری تصمیمی جسورانه می‌گیرد و نخستین خط تولید سس را در ایران راه‌اندازی می‌کند. آن روزها مردم نمی‌دانستند سس چیست بنابراین جانداختن فرهنگ مصرف این محصول میان ایرانیان آن زمان به مراتب سخت‌تر از راه‌اندازی خط تولید سس بود. به

این ترتیب ظهیری و همکارانش تلاش می‌کنند با ترفندهای مختلف سس را به جامعه معرفی کنند... به این ترتیب ظهیری موفق می‌شود سس را به سفره ایرانی‌ها اضافه کند و برای این کار متحمل زحمت زیادی می‌شود.

به همین دلیل است که در محافل رسانه‌ای به شاهرخ ظهیری «سلطان سس» گفته می‌شود... به سایت وزارت صنعت ، معدن و تجارت نگاه کردم شاید پیام تسلیت وزیر را ببینم که ندیدم. به سایت سازمان برنامه و بودجه نگاه کردم ببینم رئیس این سازمان که برای مرگ جمشید مشایخی هنرمند نامدار ایرانی پیام تسلیت فرستاده است آیا برای مرگ صنعتگر قدیمی ایرانی نیز پیام تسلیتی می‌فرستد که ندیدم. تا همین امروز نخواندم درجایی که وزیران صنایع در دوره‌های قبلی نیز پیامی برای مرگ یک صنعتگر نامدار ایرانی بفرستند. شاید هنوز نشنیده‌اند، اما اگر شنیده باشند و بی تفاوت از کنار این مرگ عبور کرده باشند باید به روزگار صنعتگران ایران تاسف خورد که در میان دولتی‌ها هیچ جایگاهی ندارند. آقای نوبخت که برای مرگ جمشید مشایخی تسلیت می‌فرستد چرا برای یک صنعتگر چنین کاری نمی‌کند؟

ثروتمندان آمریکایی چقدر مالیات می‌دهند؟

ایسنا به نقل از فاکس بیزینس نوشت: بخش بزرگی از درآمدهای مالیاتی دولت آمریکا را درآمدهای مالیاتی از ثروتمندان تشکیل می‌دهد. مؤسسه «اینترنال رونیو سرویس» در گزارشی اعلام کرده است که در سال ۲۰۱۶، مالیات پرداختی ۵۰ درصد مالیات دهندگان آمریکایی با مالیات ۳ درصد ثروتمند این کشور برابر و معادل ۴۳/۹ میلیارد دلار بوده است. از کل درآمدهای مالیاتی دولت در آن سال، ۳۷/۳ درصد سهم یک درصد ثروتمند جامعه این کشور بوده است. این افراد درآمد تعدیل شده‌ای معادل یک تریلیون دلار داشته‌اند و ۱/۴ میلیون اظهارنامه مالیاتی تکمیل کرده‌اند. همچنین در بین جامعه پنج درصد ثروتمند آمریکایی، ۷ میلیون اظهارنامه مالیاتی تکمیل شده است و ۵۸ درصد درآمد مالیاتی دولت را مالیات‌های پرداختی توسط این گروه درآمدی تشکیل داده است. این گروه در مجموع ۸۳۹/۸ میلیارد دلار مالیات در سال ۲۰۱۶ پرداخت کرده‌اند. این افراد حدود ۱۹/۲ درصد کل درآمد خود را تحت عنوان مالیات به دولت بازگردانده‌اند. این مؤسسه هم چنین اعلام کرده است که دهک نخست درآمدی آمریکا دارای درآمد ناخالص ۴/۷ تریلیون دلاری بوده‌اند و افراد متعلق به این دهک، یک تریلیون دلار مالیات به دولت پرداخته کرده‌اند که معادل ۶۹ درصد کل درآمد مالیاتی این کشور در سال ۲۰۱۶ بوده است. در مجموع ۹۷ درصد درآمد مالیاتی دولت این کشور را مالیات پرداختی ۵۰ درصد مودیان مالیاتی شکل داده است و سهم پنج دهک پایین درآمدی جامعه از درآمدهای مالیاتی دولت آمریکا تنها معادل ۳ درصد بوده است.

مگر می‌شود ۶۰ درصد اقتصاد دست سپاه باشد؟

وزیر اقتصاد گفت: ادعاها و آمارهایی که آمریکایی‌ها در مورد سپاه می‌دهند، گزاف و بیهوده است، مگر می‌شود ۴۰ یا ۶۰ درصد اقتصاد کشور دست سپاه باشد؟ به گزارش مهر، فرهاد دژپسند وزیر اقتصاد در حاشیه جلسه هیات دولت در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه برخی شبکه‌های ضد انقلاب ادعا کرده‌اند هدف آمریکایی‌ها برای اقدام علیه سپاه تحت فشار قرار دادن فعالیت‌های اقتصادی این نهاد است، گفت: این ادعاها و آمارهایی که می‌دهند، گزاف و بیهوده است. مگر می‌شود ۴۰ یا ۶۰ درصد اقتصاد کشور دست سپاه باشد؟ اگر ارقام‌هایی که اینها می‌گویند را جمع بزنید، به ۳ تا ۴ درصد می‌رسید. در برخی آمارها هم می‌گویند ۸۰ درصد اقتصاد در اختیار دولت است. وی افزود: امروز حوزه خدمات، کشاورزی و صنعت کشور عمدتاً در اختیار بخش خصوصی است، بنابراین نباید به آمارهایی که آمریکایی‌ها می‌دهند اعتماد کرد. سپاه کارکرد اصلی خودش را دارد و وظیفه اش حفاظت از انقلاب اسلامی و مرزهای کشور است. دژپسند تاکید کرد: مردم چهل سال است که با سپاه زندگی می‌کنند و یک رابطه دوطرفه میان ملت و سپاه پاسداران وجود دارد. اقتصاد ما هم یک اقتصاد متزلزل نیست که با این اقدام از سوی آمریکایی‌ها آسیب ببیند.

فلاحیت پیشه: افای تی اف نیازمند تصمیم مصلحتی است نه رفرا ندوم

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه فضای مجلس فضای پیگیری طرح برگزاری رفرا ندوم نیست، گفت: تعیین تکلیف پیوستن به FATF نیازمند تصمیم مصلحتی است. به گزارش خبرآنلاین، لویج مرتبط با FATF همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند، سال گذشته با وجود جلسات مکرر مجمع اما تصمیم گیری نهایی درباره لویج مرتبط به FATF به نتیجه نرسید و تعیین تکلیف موضوع به سال ۹۸ موکول شد.

همین تاخیر در تعیین تکلیف لویج پالرمو و CFT انتقاداتی را به عملکرد مجمع تشخیص وارد کرده به طوری که موافقان پیوستن به FATF تاخیر مجمع را نشانه ضعف در تصمیم گیری دانسته بر همین اساس بهترین راه برای تعیین تکلیف لویج مرتبط با FATF را مراجعه به اصل ۵۹ قانون اساسی و رفرا ندوم می دانند.

در حالیکه عده ای از نمایندگان مجلس در تلاشند با مجاب کردن دولت یا با آماده سازی طرحی در مجلس موضوع رفرا ندوم لویج مرتبط با FATF را به رای عمومی بگذارند اما به گفته حشمت الله فلاحیت پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و فضای مجلس آماده پیگیری طرحی برای برگزاری رفرا ندوم نیست.

حشمت الله فلاحیت پیشه درباره دلایل تعلل مجمع تشخیص در بررسی و تعیین تکلیف لویج پالرمو و CFT به خبرآنلاین گفت: ببینید واقعیت آن است که درخواست تعویق نظردهی درباره لویج مذکور در مجمع تشخیص با موافقت مجلس و دولت صورت گرفت یعنی در این زمینه نه تنها منع و مشکل قانونی وجود نداشت بلکه تصمیمی که گرفته شد، تصمیمی اجماعی بین مجمع و دولت و مجلس بود.

وی درباره تلاش برخی نمایندگان برای آماده سازی طرحی به منظور اجرای اصل ۵۹ قانون اساسی درباره لویج پالرمو و CFT، ادامه داد: اینکه نمایندگان بخواهند به دلیل تعویق در تعیین تکلیف لویج مرتبط با FATF رفرا ندوم برگزار کنند حق نمایندگان است اما بر این عقیده ام که موضوع FATF موضوعی است که نیازمند تصمیم مصلحتی است و باید مباحث آن در مجمع تشخیص صورت بگیرد که هم اکنون نیز همین روال در حال انجام است، واقع امر این است که در شرایط کنونی فضای مجلس را فضای برگزاری رفرا ندوم نمی بینم. فلاحیت پیشه یادآور شد: مجلس نظر خود را نسبت به لویج مرتبط با FATF در قالب رویه حاکم بر کنوانسیون های بین المللی با لحاظ حق تحفظ هایی رای داده است ولی تاکید می کنم که حل این موضوع نیازمند تصمیمی مصلحتی است.

بی ربط بودن FATF با تروریست خواندن سپاه پاسداران

ترکیه و عراق و هند و ... هم خودشان عضو FATF هستند و هم مبادلات مالی شان با ایران بر اساس FATF صورت می گیرد. بنابراین، بهانه کردن آمریکا، فقط مشکلات تجاری - مالی کشورمان را افزایش می دهد. چهارم - کمک سپاه پاسداران به نهضت های آزادی بخش چگونه صورت می گیرد؟ آیا این نهاد، بخشی از جمهوری اسلامی ایران است یا جدا از آن؟ قطعاً کسی سپاه را مجزا از ایران نمی داند. پس کمک سپاه به دیگران، عملاً کمک ایران است. تاکنون چنین کمک هایی صورت می گرفته و پس از این هم صورت خواهد گرفت، چه سپاه را متهم به تروریسم کنند یا نکنند، چه فرضاً تحریم کنند یا نکنند، این روند متوقف نخواهد شد. و نکته مهم این که برای چنین کمک هایی که قطعاً توجیه استراتژیک دارد باید درآمد وجود داشته باشد تا هزینه کردنش مقدور باشد. کسب درآمد بدون FATF حتی از طریق کشورهای دوست آسان نیست.

پنجم - چنین کمک هایی برای سایر کشورها (حتی حامیان تروریسم) نیز وجود دارد و کسی نمی تواند از آن جلوگیری کند. درباره ایران هم هیچ محدودیتی قابل تصور نیست. ضمن اینکه مسئولان بارها اعلام کرده اند در کنوانسیون ها و سازمان های بین المللی، کشور ما برای خود حق تحفظ قائل است و این روند در مورد FATF نیز صادق است.

در روزهای اخیر و به دنبال متهم کردن سپاه پاسداران به تروریسم از سوی دولت آمریکا، عده ای با تکرار حرف های قدیمی و تکراری، این موضوع را بدون این که ربطی داشته باشد، به FATF ربط داده اند. شبه استدلال آنها این است که چون آمریکا سپاه را تروریست خوانده، پیوستن به FATF عملاً بستن دست این نهاد انقلابی برای کمک به نهضت های انقلابی و آزادی بخش است و به همین دلیل باید از پیوستن به آن خودداری کرد این شبه استدلال، صرفاً توسل به احساسات و سوار شدن بر جوی است که در روزهای اخیر ایجاد شده و با توضیح زیر روشن می شود که کاملاً بی ربط است:

یکم - آمریکا و برخی متحدانش در منطقه و به ویژه رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری کرده اند که ایران به FATF نپیوندد. این تلاش ها حتی در آخرین نشست در پاریس هم به صورت گسترده اعمال شد اما نتیجه ای نداشت. طبیعی است آمریکا و ارتجاع منطقه به دنبال منزوی کردن ایران باشند.

دوم - اصولاً آمریکا به عنوان یک ناقض همیشگی مقررات بین المللی، برای اعمال فشار و تحریم و ... نیازی به FATF ندارد. مگر در سال ۱۳۵۸ و سال های بعد از آن که آمریکایی ها ایران را تحریم کردند، FATF وجود داشت؟

سوم - در FATF مسأله ما اصلاً آمریکا نیست. مسأله ما کشورهایی است که متحد یا شریک تجاری ما هستند، روسیه و چین و

سر مایه گذاری چند میلیارد دلاری عربستان در روسیه

وزیر نفت، صنعت و منابع معدنی عربستان اظهار داشت امیدوار است شرکت SAUDI ARAMCO روند انعقاد قرارداد ورود به طرح تولید گاز مایع در منطقه قطب شمال موسوم به «آرکتیک اس پ گ-۲» را در سال ۲۰۱۹ به پایان برساند. به گفته وی، این شرکت سعودی می تواند یکی از نقش آفرینان اصلی در بازار گاز مایع شود. خالد الفالح افزود مستقل از تحقق این معامله در هر حال SAUDI ARAMCO نقش آفرین بزرگ و اصلی هم در زمینه استخراج گاز و هم در زمینه فروش گاز مایع خواهد شد. وزیر نفت، صنعت و منابع معدنی عربستان همچنین اعلام کرد ریاض در حال مذاکرات در رابطه با طرح های مربوط به گاز مایع با تعدادی از کشورها از جمله روسیه، آمریکا و استرالیا است.

اقتصادنیوز نوشته است: عربستان سعودی قصد دارد سرمایه گذاری های بزرگی در صنعت پتروشیمی روسیه انجام دهد.

خالد الفالح، وزیر نفت، صنعت و منابع معدنی عربستان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سعودی الاخباریه ضمن بیان این مطلب گفت: «ما در گفت و گو با رئیس صندوق سرمایه گذاری های خصوصی روسیه گسترش پایگاه طرح های سرمایه گذاری و سرمایه گذاری های بزرگ نه فقط در صنعت گاز بلکه پتروشیمی در روسیه را مورد بحث قرار دادیم که دارای آینده خوبی است».

خالد الفالح خاطر نشان کرد عربستان قصد دارد میلیارد ها دلار در اقتصاد روسیه سرمایه گذاری کند و روسیه نیز سرمایه گذاری های مشابهی در اقتصاد سعودی انجام خواهد داد. به تازگی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم انداز ۹۸

زخم های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



دیروز و فردای اقتصاد ایران

تحریم‌های آمریکایی در دو حوزه نفت و ارز چه بر سر ایران می‌آورند و همچنین فرشاد مومنی اقتصاددان نهادگرا نیز درباره بی‌اعتمادی شهروندان به دولت در حوزه اقتصاد چشم‌اندازی را برای ایران ترسیم کرده‌اند که در صفحه‌های بعدی می‌خوانید. اما اقتصاد ایران به دلیل اینکه با همه کاستی‌ها و نارسایی‌ها هنوز یک اقتصاد بزرگ به حساب می‌آید در مرکز رصد نهادهای بین‌المللی قرار دارد. بررسی‌های نهادهای جهانی از فردای نزدیک ۳۴ شاخص را نیز برای دیدن آینده نزدیک‌تر در این پرونده می‌خوانید. در پرونده اقتصاد ایران تحولات دولت‌های ایران با محوریت برخی شاخص‌های بنیاد هریتیج نیز درج شده است که جذاب است.

ناکافی عرضه خواهد بود که معنای رکود تورمی را در متن و بطن خود دارد. مدیران و صاحبان صنعت در ایران برای فعالیت‌های سال آینده خود باید این مقوله بسیار بااهمیت را در معادلات خود گنجانده و با چشم‌های باز اقدام به کار کنند. اما اقتصاد ایران در سال جدید از دو ناحیه همچنان تهدید می‌شود: سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد که دولت دوازدهم را چون سیل غرق خواهد کرد و تشدید تحریم‌ها که متاسفانه راهی برای توقف آن دست‌کم در کوتاه‌مدت پیدا نمی‌شود. مسعود نیلی به مثابه یکی از نیرومندترین اقتصاددانان آزادیخواه ایرانی که حالا از دولت نیز بیرون آمده است با صراحت بیشتر در این باره که

سالی که در پیش روی ایرانیان است چه وضعیتی خواهد داشت؟ این یک پرسش کلی است که باید ابعاد و زاویه‌های آن کالبدشکافی شود. اقتصاد ایران سال آینده در سطح کلان با چند ویژگی تاسف‌بار همراه خواهد بود. نخستین ویژگی رشد منفی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ است. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، واحد اطلاعات اکونومیست و مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌بینی کرده‌اند در سال آینده تولید ناخالص داخلی از ۲/۵ تا ۵/۵ درصد رشد منفی دارد. این رخداد بسیار متاسف‌کننده‌ای است که اقتصاد کشور در یک دهه دو بار در دام رکود می‌افتد. رشد منفی اقتصاد از سمت تقاضای ناکافی به همراه رشد

ثروتمندان به هوش باشند

مسعود نیلی

ایران به‌ویژه اقتصاد ایران سال‌های ۱۳۹۷ با گسست‌های نسبتاً بزرگی در مقایسه با سال‌های گذشته روبه‌رو بود و به نظر می‌رسد این گسست‌ها ادامه دارد و به همین دلیل عدم قطعیت در برآوردهای دقیق از شرایط وجود خواهد داشت و کار را برای تحلیل دشوار می‌کند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد در ارزیابی شرایطی که در آن قرار داریم و از نیمه دوم سال ۹۶ در آن شرایط قرار گرفتیم و در نیمه دوم سال ۹۷ نیز وجود داشت این بود شرایط سیاسی فاقد همگرایی بود و مشخص نیست دقیقاً چه عواملی این شرایط را برای ما به وجود آورده است.

به طور طبیعی تا زمانی که تحلیل درستی از شرایط نداشته باشیم و ندانیم چه عواملی این شرایط را به وجود آورده‌اند نمی‌توانیم جمع‌بندی درست و همگرایی داشته باشیم. در سال ۱۳۹۷ و همچنین در سال ۱۳۹۸ مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم جمع شده‌اند و اگر اینها از هم جدا نشوند نمی‌توانیم وزن درستی برای هر یک از این عوامل تعیین کنیم.

من ابتدا توضیحی در مورد سازوکارهایی که در سال ۱۳۹۷ در اقتصاد ایران فعال شد و کارکرد ارائه می‌کنم و سپس ارزیابی کمی از شاخص‌های اقتصادی سال گذشته ارائه می‌کنم و نکاتی در مورد سال ۱۳۹۸ خواهم داشت.

سازوکارهایی که در اقتصاد

ایران موثرند مفصل

و پیچیده است.

مسئله تحریم به

این دلیل اهمیت

دارد که اقتصاد

ایران عمدتاً بر

درآمدهای ارزی

متکی است و

درآمدهای ارزی از

فروش نفت به دست

می‌آید و تحریم این روند را

به هم زده است بنابراین ابتدا بر

این قسمت متمرکز می‌شوم و

سپس توضیحات بعدی را بر

این اساس ارائه می‌کنم.

اتفاقی که در اقتصاد رخ

می‌دهد و ارتباطی با تحریم

ندارد و در کارنامه چندین

دهه‌ای در جریان بوده

این است که تقریباً

رقم ثابتی تولید نفت خام

داشتیم که منجر به این شد که ما صادرات نفت خام داشته باشیم و این وزن بزرگی در عرضه ارز در اقتصاد داشت. وقتی قیمت نفت افزایش داشته باشد مقداری که دولت به بانک مرکزی می‌فروشد ارقامی قابل توجه است. مثل سال‌هایی در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ که ارز به وفور وارد اقتصاد می‌شود در زمان‌هایی مثل سال‌های نیمه دوم دهه هفتاد به‌ویژه در سال‌های ابتدایی و در ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ ما در مضیقه ارزی قرار گرفته بودیم و عرضه ارز محدود می‌شود و از این نظر نوساناتی به وجود می‌آید. این نوسان در درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بر نرخ ارز در بازار تأثیر دارد. نرخ ارز هر چه باشد قیمت نسبی واردات را به کالاهایی که در داخل تولید می‌شود مشخص می‌کند. و این

موضوع نیز بر شاخص‌های اقتصادی داخلی اقتصاد ایران تأثیرگذار است و بر تولید و مصرف نیز اثر می‌گذارد. همچنین نرخ ارز به دلیل رفتار دولت در ورود ارز صادراتی نفت تغییر می‌کند و به این سبب بر صادرات غیرنفتی اثر دارد و این آمار را افزایش می‌دهد. این سازوکاری است که در اقتصاد ما چندین دهه جریان دارد. حال وقتی که اقتصاد ایران در تحریم است از چند کانال بر عملکرد اقتصاد ما تأثیر دارد. وقتی صادرات نفت محدود می‌شود و اگر صادرات داشته باشیم دسترسی اقتصاد به ارز صادراتی محدود و بنابراین به کمتر شدن عرضه ارز منجر می‌شود و هزینه مبادله را برای تجارت و واردات کالا و ارز افزایش می‌دهد. بنابراین قیمت نسبی واردات تحت تأثیر نرخ ارز قرار می‌گیرد و چون تحریم هزینه مبادله را در اقتصاد بالا می‌برد باعث می‌شود واردات به طور نسبی گران‌تر شود و در نتیجه تقاضای مبادلاتی ارز کاهش پیدا می‌کند. وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند واردات تعدیل می‌شود و این تعدیل خود کنترل‌کننده است و قدرت خرید جامعه روند تحولاتی نرخ ارز را کنترل خواهد کرد. این قسمت در دامنه برابری قدرت خرید قرار می‌گیرد و اگر سطح قدرت خرید جامعه کاهش پیدا کند و یا میزان مناسبی افزایش پیدا نکند با افزایش نرخ ارز تقاضا برای واردات کمی از این طریق کاهش پیدا می‌کند و نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی اثر می‌گذارد و بر حسب اینکه چقدر صادرکننده‌ها از تغییرات نرخ ارز در آینده چشم‌انداز دارند و سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در کشور بر وارد شدن ارز صادراتی به کشور در کوتاه مدت تأثیر دارد و اینکه آن چقدر عرضه ارز را محدود کند.

♦ پدیده قابل اعتنا

اگر قرار بود روابط علت و معلولی به همین شکل اجرا شود قاعدتاً باید در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در تالطم‌های ارزی به این دلیل که هنوز تحریمی بر علیه ماعمال نشده بود چنین شرایطی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

به وجود نمی‌آید. اگر شرایط اقتصادی به همین مکانیزم‌هایی که عرض کردم محدود بود باید بعد از آبان ۱۳۹۷ شاهد جهش‌هایی در نرخ ارز می‌بودیم و این اتفاقات به دنبال آن می‌افتاد.

این در حالی است که بیشترین افزایش‌ها در نرخ ارز قبل از آبان ۱۳۹۷ اتفاق افتاد. و ما در مقیاس قابل مقایسه‌ای با تغییراتی نسبت به فصول قبلی روبه‌رو شدیم. این در حالی بود که آمار و ارقام کشور نشان می‌داد ما همچنان دو و نیم میلیون بشکه نفت صادر می‌کنیم و ارز آن را وصول می‌کنیم و صادرات نفتی طبق روال خود انجام می‌شود. به یاد دارم وقتی بازار ارز متلاطم شده بود قسمت صادرات و واردات در بالای جدول تراز پرداخت‌ها حتی مازاد قابل توجهی نشان می‌داد یعنی حتی صادرات ما نسبت به وارداتمان با رقم‌های بالایی وجود دارد و این سوال به وجود آمده بود که چرا وقتی چنین آماري داریم بازار ارز اینچنین متلاطم است. در واقع وقتی تحلیل درستی از این قسمت نداشته باشیم نمی‌توانیم رویکرد مناسبی در مواجهه با شرایط ارزی که در کشور به وجود آمده است داشته باشیم. تحلیل این است که مردم ایران و کسانی که پس‌انداز مالی در اختیار داشتند با استفاده از تجربه‌ای که از تحریم سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ داشتند و بخشی از دارایی‌های مردم در آن سال‌ها ارزش خود را از دست داد. چون اولین تجربه بود مردم برآورد درستی از شرایط نداشتند بنابراین انتظارات که به غلط گفته می‌شود واکنش روانی، من از به کار بردن آن اجتناب می‌کنم برخی می‌گویند هیچ قاعده‌ای بر آن حاکم نیست ولی این اتفاقات کاملاً قاعده‌مند است. با ترسیم چشم‌اندازی برای وضعیت بین‌المللی آینده تخمینی زده شد. اگر این چشم‌انداز تحریم مثل سال ۱۳۹۲ مثبت باشد عرضه ارز افزایش پیدا خواهد کرد. بر عکس اگر تخمین این باشد که ما با کمبود ارز روبه‌رو خواهیم شد با مطرح شدن این موضوع نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند یعنی وقتی تخمینی که افراد برای آینده می‌زنند عددی بالاتر از آن چیزی است که در آن زمان بود با بزرگتر بودن این شکاف سرمایه‌گذاری در بازار ارز افزایش پیدا می‌کند. چون نرخ ارز یک متغیر کاملاً مشاهده‌پذیر است و همین اطلاعات مربوط به شرایط اقتصادی کشور و این تحولات در نرخ ارز استفاده می‌کنند. بنابراین نرخ ارز به عنوان یک شاخص و راهنمای مفیدی برای جامعه‌ای که اطلاعات رسمی درون آن به صورت روان عرضه نمی‌شود درمی‌آید و تورم را تخمین می‌زند.

♦ انتظارات تورمی

وقتی انتظارات تورمی بر اساس نرخ ارز مورد انتظار افزایش پیدا می‌کند و از نرخ سود

بانکی بالاتر می‌رود به طور طبیعی نگهداری از دارایی‌های نقدی مزیت خود را از دست می‌دهد و جابه‌جایی منابع سرمایه‌ای به سمت ارز و طلا که با همدیگر رابطه دارند افزایش پیدا می‌کند و این تقاضا سرمایه‌ای است و مبادلاتی نیست. وقتی تأثیر خطای مربوط به سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مردم در تخمین نرخ ارز مورد انتظار اینجا لحاظ می‌شود منجر به اوور شوتینگ نرخ ارز می‌شود و نرخ ارز به میزانی بسیار فراتر از آن چیزی که در محاسبات منظور می‌شد قرار می‌گیرد. چون این نرخ برای مبادلات ارزی نیست و به عنوان پس‌انداز تلقی شده است، به طور طبیعی وقتی تقاضا برای نگهداری ارز با هدف ایجاد بازده در آینده افزایش پیدا می‌کند تقاضا برای ارز امروز زیاد می‌شود و وقتی زیاد می‌شود نرخ ارز افزایش می‌یابد و زمانی که نرخ ارز با افزایش مواجه شد شکاف بین نرخ ارز موجود و نرخ ارز مورد انتظار کاهش پیدا می‌کند و رفته رفته عطش خرید ارز تازمانی که تغییر مورد انتظار صورت نگیرد تعدیل می‌شود و باعث می‌شود شدتی که در ابتدا شکل گرفته بود تعدیل شود و در حدی بماند. این وضعیت چون با واقعیت‌های بلند مدت اقتصاد متناسب نبود و با رفتار مردم در حفظ دارایی‌های مالی خود سازگار بود شاید کمی نیز کاهش پیدا کند.

♦ چرا مردم صبر نکردند

در حقیقت این مسیر بیانگر این است که مردم صبر نمی‌کنند تا به آبان ۱۳۹۷ از راه برسد و بعد ببینند دسترسی به ارز کم شده و ارزش دارایی‌های آنها کاهش پیدا کرده است. در حقیقت آنچه در تجربه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ مشاهده کردیم درس‌های زیادی به ما داد. همه ما به یاد داریم وقتی اوپاما تحریم بانک مرکزی ایران را در دی ماه سال ۱۳۹۰ امضا کرد. امضا برای شش ماه بعد از این تاریخ بود یعنی اجرای تحریم برای جولای سال آینده بود و در دسامبر امضا شده بود. در واقع از فاصله‌امضای تحریم ارزی و نفتی ایران تا اجرای آن در همان زمان نرخ ارز جهش داشت چون چشم‌انداز نرخ ارز مورد انتظار باعث شد تقاضایی که برای ارز وجود داشت نرخ را زودتر بالا ببرد. مشاهده بعدی این است که بیشترین کاهش نرخ ارز در خرداد ۱۳۹۲ رخ داد نه در زمانی که برجام به تصویب رسید! یعنی در خرداد ۱۳۹۲ نیز جامعه یک ارزیابی کرد. و با پیش‌بینی بهبود روابط سیاسی سرمایه‌گذاری در ارز فاقد توجیه ارزیابی شد و ترکیب دارایی‌های مردم به سمت دارایی‌های ریالی برگشت. و با توجه به مشکلات نظام بانکی و نرخ سود بانکی بالا و کاهش تورم بازده مثبت دو رقمی برای سپرده‌گذاری بانکی به وجود آمد. وقتی ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد هنوز مستقر نشده بود که به

صورت زودرس به رفتار مردم شکل داد و نتیجه این شد که آمریکا وقتی تحریم‌ها را اعلام کرد نرخ ارز نیز افزایش پیدا کرد و تغییراتی در بازار ارز به وجود آمد.

♦ تمرین مردم

اگر نرخ ارز سوم بازار در جریان قرار می‌گرفت قدرت خرید مردم آن را کنترل می‌کرد و افزایش زیادی پیدا نمی‌کرد وقتی بخش تجاری را از بخش سرمایه جدا می‌کنیم آن قسمت خود به خود میدان افزایش بیشتری پیدا می‌کند. علت اینکه ما در نیمه دوم سال ۹۶ و نیمه اول سال ۹۷ با آثار شدید تحریم روبه‌رو شدیم و اثرات آن در شاخص تورم و حساب‌های ملی ما و در تولید و سرمایه‌گذاری ظاهر شد به نتیجه تمرین مردم در سال‌های ۹۱ و ۹۲ بر می‌گردد، و تلاطم ما در بازار ارز فراتر از انتظار بود. در چهل سال گذشته به خاطر ندارم نرخ ارز از مقدار متناظر با برابری قدرت این چنین فراتر رفته باشد، ولی رفت، به طور طبیعی وقتی نرخ ارز و نرخ ارز مورد انتظار افزایش پیدا می‌کند چون انتظارات تورمی افزایش پیدا می‌کند سطح عمومی قیمت‌ها تحت تأثیر نرخ ارز قرار می‌گیرد و انتظارات تورمی برای آینده تحت تأثیر این شاخص قرار می‌گیرد. به همین دلیل تورم نقطه به نقطه ما در فروردین ۱۳۹۷ عدد هشت و چند دهم بود اما تورم نقطه به نقطه در اسفند ۹۷ به چهل و هفت و نیم رسید. این افزایش بسیار زیاد است چون وقتی انتظارات تورمی افزایش پیدا می‌کند در واقع تمایل مردم برای اینکه پول را بدهند و کالا بگیرند افزایش پیدا می‌کند به همین دلیل تورم‌زایی پول بالا می‌رود در شرایط فراوانی برعکس است.

♦ داستان بودجه

بعد دیگر این موضوع بودجه است. بودجه در اقتصاد ایران متغیر اثرگذاری است و در کوتاه‌مدت از اثرگذارترین متغیرهاست وضعیت توازن یا عدم توازن بودجه آثار اقتصادی کلان و قابل توجهی دارد همان مکانیزمی که یادآور شدم از بعد ریالی برداشت سهم بانک مرکزی می‌شود منابع بودجه از سهم نفت، چیزی کمی بیشتر از یک سوم منابع دولت به طور مستقیم نفت است و غیر مستقیم نیز اثرگذار است. بنابراین وقتی منابع بودجه در کنار مخارج بودجه قرار می‌گیرد مخارج بودجه انعطاف زیادی ندارد. من با آشنایی مختصری که دارم می‌دانم که بودجه ما در سال ۱۳۹۷ با ۳۴۴ هزار میلیارد تومان بسته شده است و کار سختی بود و برای این فشار زیادی به بودجه وارد شد. اینکه ما در سال ۱۳۹۸ کمتر از ۴۰۵ و ۴۰۷ باشد شاید نه ممکن و نه به صلاح باشد و بودجه رکود بیشتری به اقتصاد تحمیل کند. ولی منابع

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

بودجه تحت تأثیر قرار دارد نه دولت نرخی برای منابع خود تعیین کرده است و در سال ۹۸ نیز به نظر می‌رسد که با کاهش منابع روبه‌رو باشیم. امروز سوالی ایجاد شده این است که این شکاف چگونه پر خواهد شد؟ در سال ۱۳۹۸ چگونه فاصله بین این منابع و مصارف پر خواهد شد؟ این نکته بسیار تعیین‌کننده است، اگر به شیوه درستی با این مسأله برخورد شود می‌تواند کمک‌کننده باشد و مادچار مشکلی اضافه بر مشکلات قبلی نخواهیم بود. اگر درست با این مسأله برخورد نشود اشتباه جبران‌ناپذیری خواهد بود چون بر نقدینگی اثر می‌گذارد. رابطه بین نقدینگی و تورم در شرایط کاهش دسترسی به ارز منابع نفتی رابطه‌ای قوی است درحالی‌که در زمان وفور منابع نفتی این رابطه بسیار ضعیف است. ما در دورهای به سر می‌بریم که هر یک ریال نقدینگی تورم بیشتری ایجاد می‌کند.

♦ تورم

تولید ناخالص داخلی ایران در پایان سال ۱۳۹۶ تقریباً یک میلیون و هفتصد هزار میلیارد تومان بود. اگر یک درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۷ کاهش پیدا کند یعنی ۱۷ هزار میلیارد تومان از درآمد اقتصاد کم می‌شود. اگر فرض کنیم این ۱۷ هزار میلیارد تومان درآمد کاهش یافته به طور مساوی از همه کم بشود که چنین اتفاقی هرگز نمی‌افتد ولی در تقسیم به جمعیت کشور و تقسیم به ۱۲ ماه سال یعنی ماهی حدوداً از هر کسی ۱۷ هزار تومان کم می‌شود. و اگر رشد اقتصادی ما در سال ۱۳۹۷ دور و بر منفی ۶ درصد باشد یعنی تقریباً ۱۰۰ هزار تومان در ماه یا در حدود ۱۱۰ هزار تومان در ماه از همه به طور مساوی کم می‌شود و این رقم آثار رفاهی بزرگی به جا می‌گذارد. در مورد تورم نیز می‌توان یک محاسبه کرد. فرض کنیم اگر در سال ۹۷ میزان ۱۰ درصد تورم بیشتری نسبت به سال ۹۶ پیدا کنیم اگر تمام جمعیت کشور به اندازه تورم افزایش درآمد پیدا می‌کردند هیچ اثری به جا نمی‌ماند. اما چون چنین اتفاقی نمی‌افتد درآمد بخشی از جامعه متناسب با تورم افزایش پیدا نمی‌کند و بخشی بیش از تورم افزایش درآمد خواهند داشت و تورم بیشتر توزیع درآمد را به هم می‌زند و قشر فقیر جامعه را بیشتر زیر فشار قرار می‌دهد. بنابراین به یکباره ملاحظه می‌کنید در شرایط رکود و تورم این دو فرض بخشی از جامعه را در شرایطی غیر قابل تحمل قرار می‌دهد و وضعیت سختی را به وجود می‌آورد.

♦ تحریم

مرکز آمار آمار حساب‌های ملی سه ماهه سوم ۱۳۹۷ را منتشر کرده است و من روی آن دقیق شدم و بررسی کردم. این تصویر مقداری نگران‌کننده است. آنچه به یک‌باره در سه ماهه

سوم سال ۱۳۹۷ می‌بینیم یک پله بزرگ به لحاظ تولید و سرمایه‌گذاری پایین آمده‌ایم. در سه ماهه سوم ۱۳۹۱ که تحریم اول بود به سه ماهه سوم ۱۳۹۰ و اعمال اولین تحریم رشد تولید ناخالص داخلی منفی ۶٫۲ که بخش غیر نفتی مثبت ۱٫۲ بود ولی کل آن به دلیل کاهش نفت منفی ۶٫۲ بود. در تحریم دوم که سال ۱۳۹۷ بود در سه ماهه سوم ۱۳۹۷ با نفت منفی ۱۱٫۹ است و بدون نفت منفی ۶ است و این اعداد بسیار بزرگ هستند. برای بخش صنعت سه ماهه سوم سال ۱۳۹۱ به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰ حدود مثبت ۴٫۶ و سه ماهه سوم ۱۳۹۷ به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۶ حدود منفی ۸ است. در واقع این نشان می‌دهد شاخص‌های بخش واقعی ما تغییرات زیادی داشتند. آنچه در اقتصاد راجع به آن زیاد حرف زده می‌شود از لحاظ رفتار مردم در پس‌انداز و مصرف و سرمایه‌گذاری این است که مردم نسبت به کم شدن مصرف خود بسیار مقاوم هستند و سعی می‌کنند از پس انداز کم کنند و کمتر از مصرف آنها کم شود ما به این حالت چسبندگی مصرف می‌گوییم. یعنی مصرف مردم آرام آرام تغییر پیدا می‌کند اینجا چیزی که ما مشاهده می‌کنیم این است که رشد مصرف خانوارها در سه ماهه سوم ۱۳۹۷ نسبت به سه ماهه سوم سال ۱۳۹۶ منفی ۶٫۵ درصد بود و این عدد بزرگی است و کاهش زیادی در سطح رفاه مردم به وجود می‌آورد. ولی آن چیزی که در کنار این موارد حائز اهمیت است این است که کلاً از سال‌های ۱۳۹۰ به بعد با یک روند نامطلوبی در سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستیم. سرمایه‌گذاری تصویر آینده را ترسیم می‌کند. بنابراین اهمیت دارد ما سالیان زیادی است که نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی را در حدود ۲۵ درصد یا ۳۰ درصد یا ۳۳ درصد و در کل ۲۵ درصد به بالا داشتیم. ظرف سال‌های دهه ۹۰ به تدریج سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا کرد و ظرف دو سه ساله اخیر حدوداً ۱۵ درصد شد. علت روشن است ما مشکلاتی در صندوق‌های بازنشستگی و نظام بانکی و بودجه داریم و مصرف منابع ما را می‌برد. در بودجه ۱۳۹۸ بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان از بودجه دولت به صندوق بازنشستگی می‌رود. اگر صندوق‌های بازنشستگی روی پای خود ایستاده بودند ۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شد. به نظر نمی‌رسد در این مسیر رشد اقتصادی ما مثبت و یا دور و بر صفر باشد.

برخی از تحلیلگران عقیده دارند امکان دارد تحریم‌های ما کوتاه‌مدت نباشد. آنها توضیح می‌دهند تصور برداشتن تحریم‌ها و حل مشکل در بازه زمانی دو سه سال سخت است. به علاوه این نکته که تحلیلگران حوزه نفت عقیده دارند مقداری که از صادرات نفتی ما کاهش پیدا کرده

است با نفت شیل آمریکا جبران خواهد شد. در نتیجه شاید برگشت ما به بازار جهانی در آن مقیاس‌ها ساده نخواهد بود کلاً به نظر می‌رسد ما مقداری در روند خود در اقتصاد و مصرف و کاهش سرمایه‌گذاری نیاز به تغییر داریم. ما همچنان مصرف بالایی در انرژی داریم. این نشانه‌ای است از اینکه کشور با کمبود منابع روبه‌رو است. قاعدتاً اگر از مردم سوال شود که اگر امکانی برای مصرف کمتر گاز در مقابل مصرف بیشتر گوشت فراهم کنند قبول می‌کنند یا نه حتماً می‌پذیرند. ولی مصرف بالای گاز با شرایطی که ما در آن قرار داریم چندان جور در نمی‌آید. این شرایط کوتاه مدت و مقطعی نیست و نیاز به تجدید نظر کلی وجود دارد. یک اقتصاد ایران در ۵ سال آینده کوچک می‌شود یعنی درآمد اضافی در اقتصاد ما ایجاد نمی‌شود این کاهش به صورت متوازن در جامعه توزیع نمی‌شود و فشار زیادی روی درآمد جامعه است. وقتی این فشار با تورم همراه است این تورم خود فشار مضاعفی را روی قشر کم درآمد جامعه ایجاد می‌کند. اگر نسبت به این شرایط بی تفاوت باشیم با توجه به سطح تحصیلات جامعه و جوان بودن اقشار و فضای مجازی وضعیت نگران‌کننده خواهد بود و این چیزی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. پرداختن به قشر کم درآمد جامعه امروز یک اولویت بسیار بزرگ است. اگر اقتصاد ایران رشد می‌کرد می‌توانستیم بگوییم به طور مثال ۳ درصد از رشد ۴ درصد اقتصادمان به قشر کم درآمد جامعه برسد. وقتی اقتصاد ما رشد منفی دارد باید به بازتوزیع‌ها در بخش انرژی و مسکن پرداخت. حرکت در مسیری که پیش گرفته‌ایم رفتاری غیر محتاطانه است وقتی سرمایه‌گذاری چندین سال رشد منفی دارد به این معنا است که ظرفیت رشد در اقتصاد در حال کاهش پیدا کردن است به این معنی که دیگر به راحتی نمی‌توان این ماشین را روشن کرد و به راه انداخت و به تولید رساند به نظر من یکی از نکات مهم که هم قشر ضعیف ذینفع هستند و هم قشر ثروتمند باید به فکر باشند این است که برای حرکت جامعه در مسیر سلامت نسبی باید یک سری امکانات باز توزیع صورت بگیرد. به چنین شرایطی سیل اخیر را اضافه کنید و بخشی از جمعیت کشور تقریباً سرمایه خود را از دست دادند. گفته می‌شود سی تا چهل هزار میلیارد تومان خسارت وارد شده است و این خسارت بر دارایی است پس اثرات آن از ماندگاری زیادی برخوردار خواهد بود و این متوجه قشر کم‌درآمد جامعه است و باید به شیوه‌ای درست و اصولی به این مشکل پرداخت.

۳۴ شاخص اقتصاد زیردربین

ردیف	متغیر	واحد سنجش	۲۰۱۷/۱۳۹۶	۲۰۱۸/۱۳۹۷	۲۰۱۹/۱۳۹۸	۲۰۲۰/۱۳۹۹
۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت	هزار میلیارد تومان	۶۹۴	۶۶۷	۶۲۷	۶۲۸
۲	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت	درصد تغییر	۲,۷	-۳,۹	-۶,۰	۰,۲
۳	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	هزار میلیارد تومان	۱۴۸۱	۱۸۹۵	۲۴۲۹	۳۱۸۹
۴	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	میلیارد دلار	۴۳۱	۴۵۲	۴۸۵	۴۹۶
۵	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	میلیارد دلار، برابری قدرت خرید، دلار بین‌المللی	۱,۶۴۰	۱,۶۱۱	۱,۵۴۱	۱,۵۷۶
۶	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت	میلیون تومان	۸,۵۲	۸,۰۹	۷,۵۳	۷,۴۶
۷	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت	برابری قدرت خرید، دلار بین‌المللی ۲۰۱۱	۱۸,۳۰۳	۱۷,۳۸۴	۱۶,۱۶۱	۱۶,۰۲۴
۸	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	میلیون تومان	۱۸,۱۹	۲۳,۰۰	۱۹,۱۷	۳۷,۸۹
۹	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	دلار آمریکا	۵,۲۹۰	۵,۴۹۱	۵,۸۲۰	۵,۸۹۱
۱۰	سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری	برابری قدرت خرید، دلار بین‌المللی	۲۰,۱۳۶	۱۹,۵۵۷	۱۸,۵۰۵	۱۸,۷۳۰
۱۱	تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید سهم از جهان	درصد	۱,۲۸	۱,۱۹	۱,۰۹	۱,۰۵
۱۲	نرخ تبدیل برابری قدرت خرید	تومان به ازای دلار بین‌المللی	۹,۰۳۱	۱۱,۷۶۴	۱۵,۷۶۶	۲۰,۲۳۴
۱۳	کل سرمایه‌گذاری	هزار میلیارد تومان	۵۲۹	۷۲۶	۹۴۷	۱,۲۰۳
۱۴	کل سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت*	هزار میلیارد تومان	۲۴۸	۲۵۶	۲۴۴	۲۳۷
۱۵	کل سرمایه‌گذاری	درصدی از GDP	۳۵,۷	۳۸,۳	۳۹,۰	۳۷,۷
۱۶	ناخالص پس‌انداز داخلی	درصدی از GDP	۳۹,۵	۴۲,۶	۳۸,۶	۳۷,۱
۱۷	تورم (میانگین تغییرات قیمت)	درصد تغییر	۹,۶	۳۱,۲	۳۷,۲	۳۱,۰
۱۸	تورم (در پایان دوره)	درصد تغییر	۸,۳	۵۱,۱	۳۱,۲	۳۰,۰
۱۹	حجم واردات کالاها و خدمات	درصد تغییر	۱۲,۷	-۹,۱	-۱۰,۵	-۲,۴
۲۰	حجم واردات کالاها	درصد تغییر	۱۳,۹	-۹,۱	-۱۰,۵	-۲,۴
۲۱	حجم صادرات کالاها و خدمات	درصد تغییر	۱,۶	-۱۴,۴	-۲۲,۶	۴,۴
۲۲	حجم صادرات کالاها	درصد تغییر	۱,۸	-۱۴,۹	-۱۱,۰	۵,۰
۲۳	نرخ بیکاری	سهم از کل نیروی کار	۱۱,۸	۱۳,۹	۱۵,۴	۱۶,۱
۲۴	جمعیت	میلیون نفر	۸۱,۴	۸۲,۴	۸۳,۳	۸۴,۱
۲۵	درآمد عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	۲۵۹,۶	۳۶۸,۴	۳۲۶,۱	۴۳۲,۶
۲۶	درآمد عمومی دولت	درصدی از GDP	۱۷,۵	۱۴,۱	۱۳,۴	۱۳,۶
۲۷	مصارف عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	۲۸۶,۵	۳۴۱,۸	۴۲۳,۶	۵۶۳,۴
۲۸	مصارف عمومی دولت	درصدی از GDP	۱۹,۴	۱۸,۰	۱۷,۴	۱۷,۷
۲۹	خالص مطالبات/بدهی‌های عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	۲۶,۹	-۷۳,۵	-۹۷,۵	-۱۳۰,۷
۳۰	خالص مطالبات/بدهی‌های عمومی دولت	درصدی از GDP	-۱,۷	-۳,۸	-۴,۰	-۴,۱
۳۱	خالص مطالبات/بدهی‌های اولیه عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	-۲۴,۶	-۶۶,۵	-۸۲,۸	-۹۷,۸
۳۲	خالص مطالبات/بدهی‌های اولیه عمومی دولت	درصدی از GDP	-۱,۷	-۳,۵	-۳,۴	-۳,۱
۳۳	خالص بدهی عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	۴۲۷,۲	۵۱۵,۵	۶۶۹,۵	۸۵۱,۴
۳۴	خالص بدهی عمومی دولت	درصدی از GDP	۳۹,۵	۳۳,۲	۳۰,۰	۲۷,۳
۳۵	خالص بدهی عمومی دولت	هزار میلیارد تومان	۵۸۵,۳	۶۲۸,۸	۷۲۹,۷	۸۶۹,۴
۳۶	ناخالص بدهی عمومی دولت	درصدی از GDP	۳۹,۵	۳۳,۲	۳۰,۰	۲۷,۳
۳۷	تراز حساب جاری	میلیارد دلار آمریکا	۱۶,۵	۱۹,۵	-۱,۸	-۳,۱
۳۸	تراز حساب جاری	درصدی از GDP	۳,۸	۴,۳	-۰,۴	-۰,۶

* بر اساس ضریب تعدیل تولید ناخالص داخلی، حقیقی شده است.

سال‌های میلادی متناظر با سال مالی هر کشوری تنظیم شده و ارقام مربوط به سال مالی ایران است.

* صندوق بین‌المللی پول - معاونت اقتصادی اتاق تهران

چهل سال دور از آزادی اقتصادی



اندازه دولت، کارآمدی مقررات و ضابطه ها و بازارهای باز دسته بندی می شوند که از دیدگاه بنیاد هریتیج چهار ستون پایه آزادی اقتصادی اند. آنچه در پی این می آید، مقایسه فضای کسب و کار در اقتصاد ایران است با میانگین جهانی و منطقه ای بر پایه همان چهار ستون پایه آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج و ۱۲ سازه آن. شوربختانه باید گفت آزادی اقتصاد ایران از میانگین جهانی که هیچ، حتی از میانگین منطقه ای نیز پس مانده است.

۱- «حکومت قانون»؛ ابتکار و کوشش شهروندان همواره دستاورد بیشتری از اقتصاد حکومتی داشته است، اما بدون پشتیبانی قانون دادگستر، شهروندان تضمینی برای بهره مندی از کار و کوشش خویش ندارند. هر چه قانون بیشتر پشتیبان دارایی و فعالیت بخش خصوصی باشد شهروندان با دلگرمی و پشتکار بیشتری سرمایه خود به کار می اندازند و بر تولید و ثروت کشور می افزایند. «حکومت قانون» بر «حقوق مالکیت»، درستی دولت و کارآیی قضایی استوار است. «حقوق مالکیت» خصوصی ستون پایه آزادی اقتصادی است. زمانی که دولت با قانون های روشن پشتیبان آن باشد، شهروندان با دلگرمی دارندگی های پراکنده خود را گرد می آورند و آزادانه به کار اقتصادی می زنند. «حقوق مالکیت» همچنین احتمال مصادره و سلب مالکیت خصوصی توسط دولت را چون عاملی منفی ارزیابی می کند.

«درستی دولت» یعنی پاکدستی و به ویژه نبود فساد در دیوان و دربرگیرنده عامل هایی است چون اعتماد عمومی به سیاستمداران (Public trust in politicians)، پرداخت های نامتعارف و رشوه

برپاداشت و نگهداشت آزادی همگان دخالت کند. دولت پاسدار آزادی نگهبان پیرامون کار و پیشه ای است که در آن شهروندان آنگونه که می خواهند کار و سرمایه گذاری و تولید و مصرف کنند. آزادی فرد تقسیم پذیر است و نمی توان به شرط آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی را از کسی گرفت یا بر عکس. آزادی اقتصادی حق بنیادین هر فرد برای بهره مندی از کار و دارایی است. پیامد آزادی اقتصادی، نه تنها بهزیستی مادی، بلکه توانمندی و شکوفایی دیگر آزادی های شهروند نیز هست. آزادی اقتصادی شرط بهزیستی پایای مردم است. همه دیگر گزینه های اقتصادی، همچون سوسیالیسم، راه رشد غیر سرمایه داری، خودکفایی و دیگر بارها تجربه کرده اند و اما هیچ یک نتوانسته اند دستاوردی همتر از اقتصاد بازار- بنیاد در توزیع بهینه منابع، نوآوری و بهزیستی شهروندان داشته باشند.

هرچه آزادی اقتصادی در کشوری کمتر باشد، نداری و بدروزگاری مردم آن بیشتر است. در این نوشته به همین آزادی اقتصادی ایران می پردازیم. در بازه پیش و پس از تحریم ها. سنگ سنجش ما، گزارش «شاخص آزادی اقتصادی» در کشورهای جهان است که بنیاد هریتیج هر سال منتشر می کند. برای تهیه این گزارش، بنیاد هریتیج داده ها را از منابع گوناگون گرد می آورد و می پردازد. از نخستین گزارش «شاخص آزادی اقتصادی» در سال ۱۹۹۵ تا به کنون، بنیاد هریتیج بارها آن را بر پایه تجربه ها و داده ها بازنگری کرده است. تازه ترین ویرایش این گزارش برپایه ۱۲ شاخص است که هر یک بین صفر (ناآزاد) و صد (آزاد) ارزیابی می شوند.

این ۱۲ شاخص در چهار گروه حکومت قانون،

اقتصاد ایران از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز، چه بی تحریم و چه با تحریم با تنگناهای قابل اعتنائی مواجه بوده است. در این سال ها تنها شرایط مناسبی برای کسب و کار تولید نشده است، بلکه با دادن فرصت به رانت خواری و بنگاه های دولتی وضعیت را بدتر کرده است آنچه را هم که بود از میان برد. در همین نظام که بیشتر بنگاه های بزرگ مالی پیش از انقلاب از میان رفت و بزرگترین درآمد نفتی تاریخ ایران بی هیچ دستاوردی از دست رفت.

فضای نامناسب اقتصادی-رانتی ناشی از افراط و تفریط این یا آن رئیس جمهور نیست. هیچ دولتی در اقتصاد ایران از پرداخت به رانت خواران جدا نشده است و شرایط برای کسب و کار و پیشه وری جامعه آماده نشده است. همه گزارش های استوار جهانی، همچون آزادی اقتصادی جهان، شاخص آزادی اقتصادی، و کسب و کار اشاره به فضای نابسامان نظام برای فعالیت اقتصاد ایران دارد.

این فضای نابسامان ناشی از تحریم و دشمنی جامعه جهانی با ایران نیست، بلکه بیش از هر چیز ناشی از دیدگاه رسمی است که به دلیل مخالفت با «سرمایه داری»، آزادی داد و ستد شهروندان در اقتصاد بازار-بنیاد را بر نمی تابد.

♦ آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی اشاره به فضایی دارد که در آن از حق مالکیت پایداری می شود تا هر فردی بتواند در پناه قانون و به دور از تبعیض، با ابتکار و کارآفرینی و شایستگی از فرصت ها بهره گیرد و قدرت خرید و دارایی خود را افزایش دهد. کار دولت در اقتصاد بازار-بنیاد آن است که تنگناها را از هر سر راه داد و ستد مردم بردارد تنها برای

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم انداز ۹۸

زخم های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

(Irregular payments and bribes)، روشنی در تصمیم‌گیری‌های دولتی (Transparency of government policymaking)، نبود فساد (Absence of corruption)، برداشت از فساد (Perceptions of corruption and Governmental)، و روشنی خدمات‌های مدنی (civil service transparency)»

هر چه فساد در دستگاه‌های دولتی نهادینه‌تر باشد، یعنی اگر تصمیم‌گیری دیوانی ناشی از پرداخت‌هایی چون رشوه (bribery)، باج سیل (extortion)، خیانت (nepotism)، رفیق‌بازی (cronyism)، به کارگیری سفارش‌شدگان یا پارتی‌بازی (patronage)، به جیب زدن یا بلند کردن (embezzlement) و بروز رستانی (graft) باشد، هزینه کار و تولید برای کارآفرین و کارفرما افزایش می‌یابد و در نتیجه پویایی اقتصادی بیشتر آسیب می‌بیند و بلکه از میان می‌رود.

«کارآرایی قضایی» سومین سازه «حکومت قانون» است و اشاره به نظام قضایی دادگری دارد که از حقوق شهروندان حتی در برابر دولت و گروه‌های قدرتمند پاسداری می‌کند. «کارآرایی قضایی» بستگی دارد به استقلال قضایی (Judicial independence)، کیفیت روند قضایی (Quality of the judicial process) و احتمال دستیابی به تصمیمات قضایی منصفانه (Likelihood of obtaining favorable judicial decisions).

۲- «اندازه دولت». «اندازه دولت» دیگر ستون پایه آزادی اقتصادی است که نشان‌دهنده گستردگی میدانی است که برای فعالیت اقتصادی جامعه مدنی باقی می‌ماند. هر چه سهم دولت بیشتر باشد، سهم بخش خصوصی کمتر است. دولت چون قدرت دارد به رقابت آزاد تن در نمی‌دهد و امتیازهای اقتصادی را با قانون‌های خودکامه به انحصار خود می‌آورد و از همین رو به تولید ملی و کار و پیشه و قدرت خرید شهروندان آسیب می‌رساند. بنیاد هریتیج اندازه دولت را با هزینه‌های دولتی، بار مالیاتی، و تندرستی مالی می‌سنجد. در هر سه مورد، کارنامه جمهوری

اسلامی بد است.

«هزینه‌های دولتی» به خرج‌هایی اشاره دارند که بیانگر اندازه و دخالت دولت هستند. البته تمام هزینه‌های دولت به یک اندازه‌ای به آزادی اقتصادی زیان نمی‌رسانند. چه هزینه‌هایی که دولت برای تأمین زیرساخت، پژوهش و پیشرفت سرمایه انسانی (آموزش و بهداشت) شهروندان و به ویژه آسیب‌پذیران می‌پردازد به گونه‌ای سرمایه‌گذاری‌اند.

از دیدگاه اقتصاد بازار-بنیاد، آن هزینه دولتی پذیرفتنی است که برای پاسداری از مالکیت و کار و پیشه و داد و ستد و رقابت آزاد میان شهروندان و جلوگیری از انحصار و رانت‌خواری قدرتمندان به کار رود. هزینه دولتی برای هر چه باشد، می‌بایستی تأمین شود و مثلاً از شهروندان مالیات گرفته شود. اما مالیات هزینه فرصت را به همراه دارد. یعنی هر چه شهروند بیشتر مالیات بپردازد کمتر امکان مصرف یا سرمایه‌گذاری دارد و این آسیب بزرگی به اقتصاد ملی می‌زند.

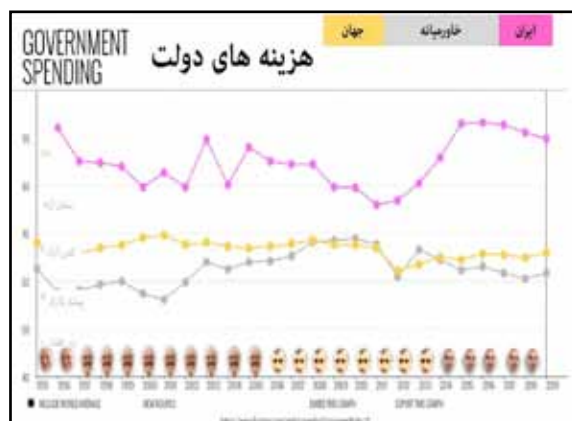
«بار مالیاتی» سهمی است که شهروندان از درآمد خود به عنوان مالیات به دولت می‌پردازند در حالیکه می‌توانستند آن را به کار مصرف یا سرمایه‌گذاری بزنند. اشاره‌ای بدین شد. مالیات‌ها مستقیم و غیرمستقیم‌اند. هر چه سهم مالیاتی دولت از درآمد شهروندان بیشتر باشد، انگیزه ایشان برای کار و سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود و همین به تولید ملی آسیب می‌رساند.

«تندرستی مالی» دولت تندرستی بودجه دولتی است. کسری بودجه و افزایش مالیات و بدهی برای پوشاندن کسری بزرگ‌ترین نشانه‌های بیماری مالی دولتی هستند و هر دو برانگیزنده بی‌ثباتی و نابسامانی اقتصاد کشور هستند. بودجه نیز نشان می‌دهد که دولت در کجا و تا چه اندازه دخالت می‌کند و تا چه اندازه میدان را برای آزادی عمل بخش خصوصی باز می‌گذارد. بودجه همچنین نشانگر درستی یا نادرستی مدیریت منابع محدود ملت از سوی دولت است. بدترین بدهی دولتی، وامی است که دولت برای پوشاندن هزینه‌های جاری فزاینده از نظام بانکی می‌گیرد. در شرایطی وام گرفتن دولت برای تأمین هزینه‌های عمرانی

و سرمایه‌گذاری زیربنایی ممکن است توجیه اقتصادی داشته باشد.

۳- «مقررات و ضابطه‌های کارآ». «مقررات و ضابطه‌های کارآ» سومین ستون پایه آزادی اقتصادی از دیدگاه بنیاد هریتیج است برای پشتیبانی از رقابت آزاد و سالم میان شهروندان. رقابت آزاد و سالم همواره به اختصاص بهینه منابع، تولید و بهره‌وری بیشتر و و سرانجام ایجاد کار و ثروت برای شهروندان می‌انجامد. مقررات و ضابطه‌ها زمانی کارآ هستند که نگهبان آزادی پیشه‌وری، آزادی نیروی کار و آزادی پولی باشند. کارآیی مقررات در برگیرنده و پاسدار «آزادی کسب‌وکار»، «آزادی کار» و «آزادی پولی» است. «آزادی کسب‌وکار» یعنی آسانی به راه‌اندازی و اداره هر پیشه‌ای به دور مقررات دست و پاگیر. بیشتر مقررات نابجای دولتی به بازدهی و سوددهی آسیب می‌رسانند و از این میان مقررات مربوط به پروانه کسب‌وکار از مزاحم‌ترین بازدارنده‌های کارآفرینی و کارفرمایی‌اند. در کشورهایی همچون آمریکا و هنگ کنگ به دستاوردن پروانه کسب‌وکار بسیار ارزان و ساده است و چند ساعتی بیش زمان نمی‌برد. اما در کشورهای نامناسب برای کسب‌وکار، کارآفرین از این اداره به آن یکی می‌دود و کار گرفتن پروانه‌اش به درازا می‌کشد. تازه پس از پروانه و به راه افتادن کار و پیشه، چه بسا مقررات دولتی دیگری که دست و پای کارآفرین و کارفرما را برای تصمیم‌گیری و قیمت‌گذاری آزادانه می‌بندند. کوتاه سخن اینکه هر چه وزنه مقررات دولتی سنگین‌تر باشد، فضا برای کسب‌وکار و داد و ستد سخت‌تر است و در نتیجه تولید و کارزایی پانمی‌گیرد.

«آزادی کار» اشاره دارد به آزادی شهروند در یافتن و ترک کار و آزادی کارفرما در به کارگیری و برکناری نیروی کار و آزادی هر دو در بستن قرارداد کار. پویایی اقتصاد بازار-بنیاد در آزادی داد و ستد میان شهروندان است و از همین رو دخالت زیاده دولت در بازار کار همچون تعیین حداقل و کنترل دستمزد، ساعت‌های کار تحمیلی، تعریف شرایط جای کار، محدودیت بر



سر استخدام و اخراج و دیگر تنگناهای بزرگ و کوچک مشکل‌هایی به وجود می‌آورد که بیش از هر چیز به خود نیروی کار آسیب می‌رساند. اتحادیه‌های کارگری به خودی خود آزادی کار را به چالش نمی‌کشند، بلکه در کشورهایی پشتیبان و در کشورهایی دیگر بازدارنده آن هستند. قانون‌های سخت‌خمش‌ناپذیر به کارفرما و کارگر هر دو آسیب می‌رساند و ایشان را از گفت‌وگو برای بستن آزادانه قرارداد باز می‌دارد. نتیجه آن می‌شود که عرضه و تقاضای کار هرگز با یکدیگر جفت و جور نخواهد شد.

«آزادی پولی» یعنی واگذاشتن تعیین بهای کالاها و خدمات به ساز و کار بازار و نه به حکم و کنترل دولتی. دخالت دستوری برای کنترل قیمت‌ها یا تزریق پول برای برانگیختن رونق اقتصادی، تولیدگران را ورشکسته می‌کند و به آتش تورم دامن می‌زند. بدین ترتیب دارایی شهروندان از میان می‌رود یا از ارزش آن کاسته می‌شود. چه کسی در این شرایط دارایی خود را به سرمایه می‌گذارد و تولید می‌کند؟ هواداران اقتصاد آزاد، هر بحث نظری هم که با یکدیگر داشته باشند بر سر بایستگی استقلال بانک مرکزی و پرهیز دولت از دخالت در کار بازار پول هم‌داستانند.

با وجود این باید دانست که تورم و کنترل دستوری قیمت‌ها هر دو برای تولید و داد و ستد زیانمندند. هر چه قیمت‌ها با ثبات‌تر باشند، یعنی تورم کمتر باشد بدون آن قدرت مرکزی با فرمان و فشار قیمت‌ها را کنترل کرده باشد شرایط برای کسب‌وکار مناسب‌تر است. «آزادی پولی» یعنی پولی که با آن خریدار و فروشنده بتوانند با اطمینان حساب و کتاب کنند و برای پس‌انداز و داد و ستد و آینده خویش نگر دارند و نقشه بربزند و سرمایه‌گذاری کنند. بدون این کمتر دارایی تبدیل به سرمایه می‌شود.

۴- «بازار آزاد». بنیاد هریتیج «بازار آزاد» را هم دیگر ستون پایه اقتصاد آزاد و در برگیرنده «آزادی بازرگانی»، «آزادی سرمایه‌گذاری» و «آزادی مالی» می‌داند. «آزادی بازرگانی» نبود تنگناهایی است که ممکن است دولت در

داد و ستد آزاد شهروندان، چه خریدار و چه فروشنده در بازار فرامیزی ایجاد کند. تنگناهایی همچون تعرفه بر واردات، مالیات بر صادرات، سهمیه‌بندی در صادرات و واردات یا به شکل پوشیده‌تری سختی‌هایی به بهانه‌های امنیتی و بهداشتی. سیاست‌های دولتی محدودسازی بازرگانی خارجی بر بهزیستی شهروندان تأثیر بدی دارد چنانچه تعرفه‌های گمرکی بر واردات کالاهای مصرفی مورد نیاز شهروندان را گران می‌کند و ممنوعیت واردات به بهانه پشتیبانی از صنعت داخلی، منابع ملی را برای تولیدگرانی که توان رقابتی و فایده اقتصادی ندارند، پایمال می‌کند.

اینها همه باعث از میان رفتن دارایی و سرمایه شهروندان و به ناچار فروپاشی تولید ملی است. به یک سخن، «آزادی بازرگانی» نبود بازدارنده‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر سر راه واردات و صادرات است تا شهروندان و بنگاه‌ها بتوانند بدون تنگنایی سرمایه خود را از فعالیتی به فعالیتی دیگر در درون یا برون مرز جابه‌جا کنند.

«آزادی سرمایه‌گذاری» یعنی آنکه شهروندان و بنگاه‌ها بتوانند آزادانه تصمیم بگیرند که در کجا، به چه اندازه و به چه شکل سرمایه‌گذاری کنند. چنین آزادیی برانگیزنده کارآفرینی، فعالیت اقتصادی، بهبود بازدهی و کارایی است و از همین رو به رشد و توسعه جامعه می‌انجامد. «آزادی سرمایه‌گذاری» به روشنی و با انصاف از همه گونه‌های کارآفرینی و کارفرمایی، نه تنها از بنگاه‌های بزرگ یا بنگاه‌هایی که به باور دولت فعالیت‌های راهبردی دارند پشتیبانی می‌کند.

تنگناهای دولتی بر سر جابه‌جایی آزاد سرمایه، چه در بازار خانگی و چه در بازار فرامرزی، به تخصیص کارای منابع و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار و سرمایه‌جو و همکاری خودجوش میان شهروندان آسیب می‌رساند. هر چه فشار دولتی بر سرمایه‌گذار بیشتر باشد، فعالیت کارآفرینی کمتر می‌شود و فرصت‌های رشد بیشتری از میان می‌رود.

«آزادی مالی» برآمده از نظام بانکی است که پس‌انداز شهروندان را گرد می‌آورد و آن را

همچون وام در اختیار شهروندان دیگری می‌گذارد که در پی تأمین مالی کارآفرینی و فعالیت اقتصادی‌اند. نظام بانکی رقابتی کارآمدترین میانجی میان پس‌اندازکنندگان و وام‌گیران است. سازه «آزادی مالی» افزون بر گردآوری پس‌انداز و توزیع وام، داده‌های اقتصادی را به آگاهی همگان می‌رساند و بدین ترتیب به دست اندرکاران اقتصادی امکان می‌دهد که تصمیم‌های آگاهانه بگیرند و اگر بحرانی پیش روست هر چه زودتر در مورد درمان آن اندیشه کنند.

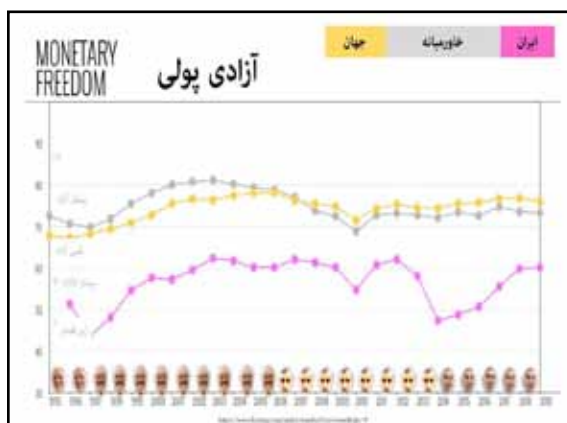
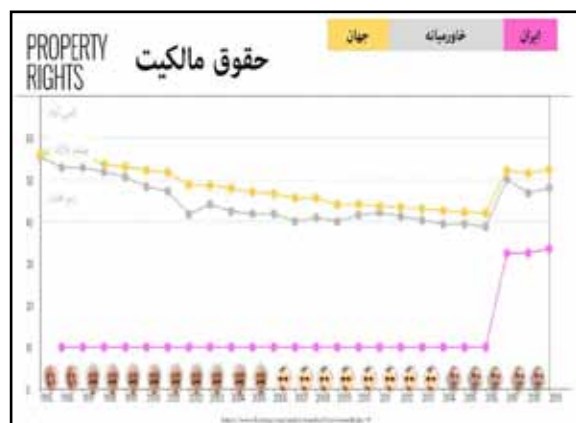
در این مورد هم، سودمندترین کار دولت آن است که روشنی و درستی دارایی‌ها، بدهی‌ها، و ریسک‌ها را به گردن بگیرد. اما اگر کار دولت از این فراتر رود، ساز و کار بازار مالی به هم می‌ریزد و هزینه کارآفرینی به تندی افزایش می‌یابد. اقتصاد ایران حتی به نسبت کشورهای منطقه آزاد نیست و پس جای مناسبی برای کسب‌وکار نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی، بلکه حتی ایرانی هم نیست. این چکار به تحریم دارد؟ تحریم شرایط بد اقتصادی در جمهوری اسلامی را بدتر کرد. نه اینکه آن را به وجود آورد. بد را بدتر کرد.

در چهل‌مین سالگی اقتصاد در ایران، واریسی گزارش «شاخص آزادی اقتصادی» بنیاد هریتیج در مورد جمهوری اسلامی نشان‌دهنده دو نکته است:

نخست آنکه فضای کار و پیشه در اقتصاد ایران از مدت‌ها پیش از تحریم‌های بین‌المللی و آمریکایی، مناسب رشد و توسعه اقتصادی نبوده است.

دو دیگر اینکه فضای کار و پیشه در نظام ولایی نه تنها بدتر از میانگین جهانی، بلکه بدتر از میانگین منطقه خاورمیانه و نیز چند کشور ویژه چون ترکیه، عربستان سعودی، اسرائیل و امارات متحده عربی است. نمودارها گویایند.

تا شرایط کسب‌وکار مناسب آماده نشود بخش خصوصی، چه ایرانی و چه انیرانی، سرمایه‌گذاری نخواهد کرد و تولید و کار و داد و ستد به راه نخواهد افتاد. اما بخش خصوصی یعنی جامعه مدنی. پس تا شرایط آزادی جامعه مدنی فراهم نشود، اقتصاد ایران به راه نخواهد افتاد.



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

اتمام حجت اقتصاددانان با دولت

سنتی در موسسه مطالعات دین و اقتصاد وجود دارد مبنی بر اینکه اولین جلسه از سلسله و جلسات هفتگی موسسه به مساله چشم انداز اقتصاد ایران در آن سال اختصاص پیدا می کند بر این اساس و با وجود اینکه کم و بیش همه گزارش های چشم اندازی که چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران و توسط سازمان های اقتصادی بین المللی تهیه شده است شباهت و نزدیکی بسیار زیادی با یکدیگر دارند و دلیل اصلی آن آشکار و عریان بودن کانون های اصلی شکل دهنده سرنوشت اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۸ است و من هم به آنها اشاره ای خواهم کرد.

♦ آینده ایران و کوتاه نگری

بحث بر سر این است که ما هم در ایران اگر بخواهیم همچنان به رویه های کوتاه نگانه و متظاهرانه و ظاهر سازه و به غفلت از مولفه های سطح توسعه ادامه بدهیم چشم انداز روشنی برای کشور متصور نیست. در حالی که اگر رویه برعکس را در دستور کار قرار بدهید و از منظر سطح توسعه به مسائل نگاه کنید و این مسائل بنیادی تری که روی سرنوشت عملکرد اقتصادی تأثیر جدی دارد را بیشتر مورد توجه قرار بدهیم این امید را خواهیم داشت که به سمت چشم اندازی روشن تر حرکت کنیم. نگاه به آینده در هر سطحی با هر کیفیتی صورت بگیرد. مهم ترین کار کرد آن این است که امکان متوقف کردن روندهای محتمل الوقوع اما نامطلوب را ایجاد می کند. مساله مهم بعدی این است که امکان برخورد غیر تصادفی و امکان اعمال اراده برای ساختن آینده مطلوب را فراهم می کند بنابراین ما می توانیم در این زمینه امیدوار باشیم و تلاش کنیم. مساله تهدیدهایی که برای کشورمان وجود دارد فقط مساله مقام های حکومتی نیست، این مساله همه ما است و همه ما باید در این زمینه برای خودمان مسئولیت هایی تعیین کنیم. می خواهم بگویم از این زاویه حتی می توانیم از ماجرای سیل درس های بزرگی بگیریم. وقتی مفهوم اقتصاد مقاومتی در ایران مطرح شد ما بارها این مساله را در جلسات هفتگی گوشزد کردیم که این مفهوم به اندازه کافی رسان نیست بنابراین امکان بهره گیری عالمانه از ذخیره دانایی موجود در جهان را برای ما فراهم نمی کند یک درک ناقص و ناکافی از این مفهوم مساله صرفا اجرایی دیده شد و به مسائل بنیادی آن توجه نشد در یکی دو سال گذشته انتشارات نهاد گرا که به موسسه دین و اقتصاد وابسته است کتاب فرآیند تحول اقتصادی از داگلاس نورس را منتشر کرد. یکی از شاه بیت های اقتصادی از داگلاس نورس فقید این بود که گفته بود مطالبه رزیدنس به معنای مطالبه تغییر است به این معنا که آنانی که می خواهند توان اقتصاد ملی خود را بالا ببرند باید ابتدا به این پرسش پاسخی درخور بدهند آیا با اندیشه های سفت و متصلب می توان اقتصادی پویا ایجاد کرد. من بارها این مساله را در جلسات هفتگی مطرح کرده ام در تاریخ علم و تاریخ دین یک عنصر حیرت انگیز مشابه وجود دارد و آن این است که در هر دوره تاریخی که منزلت عقل در اندیشه علمی و دینی نادیده گرفته شود و یا به سمت کم بها کردن آن حرکت کنیم بلافاصله انحطاط در کل حیات اقتصادی و اجتماعی ظاهر می شود ما بارها به صدا و سیما و به رسانه ها مشفقانه این مساله را گوشزد کردیم. وقتی اندیشه های ژرف و پویای شهید بهشتی و مطهری کنار گذاشته می شود و کسانی به عنوان معرفی کننده دین تربیون می گیرند که مأموریت آنها پایین آوردن کرکره عقل است، این جامعه به سمت انحطاط خواهد رفت و در مسیر توسعه حرکت نمی کند. اصل هدف این مفهوم این است که قدرت انعطاف جامعه را در مقابل شوک های برونزا بالا ببرد.

♦ اتمام حجت

من از باب اتمام حجت شرعی با مسئولان کشور عرض می کنم راحت خود را تسلیم فضا سازی های رانتی و فاجعه ساز نکنند. در نامه دوم اقتصاددانان در سال ۱۳۹۷ گفته شده بود با قیمت های با پایه دلار ۳۵۰۰ تومان ۷۴ درصد از اضافه تولید و اضافه وارداتی که در سال ۹۶ داشتیم به فروش نرسیده است و به موجودی انبار اضافه شده است و جهشی که در موجودی انبار در آن سال اتفاق افتاده است





در تاریخ اقتصادی معاصر ایران بی سابقه است وقتی این موارد فروش نمی رود و وارد موجودی انبار می شود یعنی کشور با بحران تقاضای موثر روبه رو است. یعنی بر اثر سیاست های ناپرخانه ای که طبقه متوسط درآمدی را تا آستانه فروپاشی برده است و فقر گسترده ای که ایجاد شده است. آدم ها باید زنده باشند تا بتوانند این سیاست های تورم را تحمل کنند! در ماه آخر سال این بحث کنار گذاشته شد و گفتند ما نسبت به رانتی که در این وجود دارد حساسیت داریم من به قیمت هایی که در اسفند ماه وجود داشت محاسبه کردم کل منابع ارزی صرف شده برای واردات این کالاهای اساسی چیزی در حدود ۵/۱ میلیارد دلار بود و کل رانت به اندازه ۵/۱ میلیارد دلار ضربدر تفاوت قیمت دلار در ارز ترجیحی و پایه و دلار نیمایی خواهد شد. متوجه شدیم رانتی که عزیزان از آن خیلی ناراحت هستند چیزی در حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان رانت است. بعد با استفاده از یافته های بسیار خارق العاده توماس فیکتی در کتاب رفتار سرمایه در قرن ۲۱ محاسبه دیگری کردیم. فیکتی در یک دوره ۱۰۰ ساله کشورهای متعدد را بررسی کرده است. او می گوید در جایی که داده های آماری وجود ندارد و روز آمد نیست می توانید ارزش موجودی دارایی های هر کشور بین ۶ تا ۸ برابر تولید ناخالص داخلی آن کشور در آن زمان خاص است و من بر این اساس میانگین ۷ برابر را با جی دی پی سال ۱۳۹۶ که آخرین گزارش رسمی منتشر شده در ایران است محاسبه کردم. این تورم ۶ درصد به غیر از تمام فجایع انسانی و اجتماعی دیگری که ایجاد می کند میزان رانتی که خلق می کند ۳۵۰ برابر بیست هزار میلیارد تومان است. اگر واقعا به رانت حساسیت دارند این جزء الفبای کسانی است که در مبارزه با رانت جویی صادق هستند نباید به هیچ وجه به سیاست های تورم را توصیه کرد. آنها می گویند ما می خواهیم از طریق سیاست تورم را با رانت جویی مبارزه کنیم و این فریبی بسیار بزرگ است که متأسفانه در جلسات سران قوا و رئیس محترم مرکز پژوهش ها دیده می شود و این چنین خامی و ناپختگی مشاهده می شود و نشان می دهد آنها دقت بایسته در این زمینه را ندارند.

مساله بسیار مهم دیگر که در این زمینه مهم است به غیر از نگاه از سطح توسعه نگاه از جانب فرصت طلبی هایی است که به نام تولید انجام می شود. بیش از ۷۰ سال از زمانی که اول بار یکی از متفکران به نام اقتصادی بحث عوام فریبی از راه تولید را مطرح کرد گذشته است. بحث آنها این بود که کشورهای خام فروش منابع پایان پذیر خود

را بدون هر نوع فرآوری به صورت خام می فروشند ولی در سیستم حساب های ملی آن را به عنوان تولید جا می زنند. از جیب خوردن با عنوان تولید خودفریبی است. این تولید نیست. می خواهیم بگویم ماجرا در ایران به جز شامل شدن بر این نکته نکات مهم دیگری دارد. تولید توسعه گرا چه تولیدی است تولید توسعه گرا تولیدی است که دو توانایی دارد یکی توانایی برطرف کردن فقر و دومین مورد توانایی حداقل سازی عقب ماندگی است. اگر می گویند امسال رونق تولید می خواهیم در حقیقت منظور رونق این تولید است. نه رونق تولیدهای رانتی و نه رونق تولید در چهار چوب ساخت تولید معیشتی که جز مشقت و رنج و بازده اندک دستاوردی ندارد و نمی تواند کشور را از فقر و عقب ماندگی نجات بدهد. این مساله مهمی است همین امروز مهندس بحرینیان برای من کاری تحقیقی و بسیار ارزشمند از دفتر مطالعات و تحقیقات اتاق مشهد فرستادند شاید یکبار خواهش کنیم ایشان این بحث را ارائه بدهند که فوق العاده است. یکی از محورهای گزارش ایشان این است که طی سه دهه گذشته تولید مونتاژی یا تولید رانتی جایگاه بسیار غیر متعارفی در اقتصاد ایران پیدا کرده است. ما نیز این را بررسی کردیم و متوجه شدیم در سایت بورس صورت های مالی بنگاه های مهم نشان می دهد هر بنگاهی که اهتمام بیشتری به توان بخشی به ساخت داخل داشته اوضاع مالی نابهنجارتری داشته است.

♦ رانت خوری ۷ لایه

ما تحت عنوان تولید با رانت خوری هفت لایه ای روبه رو هستیم. و بسیار تکان دهنده است ولی امروز در همین حد بسنده می کنیم. سرهم بندی قطعات سی کی دی تولید نیست. و الا بخش قابل اعتنائی از آنچه که به عنوان تولید در حساب های ما مطرح می شود این سرهم بندی کردن است و کشور را به فاجعه می کشاند. در کتاب هنر تحریم ها از آقای نفیو که می تواند برای مقامات کشور ما عبرت آموزی داشته باشد با صراحت آمده است که هدف آنها در موج جدید تحریم ها براندازی است و استراتژی فروپاشی از درون است در این چهار چوب می گوید مرکز ثقل هدف گذاری ما شکستن کمر تولید صنعتی مدرن در ایران است. و فقط در این صورت است که به اراده ما تمکین خواهند کرد. چون همان طور که عرض کردم این تولید می تواند رافع فقر و عقب ماندگی باشد.

در گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۳ مواردی وجود دارد که دارد می گوید در کشورهای در حال توسعه حتی با مساله اشتغال نیز ظاهر سازانه برخورد می شود. اشتغالی که می تواند رفع فقر کند ارزش هدف گذاری دارد. این عارضه در کشورهای در حال توسعه عمومیت دارد و در تمام

محاسبه های ملی و بین المللی در مورد کشورهای در حال توسعه نشان می دهد بخش اعظم فقرا را در کشورهای بیکاران تشکیل نمی دهند بلکه شاغلین تشکیل می دهند چون شاغلین در چهار چوب تولید معیشتی در مشاغل غیر صنعتی مدرن فعال هستند نه آبی برای کشور گرم می کنند نه برای خانواده های آنها گزارش جهانی اوسیدی در سال ۲۰۱۷ می گوید مساله اساسی مساله بهر هوری است ریشه اصلی بحران یونانی ها دل خوش کردن به تورسم است و فکر می کنند از این جنبه ها می توان کشور اداره کرد یونانی ها در ۲۰۱۷ سالی ۷۰۰ ساعت از نیروی کار آلمانی بیشتر کار می کنند ولی عایدی سرانه آنها یک سوم آلمانی ها است. این مساله ای بسیار مهم است باید بر این نکته دقت داشت.

من در بحث روندهای مشکوک اداره اقتصاد ایران طی ۱۱ گروه شواهدی را عرض کردم که حتی اگر نظام تصمیم گیری منافع پایدار خود را نیز مبنا قرار می داد نباید این کارها را می کرد یکی از حیاتی ترین آنها این است که نظام سیاست گذاری ما آگاهانه یا نا آگاهانه از ۱۳۸۵ که موج تحریم ها جدی شد. بیشترین فشارها را بر بخش تولید صنعتی مدرن در ایران تحمیل کرده است. یعنی از حول و حوش ۱۳۸۵ تا امروز سهم بخش صنعت از مانده تسهیلات بانکی در حدود ۵۰ درصد سقوط کرده است. انگار به تحریم کننده ها پاس گل می دهند تا

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم انداز ۹۸

زخم های ایران

تهران - بغداد

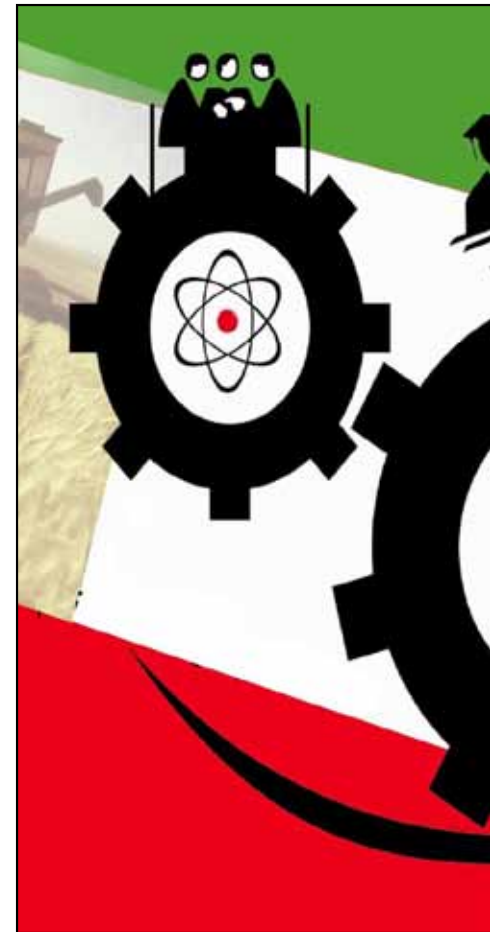
نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



آنها کمر این تولید را بشکنند. سهم تولید صنعتی مدرن از مالیات پرداختی در ایران چیزی در حدود ۴ برابر این رشته فعالیت در تولید ناخالص داخلی ایران است و سهم مالیات برای بخش خدمات در حدود یک چهارم سهم حضور آنها در تولید ناخالص داخلی است. یعنی در ساختار نهادهای خود با یک کژ کارکرد سیستمی روبه‌رو بودیم که از ۱۳۸۵ به بعد شدت پیدا کرده است و متأسفانه در دوره آقای روحانی از شدت آن کم نشده است در یکی از گزارش‌هایی که در این جلسات داده‌ام بر اساس گزارش‌های رسمی دولت گفتیم در سال‌های ۹۳ تا ۹۶ همچنان سهم صنعت از تولید ناخالص ایران همچنان روندی کاهنده است. و در عوض سهم خدمات افزایش چشمگیری پیدا کرده است. سیاست‌های ثبات زدا و ناامن ساز حقوق مالکیت مثل دستکاری نرخ ارز و... باعث شده است اعتماد سرمایه‌گذاران تا حدود زیادی از دست رفته است. آمارها در دوره آقای روحانی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر روی ماشین آلات سقوطی چشم‌گیر پیدا کرده است.

♦ تجارت پول

حتی در اواخر سال گذشته مجلس می‌خواست تلاش‌ی بکند که ماجرای گرفتن ربع مرکب از تولیدکننده‌ها متوقف شود این مورد با مقاومت

شورای نگهبان و مجمع تشخیص روبه‌رو شد. هر دو گروه در این زمینه تا حدودی حق داشتند. چون به اسم کمک به تولیدکنندگان این کار را راه اندازی کرده بودند ولی در مجلس رانتی‌ها و وارد کنندگان نیز به این لیست اضافه شدند. به نظر من هدیه‌ای که ما می‌توانیم به این دو مجمع بدهیم این است که به آنها بگوییم فعلاً از تولید شروع کنید و این بخش را از مضامین رانتی جدا کنید در فاصله سه دهه گذشته بخش رانتی تولید ایران در صنعت ارزش افزوده‌ای در حدود ۸۰ درصد داشته است. اینجا منظور این نیست که به رانتی‌ها مثل فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها رانتی جدید بپردازیم. بعد از پالایشی که در مفهوم تولید توسعه‌گرا صورت گرفت این واحدها باید از فشارهای مربوط به ربع مرکب و اکسینه شوند. در مطالعه ما طی سه دهه گذشته سهم هزینه‌های پول برای تولیدکننده صنعتی توسعه‌گرا در ایران بین سه تا شش برابر سهم جهانی بود آنهم با یک شرط که اینان بتوانند نیازهای سرمایه در گردش خود را بانکی تامین کنند که نزدیک به سه چهارم را شامل نمی‌شود. رئیس اسبق بانک جهانی گزارشی منتشر کرد که در آن گفته بود سقف توانایی سیستم بانکی ایران این است که فقط یک چهارم نیاز سرمایه در گردش تولیدکنندگان صنعتی را تامین کند یعنی حتی اگر این عیب وحشتناک و کشنده را لحاظ نکنیم فشارهایی که به شیوه‌های مختلف بر علیه تولیدکنندگان ایران کار می‌کند واقعا جزء تکان‌دهنده‌ترین مولفه‌هایی است که من به آنها روندهای مشکوک اداره اقتصاد ایران می‌گویم.

♦ آدرس غلط درباره نقدینگی

کسانی روی خطر نقدینگی در ایران صحبت‌هایی مطرح می‌کنند اینکه نقدینگی وضعیت بسیار ناپهنجاری در ایران دارد مورد تردید هیچ کسی نیست. اختلاف نظر آنجاست که به مقامات کشور آدرس‌های نادرست داده می‌شود اول بار که راجع به نقدینگی این موج به راه افتاد دکتر عباس شاکری مقاله‌ای تاریخی نوشتند و نشان دادند که آنها نقدینگی را برای پنهان کردن مسائلی حیاتی‌تر بزرگ می‌کنند یعنی معلول را برجسته می‌کنند تا ذهن از سمت علت‌ها منحرف شود و این یکی از کارویژه‌های محوری مافیای رسانه‌ای و پشتیبانان گذشته آن است. مقاله‌ای از کسی چاپ شده بود که آنجا درباره تورم بحث کرده و گفته بود نقدینگی فقط تابع انباشت تعهدات دولت و انبساط بودجه و استقراض دولت از بانک مرکزی است. درحالی‌که آقای دکتر شاکری در آن مقاله نشان داد هیچ عنصری طی سه دهه گذشته به اندازه سیاست‌های شوک درمانی و به اندازه نقشی که بانک‌های خصوصی در این باره داشتند موثر نبود. وقتی این سه مولفه را بزرگ می‌کنند منظور آنها

این است که ماجرای شوک‌درمانی اشکالی ندارد و ادامه داشته باشد ولی ما می‌دانیم شوک‌درمانی یعنی رای به استقرار مناسبات مالی فاسد و نابرابر ساز و رانتی در اقتصاد سیاسی ایران. آنها برای بانک‌های خصوصی مدیحه‌سرایی می‌کنند و به نقش رانتی خارق‌العاده خلق پول از هیچ توسط بانک‌های خصوصی و دامن زدن به فعالیت‌های سوداگرانه توجه نمی‌کنند. آقای شاکری در آن مقاله نشان داده بودند آن چیزی که از تحولات در اندازه نقدینگی برای ایران حیاتی‌تر است مساله دفرمه شدن و بی کیفیت شدن نقدینگی و مساله توزیع بی‌نهایت ناعادلانه آنهاست در واقع هیچ کدام از این نکته‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهند درحالی‌که کنون‌های اصلی بحران به‌خصوص مساله توزیع به شدت نابرابر نقدینگی بین سپرده‌گذاران است. می‌دانید که در گزارش رسمی بانک مرکزی ۸۵ درصد از نقدینگی در اختیار ۲/۵ درصد از سپرده‌گذاران است. و این چیزی است که فجایع بزرگی برای کشور رقم می‌زند و متأسفانه ما هیچ اهتمام بایسته‌های نزد مدیریت اقتصادی کشور برای برخورد با این مساله نمی‌بینیم.

مساله بسیار حیاتی دیگر این است که در اثر شوک‌درمانی‌ها تجارت پول به یکی از موتورهای اصلی خلق ارزش افزوده در این اقتصاد تبدیل شده است در گزارش‌های رسمی و غیر رسمی صحبت بر سر این است که بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال فقط سود بانکی به سپرده‌ها پرداخته می‌شود و خود این یکی از بزرگترین نیروهای محرکه بحرانی شدن کیفیت نقدینگی و بحرانی شدن اقتصاد ایران از این ناحیه است.

در ایران یک خطای استراتژیک رخ داده است که باید بررسی شود. از سال ۱۳۸۵ به این سو همواره ما را به سمت بحران‌های غیرقابل برگشت هدایت می‌کند و آن هم این است که ساختار نهادهای ما به جای اینکه مشوق تولید صنعتی توسعه‌گرا باشد مشوق مفت خواری شده است. این بساط باید برچیده شود تا این ماجرا حل و فصل شود. گزارش دفتر مشهد نشان می‌دهد در سه مقطع در تاریخ اقتصادی ۱۰۰ ساله ایران پایین‌ترین میزان‌های رشد نقدینگی مشاهده می‌شود. یکی دوره زنده یاد محمد مصدق و دوره وزارت آقای عالی‌خوانی در اقتصاد و دیگری در دوره مهندس موسوی و ویژگی مشترک هر سه آنها در این است که ساختار نهادهای ما مشوق تولید و کنترل‌کننده مفت خواری و فساد بوده است. بنابراین توجه به مساله نقدینگی یک نکته است و باید توجه داشت که در دوره آقای روحانی اندازه نقدینگی بیش از سه برابر شده است. این نیز نکته‌ای بسیار قابل اعتنا است و نشان می‌دهند وقتی ایشان یک تیم اقتصادی فاقد کیفیت‌های حداقلی را انتخاب می‌کند چنین مناسباتی از دل آنها بیرون می‌آید و

سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود که مشوق غیر مولدها است و این به صلاح کشور نیست و در شرایط تحریم آسیب‌دیدگی‌های ما را بیشتر می‌کند. وقتی روی دولت به معنای قوه مجریه تاکید می‌کنم به این دلیل نیست که فراموش کنیم این دولت در چهار چوب سران سه قوه حیاتی‌ترین تصمیم‌های خود را می‌گیرد و بخش بزرگی از آنچه بر سر کشور آمده است با مشارکت همه قوا بود بنابراین چنین بحث‌هایی نباید دستاویز زد و خورد‌های جناحی و قانونی شود. باید به مساله به عنوان مساله‌ای ملی نگاه کرد و ما بتوانیم از شرایط خطیر و پیچیده‌ای که کشور ما با آنها روبه‌رو است خارج شویم.

◆ غفلت از تولید توسعه‌گرا

جاستین لین چینی که یکی از مطرح‌ترین متفکرین توسعه محسوب می‌شود. وی روی اینکه کشورهای در حال توسعه به‌خاطر غفلت از تولید توسعه‌گرا دچار زمین‌گیری و انحطاط شده‌اند گزارش روز آمدی ارائه کرده که قابل اعتنا است. او می‌گوید در حدود سه چهارم کشورهایی که در جایگاه کشورهای با درآمد متوسط بودند در یک دوره منتهی به سال ۲۰۱۰ به وضعیت بدتری دچار شده‌اند و می‌گوید حتی بعضی از آنها به گروه کشورهای با درآمد پایین سقوط کرده‌اند. می‌گوید ریشه ماجرا این است که کشورهایی که فقیر مانده‌اند بدون استثنا کشورهای بودند که قادر به متحول کردن ساختار تولید به سمت تولید توسعه‌گرا نشده‌اند. به عبارت دیگر کشورهایی فقیر مانده‌اند که نتوانسته‌اند با تنوع‌بخشی به تولیدات خود از تولید در چهارچوب ساخت تولید معیشتی به سمت تولید محصولات کارخانه‌ای مدرن حرکت کنند. برای اینکه ببینید بزرگ کردن خام‌فروشی و نامگذاری آن به عنوان تولید صنعتی چه بر سر ایران آورده است سایت بانک جهانی را مطالعه کنید گزارش‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ می‌گوید ایران هنوز ۸۵ درصد صادرات خام‌فروشانه دارد. آنچه غم‌انگیز و تکان‌دهنده است این است که میانگین جهانی این نسبت ۲۹ درصد است یعنی غفلت‌های بزرگی در زمینه‌ها کردن تولید صنعتی مدرن و دل‌بستن به فعالیت‌های رانت‌جویانه و رباخوارانه صورت گرفته است. اگر می‌خواهیم این مناسبات تغییر کند باید یک بازاریابی سیستمی در ساختار نهادی خود به نفع مولدها و در جهت مهار آزمندی بی‌پایان غیرمولدها را سامان بدهیم. همین‌طور که عرض کردم این یک مساله ملی است و نباید فقط از یکی از قوا در این زمینه انتظار داشته باشیم. این آشی است که در اثر تعامل کل ساختار قدرت برای ایران پخته شده است و تغییر آن همان انرژی و اراده را می‌طلبد ولی برای اینکه به این سمت برویم به عنوان جمع بندی از بحث اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ حکومت ما باید در سال ۹۸ این بلوغ فکری را نشان بدهد و از طریق سیاست‌های ثبات زدا و نامن کننده حقوق مالکیت

راه نجاتی برای ایران قابل تصور نیست بنابراین حتی اگر آنها منافع ملی و امنیت ملی را در اولویت می‌دانند باید به سمت مهار فعالیت‌های رانت‌جویانه و رباخوارانه حرکت کنند و تمام انرژی خود را روی شفاف کردن مفهوم تولید و تقویت تولید توسعه‌گرا بگذارند. از این پس هر بار در مورد دولت و حکومت صحبت می‌کنم منظور من تمام ارکان قدرت دولتی و حکومتی در ایران است. ساختار قدرت به‌ویژه سران قوا باید از توهم نفع‌بری دولت از سیاست‌های تورم‌زا بیرون بیایند دولتی که در این اقتصاد بزرگترین مصرف کننده و بزرگترین سرمایه‌گذار است بزرگترین زیان بیننده از سیاست‌های تورم‌زا نیز هست. بنابراین هر پوست خربزه‌ای که زیر پای آنها می‌اندازند کشور را به سمت فروپاشی می‌برد. این تفکر تجربه سه دهه شکست را پشت سر گذاشته است و این سه دهه برای رسیدن به بلوغ کم نیست.

◆ رهایی از تسخیر شدگی

پیشنهاد مشخص این است دولت به معنای حکومت باید موتورهای خلق تورم جدید را در سال ۹۸ خاموش کند و خود را از تسخیر شدگی فاجعه ساز به دست غیر مولدها نجات بدهد. آنها با قدرت جریان سازی و مافیای رسانه‌ای مرتباً آتشی برای موج‌های جدید سیاست‌های تورم‌زا فراهم می‌آورند. مساله بسیار قابل اعتنایی وجود دارد که من به آن حاکمیت زدایی از بازار پول و سرمایه نام نهاده‌ام و در زمانی مناسب در رابطه با آن صحبت خواهم کرد. سیاست‌های تورم‌زا در ایران یک کارکرد تکان دهنده دارد و تا حدود زیادی قدرت مانور دولت در بازار پول و سرمایه را به سمت صفر متمایل می‌کند. به همین دلیل سیاست‌هایی که دولت در این دو بازار مطرح می‌کند فقط به شرطی که در راستای منافع رانت جوها باشد مورد استقبال قرار می‌گیرد ولی از زاویه‌ای که دولت مرتباً در پی راه حلی برای کسب درآمد است باید توجه کسانی را که از منظر اقتصاد سیاسی دولت را پشتیبانی فکری می‌کنند به این نکته جلب کرد که در عین حال که اصل سیاست‌های تورم‌زا همیشه غلط و نادرست بوده است ولی تفاوت سیاست‌های تورم‌زا در دهه ۱۳۷۰ با دهه ۱۳۹۰ در این است که دولت در اثر این سیاست‌ها فقط بدنامی و مشروعیت‌زدایی درو می‌کند درحالی‌که در دهه ۱۳۷۰ نفع کوتاه مدت و برای بلند مدت مخرب کسب درآمد را این ناحیه‌ها عمدتاً نصیب دولت می‌شد. الان این منافع عموماً نصیب شبه‌دولتی‌هایی می‌شود که در عمل از طریق برگرداندن ارزش‌های صادراتی خود تعهد خود را به منافع ملی تا حدود زیادی نشان داده‌اند. بنابراین آتش بیاری در این زمینه نه تنها از نظر عینی و مادی به نفع دولت نیست بلکه آتش بیاری است که جز بدنامی و مشروعیت زدایی هیچ نفعی برای دولت نخواهد داشت.

آخرین نکته در این جلسه که امیدوارم به آن فصل مستقلی اختصاص بدهیم این است که برآوردهایی که در بازارهای مالی دنیا صورت می‌گیرد حکایت از این دارد که آرام آرام اقتصاد جهانی به سمت تکرار چیزی شبیه به بحران ۲۰۰۸ می‌رود. و برآوردها این است که ظرف سه ساله آینده حتماً بحرانی که اگر بزرگتر از بحران ۲۰۰۸ نباشد حداقل در اندازه همان است در بازارهای مالی جهان پدیدار خواهد شد این موضوع ماجراها و دلالت‌های بزرگی برای ایران دارد از زاویه‌های مختلف این گونه است و امیدوارم مدیریت اقتصاد کشور تیمی صاحب صلاحیت برای این پدیده در نظر بگیرد و بایسته‌های این پدیده را برای ایران زیر دره‌بین قرار بدهد. یک رکن این بحران این است که شوک منفی بسیار بزرگی به تقاضای اقتصاد جهانی وارد می‌کند به این معنا که اگر چنین بحرانی پیش بیاید چشم‌اندازهای درآمد‌های نفتی ایران حتی در شرایط غیر تحریمی نیز چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای نیست باید سطوحی از هوشمندی را ببینیم و اتسکا به خام‌فروشی نفتی در ذهن تصمیم‌گیران قباحات حقیقی خود را آشکار کند و از طریق تقویت تولید صنعتی توسعه‌گرا مساله عبور از این شدت وابستگی جدی گرفته شود. مساله بسیار حیاتی دیگر که به عنوان یکی از دلالت‌های این مساله مطرح است این بود که در آن شرایط بحرانی بزرگترین نفع‌برندگان آنهایی هستند که دلارهای نفت را در اختیار داشته باشند ما در تجربه بحران ۱۹۹۷ که فقط بازارهای مالی شرق آسیا را در بر گرفته بود مشاهده کردیم که آنهایی که دلار نقدی داشتند می‌توانستند از هر یک دلار به اندازه چهار دلار خریدهای استراتژیک انجام بدهند شاید مهم‌ترین دلالتی که ما می‌توانیم برای حکومت مطرح کنیم این است که باید تک‌تک دلارهایی که در اختیار نظام ملی قرار دارد به عنوان ذخیره استراتژیک در نظر گرفته شود و برای هر یک دلار هزینه کرد توجیه‌های توسعه‌گرای کارشناسی شده وجود داشته باشد. اگر بتوانیم از این منظر در اقتصاد سیاسی ایران کمربندها را سفت کنیم می‌توانیم جزء کشورهای باشیم که از این فرصت به نحو بایسته‌ای استفاده می‌کنند. در مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان داده شده است که در بحران ۲۰۰۸ هیچ کشوری به اندازه چین از این بحران نفع نبرد چون چینی‌ها کمربندها را سفت نگهداشته بودند و بالاترین مازاد تراز دنیا در اختیار چینی‌ها بود گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد چینی‌ها امتیازات استراتژیک بین‌المللی مورد نیاز تا ۲۰۵۰ خود را با یک چهارم قیمت از آب گل‌آلود بحران ۲۰۰۸ گرفتند. امیدواریم در این زمینه نیز با رویکردی دورنگرانه اراده و اهتمامی در نظام تصمیم‌گیری ایران مشاهده شود.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

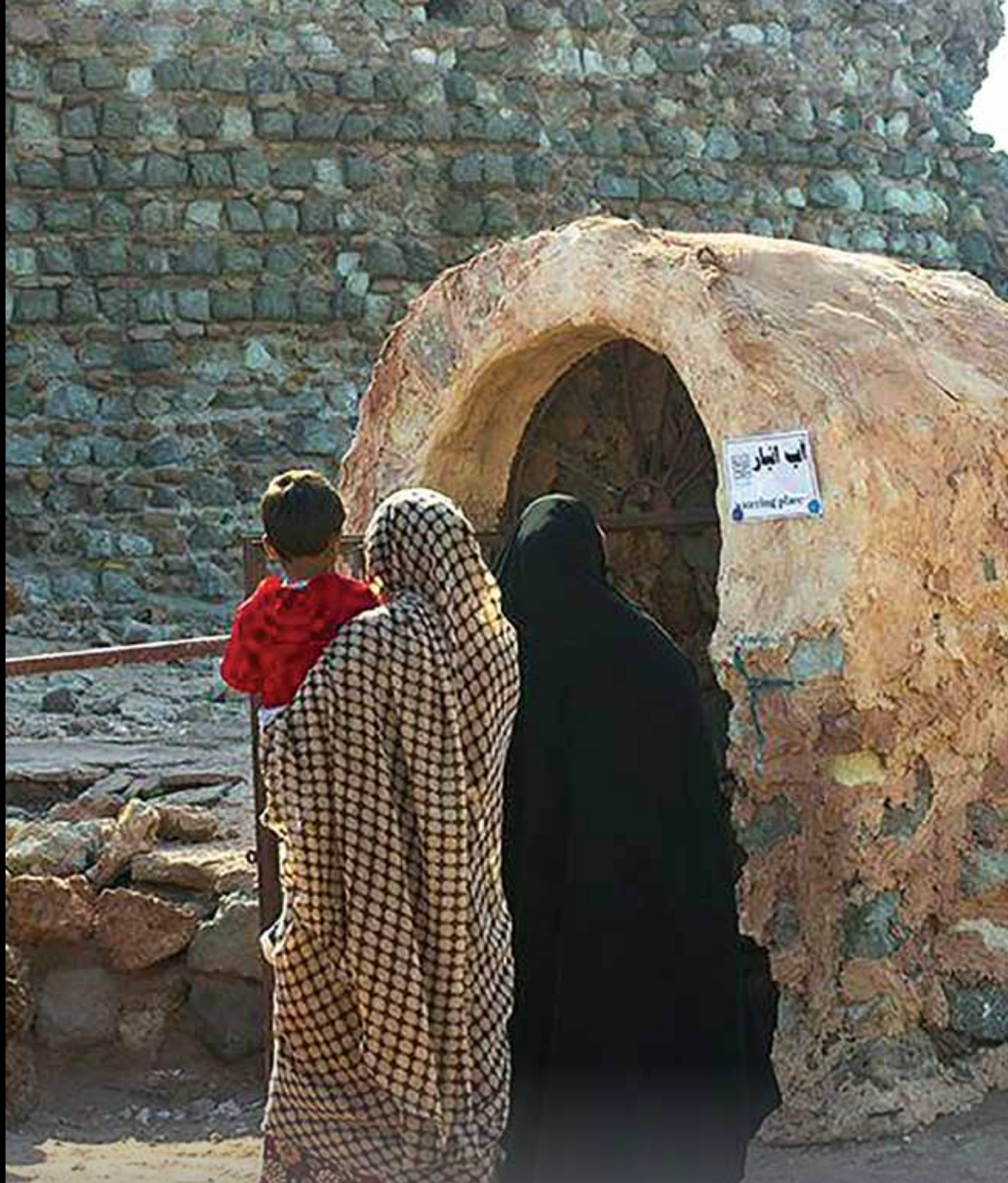
نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



زخم‌های جامعه ایران از نگاه رسمی

در تهران و مسائل نسلی را مسائل مهم‌تر اجتماعی در سال ۱۳۹۷ انتخاب کردند. شاید این گروه پژوهشی در سال ۱۳۹۸ با استخراج نتایج پژوهش ایران امسال به نتایج دیگری برسند، اما اینها فقط ممکن است در اولویت‌ها جابه‌جایی ایجاد کنند. مسائل اجتماعی ایران به دلایل گوناگون شاید به چشم نیاید و در سایه مسائل سیاسی و اقتصادی گم شود اما این مسائل هستند و از بین نمی‌روند و بر انباشت ناهنجاری‌ها اضافه می‌کنند. مسائل اجتماعی که الان ایران با آن دست به گریبان است همان‌هایی هستند که در دی ماه ۱۳۹۶ با یک آتش‌زنه کوچک شعله‌ور شدند و بار دیگر در زمستان ۱۳۹۷ سر برآوردند.

همه خبرگانی که در طرح آینده‌پژوهی حاضر بودند پرسیده شده بود که مهم‌ترین مسأله اجتماعی ایران در سال ۱۳۹۷ چه خواهد بود آنها «فساد» را معرفی کرده بودند. اما از نگاه خبرگان حوزه اجتماعی «انباشت نارضایتی‌ها» مسأله اول ایران در حوزه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ بود. خبرگان حوزه اجتماعی به ترتیب فساد، فرسایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، نگرانی درباره آینده و احساس بی‌آیندگی، امنیت روانی و اجماعی، اخلاق عمومی، بی‌تفاوتی اجتماعی و رشد فردگرایی، کارکردهای اجتماعی فضای مجازی، مسائل ازدواج، مناقشه حقوق زنان، تغییر الگوی خانواده، جابه‌جایی جمعیت، حاشیه‌نشینی شهری، تمرکزگرایی

منصوره نصرتی کردکندی
عضو هیأت تحریریه



«آینده‌بان» یک گروه پژوهشی است که در سال ۱۳۹۶ کار مطالعات «آینده‌پژوهی ایران» را شروع و نتایج آن را در سال ۱۳۹۷ منتشر کرد. در بخشی از این گزارش که مربوط به مسائل اجتماعی است تاکید شده که از ۱۰۰ مسأله ایران در سالی که گذشت ۱۵ مسأله آن سهم مسائل اجتماعی بوده است. وقتی از

این روزها و در شرایط سونامی بیکاری، رشد فزاینده سردرگمی جوانان میان ماندن و رفتن و رشد سرسام‌آور جدایی زنان و مردان و اعتیاد، از همه مهم‌تر رشد بی‌اعتمادی راه را برای اوج‌گیری برخی فرآیندها هموار کرده است.

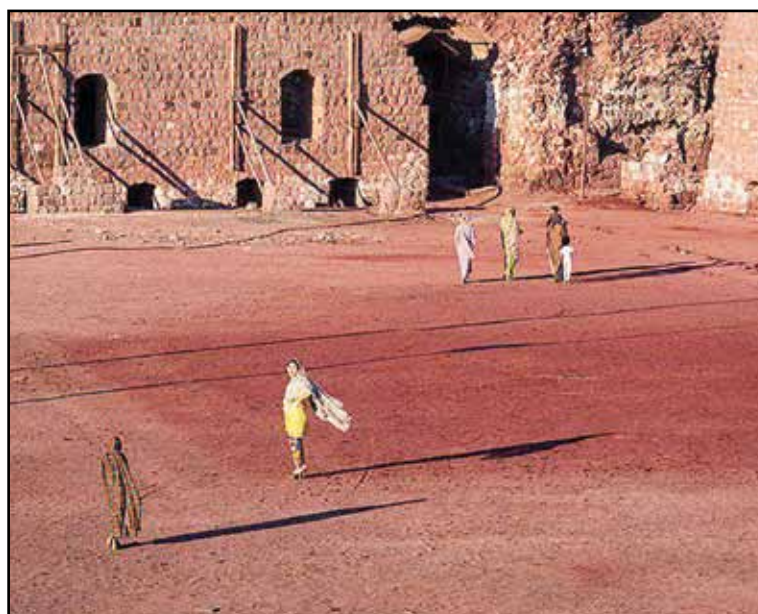
ایران یک سرزمین پهناور با تفاوت‌های جغرافیایی معنادار و سطح توسعه‌یافتگی نامتوازن و دارای قومیت‌های گوناگون است که استعداد ظهور و بروز هر رفتاری را در سطوح گوناگون دارد. هیچ فردی نمی‌تواند تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کردستان با گیلان را انکار کند و هیچ گزارش کارشناسی نیست که اعتراف نکند میان خوزستان با کرمانشاه چه تفاوت‌های بزرگی وجود دارد. آشکارسازی آنچه در پنهان مسائل اجتماعی استان‌های ایران نهفته و شاید از چشم مدیران، کارشناسان و علاقمندان به مسائل اجتماعی و اقتصادی دور مانده است یک کار سترگ است که باید از سوی نهادهای پژوهشی مستقل انجام شود. اما این کار به دلیل فقدان نهادهای پژوهشی مستقل ایرانی و ندادن اجازه به نهادهای پژوهشی جهانی برای کار در ایران اتفاق نمی‌افتد. با این همه و پس از آنکه محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران سفرهای استانی را بنا نهاد، برخی پژوهش‌ها از سوی مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری انجام شده است. این مطالعات که به نظر می‌رسد با نگاه بازتر و پژوهش غیرجانبدارانه انجام شده است، دنیایی حرف برای مدیران ایرانی دارد که اگر به آنها توجه نشود سیلاب مسائل اجتماعی روزی از دل هر استان بیرون خواهد ریخت. آنچه از دل مطالعات انجام شده به سفارش مرکز بررسی‌های استراتژیک

ریاست جمهوری از استان‌ها منتشر شده است، بیشتر از هر چیز توصیف وضع موجود و برخی راهکارهای ارائه شده است که البته در متن پیش رو حذف شده‌اند. همین میزان از مشکلات مطرح شده در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برخی استان‌ها نشان می‌دهد جامعه ایرانی از درون غصه دارد و پیکره و اندام آن از زخم ناکارآمدی و بی‌توجهی زخم برداشته است. رخم بی‌اعتمادی به مدیران اجرایی و سیاست‌گذاری، زخم انباشت دردهایی که از پیش گفته شده و مدارا نشده است به بخش‌های اصلی جامعه آسیب می‌زند، زخم اعتیاد که از درون خانواده‌ها را به روز سیاه نشانده است، زخم رشد جدایی و طلاق که بنیان خانواده ایرانی را از درون تهی کرده و بنیادش را بر باد می‌دهد و...

تردیدی نیست که این زخم‌های اجتماعی که پیکره جامعه ایرانی را آزار می‌دهد و خون آن را آرام آرام می‌ریزد و بی‌جانش می‌کند یک‌شبه و چند ساله پیدا نشده و از یک عامل سرچشمه نگرفته است. زخم‌های اجتماعی که در صفحه‌های بعدی در هر استان نشان داده شده است بر پایه بی‌توجهی مدیران ارشد و این دیدگاه که به مرور زمان بهتر می‌شود پدیدار شده است. سطوح گوناگون مدیریت جامعه در بخش اجتماعی به دلایل گوناگون به‌ویژه تأثیرپذیری از عنصر سیاست در بالاترین سطح اثرگذاری بر جامعه به مرور لیاقت و کفایت خود را از دست داده و به تماشای محض تبدیل شده‌اند. مدیران میانی درگیر تضادهای پرشماری هستند که میان خواست و رفتار شهروندان و اراده و آرزوی مدیران نوسان دارد. مدیری در سطح اداره کل یک استان با یک شهر بدون آموزش‌های

مدرن و تنها بر پایه مسائل جناحی - سیاسی بر اسب اداره‌های بودجه‌بگیر از دولت سوار شده و آن را به هر سوی می‌تازاند تا فرصت خدمت تمام شود و مدیری دیگری بیاید. تضادهای درون خانواده‌های مدیران سطوح گوناگون میانی و رده‌های کمی پایین‌تر با اراده و خواست مدیران ارشد نیز مزید بر علت می‌شوند و... نتیجه این فرآیندها و فراز و فرودها جامعه از هم گسیخته‌ای است که در هر استان وضعیت ویژه‌ای دارد. در قم و خراسان رضوی که دو استان مذهبی لحاظ سیاسی و اجتماعی ایران به حساب می‌آیند و مردم باورهای دیگر نسبت به آنها دارند نیز از گذر زمان و زخم‌های اجتماعی آسیب دیده‌اند و این را آمارها و نشانه‌های شهروندان به خوبی نشان می‌دهند.

بازرگانان و صنعتگران ایرانی شاید در نگاه نخست مسائل اقتصادی و مسائل بنگاه برایشان اهمیت دارد اما واقعیت این است که اگر آنها جامعه ایرانی را از درون نشناسد و مسائل اجتماعی را نبینند آینده‌ای مبهم در دادوستد طولانی‌مدت، ناگهان با مسائلی مواجه می‌شوند که تصور نمی‌کردند. بازرگان و کارخانه‌دار و معدن‌دار و بانکدار باید جامعه‌اش را از درون بشناسد تا بتواند برای آینده میان‌مدت برنامه‌ریزی کند و شاید نیاز باشد درباره اصلاحات اجتماعی به دولت و شهروندان کمک برساند. نخبگان ایرانی به‌ویژه فعالان بخش خصوصی اگر ندانند در درون جامعه‌ای که به هر حال مصرف‌کننده کالاهای آنهاست چه می‌گذرد شاید غافلگیری برایشان زبان‌های غیرقابل کنترل داشته باشد. شاید کمتر کسی تصور می‌کرد شهروندان ایرانی در دی ماه ۱۳۹۶ در ده‌ها شهر کوچک ایران نسبت به ناکارآمدی اجرایی اعتراض‌های گسترده داشته باشند. رشد بی‌اعتمادی در شهرستان‌ها و استان‌های دور از پایتخت و در شهرهای کوچک و روستاها جامعه را از درون تهی و سست خواهد کرد. رشد انباشت نارضایتی‌ها و حل نشدن مسائل اجتماعی سر از رشد اعتیاد، رشد طلاق و فرسایش سرمایه‌های اجتماعی درمی‌آورد و پیامدهای ناشناس آن ممکن است همه ریشه‌ها را بسوزاند. آتش برخاسته از خشم و ناراحتی که نابرابری‌های اجتماعی به بار می‌آورد شاید برای یک دوره زیر خاکستر باشند اما در همان جا زاد و رشد می‌کنند. گزارش حاضر توصیفی از زخم‌های جامعه ایرانی است که در استان‌ها بر پیکره ایران وارد شده و نهاد رسمی در تهیه و تولید آن نقش نخست را داشته است.



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



مسجد سلیمانی شدن کل خوزستان

عدد طیف (۲۷) و هم از رقم کشوری (۲۵) اندی) پایین تر است و رتبه بیست و دوم را به خود اختصاص داده است در مجموع استان خوزستان با رقم ۷۸,۲ با کسب رتبه هجدهم نسبت به میانگین کشور (۲,۷۹) و میانگین عدد طیف (۳) در جایگاه پایین تری قرار دارد.

◆ عدم تعادل های جمعیتی

توزیع نابرابر جمعیت به رغم آن که تمام جلگه های مسکون در استان خوزستان از توپوگرافی، شیب و اقلیم نسبتاً یکسانی برخوردار است توزیع نابرابر منابع آب و خاک در سطح جلگه خوزستان بر توزیع نابرابر جمعیت و مراکز اقتصادی در سطح استان تأثیر گذاشته است بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۷۵ درصد جمعیت شهرنشین استان در نیمه غربی استان و تنها حدود ۲۵ درصد در نیمه شرقی ساکن بوده اند. فرآیند خودبه خودی سامان یابی جمعیت، فقدان دخالت اداری و فقدان برنامه ریزی مناسب فضایی و آمایشی، این روند خودبه خودی را تثبیت کرده. به علاوه استقرار صنایع در جنوب استان به دلیل وجود ذخایر عظیم نفتی و گازی و شرایط مناسب جهت سایر فعالیت های اقتصادی، این توزیع نابرابر را تشدید کرده است.

◆ نرخ بالای مهاجرتی

هرچند استان خوزستان براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ بعد از استان های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و البرز بیشترین جمعیت مهاجر را در خود اسکان داده اما وجود مسائلی از قبیل: خشکسالی، گرمای طاقت فرسا، وجود آلودگی های ناشی از کارخانه ها و مراکز

صورت گرفته است پرتراکم ترین و کم تراکم ترین شهرستان های استان بر اساس اطلاعات سال ۹۰، به ترتیب شامل اهواز با ۱۹۹,۱ نفر و هویزه با ۱۱,۲ نفر جمعیت به ازای هر یک کیلومتر مربع هستند.

◆ ضعف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی هم محصول توسعه است و هم در فرآیند توسعه موثر است. بدون سرمایه اجتماعی فرآیند گذار و دست یافتن به راه های توسعه و تکامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دشوار می باشد زیرا در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثر بخشی خود را از دست می دهند. با توجه به داده های پیمایش های ملی، وضعیت شاخص های سرمایه اجتماعی در سطوح کلان، میانه و خرد نه تنها در استان خوزستان با رتبه هجدهم، بلکه در سطح ملی مناسب نیست بنابراین لزوم بررسی عوامل و شرایط موثر بر ضعف سرمایه اجتماعی در استان، کسب رویکرد همه جانبه نسبت به ابعاد گوناگون موضوع و فرصت ها و تهدیدهای موجود به منظور تدوین و اجرای برنامه های درخور هم در راستای اهداف ملی و هم استانی با توجه به کارکردهای مهم و تأثیر آن در حوزه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از اهمیت اساسی برخوردار می گردد. خوزستان با کسب رقم ۱۴ در سطح کلان هر چند از میانگین کل کشور (۱۳,۲) وضعیت بهتری دارد اما از میانگین عدد طیف (۱۵) پایین تر است و رتبه چهاردهم را دارد، در سطح میانی با کسب رقم ۲۶,۶ با فاصله بسیار اندک بالاتر از میانگین کل کشور قرار می گیرد اما همچنان نسبت به میانگین عدد طیف (۲۷) رقم پایین تری داشته و در رتبه پانزدهم قرار گرفته و در سطح خرد با رقم ۲۴ و اندی هم از میانگین

جمعیت استان خوزستان در سرشماری ۱۳۹۵ با ۴۷۱,۰۵۶ نفر، حدود ۵,۸۹ درصد جمعیت کل کشور بوده و هرچند نسبت به سال ۱۳۹۰ که ۶۰,۳ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده بوده کاهش داشته اما همچنان در رتبه پنجم کشور قرار دارد. همچنین بر اساس آمار این سرشماری، اهواز، دزفول، آبادان و ماهشهر پرجمعیت ترین شهرستان های خوزستان اعلام شده اند.

نرخ خام ولادت استان در سال ۱۳۹۴ با ۲۳,۵ در هزار نفر بالاتر از میانگین کشوری (۱۹,۸) و نرخ خام فوت استان با ۴ در هزار نفر پایین تر از میانگین کشوری (۴,۷) قرار گرفته است. میانگین نرخ رشد سالانه جمعیت استان در سال های ۹۰-۱۳۸۵، ۱,۱۷ درصد و بدون احتساب مهاجرین (وارد شده و خارج شده) ۱,۴۱ درصد و برای کل کشور ۱,۳ درصد بوده است. اما از بین شهرهای استان، آبادان، مسجد سلیمان و رامشیر نرخ رشد منفی داشته اند و نرخ رشد ۱۷ شهرستان نیز پایین تر از متوسط استان بوده است در سال های ۹۵-۱۳۹۰ میانگین نرخ رشد سالانه هم در کشور (۱,۲۴) و هم در استان (۷,۷۸) روندی کاهشی را پیموده و خوزستان رتبه بیست و چهارم را در میان سایر استان ها کسب نموده است.

تراکم جمعیت استان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۳,۵ نفر در هر کیلومتر مربع بوده که نسبت به سرشماری سال ۱۳۹۰ (۷۰,۸) افزایش داشته و از متوسط کشوری آن نیز (۴۹,۱) فزون تر است و در ردیف دوازدهم قرار گرفته همچنین در سطح استان توزیع متوازنی از جمعیت صورت نگرفته و با وجود نخست شهری اهواز و تمرکز امکانات در آن که خود مسائل بیشماری را در اداره استان موجب گردیده است تمرکز عمده جمعیت در این شهرستان

صنعتی، نبود فضای مناسب برای بروز استعدادها، اشتغالزایی و سرمایه‌گذاری و مدیریت ناکارآمد منجر به خروج حدود ۲۰۰ هزار نفر در پنج سال گذشته از استان و کسب رتبه نخست مهاجرفرستی در سطح کشور گردیده است. نکته شایان توجه آنکه بیشتر مهاجران نخبگان و کارآفرینان استان بوده‌اند که خود به فقدان زمینه‌های لازم رشد و توسعه در استان دامن زده است.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ نیز، استان خوزستان دارای بالاترین نرخ مهاجر فرستی و خالص مهاجرت ۵۴۵۳۰- بوده است. در بین شهرهای استان بندر ماهشهر مهاجرپذیرترین شهر و اهواز مهاجرفرست‌ترین شهر استان محسوب می‌شود. در همین سال، در مقابل هر ۱۰۰ نفر مهاجر خارج شده از استان، حدود ۸۸ مهاجر، وارد شده است. هرچند در مقایسه بین استانی با توجه به نسبت جمعیت، نرخ مهاجرت استان خوزستان چندان تهدیدکننده نیست اما مهاجرفرستی تعدادی از شهرستان‌ها، جای نگرانی زیاد دارد؛ خاصه آنکه مطلق جمعیت چند شهرستان استان نیز در دوره ۹۰- ۱۳۸۵ کاهش یافته است بنابراین در نظر گرفتن تفاوت‌های هر شهرستان در این زمینه جهت پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب جمعیتی ضرورت خواهد داشت. لازم به ذکر است که انگیزه اصلی اکثر مهاجرت‌های درون و برون استانی جستجوی کار و یا کار بهتر بوده است شاهد این مدعا شهرستان‌های مسجدسلیمان با ۴۳ درصد و آبادان با ۲۷ درصد نرخ بیکاری است که این دو را در ردیف شهرستان‌های مهاجر فرست قرار داده است قابل توجه آنکه حتی شهرستان اهواز با وجود مرکزیت سیاسی و اداری نیز تحت تأثیر این عامل قرار دارد.

◆ راهکارها

* کاهش کارکردهای مدیریتی و کنترلی اهواز: بر فضای پیرامونی خود و اعطای توانایی تصمیم‌گیری به شهرهای دیگر استان

* ارائه معافیت‌ها، مزایا و امتیازات ویژه برای جلوگیری از تحرک منابع از شهرهای اطراف اهواز به سوی اهواز

* افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در شهرهای پیرامون اهواز برای جلوگیری از حرکت‌های جمعیتی از این شهرها به سوی اهواز

◆ خالی از سکنه شدن شهرهای نفت‌خیز

تعداد قابل توجهی از شهرهای مناطق نفت‌خیز استان از لالی تا امیدیه به استخراج این منابع وابسته شده و برای پایدار کردن سکونت و فعالیت بدون منابع نفت و گاز طبیعی این شهرها تاکنون اقدام مؤثری صورت نگرفته است که در این صورت امکان رقم خوردن سرنوشت مشابه مسجدسلیمان در آینده برای آنها نامحتمل نیست.

◆ کودک همسری

خوزستان، در کنار سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان از استان‌هایی است که در آن آمار ازدواج زیر سن قانونی در مقایسه با سایر نقاط کشور بیشتر است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در خصوص سن قانونی ازدواج، سن ۱۳ سال تمام شمسی را برای دختران و ۱۵ سال تمام شمسی را برای پسران سن قانونی ازدواج در نظر گرفته است. با این توضیح در سال ۱۳۹۰ از مجموع جمعیت ۱۰-۱۴ ساله استان خوزستان (۳۷۲۷۴۹ نفر)، ۳۲۷۷ نفر حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند. به عبارتی ۸۷ درصد از جمعیت این گروه سنی حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند. این نسبت در میان جمعیت شهری و زنان بیش از جمعیت روستایی (به این دلیل که شهرنشینان استان خوزستان نسبت بیشتری دارند) و مردان است. مسأله‌مندی این موضوع بیشتر در

جمعیت مطلقه یا بیوه این گروه سنی خود را نشان می‌دهد. از جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده ۱۰-۱۴ ساله استان خوزستان، ۲۱۷ نفر (۶۲ درصد) به علت طلاق یا فوت همسر، بی‌همسر اعلام شده‌اند. در سال ۹۴ نیز تعداد ازدواج ثبت شده کمتر از ۱۵ سال برحسب سن زوج در زمان ازدواج، در خوزستان ۵۵ نفر و بالاترین تعداد از مجموع ۳۱۴ ازدواج مردان زیر ۱۵ سال کشور بوده اهواز با ۱۸ نفر و پس از آن دزفول با ۸ نفر بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. تعداد ازدواج ثبت شده کمتر از ۱۰ سال برحسب سن زوج در زمان ازدواج، در خوزستان ۳۹ نفر در برابر ۱۷۹ نفر کل کشور و تعداد ازدواج ثبت شده بین ۱۰-۱۴ سال ۲۳۳۵ نفر برای استان و ۳۶۹۳۸ نفر برای کل کشور ثبت گردیده است همچنین تعداد طلاق ثبت شده برحسب سن زوج (کمتر از ۱۵ سال) در زمان طلاق در کل کشور یک نفر و مربوط به استان خوزستان است در گروه سنی کمتر از ۱۰ سال تعداد طلاق ثبت شده برحسب سن زوج در زمان طلاق کل کشور صفر و در گروه سنی ۱۰-۱۴ سال خوزستان ۸۴ مورد از ۳۲۴۷۷ نفر کل کشور را به خود اختصاص داده است.

◆ عدم تعادل‌های فرهنگی

نرخ باسوادی پایین‌تر و نرخ باسوادی زنان و مردان استان خوزستان در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ پیشرفت داشته اما در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با کاهش همراه بوده. کاهش در نرخ افراد با سواد با کاهش نرخ عضویت در مراکز فرهنگی طی دوره مذکور در ارتباط است. در سال ۱۳۹۰، نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر این استان، برابر با ۸۳٫۵ درصد بوده که این شاخص برای مردان و زنان ساکن در استان به ترتیب ۸۷٫۷ و ۷۹٫۳ درصد به‌دست آمده است. در سال ۹۵ نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر به ۳٫۸۶ درصد رسیده اما همچنان از رقم کشوری آن (۸۷٫۶ درصد) پایین‌تر است. استان در این سال رتبه سیزدهم را به خود اختصاص داده. به‌علاوه عدم تعادل‌های جنسیتی و مکانی مشهودی در نرخ دانش‌آموختگان و سطح‌بندی مراکز اصلی خدمات آموزش عالی در سطح استان وجود دارد. در مقایسه با کل کشور، در همه دوره‌های مورد بررسی میانگین نرخ باسوادی جمعیت کل کشور از استان بالاتر بوده است.

◆ زیربهداشتی بخش آموزش و پرورش

استان خوزستان با رتبه اول کشوری کودکان بازمانده از تحصیل و کمبود نیروی انسانی و جایگاه سوم کشوری از نظر رتبه بیسوادی در بیشتر شاخص‌های آموزش و پرورش از عقب‌مانده‌ترین استان‌های کشور به حساب می‌آید. کمبود اعتبارات، نبود زیرساخت‌های



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

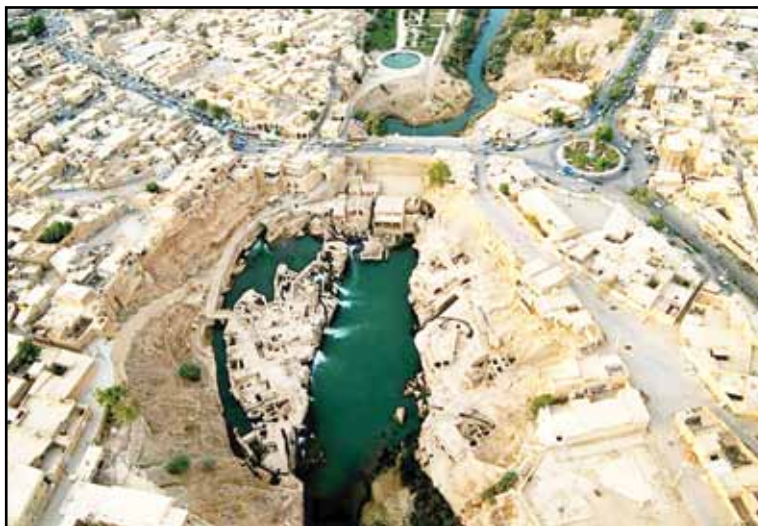
نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



مناسب، مهاجرت روزافزون معلمان مجرب، افزایش حاشیه‌نشینی و وجود اقوام غیر فارسی‌زبان، بخشی از مسائلی است که بر وضعیت سوادآموزی در این استان اثرگذار است. طبق آمار در استان خوزستان، ۱۱ هزار و ۶۱۴ کودک (۶ هزار نفر دختر و ۵ هزار نفر پسر) بازمانده از تحصیل وجود دارد، مهم‌ترین مسأله چندزبانه بودن استان است. کودکان عرب‌زبان خوزستان به دلیل شرایط زندگی در کلاس اول ابتدایی شروع به آموختن زبان فارسی می‌کنند، شرایطی که نهایتاً سبب می‌شود استان افراد بازمانده از تحصیل و افت تحصیلی زیادی داشته باشد. خوزستان علاوه بر مشکلات دانش‌آموزی، با کمبود ۱۴ هزار معلم روبه‌رو است و تعداد زیادی از معلمان نیز به دلیل مسائل و مشکلات موجود در استان، درخواست مهاجرت و تغییر محل خدمت داده‌اند. مسأله نیروی انسانی در این استان متأثر از شرایط زیستی استان و به خصوص مسأله ریزگردها در سال‌های اخیر است.

◆ حاشیه‌نشینی و بافت فرسوده

خوزستان با ۴۰۰ هزار نفر جمعیت حاشیه‌نشین هم‌اکنون رده دوم کشور در بخش حاشیه‌نشینی را به خود اختصاص داده است. به عبارتی معادل ۲۵ درصد از جمعیت این استان در حاشیه شهرها و با امکانات محدود زندگی می‌کنند. بیش از ۱۵۰ هزار هکتار مساحت حاشیه‌نشینی در اهواز وجود دارد. مناطق حاشیه‌ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در بر گرفته است. این معضل که در طول جنگ به دلیل تخریب روستاهای مرزی به صورت مهاجرت‌های وسیع صورت گرفت با ساخت سد‌ها و به زیر آب رفتن روستاها و بهره‌وری پایین کشاورزی در سال‌های بعد از جنگ ادامه یافت. برای نمونه روستانشینان ۴۱ روستای استان خوزستان، محل زندگی خود را ترک کردند تا خانه‌ها، مزارع و مراعات‌شان در اختیار پروژه ساخت سد گتوند علیا قرار گیرد و در زیر دریاچه سد مدفون شود اما سهم این تعداد روستایی از پروژه ساخت سد، کوچ اجباری از روستا به حاشیه شهرها، آوارگی، از دست دادن زمین‌های کشاورزی و در نهایت فقر و بیکاری بوده است. به‌علاوه استان خوزستان ۶ هزار هکتار یعنی مساحتی معادل ۱۳ درصد از بافت فرسوده کل کشور را در خود جای داده است که از نظر بروز آسیب‌های طبیعی و اجتماعی نیاز به مطالعه و اقدام جدی دارد. حاشیه‌نشینی در این استان مسائل امنیتی را تشدید کرده است. به طوریکه از مجموع ۲۰ کلاتری که در شهر اهواز وجود دارد ۱۰ کلاتری این شهر مناطق حاشیه‌نشین را پوشش می‌دهد.

◆ نارضایتی‌های قومی

خوزستان از لحاظ ترکیب قومی و خرده‌فرهنگ‌ها، متکثرترین استان ایران است. بختیاری‌ها، عرب‌ها، فارس‌های بومی شهرها، لر‌ها و... قرارگیری استان در نواحی مرزی با سابقه خطرپذیری و تنش‌های سیاسی، قومی و مذهبی و وجود برخی زمینه‌های قومی - فرهنگی برای ایجاد اختلافات قومی و طایفه‌ای از طریق محرک‌های بیرونی می‌تواند یک خطر بالقوه تلقی شود. بررسی‌ها حاکی از این است که احساس تبعیض و نابرابری و نیز بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی طی سال‌های اخیر افزایش یافته که همین امر می‌تواند در آینده چالش‌های سیاسی و امنیتی گوناگونی را پدید آورد. از جمله مسائلی که استان خوزستان در موضوع قومیت‌ها درگیر آن است، توزیع قدرت سازمانی است. برای نمونه اعراب در این استان معتقدند سهم ناچیزی از توزیع قدرت را در دست دارند و این موضوع شکاف‌هایی چون اعراب و بختیاری‌ها و اعراب و فارس‌ها را تشدید نموده است. در دولت یازدهم سهم اعراب از توزیع قدرت در این استان ۷،۲ درصد از مدیران کل استان بوده است. این نسبت در دولت قبل ۱۲،۴ درصد بوده است. یکی از مهم‌ترین تبعات این وضعیت به وجود آمدن احساس تبعیض در میان اقشار مختلف جامعه عرب استان است. گسترش این احساس به‌ویژه در میان قشر تحصیلکرده عرب با شدت و شتاب بیشتری به چشم می‌خورد و بازنگری در وضعیت کنونی را به یکی از ضرورت‌های استان خوزستان تبدیل نموده است. با توجه به آنکه میزان مشارکت اقوام و اقلیت‌ها در مدیریت‌های کلان ملی و استانی به منزله محکی برای برآورد سطح اعتماد دولت یا حاکمیت به این اقوام یا اقلیت‌ها به حساب آمده است، توجه به این موضوع از اهمیت شایانی برخوردار است.

◆ آسیب‌های اجتماعی

استان خوزستان دومین استان کشور از نظر رتبه نسبت مجموع پرونده‌های قضایی تشکیل شده به

جمعیت استان است (بر اساس آمار ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران). به علاوه از نظر میانگین رتبه میزان شیوع انواع رفتار پرخطر در بین استان‌های کشور رتبه اول را دارد (همان منبع). در همین خصوص به چند مورد اشاره خواهد شد.

قتل: میزان افراد دستگیرشده این استان با ۴،۵ نفر به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، در رابطه با قتل عمد و غیرعمد، در سال ۱۳۹۱ از رقم کشوری (۳،۸) بالاتر است. همچنین بررسی روند میزان مقتولین بر اثر قتل، نشان می‌دهد میزان این شاخص در سال ۱۳۹۱ برابر با ۳،۳ نفر به ازای هر صد هزار نفر جمعیت بوده است که در مقایسه با کشور (۳،۰) وضعیت نامطلوب‌تری داشته است. هرچند طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۱ میزان دستگیرشدگان قتل در مردان بیش از زنان بوده است اما در رتبه‌بندی میزان زنان دستگیر شده قتل عمد و غیرعمد در سال ۱۳۹۰ خوزستان رتبه هفتم و در رتبه‌بندی میزان مقتولین قتل عمد زن در همان سال رتبه نهم را کسب نموده است.

◆ اعتیاد

بنابر نتایج چهارمین طرح ملی شیوع شناسی اعتیاد در سال ۹۰ استان خوزستان سومین استان از میان دوازده استان کشور بوده که به دلیل میزان مصرف، تعداد مصرف‌کنندگان، نوع و الگوی مصرف، آسیب‌های اجتماعی ناشی از اعتیاد و باقی زیرگروه‌های مرتبط، در شرایط بحرانی قرار گرفته‌اند. همچنین استان خوزستان در زمینه روند اعتیاد رتبه یک کشور را دارد که لازم است برای توانمندسازی روانی و اجتماعی اقدام مناسبی انجام شود. به دلیل تبعات منفی گسترده و رابطه اعتیاد بر شیوع ایدز، همسرآزاری، طلاق، کودکان آزاری و همچنین در قتل عمد، نزاع و جرائم مالی لزوم توجه و برنامه‌ریزی در این خصوص از اولویت‌های اساسی استان خواهد بود



انتظارها از قم چیز دیگری بود

قم بیست و یکمین استان ایران از نظر جمعیت است و تراکم جمعیت در آن ۱۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع است که از این نظر پنجمین استان پرتراکم ایران است. نرخ رشد جمعیت استان در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ معادل ۲,۳۳ درصد بوده است. ۶ درصد از کل اتباع خارجی ساکن ایران در استان قم ساکن هستند و ۹۰,۶ درصد از جمعیت استان اتباع ایرانی و ۹,۴ درصد غیر ایرانی‌اند.

♦ چالش‌ها، علل و راهکارها

در حال حاضر عمده‌ترین چالش‌های اجتماعی- فرهنگی و جمعیتی استان قم که بعضاً وضعیت بحرانی پیدا کرده‌اند عبارتند از: طلاق، مهاجرپذیری بالا، حاشیه‌نشینی و تبعات آنها. بررسی وضعیت این سه آسیب عمده در استان قم می‌تواند دریچه‌ای باشد برای فهم نوع نگاه و گفتمان مسئولان به مسائل اجتماعی- فرهنگی در قم که می‌توان گفت شامل چند ویژگی است: ۱- نگاه ایدئولوژیک به قم و مسائل اجتماعی آن ۲- غفلت از مسائل اجتماعی و درک دیر هنگام بحران‌های اجتماعی، ۳- توصیف وضعیت مطلوب به جای تبیین وضعیت بحرانی (کلی‌گویی و کلیشه‌گویی درباره علت‌های مسائل و راهکارهای آن) در باور بسیاری از مسئولان کشوری و استانی، قم به واسطه حضور اماکن متبرک، مقدس و مهم مذهبی، حضور فعال و گسترده حوزه‌های علمیه و عالمان علوم دینی، شهری مذهبی و سنتی است و خود به خود اینگونه نیز باقی خواهند ماند و این ویژگی‌ها استان را در برابر آسیب‌های اجتماعی واکسینه خواهد کرد و بسیاری از آسیب‌ها به سراغش نخواهند آمد. اگر هم بیایند مقطعی و محدود است. در زمینه ویژگی اول باید گفت جامعه ایرانی و قم نیز به تبع آن در دهه‌های گذشته در حال گذار از سنت به مدرنیته بوده است و در حال حاضر به قولی به جامعه‌ای کژمردن تبدیل شده است، بنابراین تغییراتی از قبیل فردگرایی فزاینده، عرفی شدن امور، تحولات نقش‌های جنسیتی، گذار از خانواده گسترده

استان قم به گونه‌ای است که کارشناسان از آن به سونامی خاموشی تعبیر کرده‌اند که به دنبال خود آسیب‌های اجتماعی زیادی را خواهد آورد. به گفته معاون اسناد هویتی اداره ثبت احوال قم ۱۵ درصد طلاق‌های استان قم در کمتر از یک سال بعد از یک سال زندگی مشترک و ۵۴ درصد زوج‌ها کمتر از پنج سال بعد از زندگی مشترک خود طلاق می‌گیرند. ۸۰ درصد از افرادی که زیر پنج سال به زندگی مشترک خود خاتمه می‌دهند شامل افراد زیر ۳۰ سال است. نکته قابل توجه مسأله طلاق در قم این است که پس از گذشت بیست سال از وضعیت فزاینده‌ی وخیم شدن طلاق در استان، هنوز بحث مسئولان ارشد قم بر سر این است که علت‌های نرخ بالای طلاق در استان چیست؟. مدیر کل بهزیستی استان قم (۹۵/۱۰/۱۴) گفته است که «آمار طلاق هر روز در حال افزایش است ولی ما همچنان در حال بررسی عوامل طلاق هستیم. در مورد آمار حاشیه‌نشینی هم همین وضعیت وجود دارد و اطلاعات و آمار دقیقی در دسترس نیست. لذا باید در این زمینه اندیشید زیرا افزایش آمار طلاق نگران‌کننده است» یا استاندار قم (۹۵/۱۰/۱۶) خواستار ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق در موضوع طلاق در این استان شد و معتقد است که متأسفانه ریشه‌یابی درستی در این زمینه صورت نگرفته است. جستجو در بانک‌های اطلاعاتی چون جهاد دانشگاهی و پرتال جامعه علوم انسانی نیز نشان می‌دهد که یا تحقیقات (مقاله، پایان‌نامه و...) معدودی درباره علل طلاق در استان قم انجام گرفته است (تنها ۲ مورد) و یا اگر هم تحقیقی توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجام گرفته است گزارشی از آنها در دسترس نیست.

♦ مهاجرت

بررسی اطلاعات خالص مهاجرت در سه دوره‌ی سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد استان قم در همه دوره‌های مذکور جزء پنج استان (اصفهان، تهران، سمنان و یزد) همیشه مهاجرپذیر کشور بوده است. استان

به هسته‌ای، گسترش فردگرایی عاطفی (که معیارهای سنتی انتخاب همسر و زندگی خانوادگی را به چالش می‌کشد)، گسترش حضور رسانه‌های جمعی و فضای مجازی در زندگی روزمره، خروج از یکسانی فرهنگی-زیستی و ورود به تنوع زیستی و سبک‌های زندگی متفاوت، حضور بیشتر و فعالانه‌تر زنان در اجتماع به واسطه تحصیلات و اشتغال و... اتفاقاتی هستند که ما بخواهیم یا نخواهیم، دیر یا زود، ناقص یا کامل، سالم یا ناسالم به سراغ ایران و استان‌های آن خواهند آمد و این منطق دوران جدید است و نمی‌توان با انکار یا سرکوب آنها مانع از وقوع‌شان شد، هرگونه مقاومتی سلبی در برابر آن به نظر می‌رسد که کوتاه‌مدت و شکننده است و به نتیجه مطلوب نیز نمی‌رسد (بررسی تجربه‌های برخورد با مسائلی چون ماهواره، اینترنت، حجاب و... صحت این مدعا را نشان می‌دهد) در حال حاضر حضور و تأثیرگذاری این تغییرات و پیامدهای مثبت و منفی آنها را در زندگی روزمره ایرانیان (در مورد گزارش حاضر در زندگی روزمره مردمان قم) با کمیت‌ها و کیفیت‌های متفاوت بینیم. اینکه پیوسته قم را شهری سنتی و مذهبی و دارای یکپارچگی اجتماعی ناشی از وضعیت پیشامردن بدانیم، نوع نگاه خلاف دوران است که واقع‌نگری اندکی دارد که منجر به ویژگی دوم می‌شود و باعث می‌شود تا مسئولان از توجه به آسیب‌های اجتماعی و پذیرش وجود آنها غفلت کنند.

♦ طلاق

در حال حاضر این توافق بین مسئولان و کارشناسان استان قم وجود دارد که طلاق مهم‌ترین آسیب و معضل اجتماعی این استان است. از سال ۷۵ تاکنون استان قم تقریباً به شکل پیوسته رتبه‌های اول تا چهارم نرخ طلاق در کشور را داشته است (در سال ۹۴-۹۳ با ۴ درصد افزایش نرخ رتبه هفتم را داشته است). سالیانه سه هزار مورد طلاق در استان قم ثبت می‌شود و این به این معنی است که تقریباً از هر سه یا چهار ازدواج یک مورد به جدایی می‌انجامد. وضعیت طلاق در

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

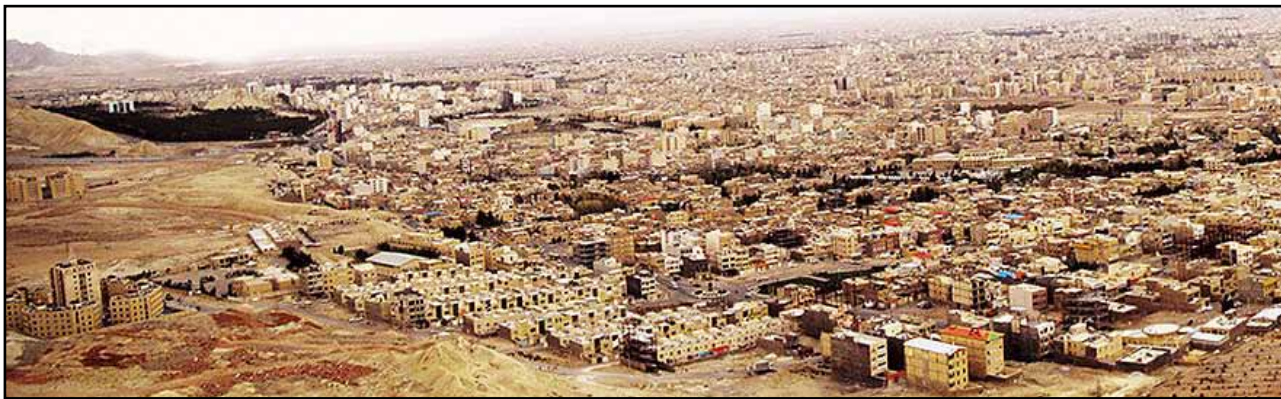
نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



قم در سال ۱۳۹۰ با نسبت مهاجرت ۱۲۷٫۵ رتبه ششم کشور و در سال ۱۳۹۵ بنا به گفته مدیر کل فرهنگی و اجتماعی استانداری قم (۹۵/۷/۱۳) سومین استان مهاجرپذیر کشور بوده است از مهم ترین علت های مهاجرت به این استان می توان به زائرپذیری این شهر، وجود مسجد جمکران و بارگاه حضرت معصومه (س)، موقعیت جغرافیایی استان که در مسیر مواصلاتی ۱۷ استان کشور قرار گرفته است، نزدیکی به پایتخت، اشتغال و عوامل اقتصادی اشاره کرد. وجود حوزه های علمیه و مراکز علمی و فرهنگی نیز عامل دیگری بر مهاجرت پذیری است، به طوری که بسیاری افراد که برای تحصیل به قم سفر می کنند، خانواده خود را نیز به این شهر منتقل کرده و در این شهر ساکن می شوند. وجود مراکزی مانند جامعه المصطفی العالمیه نیز سبب شده ملیت های مختلف نیز برای تحصیل به قم مهاجرت کنند به گونه ای که ۱۱ درصد مهاجرین به قم غیر ایرانی هستند. بنابر گفته مدیر کل اتباع و مهاجرین خارجی استان قم ۹۵/۱۰/۱۰ در حال حاضر ۱۵ درصد جمعیت استان قم را مهاجرین تشکیل می دهند که رقم قابل توجهی از آنان افغانستانی هستند. استان قم میزبان حدود ۱۳۵ هزار تبعه خارجی از بیش از ۱۰۰ کشور جهان است که به صورت قانونی در این شهر زندگی می کنند. ۹۰ درصد از این شهروندان غیر ایرانی ساکن قم، افغانستانی هستند؛ آنان به دلیل مشکلات امنیتی که کشور افغانستان از دیرباز با آن مواجه بوده است به قم پناه آورده اند و شهروندان سایر کشورها نیز به علت هایی از جمله تحصیل در حوزه های علمیه در این شهر سکونت دارند. بنا به گفته ایشان طبق آخرین آمار بیش از ۳ هزار دانشجوی افغانستانی در دانشگاه های استان مشغول به تحصیل هستند و مهاجرین افغانستانی ۱۹ هزار فرصت شغلی را در استان قم در اختیار دارند.

به نظر می رسد نخستین اقدام در زمینه حل مشکلات مهاجران و آسیب های اجتماعی که به واسطه حضور آنها در استان قم پدید آمده است، تغییر در نگرش و گفت و گو میان حاکم نسبت به مهاجران و آسیب های اجتماعی است، در صورتیکه این گفت و گو تداوم یابد در دراز مدت نه تنها آسیب های

اجتماعی ناشی از مهاجران حل نخواهد شد بلکه آسیب هایی از قبیل مهاجرت ستیزی و غربیه ستیزی و در نتیجه آنها کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت اجتماعی نسبت به غربیه ها و مهاجران نیز به وجود می آید. ساماندهی مسائل مهاجران نیازمند مجموعه اقداماتی در سطح کشوری و منطقه ای (استان های مهاجر فرست) و استان مهاجر پذیر (در این گزارش قم) است که در زیر به مواردی از این اقدامات اشاره می شود.

♦ حاشیه نشینی

استان قم و خاصه شهر قم به دلیل نقش مذهبی-زیارتی، موقعیت سیاسی-جغرافیایی و قرارگیری بین سه قطب صنعتی کشور (تهران، اصفهان، اراک) همواره کانونی برای جذب مهاجرین بوده است. از آنجا که مهاجران تازه وارد به شهر قم اکثر از اقشار کم درآمد هستند، نمی توانند در بازار رسمی مسکن وارد شده و به بخش غیررسمی شهر و حاشیه نشینی وارد می گردند. به تعبیر مدیر کل پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (۹۶/۷/۳) حاشیه نشینی یکی از چهار علل اصلی آسیب های اجتماعی در کشور به شمار می رود که در استان قم شاید بتوان آن را جزء سه علت اصلی به حساب آورد وی معتقد است که حاشیه نشینی در جامعه ما به دلایل گوناگون و البته پرتعداد، در حال حاضر یک معضل حاد ملی محسوب می شود که با ادامه روند فعلی و بی توجهی مسئولان به آن، بی تردید به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد که توسعه فقر، بیکاری و ایجاد ناامنی های بی شمار از جمله نتایج چنین فاجعه ای خواهد بود. استان قم با داشتن جمعیت حاشیه نشین حداقل ۹۰ هزار نفری که نزدیک به ۸ درصد جمعیت استان را در برمی گیرد نیز شامل این وضعیت است. در ادامه سعی می شود تا رویکرد فعلی و واکنش کلی مسئولان قم نسبت به حاشیه نشینی و وضعیت حاشیه نشینی این استان را مشخص نماییم.

نزدیک به یک دهه قبل کارشناسان مسائل شهری و اجتماعی خواستار واقعی تلقی شدن مشکل حاشیه نشینی در شهر قم شده اند. دو

مقاله توانمندسازی اجتماعی، راه حلی برای حاشیه نشینی (مورد شیخ آباد قم) (۱۳۸۶) و بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی ناشی از حاشیه نشینی در شهر قم (۱۳۸۸) که مقاله دوم در پژوهشنامه دفتر آموزش و پژوهش استانداری قم چاپ شده است نمونه هایی از این درخواست و هشدار هستند، هشدار می که به نظر می رسد جدی گرفته نشده است، چرا که هنوز حتی بر سر مسائل اولیه چون جدیت مسأله، آمار و ارقام جمعیت و محله های دارای اسکان حاشیه نشین در استان قم توافق نظری وجود ندارد. طبق برآورد سال ۸۰-۷۹ جمعیت حاشیه نشین استان قم ۹۰۰۰۰ هزار نفر است و ۱۷ محله دارای اسکان غیررسمی و حاشیه نشین است، همین دو عدد عیناً! برای میزان محلات و جمعیت دارای اسکان غیررسمی قم در سال ۹۰ در گزارش حاشیه نشینی وزارت کشور و راه و شهرسازی (اردیبهشت ۹۵) هم تکرار شده است و (این در حالی است که در تمامی این سال ها پیوسته نرخ مهاجرت به قم مثبت بوده است و قاعدتاً باید نرخ حاشیه نشینی افزایش پیدا کرده باشد). مدیر کل اجتماعی و فرهنگی استانداری قم (۹۵/۷/۹) جمعیت حاشیه نشین استان را ۲۸۰۰۰ نفر و تعداد مناطق حاشیه نشین را ۷ الی ۸ منطقه اعلام می کند (۹۵/۲/۲۶) شهردار قم (۹۵/۲/۲۶) معتقد است که حاشیه نشینی یک چالش عمده و اصلی قم نیست. در حالی که رئیس اداره عمران و بهسازی شهری اداره راه و شهرسازی قم (۹۵/۴/۱۰) معتقد به وجود ۱۱ منطقه حاشیه نشین با جمعیت ۲۷۰ هزار نفری که نزدیک به یک چهارم جمعیت قم را شامل می شود، آمار و ارقام فوق چیزی جز آشفتگی آماری و جدی تلقی نشدن موضع حاشیه نشینی در قم را به ذهن متبادر نمی کند. نتیجه این آشفتگی این می شود که مدیر کل بهزیستی قم (۹۵/۲/۱۰) از عدم هماهنگی سازمان های دولتی استان قم در شناسایی و درمان آسیب های اجتماعی گلایه نموده و معتقد است که متأسفانه سال ۳۱ سال موفقی در کاهش آسیب های اجتماعی برای استان قم نبوده است.

چالش‌های بدخیم کرمانشاهی

مشکلاتی در زمینه استخدام نیروی انسانی در گروه مذهبی؛ عدم به کارگیری نخبگان آنها در مناصب مدیریتی استان؛ عدم اجازه به آنها در زمینه بازسازی، ترمیم و گسترش مراکز مذهبی و عبادی؛ ایجاد مشکلاتی برای فعالان اقتصادی این گروه‌ها و به‌ویژه پیروان اهل حق، احساس تبعیض و نارضایتی‌های شدیدی را در بین پیروان آنها در استان ایجاد نموده که در صورت ادامه روند کنونی می‌تواند منجر به مشکلات امنیتی برای استان و کشور شود. ملحق شدن گروه‌هایی از پیروان مذهب اهل سنت در برخی شهرستان‌ها و روستاهای سنی‌نشین استان به گروه‌های تروریستی از همین منظر قابل بررسی است. *چاقاق اسلحه، مهمات و مشروبات الکلی. وجود ۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، شرایط اقتصادی نامناسب استان و وجود تقاضای قابل ملاحظه برای مشروبات الکلی سبب شده است که در برخی مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه فعالیت‌هایی سیستماتیک در زمینه چاقاق اسلحه، مهمات و مشروبات الکلی شکل گیرد. از سوی دیگر به واسطه غیرقانونی بودن تولید و فروش مشروبات الکلی در کشور، امکان

قبیل ایدز، طلاق، کودکان خیابانی و کار و... را نیز موجب شده است. بنابر برخی مطالعات و بررسی‌های انجام شده در ده سال گذشته تعداد زنان معتاد ۴ برابر شده است. همچنین الگوهای مصرف مواد، از مواد مخدر سنتی به مواد مخدر صنعتی تغییر یافته و فرآیند رسیدن فرد به اعتیاد کامل نیز در مقایسه با سایر نقاط کشور در مدت زمان کمتری رخ می‌دهد. برخی گزارش‌ها حاکی از تولید مواد مخدر جدید در مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه می‌باشد که اثرات مخربی را بر مصرف‌کننده بر جای می‌گذارند.

*طلاق: آمار طلاق در استان کرمانشاه از میانگین کشوری بالاتر می‌باشد. بنابر اظهار نظر برخی مسئولان، یکی از علل افزایش آمار طلاق در سال‌های اخیر، افزایش آمار خیانت و خشونت‌های خانگی می‌باشد. شایان ذکر است که اگرچه در گذشته خیانت‌های زناشویی بیشتر منحصر به مردان بود اما در سال‌های اخیر تحت تأثیر عوامل گوناگون، آمار خیانت‌های زنان نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

*وجود احساس تبعیض شدید در بین پیروان مذاهب اهل سنت و اهل حق کرمانشاه: وجود

استان کرمانشاه در حوزه فرهنگی و اجتماعی با چالش‌ها و مسائل پیچیده و بدخیمی روبه‌رو است که تحت تأثیر عوامل مختلفی در طول دهه‌ها و سالیان پیش شکل گرفته و عدم توجه مناسب به آنها و عدم اتخاذ روش‌هایی علمی و کارآمد برای آسیب‌شناسی و مواجهه با آنها، این مسائل را چنان بغرنج و پیچیده نموده که کنترل این آسیب‌ها در شرایط کنونی اگر نگوییم امکان‌ناپذیر اما به میزان بسیار زیادی دشوار و نیازمند منابع انسانی، اقتصادی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای است.

*رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی نوپدید: در طول سال‌های گذشته آسیب‌های اجتماعی گوناگون و نوپدیدی در استان کرمانشاه و به‌ویژه شهر کرمانشاه ایجاد شده است که به صورت تیرتوار می‌توان آنها را به صورت زیر برشمرد.

*رشد اعتیاد: بنابر برخی مطالعات انجام شده در سال ۱۳۸۶ تعداد معتادین شهر کرمانشاه رقمی در حدود ۱۲۶۰۰۰ نفر برآورد شده است که رسیدن این رقم در شرایط کنونی به حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر دور از انتظار نیست. گسترش این آسیب در کرمانشاه موجبات گسترش آسیب‌های اجتماعی دیگری از

خراسان رضوی و هدر رفت سرمایه اجتماعی

محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد می‌توان به گلشهر، شهرک شهید رجایی، بازه شیخ، ۵ تن، سیدی، دوست‌آباد اشاره کرد. مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد بنا به مطالعات انجام شده با مشکلات شدید امنیتی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند. در ارتباط با موضوع حاشیه‌نشینی باید به طور همزمان دو دسته راهکار را در نظیر داشت. نخست راهکارهایی که متوجه توانمندسازی ساکنین و کاهش آسیب‌های این مناطق می‌باشند و دیگری راهکارهایی در جهت جلوگیری از افزایش مهاجرت و گسترش مناطق اسکان غیر رسمی.

وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی

بر اساس آخرین تحقیقات انجام شده از سوی وزارت کشور پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی استان خراسان رضوی از نظر سرمایه اجتماعی کلان در رتبه بیست و نهم، از نظر سرمایه اجتماعی میانی در رتبه سی و از نظر سرمایه اجتماعی خرد در رتبه بیست و هفتم کشور قرار گرفته است؛ این وضعیت استان خراسان رضوی را در مجموع در جایگاه بیست و هشتم کشور قرار

حاشیه‌نشین در رتبه اول کشور قرار می‌داد. بنابر آخرین اظهار نظرهای صورت گرفته از مسئولین استانی و گزارش اتاق فکر استان خراسان رضوی، جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد به تنهایی در شرایط کنونی بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر برآورد می‌شود که روند رو به رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهند شهر مشهد (۱۵،۲ درصد حاشیه‌نشین) نزدیک به دو برابر میانگین کشوری (۸،۵ درصد) حاشیه‌نشین دارد. افزایش میزان تورم اقتصادی، مهاجرت روستاییان به شهر به واسطه سیاست‌های نامناسب اتخاذ شده در مناطق روستایی، مهاجرت‌های کنترل نشده به واسطه انباشت امکانات در شهر مشهد، فقر و کاهش سطح درآمد مردم در کنار افزایش اجاره‌بهای واحدهای مسکونی، اقدامات سوداگران زمین و عدم همکاری استان قدس رضوی با شهرداری مشهد با وجود مالکیت نزدیک به ۴۳ درصد از اراضی مشهد از مهم‌ترین عوامل رشد حاشیه‌نشینی در استان خراسان رضوی و مخصوصاً شهر مشهد می‌باشد. از مهم‌ترین

استان خراسان رضوی یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور از حیث مذهبی به دلیل وجود مرقد امام هشتم شیعیان است. از مزیت‌های عمده استان خراسان رضوی موقعیت ممتاز جغرافیایی (ژئوپولیتیک)، سیاق‌غنی فرهنگی، تباریخی و روابط فرهنگی و قومی با افغانستان و آسیای مرکزی، تنوع اقلیمی و مراکز علمی-آموزشی و تحقیقاتی می‌باشد. حوزه اجتماعی این استان متأثر از حاشیه‌نشینی، مهاجرت، و کمبود آب است که در کنار سیاستگذاری‌های نامناسب ملی و استانی، موجب ایجاد برخی چالش‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته خواهد شد.

حاشیه‌نشینی

بنابر مطالعات انجام شده در سال ۲۹۳۷ جمعیت حاشیه‌نشین استان خراسان رضوی ۹۱۲۱۰۳ نفر برآورد شده بود که در ۹۹ محله اسکان غیر رسمی و در شهرهای مشهد، سبزوار، تربت حیدریه و نیشابور استقرار یافته بودند؛ این میزان، استان خراسان رضوی را از نظر جمعیت

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

نظارت و کنترل بر تولید و فروش آنها وجود نداشته و مشروبات الکلی تقلبی سالانه موجبات مصمومیت‌های فراوانی را ایجاد می‌نماید.

وضعیت نامناسب آثار تاریخی و میراث فرهنگی استان: استان کرمانشاه به واسطه آنکه یکی از مراکز دیرین تمدن در ایران بوده آثار تاریخی گوناگون و با ارزشی را از دوره‌های تاریخی مختلف در خود جای داده است. در شرایط کنونی، این آثار که می‌تواند با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسبی تبدیل به یکی از منابع تقویت‌کننده اقتصاد استان گردد به دلایلی از قبیل سوءمدیریت و کمبود بودجه، در معرض آسیب‌ها و مخاطرات مختلفی قرار گرفته که ادامه بی‌توجهی به آنها می‌تواند موجب از بین رفتن بخش قابل توجهی از آنها و یا خروج آنها از کشور توسط قاچاقچیان گردد.

علاوه بر موارد فوق آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دیگری از قبیل مهاجرت نخبگان استان در حوزه‌های گوناگون که سرمایه‌های اقتصادی و انسانی استان را به شدت کاهش داده است، تخریب و قاچاق گسترده آثار باستانی استان که در بعضی موارد رده‌های پایین سازمان‌ها و نهادهای متولی نیز به این امر آلوده شده‌اند، افول سرمایه اجتماعی، ناامیدی، یاس عمومی و ناشادی و تصور بی‌تفاوتی نظام به استان، از دیگر آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در استان است.

داده که با توجه به وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در ایران بر اساس رتبه‌بندی‌های جهانی صورت گرفته وضعیت نگران‌کننده‌ای را از این نظر در استان خراسان رضوی نشان می‌دهد. با توجه به اینکه بر اساس مطالعات انجام شده میزان سرمایه اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با متغیرهایی چون رشد اقتصادی، آموزش عالی، توسعه مالی، نوآوری، بهداشت عمومی، کاهش نرخ خودکشی، خشونت و جرائم مالی دارد، تبیین وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در این استان و چاره‌اندیشی پیرامون راهکارهای بهینه بهبود این وضعیت می‌بایست هر چه سریع‌تر در دستور کار مسئولین استانی و ملی قرار گیرد.

♦ درصد بالای زنان سرپرست خانوار

استان خراسان رضوی یکی از استان‌های کشور است که از نظر درصد زنان سرپرست خانوار وضعیت نامناسبی را در مقایسه با میانگین کشوری تجربه می‌کند (۱۳،۴ درصد برابر ۱۲،۱). زن بودن سرپرست خانوار به خودی خود مسئله و چالشی اجتماعی نیست اما هنگامی که در کنار وضعیت نامناسب زنان در زمینه دستیابی به فرصت‌های شغلی و فقدان مهارت‌های لازم برای کسب درآمدهای اقتصادی و با وجود موانع اجتماعی و فرهنگی

♦ علل پیدایش و تداوم چالش‌ها

شرایط نامناسب اجتماعی و فرهنگی استان و رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی در آن، معلول در کنار هم قرارگیری مجموعه‌ای از عوامل در طول سالها و دهه‌های گذشته است که تحت تأثیر ناکارآمدی‌های موجود در حوزه اقتصادی و اقدامات نامناسب دستگاه‌های اجرایی و امنیتی در شناسایی و مواجهه کارآمد با این مسائل پدید آمده‌اند. در زیر به صورت تیتروار به علل اصلی پیدایش وضعیت نامناسب کنونی در حوزه فرهنگی و اجتماعی پرداخته می‌شود.

♦ گسترش حاشیه‌نشینی در شهر کرمانشاه: بنابر برخی برآوردها و مطالعات انجام شده هم‌اکنون ۴۰ درصد جمعیت شهر کرمانشاه در ۱۳ نقطه حاشیه‌ای شهر که در زمینه امکانات بهداشتی-درمانی، امنیتی و خدمات شهری با مشکلات جدی روبه‌رو هستند زندگی می‌کنند. این عامل خود تحت تأثیر ناکارآمدی‌های سیستم حکمرانی در زمینه بهره‌برداری از پتانسیل‌های گوناگون استان در مناطق مختلف و اتخاذ سیاست‌هایی تمرکزگرا در استان است. این مناطق حاشیه‌ای از پایگاه‌های اصلی آسیب‌های اجتماعی‌ای است که در بخش قبل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره شد.

برای مشارکت آنها در بازار کسب و کار قرار گیرد می‌توانید تبدیل به مسأله و چالشی اجتماعی-فرهنگی شده و موجبات ایجاد آسیب‌های گوناگونی را فراهم آورد.

♦ بالا بودن نرخ جرائم

بر اساس اطلاعات سازمان زندان‌های کشور در سال ۱۳۹۰ درصد جرائم مواد مخدر ۳۵،۹، سرقت و ربودن میال غیر ۲۵،۵، اعمال بر ضد عفت و اخلاق عمومی ۱۲،۳، اقدامات مجرمانه علیه اشخاص و اطفال ۹،۳ و علیه اموال و مالکیت ۵،۶ بوده است. بنابر اطلاعات موجود در سال ۱۳۹۲ بیشترین تعداد زندانیان استان خراسان رضوی مربوط به جرائم مرتبط با مواد مخدر بوده است. نسبت جرم به جمعیت در خراسان رضوی ۳۷ نفر در هر ده هزار نفر جمعیت (میانگین کشوری ۲۹،۴ نفر در هر ده هزار نفر جمعیت) می‌باشد که نشان‌دهنده میزان زیاد جرائم نسبت به میانگین کشوری است. مهم‌ترین عوامل موثر بر افزایش جرم در این استان را می‌توان در مواردی چون افزایش جمعیت حاشیه‌نشین و سیاست‌های نامناسب اتخاذ شده در نقاط حاشیه‌ای، نزدیکی به مرزهای شرقی کشور با کشور افغانستان به عنوان یکی از نقاط اصلی تولید مواد مخدر برشمرد.

♦ بیکاری و فقر اقتصادی

♦ فقر اطلاعاتی پیرامون وضعیت آسیب‌های اجتماعی: نگرش امنیتی به موضوع آسیب‌های اجتماعی در استان سبب شده است که امکان انجام مطالعات و پژوهش‌هایی دقیق و علمی که مقدمه ارائه راهکار در این زمینه است وجود نداشته و بحران‌ها و مسائل در مراحل اولیه خود شناسایی نشوند به گونه‌ای که بنابر بررسی‌های صورت گرفته برخی سازمان‌های مسئول در زمینه آسیب‌های اجتماعی، علی‌رغم گذر چند سال از ظهور این آسیب‌ها در شهر کرمانشاه، خود به شکل‌گیری برخی آسیب‌های نوظهوری که در بخش قبل به آنها اشاره شد آگاهی و اشراف ندارند.

♦ ضعف و ناکارآمدی قوانین: عدم تطبیق برخی قوانین از قبیل قوانین مربوط به خانواده و قوانین موجود در زمینه مواد مخدر و مشروبات الکلی، امکان کنترل و نظارت بر برخی آسیب‌ها در این زمینه را کاهش داده و خود به منزله عاملی در جهت گسترش و تعمیق این آسیب‌ها عمل می‌کنند.

♦ مواجهه نامناسب با موضوع آسیب‌های اجتماعی: برخورد‌های پلیسی و امنیتی با موضوع آسیب‌های اجتماعی که ناکارآمدی خود را در سایر استان‌های کشور نیز نشان داده سبب شده است که این آسیب‌ها در کل شهر پراکنده شده و امکان کنترل و نظارت بر آنها دشوار گردد.

♦ کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده

در استان خراسان رضوی و به‌خصوص شهرستان مشهد، عمومیت ازدواج کاهش و میانگین سن ازدواج افزایش یافته است. رشد ازدواج در استان خراسان رضوی طی سال‌های اخیر اندک و بعضاً منفی بوده است.

بر اساس آمار ارائه شده توسط سایت ثبت احوال خراسان رضوی در سال ۱۳۹۲ در استان خراسان رضوی ۷۱۴۶۵ ازدواج و ۱۶۱۷۸ طلاق ثبت شده است.

در سال ۱۳۹۳، تعداد کل ازدواج‌های استان ۶۹۲۰۰ (نرخ ازدواج: ۱۱،۵) و مجموع طلاق‌ها ۱۸۶۰۱ (نرخ طلاق: ۳،۱) بوده است (نسبت ازدواج به طلاق: ۳،۵)؛ در سال ۱۳۹۴، ۶۰۴۷۲ ازدواج و ۱۷۱۶۵ طلاق ثبت شده است (نسبت ازدواج به طلاق: ۳،۷). افزایش آمار طلاق و کاهش نرخ ازدواج با توجه به عدم چاره‌اندیشی پیرامون روش‌های اساسی پاسخ‌گویی به نیازهای روانی و جنسی فردی می‌تواند در آینده تبعات اجتماعی، روانی، بهداشتی و امنیتی قابل توجهی را در استان‌هایی چون خراسان رضوی ایجاد کند.



بالاترین نرخ حاشیه‌نشینی در کردستان

گذاشت. عدم استفاده بهینه از پتانسیل‌های توسعه‌ای استان، عدم وجود عدالت منطقه‌ای و کشوری نسبت به کردستان، به کارگیری نیروهای غیربومی، غیرکرد و غیر سنی در سطوح بالای مدیریتی استان، انجام طرح‌های عمرانی-آبی که بیشترین سودمندی را نه برای کردستان بلکه برای استان‌های مجاورش داشته است، نگاه امنیتی به فعالان مدنی و تبعات سنگین اقدامات مدنی-فرهنگی، عدم تدریس زبان و ادبیات کردی در سال‌های متمادی و مواردی از این دست را می‌توان از علت‌های فرسایش سرمایه اجتماعی در کردستان دانست. فرسایشی که منجر به کاهش اعتماد به نهادهای تصمیم‌گیر و خوش‌بینی نسبت به آینده استان شده است.

◆ حاشیه‌نشینی

استان کردستان با داشتن ۱۸۸ درصد جمعیت حاشیه‌نشین، بالاترین میزان حاشیه‌نشینی در کشور را دارد. این وضعیت به اندازه‌ای وخیم است که در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ از سوی بانک جهانی برای آن اعتبار در نظر گرفته شده است. شهرستان سنندج ۳۰ درصد از جمعیت استان کردستان را در خود جا داده است که بیش از ۵۴ درصد از این جمعیت حاضر در سنندج را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که روند حاشیه‌نشینی در شهرستان‌هایی همچون بانه، مریوان، قروه و حتی سقز نیز شروع شده است. حاشیه‌نشینی به علت‌هایی چون بیکاری و نبود اشتغال لازم، نبود نظارت‌های لازم از سوی مدیران شهری، اجرای طرح‌های سدسازی کارشناسی نشده که

جدی است، چرا که به این معنی است که وضع نگرشی-ارتباطی و اعتمادی بین مردمان استان و ساختار سیاسی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و در صورتیکه این شکاف اعتمادی-ارتباطی برطرف نشود در بزنگاه‌های بحرانی که ساختار سیاسی حاکم نیازمند حمایت و پشتیبانی مردم کردستان خواهد بود یا شاهد عدم واکنش طیف وسیعی از مردم خواهیم بود و یا حتی یک وضعیت تقابلی شکل خواهد گرفت. نامطلوب بودن وضعیت سطح میانی سرمایه اجتماعی (اعتماد سازمانی، عملکرد و پاسخگویی سازمان‌ها، کیفیت خدمت‌رسانی و...) یعنی اینکه مجموعه سازمان‌ها و نهادهای دولتی استان کارایی و کیفیت لازم را ندارند (مردم، نمایندگان مجلس و نمایندگی ولی فقیه در استان در این باور اشتراک نظر دارند) نتیجه این وضعیت افزایش نارضایتی عمومی در سطح استان است و زمینه‌های توسعه‌یافتگی درون استان، نیز از طریق مدیریت ناکارآمد و اتلاف منابع و سرمایه‌ها تضعیف خواهد شد. در سطح خرد وضعیت شاخص‌هایی چون شعاع روابط و تعامل با اعضای خانواده، با همسایه و آشنایان و غیرهمشهری‌ها و غریبه‌ها در سطح مناسبی قرار دارد (که یکی از معنای این است که کردستانی‌ها در دایره تنگ تعصبات قومی نسبت به غیر کردها گرفتار نیستند) اما شاخص‌هایی چون احساس امنیت، رضایت از زندگی و تعلق و عرق ملی آنچنان سطح پایینی دارند که در مجموع سطح خرد سرمایه اجتماعی در کردستان را نیز در وضعیت نامطلوبی قرار داده است و این وضعیت بر کیفیت زندگی کردستانی‌ها تأثیر منفی خواهد

بر پایه سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ استان کردستان ۱۴۹۳۶۴۵ نفر جمعیت دارد که کهن نزدیک به ۲/۰۴ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. ۶۶ درصد جمعیت این استان شهری و ۳۴ درصد آن را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. شهرستان سنندج به عنوان مرکز استان دارای بیشترین نسبت شهرنشینی (در حدود ۸۳ درصد) و کمترین نسبت جمعیت روستایی است (در حدود ۱۷ درصد)، در حالیکه شهرستان سروآباد دارای کمترین نسبت شهرنشینی با ۸ درصد و بالاترین نسبت جمعیت روستایی با ۹۲ درصد در سطح استان است. تراکم نسبی جمعیت معادل ۵۱/۲ نفر در کیلومتر مربع است. پرتراکم‌ترین شهر استان، سنندج ۱۳۹ نفر و کمترین بیجار با ۱۶ نفر در کیلومتر مربع است.

◆ سرمایه اجتماعی

وجود سطح مناسبی از شبکه‌های ارتباطی و اعتمادی مناسب و کارآمد در سطوح مختلف یک جامعه امری ضروری برای امنیت، توسعه و رفاه آن جامعه است. دامنه تأثیرات سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف مواردی چون افزایش سلامت روان افراد، کاهش جرم و بزه، افزایش کارایی و پاسخگویی سازمان‌ها و نهائین موارد کثرتی چون افزایش امنیت و سرعت بخشیدن به جریان توسعه‌یافتگی یک جامعه را دربرمی‌گیرد. این وضعیت که سرمایه اجتماعی در سطح کلان (نگرش به عملکرد نظام، موفقیت نهادی، وجود عدالت و برابری و...) در استان از وضعیت مناسبی برخوردار نیست حتی برای مسئولینی که کردستان را در چارچوب یک مسأله امنیتی نگاه می‌کند نیز یک هشدار

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

هرمزگانی‌ها؛ ازدواج در کمترین سن



بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۵ جمعیت استان هرمزگان ۴۱۵۷۷۶۱ نفر است که از این نظر پانزدهمین استان کشور است و نزدیک به ۲,۲۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده است. از کل جمعیت استان ۵۴,۷ درصد در نقاط شهری و ۴۶,۳ درصد در نقاط روستایی استان زندگی می‌کنند. هرمزگان به لحاظ جمعیت شهری و روستایی وضعیت کاملاً متفاوت با شرایط کشوری دارد بدین معنا که از کل جمعیت ایران تنها در حدود ۲۸ درصد در روستاها زندگی می‌کنند، این در حالی است که در هرمزگان نسبت جمعیت شهری به روستایی تقریباً برابر است. توزیع جمعیت در سه بخش مرکزی، شرقی و غربی این استان کاملاً متفاوت است. بخش شرقی و غربی استان با داشتن جمعیت‌هایی ۷۰ درصدی و ۵۰ درصدی بیشترین میزان جمعیت روستایی استان را دارند. که این امر در برنامه‌ریزی‌های ملی و استانی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

♦ چالش‌ها، علل و راهکارها

در باب بروز آسیب‌های اجتماعی در هرمزگان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به دلیل بافت سنتی و روابط روستایی میان اکثریت ساکنان شرق و غرب هرمزگان عمده ناهنجاری‌های اجتماعی در مرکز و به‌ویژه بندرعباس رخ می‌دهد. بنا به گفته رئیس سابق دادگستری استان هرمزگان (۹۲/۷/۲۰) حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد وقوع جرم و معضلات در مرکز استان صورت می‌گیرد و باید در زمینه آسیب‌های اجتماعی مرکز استان را در اولویت قرار داد. در حال حاضر بنا به گفته رئیس دادگستری هرمزگان (۹۵/۷/۱۵) افزایش طلاق، حاشیه‌نشینی و اعتیاد به عنوان مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های پیدایش ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی در سطح استان هرمزگان هستند. استاندار هرمزگان نیز در ستاد فرهنگی، اجتماعی و مدیریت ساماندهی آسیب‌های اجتماعی (۹۵/۲/۳۱) اعتیاد، حاشیه‌نشینی و طلاق را در اولویت برنامه‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی اعلام می‌کند.

♦ اعتیاد

استان هرمزگان به دلیل همجواری با استان‌های هم مرز با افغانستان و پاکستان در مسیر قاچاق مواد مخدر قرار دارد که این امر باعث شده تا مواد مخدر در استان هرمزگان به آسانی قابل دسترس باشد، استان هرمزگان در زمینه کشف مواد مخدر پیوسته رتبه‌دار بوده است (سال ۹۲ بالاترین میزان کشف مواد مخدر در کشور) آمار دقیق از مبتلایان به اعتیاد در استان هرمزگان وجود ندارد (با در دسترس نیست)، در حالیکه استاندار سابق هرمزگان (۹۰/۸/۱۱) وضعیت اعتیاد در هرمزگان را اسفبار می‌داند و وجود ۹۶ هزار معتاد در هرمزگان را آمار خطرناکی برای جامعه می‌داند، رئیس کل سابق دادگستری استان هرمزگان سه سال بعد (۹۳/۷/۱۴) تعداد معتادان هرمزگان را حدود ۳۰ هزار نفر می‌داند در حالیکه مدیرکل سازمان بهزیستی استان هرمزگان دو سال بعد (۹۵/۲/۲۵) از وجود جامعه ۴۴ هزار نفری از مصرف‌کنندگان مواد مخدر در استان سخن می‌گوید و این یعنی اینکه نزدیک به ۲/۵ درصد جمعیت

باعث گسیل جمعیت روستاها به شهرها می‌شود، الحاق روستاهای نزدیک سبندج به شهر و نهایتاً فقر و خشکسالی در مناطق روستایی به وضعیت فعلی رسیده است و کارشناسان هشدار به راه افتادن موج چهارم گسترش حاشیه‌نشینی به علت خشکسالی را داده‌اند. حاشیه‌نشینی منجر به تقویت و تشدید وضعیت بیکاری، شکل‌گیری مشاغل کاذب، رشد ناهنجار و بی‌رویه شهرها، کمبود امکانات رفاهی و خدماتی شهری، گسترش اعتیاد و جرم و آسیب‌های بی‌شمار دیگری می‌شود که هر چه سریع‌تر باید جهت جلوگیری از گسترش آن اقدامات لازم را انجام داد.

♦ وضعیت محرومیت مضاعف زنان در کردستان

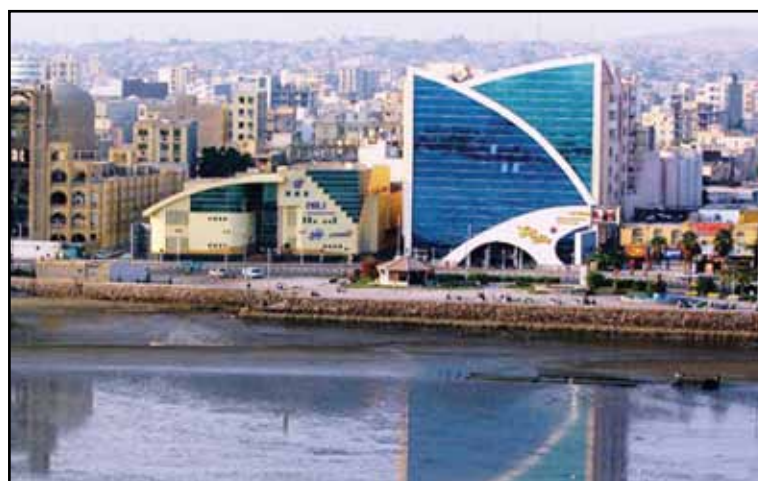
شاخص نرخ با سوادی یکی از سه شاخص تشکیل‌دهنده توسعه انسانی (نرخ باسوادی، طول عمر و سطح زندگی) می‌باشد. در سال ۹۰ استان کردستان در رتبه ۲۹ کشور از نظر شاخص توسعه انسانی قرار گرفته است که به این معنی است که جزء توسعه‌نیافته‌ترین و محروم‌ترین استان‌های کشور است. سواد بستر لازم را برای آموزش فرهنگ و پذیرش بیشتر و بهتر آن فراهم می‌آورد که این به نوبه خود می‌تواند بر کیفیت زندگی و طول عمر افراد نیز تأثیر بگذارد. در تمامی سرشماری‌های انجام گرفته نرخ باسوادی استان کردستان پایین‌تر از میانگین کشوری بوده است. در استان، شهرستان‌های سبندج و مریوان بالاترین نرخ با سوادی (۸۲ درصد، ۷۲ درصد) و سروآباد پایین‌ترین نرخ با سوادی (۶۸ درصد) را دارد. در تمامی این سال‌ها در استان کردستان نیز نرخ باسوادی روستائینان و زنان با اختلاف‌های معناداری کمتر از شهرنشینان و مردان بوده است. این ارقام نشان می‌دهند که کردستان علاوه بر اینکه در سطح ملی و منطقه‌ای محروم است، درون خود استان نیز روستائینان و زنان در محرومیت مضاعف به سر می‌برند. به نظر می‌رسد که با بررسی دو شاخص نرخ با سوادی و اشتغال زنان می‌توان تا اندازه‌ای تصویری بسیار کلی از وضعیت زنان در استان به دست‌آورد و با توجه به شاخص میزان اشتغال در تحصیلات عالی، نرخ بیکاری جوانان تحصیل‌کرده و نیز روند رو به رشد طلاق تا حدودی به پیش‌بینی وضعیت آنان در آینده اقدام نمود. می‌توان پیش‌بینی کرد که با توجه به روند حاکم بر اشتغال کردستان به صورت عام و اشتغال زنان کردستانی به صورت خاص، در آینده این وضعیت محرومیت مضاعف برای زنان بیشتر هم خواهد شد، توجه به این قضیه از این نظر مهم است که در سال‌های اخیر نرخ طلاق در استان کردستان روند افزایشی داشته است و با توجه به وضعیت موجود زنان آسیب‌پذیری بیشتری خواهند داشت.

♦ طلاق در کردستان

نرخ طلاق در کردستان در طی دو دهه گذشته هماهنگ با نرخ کشوری آن افزایش پیدا کرده است. به‌طوریکه از نرخ ۹/۴ درصد در سال ۷۵ به نرخ ۱۵/۲ درصد در سال ۹۰ و ۱۹/۴ درصد در سال ۹۲ رسیده است و در سال ۹۴ استان کردستان رتبه پنج کشوری در نرخ طلاق را به خود اختصاص داد. از آغاز سال ۹۵ تا پایان بهمن ماه، ۳۷۲۳ مورد طلاق ثبت شده است که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته ۱۴۰ مورد بیشتر ثبت شده است. شهرستان سبندج با نرخ ۲۴/۲ درصد بیشترین و بانه با ۸/۵ درصد پایین‌ترین نرخ طلاق در استان را به خود اختصاص داده‌اند. به گفته مدیر کل ثبت احوال استان کردستان در هر شبانه‌روز ده زوج در استان از هم جدا می‌شوند. در حال حاضر ۲۳ درصد جمعیت استان را جوانان در رده‌های سنی ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵ و ۱۹-۱۵ به ترتیب بیشترین فراوانی تشکیل می‌دهند. این ارقام این هشدار را می‌دهند که اگر اقداماتی عاجل در خصوص اشتغال و آموزش دهی به جوانان انجام نگیرد نرخ طلاق در سال‌های آتی بیشتر هم خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی بیشتری در راه خواهند بود. در حال حاضر بیشترین میزان طلاق در رده سنی ۲۹-۲۵ سال اتفاق می‌افتد.

استان به شکل مستقیم درگیر این معضل هستند و اگر خانواده‌ها و اطرافیان را به نرخ اضافه کنیم یعنی اینکه یک بحران اجتماعی در هرمزگان وجود دارد، البته تمامی این ارقام در حالی است که رقم واقعی اعتبار و مصرف مواد مخدر پیوسته بیشتر از آمارهای رسمی است و به مرور زمان وضعیت اعتیاد در استان وخیم‌تر نیز شده است به گونه‌ای که رسانه‌های محلی از وضعیتی که در نیمه دوم سال که با مهاجرت معتادین دیگر شهرها به هرمزگان به‌ویژه بندرعباس همراه است، ایجاد می‌شود به هجوم معتادین به خیابان‌های شهر تعبیر می‌کنند. هرمزگان رتبه چهاردهم شیوع مصرف مواد مخدر در کشور در سال ۹۴ را داشته است اما آنچه که در حال حاضر وضعیت اعتیاد استان را بسیار نگران‌کننده کرده است پایین آمدن سن اعتیاد به زیر ۱۵ سال، تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از مواد سنتی به مواد صنعتی، دو برابر شدن نرخ اعتیاد در زنان، دسترسی بسیار ساده به موادی مانند ناس و علف و گسترش ابتلا به ایدز در میان معتادان است. با اینکه استان پیوسته با نرخ بالای

در سایه ثبت احوال استان هرمزگان هم هیچ اطلاعاتی درباره میزان و فراوانی طلاق در سال ۹۵ وجود ندارد! معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان (۹۵/۶/۱۱) بیان داشته است بر اساس داده‌های موجود ثبت احوال، این استان از نظر طلاق در رتبه ۲۱ کشور قرار دارد، گرچه به یادآوری این نکته نیز پرداخته است که مردم برخی نقاط هرمزگان برای ثبت ازدواج یا طلاق خود اقدام نمی‌کنند و یا اینکه به دلیل نبود دفتر طلاق! این آمار ثبت نمی‌شود و به‌طور حتم اگر این آمار به ثبت برسد جایگاه هرمزگان تغییرهایی خواهد داشت. بنابر آمار مدیر کل ثبت احوال (۹۴/۹/۵) ۴۷/۲ درصد از طلاق‌ها در ۵ سال اول زندگی مشترک زوجین صورت می‌گیرد، بیشترین طلاق‌های ثبت شده در استان مربوط به زوجینی که ۱ تا ۲ سال از ازدواجشان می‌گذرد ۱۲/۱ درصد و سپس مربوط به ۲ تا ۳ سال اول زندگی مشترک ۱۰/۴ درصد است. هرمزگان جزء سه استان اول کشور



اعتیاد مواجه بوده است اما مطالعات منسجمی درباره آن انجام نشده است و در پایان سال ۹۵ است که به گفته معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری هرمزگان (۹۵/۱۱/۲) که سندی استانی برای مقابله با آن تهیه می‌شود، سند پیشگیری از اعتیاد در استان هرمزگان با بهره‌گیری از پژوهش‌های علمی صورت گرفته در اداره کل امور اجتماعی استانداری تهیه و یک اتاق فکر جهت اصلاحات احتمالی و عملیاتی کردن آن تشکیل شده است و تاکنون (اردیبهشت ۹۶) خبری از عملیاتی شدن آن نیست.

♦ طلاق

بنا به گفته مدیر کل ثبت احوال هرمزگان (۹۴/۳/۳۰) آمار طلاق در هرمزگان یک‌پنجم ازدواج است و به ازای هر پنج مورد واقعه ازدواج در این استان یک مورد طلاق رخ می‌دهد و نرخ طلاق نسبت به مدت مشابه آن در سال ۹۳، ۴۸ درصد افزایش یافته است (آخرین آمار طلاق استان مربوط به سال ۹۴ است و حتی

از نظر پایین بودن میانگین سن ازدواج و نرخ زاد و ولد است که این می‌تواند به این معنی باشد که طلاق‌هایی که در این استان انجام می‌گیرند در حال و آینده جمعیت بیشتری را درگیر خود می‌سازند. بنا به گفته معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان (۹۵/۶/۲۹)، ضعف مهارت زناشویی، خیانت، سوءمصرف مواد مخدر، نبود بلوغ اقتصادی و اجتماعی، نارضایتی اقتصادی و شکاف بین نیازها و خواسته‌ها از مهم‌ترین عامل جدایی زوجین در این استان است البته تأثیرگذاری این علت‌ها در مناطق مختلف استان هرمزگان به‌صورت یکسان نیست و در مواردی یک یا چند مورد از این علت‌ها بیشتر و پرتکرار می‌شود و در نقاط دیگر استان علت‌های دیگر تأثیرگذاری بیشتری دارند. پایان مطالب این بخش را هشدار مسئولان استان هرمزگان نسبت به مسأله زیر قرار می‌دهیم که در صورت جدی گرفته نشدن و اقدام نکردن برای اصلاح، در آینده پیامدهای ناخوشایند بیشتری برای استان به دنبال خواهند داشت:

۱- ازدواج دختران در سن پایین، ۲- نبود اطلاعات و آمار درباره ازدواج‌ها و طلاق‌های غیررسمی و نهایتاً افزایش وقوع طلاق‌های عاطفی در استان هرمزگان.

♦ حاشیه‌نشینی

بندرعباس به عنوان یکی از شهرهایی که در ۴۰ سال گذشته به علت موقعیت اقتصادی خاص، پذیرای مهاجران زیادی بوده با حاشیه‌نشینی گسترده‌ای روبه‌رو است. خشکسالی ۱۸ سال گذشته در هرمزگان نیز به این روند دامن زده است. حاشیه‌نشینیان بندرعباس بیشتر از روستاهای اطراف به این شهر مهاجرت کرده و مهم‌ترین عامل مهاجرت آنان فقر اقتصادی و نداشتن منابع درآمدی و معیشتی است. بنا به گفته رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هرمزگان (۹۵/۳/۱۷) یکی از مشکلات استان حاشیه‌نشینی بوده، به طوریکه اکنون در شهر بندرعباس مجموع سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده حدود سه هزار و ۵۰۰ هکتار است که نشان می‌دهد حدود نیمی از اراضی شهر بندرعباس دارای اسکان غیررسمی است و حدود ۴۰ درصد جمعیت شهر بندرعباس حاشیه‌نشین هستند. این وضع گرچه در بندرعباس بیشترین وخامت را دارد اما در دیگر شهرستانهای استان هم در میزان کمتر این پدیده مشاهده می‌شود به عنوان مثال حاشیه شهر خمیر در ۸۰ کیلومتری غرب بندرعباس، سال‌ها میزبان نزدیک به ۱۰۰۰ مهاجری است که از نیمه شهریور تا پایان خرداد با تحمل گرمای بیش از ۴۰ درجه زندگی می‌کنند، آنها محروم از آب، برق و خدمات رفاهی هستند و در چادرهای فرسوده سخت‌ترین شرایط زندگی را تجربه می‌کنند. بنا به آمار مدیر کل شهرسازی هرمزگان (۹۵/۳/۱۷) در هشت شهر بزرگ و مهم استان هرمزگان دو هزار و ۳۹۱ هکتار بافت فرسوده و سکونتگاه غیررسمی مصوب وجود دارد و مدیر کل اجتماعی و فرهنگی استانداری هرمزگان (۹۵/۲/۱۱) معتقد است هم اکنون ۳۰ درصد جمعیت استان هرمزگان در مناطق حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. از شهر ۷ هزار هکتاری بندرعباس، ۱۷۰۰ هکتار بافت حاشیه‌ای، ۸۲۰ هکتار بافت فرسوده مصوب و ۸۰۰ هکتار نیز بافت فرسوده غیرمصوب است که باعث شده شهر بندرعباس به عنوان یکی از پنج شهر هدف از سوی بانک جهانی تعیین شود و این بانک برای کمک به ساخت مراکز درمانی، مدرسه، خیابان‌کشی، احداث پارک، روشنایی معابر در حاشیه بندرعباس بودجه در نظر بگیرد. از سال ۸۵ مسئولیت سازماندهی و استانداردسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر عهده سازمان‌های متولی در استان قرار گرفته است که به نظر می‌رسد اقدامات ملموس و قابل اعتنایی در این زمینه انجام نگرفته است.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سؤندی



تهران - بغداد؛ خیلی دور خیلی نزدیک

مورد تاکید قرار گرفت و در راستای آن روند رایگان شدن ویزا برای شهروندان دو کشور، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مشترک انرژی و نیز نقشه راهی برای رسیدن به حجم مراودات اقتصادی و تجاری ۲۰ میلیارد دلاری ترسیم شد. در همین رابطه، در پرونده پیش رو ضمن بررسی ظرفیت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان دو کشور، راهکارهای تقویت این همکاری‌ها و نیز امکان‌سنجی ارتقای مناسبات اقتصادی از ۱۲ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار توسط کارشناسان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

تهران و بغداد باشد. در اواخر سال گذشته روحانی در حالی به عراق سفر کرد که پیش از آن محمدجواد ظریف در سفری چند روزه مقدمات امضای تفاهم‌نامه‌های مشترک میان دو کشور را فراهم کرده بود. در همین راستا روحانی در عراق با استقبال کم‌نظیر مقامات این کشور توانست چهره‌ای قابل توجه از دیپلماسی همگرایانه را آن هم در شرایط دشوار کنونی منطقه خاورمیانه به نمایش بگذارد. از سوی دیگر متعاقب سفر نخست‌وزیر عراق به ایران و طی دیدارهایی که میان مقامات دولتی دو کشور صورت پذیرفت، استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی

محمد رضا ستاری
عضو هیأت تحریریه



در کمتر از چند هفته از سفر حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشورمان به عراق، عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر این کشور در روز هفدهم فروردین ماه به تهران آمد. در این میان شاید بارزترین نکته این سفرهای متقابل، اراده میان دو کشور برای تحکیم روابط دو جانبه و استفاده از پتانسیل‌های گسترده میان

در گفت‌وگو با دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق بررسی شد

به فراتر از عراق فکر کنیم

خصوصی را طی برنامه‌ای هدفمند برای حضور در عراق تشویق کنیم، قطعاً نخواهیم توانست سطح روابط اقتصادی خود را همپای سطح روابط امنیتی نگه داریم. دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق همچنین در بخش دیگری از این گفت و گو با اشاره به اینکه ظرفیت‌های اقتصادی دو طرف امکان تجارت ۲۰ میلیارد دلاری را فراهم می‌کند، خاطرنشان کرد: به دلیل نوع روابط اقتصادی در عراق، بخش خصوصی از تحریم‌های آمریکا متأثر نخواهد شد، اما در این میان مهم‌ترین مشکل ما در حال حاضر رقابت خودمان با خودمان در این کشور است که در برخی موارد به خودزنی هم منجر می‌شود. به همین دلیل با توجه به پتانسیل‌های موجود و شرایط عراق، اگر امروز اقدامات جدی و عملی مورد توجه قرار نگیرد، به طور حتم در آینده بازار عراق از دست ایران خارج خواهد شد.

دکتر سید حمید حسینی دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق است. ایشان در گفت‌وگوی پیش رو ضمن مثبت ارزیابی کردن سفر حسن روحانی به عراق و حضور عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر این کشور در تهران، معتقد است که این سفرها به برخی شک و شبهه‌های طرف عراقی برای همکاری‌های گسترده‌تر با ایران پایان داده و سد موانع را تا حدود زیادی شکست. حسینی همچنین با بررسی مناسبات اقتصادی و تجاری میان ایران و عراق تأکید می‌کند که بدون هزینه کردن نمی‌توان در بازار عراق کار کرد. شواهد نشان می‌دهد که ما حاضریم در روابط سیاسی و فرهنگی با عراق هزینه کنیم، اما در موارد اقتصادی حاضر به انجام چنین کاری نیستیم. به همین دلیل در صورتیکه قادر نباشیم بخش



در همین رابطه سفر آقای جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهوری در سال ۹۶ به کشور عراق در فضای انتخابات عراق و شکل گرفتن فضای سیاسی این کشور انجام شد که ما نتوانستیم از این سفر دستاوردهای چندانی را بدست آوریم.

در چنین شرایطی کمیسیون بازرگانی دو کشور از سال ۹۳ تشکیل نشده بود و برای هیات‌هایی که به طور تک نفره برای مذاکره به عراق می‌رفتند امکان رسیدن به تفاهم وجود نداشت. به‌طوریکه یا هیچ‌کدام از تفاهم‌ها به اجرا نمی‌رسید یا با آن مخالفت می‌شد و یا در صورت موافقت نتیجه‌ای عملی از آن حاصل نمی‌شد. در این میان رفت و آمدها به وضعیت خسته‌کننده‌ای رسیده بود و رفته رفته در روابط خود با عراق به نوعی بن‌بست رسیده بودیم.

با این وجود سفر آقای روحانی در فضایی بسیار مساعد انجام شد. این سفر در حالی صورت گرفت که انتخابات عراق برگزار شده بود و نتایج حاصل از آن به نفع ایران رقم خورده بود. همچنین با بازگشت ثبات و امنیت به این کشور، عراقی‌ها به دنبال این بودند که با تمام کشورهای همسایه تعامل خود داشته باشند. قبل از این سفر، آقای ظریف به عراق رفت و مقدمات سفر را فراهم کرد. به همین دلیل این سفر به نظر من نقطه عطفی بود کلام آقای عبدالمهدی در رابطه با تأثیر سفر آقای روحانی حرفی عمیق و اساسی بود. ایشان گفت ترس و شک در روابط میان دو کشور از بین رفت.

● در بازه زمانی اواخر اسفند تا فروردین ماه سال جاری ما شاهد سفر حسن روحانی به عراق و متعاقب آن حضور عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر این کشور به تهران بودیم. این سفرها به خصوص سفر آقای روحانی به عراق با بازتاب‌های زیادی نیز در عرصه جهانی همراه بود. شما به عنوان دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق مهم‌ترین دستاوردهای سفرهای دوجانبه آقایان روحانی و عادل عبدالمهدی را چه می‌دانید؟

قرار بود آقای دکتر روحانی در سال دوم ریاست جمهوری خود به عراق سفر کند که مقدمات آن فراهم شده بود، ولی اوضاع سیاسی عراق به رقم خورد که خود عراق پیشنهاد کرد فعلاً این سفر منتفی شود. در آن زمان اوضاع عراق مساعد نبود و در سال‌های بعدی نیز ما انتخابات داشتیم یا عراق انتخابات داشت و یا شرایط پیش آمد که امکان سفر فراهم نمی‌شد.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

به عنوان مثال در اتصال گاز، برق و راه آهن به ایران تردید داشتند و گمان می کردند که این اتصال برای آنها مسأله ساز و پرهزینه خواهد بود.

در برخی از جریانات عراقی مقاومتی نسبت به روابط با ایران وجود داشت و نمی خواستند این روابط گسترش پیدا کند. این سد در سفر آقای روحانی شکسته شد. برخی از بحث هایی که لاینحل بود مثل مسأله ارونند در بحث های آبی و امنیتی مجدد در دستور کار قرار گرفت. در خصوص همین قرارداد الجزایر که توسط صدام پاره شده بود و هیچ کدام از دولت های عراق حاضر به زیر بار رفتن آن نبودند، سفر آقای روحانی سبب شد که مجدداً قرارداد الجزایر با موضوع لایروبی ارونند شکل قانونی به خود بگیرد. به اعتقاد من این دستاوردی بزرگ بود که در صورت بروز اختلافات در آینده، می توان با استناد به همین توافق نامه مشکلات را حل و فصل کرد. در این سفر همچنین مسأله اتصال راه آهن ها مطرح شد. چندین سال حرف آن زده شده بود ولی این طرح ها اجرایی نمی شدند.

از سوی دیگر بحث همکاری های نفتی نیز مطرح شد. ما به شدت علاقمند همکاری با عراقی ها در توسعه میادین مشترک، ارائه خدمات فنی و مهندسی و صادرات گاز ایران به سمت شهرهای عراق و شهرهای صنعتی این کشور بودیم، ولی به ایران میدان داده نمی شد. اما در این سفر سد شکسته شد و تفاهم نامه هایی در این رابطه امضا شد. بحث شهرک های مشترک صنعتی و پیوند زدن صنعت دو کشور به هم که برای ما بحثی اساسی بود مطرح شد. لازم است خاطرنشان کنم که همیشه نمی توان روابط تجاری داشت بلکه این روابط باید به طرف صنعتی شدن پیش برود. شهرک های صنعتی در این سفر مورد توافق قرار گرفت که خواست ما بود.

از سوی دیگر، در سفر آقای عبدالمهدی به ایران دو نکته قطعی شد که یکی از آنها موضوع شهرک های صنعتی مرزی بود. این موارد بخشی از دستاوردهای این سفر بود که می تواند در گسترش روابط ما موثر باشد. هیات مرزی تشکیل شد تا تمام رمزها بررسی شوند. این مسأله خود دستاورد بزرگی بود. در بحث ترانزیت بحث هایی جدی با عراقی ها داشتیم. چون عراق عضو کنوانسیون بین المللی TIR نیست و چیزی به اسم ترانزیت در قانون عراق وجود ندارد. این بهانه ای شد تا عراقی ها برای حل مسأله ترانزیت مشتاق شوند تا

ما بتوانیم از این رهگذر علاوه بر واردات کالاهای خود از عراق، موضوع صادرات و تامین کالاهای مورد نیاز خود از این کشور را مورد بهره برداری قرار دهیم.

● **با توجه به مسائلی که مطرح شده به عقیده برخی از تحلیلگران سیاسی، ایران آنچنان که در عراق نفوذ امنیتی و سیاسی دارد، تاکنون نتوانسته این قابلیت را به موضوع اقتصادی بسط دهد. این موضوع به عنوان مثال با نحوه حضور ترکیه در کردستان عراق مقایسه می شود. به نظر شما مهم ترین راه تبدیل نفوذ امنیتی به نفوذ اقتصادی و بهره بردن از این شرایط چیست؟**

در روابط اقتصادی با عراق حاضر به هزینه کردن نیستیم

...

در روابط اقتصادی با عراق خودمان رقیب خودمان بوده و در حال خودزنی هستیم

...

تحریم های بخش خصوصی ایران و عراق را تحت تاثیر قرار نمی دهد

...

دولت برای حضور در بازار عراق هیچ هزینه ای نکرده و تنها از بخش خصوصی انتظار دارد

...

ایران در عراق تنها یک رایزن بازرگانی دارد که ۱۱ ماه است حقوق وی قطع شده است!

...

با مشارکت در روند بازسازی عراق رسیدن به رقم بیست میلیارد دلار قابل دسترس است

نفوذ سیاسی و امنیتی یک پارامتر کیفی است و نمی توان گفت ما چقدر نفوذ سیاسی و امنیتی و فرهنگی داریم. اینکه ما قدرت و نفوذ داریم در جریان ها نشان داده می شود. وقتی آمریکا ایران را تحریم می کند همه گروه های سیاسی، مذهبی و دولت عراق می گویند که قرار نیست ما از این تحریم ها تبعیت کنیم. این نشان دهنده جایگاه ما و نوع نگاه ما و حضور ما در بازارهای عراق است. ما در مقطعی به عراق کمک کرده ایم و عراق به نحوی خود را مدیون ما می داند. ایران بخصوص در زمان داعش و در زمان جنگ کویت و در زمان بازسازی عراق به این کشور کمک کرده است.

من معتقدم در مورد نقش ترکیه تا حدودی غلو می شود. ترکیه در بخش خدمات بیشتر از ما حضور دارد ولی در بخش کالایی ما در سال گذشته ترکیه را پشت سر گذاشتیم. ترکیه امروز به شدت به دنبال به دست آوردن جایگاه خود در بازار عراق است. امسال بودجه زیادی را برای تاسیس چهار دفتر مطالعاتی و بازاریابی در شهرهای بصره، بغداد، موصل و اربیل به تصویب رسانده است. ترک ها به این نتیجه رسیده اند که اگر وضعیت به این شکل باشد ما قادر به رقابت با ایران نخواهیم بود. ترکیه در این مسیر علاوه بر تاسیس بازارچه، چهار دفتر مطالعاتی برای بازاریابی، رایزن های اقتصادی و اتاق های مشترک را نیز فعال کرده است. ما باید هشیار باشیم و بدانیم که بدون هزینه کردن در بازار عراق نمی توانیم کار کنیم. ما حاضریم در روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و عراق هزینه کنیم ولی در مورد اقتصاد حاضر به هزینه کردن نیستیم و انتظار داریم بدون هزینه کردن بازار اقتصادی داشته باشیم. دولت انتظار دارد بخش خصوصی در این مورد هزینه کند. دولت برای حضور در بازار عراق هیچ هزینه ای نکرده است. ما فقط یک رایزن بازرگانی در عراق داریم که یازده ماه است حقوق او قطع شده است. در حالیکه ترک ها یازده رایزن بازرگانی در عراق دارند. ما می خواهیم بنشینیم و عراقی بیايد و کالای ما را ببرد در حالیکه در هیچ کجای دنیا اینطور نیست. عراقی ها اقتصاد آزاد را قبول دارند و بازار آنها یک بازار کاملاً آزاد است و همه کشورهای دنیا می توانند در این بازار حضور داشته باشند. اگر ما برنامه دراز مدتی نداشته باشیم و در این بازار هزینه نکنیم و نتوانیم بخش خصوصی خود را برای حضور در این کشور تشویق کنیم، قطعاً نمی توانیم سطح روابط اقتصادی خود را هم پای سطح روابط امنیتی نگه داریم.

● **در رابطه با دستاوردهای دو سفر اخیر صحبت کردید. یکی از مسائلی که امروز روی آن بحث می شود مسأله ارتقای سطح مناسبات تجاری از ۱۲ میلیارد به ۲۰ میلیارد است. گفته می شود در کوتاه مدت و بازه زمانی دو ساله امکان تحقق آن وجود دارد. سوال این است که ظرفیت های اقتصادی به خصوص در عراق بستر این ارتقای مناسبات را در کوتاه مدت فراهم می کند؟**

ما ظرفیت داریم و می توانیم در حد ۲۰ میلیارد دلار در بازار عراق گردش مالی



داشته باشیم. امروز ترنول اقتصادی ما با عراق چیزی در حدود ۱۴-۱۳ میلیارد دلار است. ما ۹-۸ میلیارد دلار صادرات کالایی و حداقل یک میلیارد دلار قاچاق داشتیم. برخی از کالاهای ما از جمله دارو و مرغ و برخی از اقلام پتروشیمی و سوخت ما دائما قاچاق می‌شود. در حدود سه میلیارد دلار ترانزیت داشتیم و دو میلیارد دلار صادرات برق و گاز داریم که یکی از این دو مورد در آمار صادراتی ما نیست. همچنین توریست زیارتی و درمانی داریم. با مشارکت در روند بازسازی عراق به نظر می‌رسد که رسیدن به رقم بیست میلیارد دلار نمی‌تواند کاری سخت و غیرقابل دسترس باشد. اگر ترانزیت کالا از مسیر عراق آزاد شود حجم بزرگی از روابط به سمت عراق سوق داده خواهد شد. در بسیاری از کالاهای صادراتی ایران که در حمل دچار مشکل است عراق می‌تواند کمک‌کننده باشد. همچنین بخشی از واردات ما که می‌تواند از عراق صورت بگیرد.

● روند این مشارکت به چه صورتی خواهد بود؟

۸۰-۷۰ شرکت ما سابقه کار در عراق دارند. ما معمولا در روابط با عراق همواره به دنبال کار با دولت بودیم و اینکه به جایی برویم که دولت پول می‌دهد تا بتوانیم با عراق کار کنیم. همچنین بخش دارویی و یا پزشکی عراق همواره به دنبال شرکت در مزایده‌های دولتی این کشور بوده‌ایم. هیچ‌وقت فکر نکردیم که وزارت بهداشت عراق ۹ میلیارد دلار بودجه دارد. ما می‌توانیم در بخش آموزش و درمان و داروخانه‌ای باشیم. فکر نکردیم که مصرف‌کننده دارو در این کشور فقط دولت عراق نیست. شاید فقط ۱ یا ۲ میلیون دلار توسط دولت مصرف دارو داشته باشند. از سه و نیم میلیارد دلار دارو و تجهیزاتی که دولت عراق دارد، بخشی توسط دولت خریداری و بخش دیگر توسط بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها به طور مستقل از بازار تامین می‌شود.

در بخش راه و ساختمان نیز همیشه می‌خواستیم در مناقصه‌های دولتی حضور داشته باشیم و به سمت مشارکت در پروژه‌های بخش خصوصی حرکت نکرده‌ایم. اگر بخش خصوصی نگاه خود را عوض کند و فنی و مهندسی ما فقط به دنبال پروژه‌های پیمانکاری نباشند و از طریق ایجاد کنسرسیوم‌ها برخی پروژه‌های بهره‌برداری و مسکن را بدون اتکا به دولت عراق بگیرند، به طور وسیعی می‌توانیم کار در عراق را شروع کنیم.

● قابلیت کار به چه صورت است آیا بخش خصوصی حاضر خواهد شد بدون پشتوانه دولتی پای کار حضور پیدا کند؟! چه حمایتی از بخش خصوصی صورت می‌گیرد؟

در اولویت کاری امسال کنسرسیوم‌های ساختمانی قرار داده شده است. در اتاق مشترک به طور جد مطالعه و مذاکره می‌کنیم. با دولت عراق و شهرداری‌های عراق مذاکره کردیم تا شرکت‌ها را به صورت کنسرسیوم با هم شریک کنیم تا همه زنجیره ارزش ساختمان از طراح و مشاور و سازنده و مجری و مکانیکال و الکتریکال همه در کنار هم به شرکت‌هایی تبدیل شوند که کار ساختمانی انجام می‌دهند. در کنار آنها ایجاد منابع مالی نیز مدنظر قرار دارد. عراق قانونی دارد که اگر پروژه شما ۲۵ درصد پیشرفت کار داشته باشد می‌توانید پیش فروش کنید. کافی است تمام توان ما و شرکت‌های ما در کنار هم قرار بگیرند و پروژه‌ها را در عراق در حد ۲۵ درصد پیش ببرند. سپس پروژه‌ها را پیش فروش کنند و از این طریق منابع لازم برای تکمیل پروژه و تامین منابع مالی شرکت‌ها تامین شود. همیشه نباید به دنبال خط اعتباری باشیم.

ترک‌ها ۵،۵ میلیارد دلار خط اعتباری دارند. قطری‌ها ۲،۵ میلیارد دلار خط اعتباری و عربستان ۱،۵ میلیارد دلار خط اعتباری داد. کشورهای دیگری از جمله کویت و برخی از کشورهای اروپایی خط اعتباری ایجاد کرده‌اند. بخش مسکن عراق در ۱۰ سال آینده بازار بزرگی خواهد بود که ما تقریبا همه مصالح و ابزار و تخصص لازم برای حضور در این بازار را داریم. فقط ساماندهی و سازماندهی می‌خواهیم و به جد به دنبال این کار هستیم. به غیر از شرکت‌های بزرگی که وجود دارند و در حال کار هستند، بسیاری از شرکت‌های کوچک نیز می‌توانند در این بازار فعال شوند.

● پیرو همین مسأله موضوع تحریم‌های آمریکا وجود دارد. در برخی از موارد ما شاهد مغایرت میان سیاست‌های اعلامی بغداد با سیاست‌های عملی آنها در قبال تحریم‌های ایران هستیم. به نظر شما این تحریم‌ها تا چه میزان می‌تواند در حضور اقتصادی ایران در عراق تأثیر داشته باشد؟

تحریم‌ها می‌توانند در چند حوزه برق و گاز و خودرو اثر کنند. این موارد یا توسط

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

و... گفته می‌شود همیشه اقتصاد جاده‌صاف‌کن مسائل سیاسی است. می‌بینیم که سعودی‌ها با دلار وارد عراق شده‌اند. چقدر امکان دارد سعودی‌ها در این زمینه‌ها فعال شوند. چون شنیده می‌شود عربستان قصد دارد در جنوب عراق حضوری جدی داشته باشد.

چیزی که ما از عربستان در عراق دیده‌ایم به‌جز حرف نبود. نه مرز مشترکی بین آنها وجود دارد و نه مرز فعالی دارند. هیچ سرمایه‌گذاری توسط عربستان در عراق صورت نگرفته است. هر چند وقت یکبار تبلیغات و شوآفی به راه می‌اندازند و می‌روند.

● پس وعده یک میلیارد دلار چیست؟

گفته‌اند ولی هنوز معلوم نیست کجا کار کنند. هر وقت روابط ما با عراق وارد مرحله جدیدی بشود آنها می‌آیند و چیزی به راه می‌اندازند تا عراق را در برقراری رابطه با ما سست کند تا به عراق اجازه تصمیم‌گیری درست داده نشود. یک سال و نیم قبل در نمایشگاه بصره ۶۰ درصد از نمایشگاه توسط سعودی‌ها گرفته شد و شرکت‌های سعودی و وزیر نفت عربستان با حضور در این نمایشگاه گفتند که رقم بالایی در نفت و گاز عراق سرمایه‌گذاری خواهند کرد. ولی بعد متوجه شدیم که هیچ اتفاقی نیفتاد و دیده نشد سعودی‌ها حتی یک دلار در نفت و گاز عراق سرمایه‌گذاری کرده باشند. من عربستان را رقیب ایران در بازار عراق نمی‌بینم. عربستان این پتانسیل را ندارد و نمی‌تواند در بازار عراق با ما رقابت کند. حتی اگر ۲,۶ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کنند باز هم یک‌پنجم ایران در بازار عراق سهم خواهند داشت.

ما باید نگران رقابت ترک‌ها و چینی‌ها و هندی‌ها باشیم. ما باید نگران رقابت خودمان با خودمان باشیم. متأسفانه در بازار عراق رقیب ما خود ما هستیم. خودی‌ها در بازار عراق خودزنی می‌کنند. حتی به نظر من دلیلی ندارد ترک‌ها را رقیب خود بدانیم زیرا می‌توانیم با آنها همکاری کرده و به این وسیله سهم چین و هند را در بازار عراق کم کنیم. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که رقابت ما باید از سطح ایران و عراق بگذرد و باید پیمانی منطقه‌ای در کار باشد. پیمانی مثل سنتو و یا شانگهای که شرق آن افغانستان و پاکستان باشد و مرکز آن ایران و عراق و سوریه و ترکیه و غرب آن لبنان و اردن.



● آیا تجارت با دینار عراق به درد ما می‌خورد؟!

قطعاً می‌خورد. این پیشنهادی بود که ما چندین سال به دنبال آن بودیم و بالاخره بانک مرکزی قبول کرد تا دینار عراق را تبدیل کند. با این روش می‌توان دینار را به بانک‌های ایرانی در عراق پرداخت کرد و ریال متناسب با آن را به قیمت مناسب سامانه نیما در ایران تحویل گرفت. به این طریق مشکل پیمان ارزی حل و صادرکننده عراقی دیگر نگران پیمان ارزی نیست.

● برعکس این مسأله در عراق به چه صورت است؟!

ما وارداتی از عراق نداریم. دیناری که در عراق می‌گیریم متعلق به بانک مرکزی است. بانک مرکزی تنخواه داده است و به بانک‌ها گفته هر چه دینار آورده‌اند برای من بخرید. ایران در حال برنامه‌ریزی است که از محل ایستنسکس و یا همکاری بانک‌های عراقی کالاهای مورد نیاز ایران خریداری و وارد کشور شود. یعنی نگران جمع شدن دینار در عراق نیستیم، چون آن مسأله قابل تبدیل شدن و قابل خرید باقی کالاها است.

● از حوزه‌هایی سخن گفتید زدید عراقی‌ها به ایران نیاز دارند مثل برق

دولت عرضه می‌شود و یا توسط شرکت‌های بزرگ خودروسازی، ولی هیچ عاملی بخش خصوصی ایران و عراق را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد. این بخش از روابط بانکی استفاده نمی‌کند و تحریم‌ها اثری در بخش خصوصی ما ندارد. ۹۰ درصد از اقتصاد عراق غیربانکی است و تیغ آمریکا در عراق برای اعمال تحریم‌ها نمی‌برد. عراقی‌ها چندان اهل کار بانکی نیستند و بیشتر معاملات نقدی است. کار صادراتی ما با عراق چندان شامل تحریم‌ها نمی‌شود. در بحث صادرات خودرو شرکت عراقی برای ما مسأله درست کرده است ولی به معنی مسأله ساز بودن عراق نیست. به هر حال منافع آن شرکت ایجاد نمی‌کند که مثل سابق و به طور جدی با ما کار کند. این شرکت کوچک در پرتو همکاری با ما به غول بزرگی در عراق تبدیل شده است و امروز نمایندگی چهار کمپانی دیگر را دارد و نگران است که در صورت ادامه دادن همکاری خود با ایران بر روی کار او تأثیر منفی ایجاد شود. لذا در کار با ما اخلاص ایجاد کرده است. بازار خودرو در عراق تحت تأثیر تحریم‌ها است. ولی من اعتقادی به تأثیرگذاری تحریم‌ها بر روابط بخش خصوصی ندارم.

بررسی همگرایی استراتژیک ایران و عراق
در گفت‌وگو با دکتر یحیی فوزی

بازار عراق فرصتی استراتژیک

در طی یک ماه اخیر روابط ایران و عراق وارد مرحله استراتژیک تری شده است. سفر رئیس جمهوری ایران به بغداد و دیدار با آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان نشان از گرمی روابط دو کشور و عزم برای تقویت مراودات اقتصادی و سیاسی دارد. این سفر بلافاصله با پاسخ مثبت طرف عراقی مواجه شد و عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق در ایام پس از تعطیلات نوروزی به تهران سفر کرد. سفر نخست‌وزیر عراق به تهران این پیام را در سطح منطقه و جهان داشت که عراق نگاهی استراتژیک به ایران دارد و حاضر به ائتلاف منطقه‌ای با آمریکا و عربستان علیه ایران نیست. از دید دولت عراق، ایران ضامن ثبات و صلح در منطقه پر منازعه خاورمیانه است و بایستی از ظرفیت‌های منطقه‌ای این کشور برای ثبات بخشی به منطقه خشونت زده خاورمیانه کمک گرفت. در همین راستا در گفت‌وگو با دکتر یحیی فوزی استاد تمام علوم سیاسی و عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بحث در مورد گرمی روابط ایران و عراق و تأثیر آن را بر امنیت منطقه‌ای خاورمیانه را مورد بحث قرار داده‌ایم.

● از دیدگاه شما سفرهای دوجانبه روسای دولت دو کشور ایران و عراق چه نشانه و پیامی را به دنبال دارد؟

سفر مقامات عالی‌رتبه کشورها نقش مهمی در گسترش و تقویت روابط بین کشورها دارد؛ و سفر دوجانبه رئیس جمهوری ایران و نخست‌وزیر عراق در مدت زمان کوتاهی از یکدیگر، نشان‌دهنده روابط رو به گسترش دو کشور و همچنین وجود اراده سیاسی در سطح سران برای تقویت روابط محسوب می‌شود. مخصوصاً در شرایطی که ایالات متحده آمریکا، عراق را برای کاهش روابط با ایران و قطع روابط اقتصادی با این کشور تحت فشار قرار داده است، حضور نخست‌وزیر عراق، به فاصله کوتاهی بعد از سفر رئیس جمهوری ایران، بر این واقعیت تأکید دارد که اراده سیاسی لازم در مسئولین دو کشور برای گسترش روابط وجود دارد، که این شرایط را باید قدر دانست و از آن بیشترین بهره برداری را برای مصالح دو کشور همسایه انجام داد.

● حجم تجارت کنونی دو کشور ایران و عراق در حال حاضر ۱۲ میلیارد دلار است، از دیدگاه شما چه ظرفیت‌هایی برای تقویت این حجم تجارت وجود دارد.

روابط اقتصادی ایران و عراق در حال گسترش است و پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک به حدود ۲۰ میلیارد دلار برسد. بازار عراق در سال‌های اخیر به عنوان بازاری مهم و استراتژیک برای بخش خصوصی و بخش

این پیمان می‌تواند هم امنیتی باشد و هم پیمانی اقتصادی تا ما با حداقل شرایط، نیازهای یکدیگر را تامین کنیم. نباید اجازه ورود دیگران به منطقه داده شود. اگر روابط ما با کشورهای خلیج فارس بهتر شد آنها هم می‌توانند عضوی از این پیمان باشند. ما از نبود پیمان‌های منطقه‌ای رنج می‌بریم. یک پیمان اکو داریم که هیچ دردی از ما دوا نمی‌کند. یک D8 داریم که هر کدام در یک جای دنیا هستند و عملاً نتوانسته‌ایم از آن استفاده کنیم. یک کنفرانس اسلامی داریم که بیشتر سیاسی است تا اقتصادی. پس ما به یک پیمان امنیتی و اقتصادی بین کشورهای منطقه نیاز داریم. اگر عراق و سوریه و ترکیه به طور جدی پای این پیمان بایستند، به نظر می‌آید باقی کشورهای منطقه نیز منافع خود را در پیوستن به این پیمان خواهند دید. لذا ما باید در روابط خود با عراق فراتر از عراق فکر کنیم. باید عراق و سوریه فکر کنیم و به صورت یک همگرایی مشترک عمل کنیم.

● در این میان وظیفه اتاق بازرگانی و اتاق‌های مشترک را در چه می‌بینید؟

من اعتقاد دارم یکی از وظایف اتاق‌های بازرگانی در تمام دنیا به غیر از نمایندگی کردن اعضای خود توانمندسازی، بازار سازی و شبکه‌سازی است. تجار ما از بازار عراق اطلاعات می‌خواهند و همچنین طرف تجاری عراق خواستار این اطلاعات است که من باید بتوانم این امکانات را ارائه کنم. ما به عنوان عضوی از اتاق بازرگانی ایران با حق عضویتی که دریافت می‌کنیم، توان مالی ایجاد دفاتر در عراق و انجام کارهای بزرگ را نداریم. با این منابع نمی‌توان مرکز بزرگ تجاری و نمایشگاهی در عراق فراهم کرد. عراق بازار بزرگ منطقه‌ای ما است و اگر دولت هزینه نمی‌کند، دلیل نمی‌شود اتاق بازرگانی هزینه نکند. باید هزینه کنیم. ۲-۳ هزار نفر بخش خصوصی در اینجا کار می‌کنند. ما عمدتاً کالا و خدمت به عراق صادر می‌کنیم و صادرات کالای صنعتی داریم. کالایی که ما به عراق صادر می‌کنیم در تن ۱۰۰ دلار گرانتر از دنیا است. عراق بازاری است که ما سود زیادی از صادرات به آن کشور کسب می‌کنیم. اگر ما رقم بالایی صادرات به چین داریم در مقابل رقم بالاتر از آن واردات چینی داریم. در دنیا به غیر از عراق و افغانستان مبادله تجاری با تمام کشورها بر علیه ما است. ما در هیچ جای دنیا موازنه تجاری مثبت نداریم. امسال تراز تجاری ما مثبت بود و صادرات ما به وارداتمان می‌چربید. عمده دلیل آن بخاطر عراق است. اگر عراق را در موازنه‌های تجاری خود نداشتیم امسال ۹-۸ میلیارد دلار موازنه تجاری منفی ثبت می‌کردیم. حال که کشوری با این ظرفیت و پتانسیل با جمعیتی جوان که ۲۰ درصد زیر ۲۰ سال و ۶۵ درصد زیر ۴۰ سال دارد و همه زیر ساخت‌های آن نابود شده است امروز مورد توجه جدی و عملی قرار نگیرد و از این ظرفیت به خوبی استفاده نشود، حتماً این بازار از دست خواهد رفت. نباید فکر کنیم به دلیل مثبت بودن روابط سیاسی و فرهنگی همیشه امکان فعالیت تجاری در عراق فراهم است. اگر عراق به ثبات برسد احتیاجی به روابط سیاسی و امنیتی با ما ندارد. نباید فکر کرد همیشه عراق نگران مسائل امنیتی و سیاسی خود خواهد بود و از این رو به ما تکیه خواهد کرد. دو سال دیگر عراق به ثبات می‌رسد و ما متوجه می‌شویم هیچ زیرساختی برای حضور در بازار عراق نداریم. باید از امروز به فکر ایجاد زیرساخت‌ها در بازار عراق باشیم. اگر به فکر حضور در بازار خدماتی عراق نباشیم و نتوانیم شرکت‌ها را برای حضور در عراق قانع کنیم فردا برای اینکار بسیار دیر خواهد بود.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

ایران راهی جز تقویت بنیه اقتصادی و همکاری با همسایگان ندارد

...

عراق امکان تبدیل تهدیدها به فرصت را برای ایران فراهم می‌کند

...

لزوم تدوین استراتژی‌های اقتصادی که کمتر تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار می‌گیرد

استثنایی تبدیل کند و منجر به رشد تولید داخلی، اشتغال‌زایی، افزایش درآمد ملی، غلبه بر مشکلات و اصلاح ساختار اقتصادی گردد که باید از آن استفاده کرد. اصولاً استفاده از تهدیدات و تبدیل آن به فرصت‌ها در راستای مصالح ملی، هنر سیاستمداران و مدیران دولتی و توسعه‌گرا است که امید است این اتفاق در کشور ما با استفاده از ظرفیت موجود در بین همسایگان، از جمله ارتباط با عراق ایجاد شود.

اکنون کشور عراق به دلیل طول مرزها، بازار پرجمعیت، فرهنگ و مذهب مشترک، ضعف تولیدات داخلی و نیاز گسترده به واردات و همسویی مقامات سیاسی آن با جمهوری اسلامی ایران، امکان مناسبی را برای عبور از این مرحله بحرانی و تبدیل تهدیدها به فرصت را فراهم آورده است؛ که باید با مدیریت قوی و برنامه‌ریزی دراز مدت برای رفع موانع و تسهیل صادرات از این فرصت استفاده کرد و بر مشکلات تحریم کشور غلبه کرد.

● **اخیراً گزارش شده که دولت عراق به دنبال میانجی‌گری میان ایران و عربستان است؛ وقوع این امر را چه میزان محتمل می‌دانید؟**

دولت عراق ظرفیت‌هایی را برای میانجی‌گری دارد اما عوامل تأثیرگذار روابط ایران و عربستان از حد دو ملت فراتر رفته است و در واقع عربستان اکنون در چارچوب سیاست‌های کلان آمریکا در منطقه ایفای نقش می‌کند و ائتلافی کاملاً آشکار بین عربستان، اسرائیل و آمریکا در راستای تحقق نظم جدیدی در خاورمیانه دیده می‌شود. این وضعیت را در سیاست‌های منطقه‌ای عربستان، از جمله در موضوع یمن، مداخله در کشورهای مختلف، مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی دخالت برای تغییر نظام‌های سیاسی در منطقه که آخرین آن را در سودان و لیبی و... می‌توان دید، قابل مشاهده است. لذا باید گفت حل مشکلات ایران و عربستان اکنون فراتر از مصلحت خواهی ملی دوجانبه است و در چارچوب مناسبات و راهبردهای کلان آمریکا - اسرائیل در منطقه تعریف شده است و به نظر نمی‌رسد در شرایط فعلی با حسن نیت دولت عراق قابل حل باشد. هر چند اقدامات عراق می‌تواند حداقل به شفافیت بیشتر درخواست‌های دو طرف کمک کند و زمینه را برای اقدام در شرایط مناسب‌تر هموار کند.

دولتی ایران مطرح بوده است، به طوریکه عراق جزء ۵ مقصد اول صادراتی ایران در کشورهای منطقه است. محصولات صادراتی ایران به عراق کالاهای مختلفی همچون محصولات کشاورزی، محصولات لبنی، مواد پلاستیکی، پوست، چرم، منسوجات، محصولات شیمیایی و پتروشیمی، محصولات معدنی و خدمات فنی و مهندسی را دربرمی‌گیرد.

عوامل مختلفی در تقویت تجارت دو کشور نقش دارند که در این ارتباط می‌توان از اراده سیاسی دولت‌ها در دو کشور، ایجاد زیرساخت‌های لازم همچون راه‌آهن ایران، عراق و سوریه، رفع موانع گمرکی، توجه به استاندارد بودن و ارتقای کیفی کالاهای صادراتی و سیاست‌های تعرفه‌ای اشاره کرد. در مورد ظرفیت‌های جدید نیز باید گفت که لازم است تلاش کرد با توجه به نیازهای جدید در بازار عراق و تدوین استراتژی صادراتی، این روند تجاری را تقویت شود. در این رابطه در کنار صدور کالاهایی که از تکنولوژی و ارزش افزوده کمی برخوردار هستند و می‌تواند به تدریج در داخل عراق تولید و تقویت شود و باعث گردد تا ایران در میان مدت و بلندمدت برخی از بازارهای خود در عراق را از دست بدهد، باید از یکسو به شناسایی نیازهای دائمی‌تر در بازار عراق توجه کرد و نیازهایی که به دلیل رقابتی بودن قیمت و کیفیت، عملاً رقیبی برای ایران وجود نداشته باشد را شناسایی کرد.

علاوه بر تجارت کالاهای عمدتاً مصرفی، ظرفیت‌های مختلف دیگری همچون صدور خدمات فنی و مهندسی، خدمات علمی و پزشکی، گردشگری زیارتی، فرهنگی و درمانی باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین باید همکاری‌های استراتژیک بین ایران و عراق در تعریف و اجرای پروژه‌های کلان در زمینه‌های مختلف را گسترش داد تا این همکاری‌ها عمیقی‌تر شود و کمتر تحت تأثیر تحولات سیاسی دو کشور قرار گیرد.

● **با توجه به تلاش آمریکا برای انزوای منطقه‌ای ایران، قرار گرفتن دولت عراق در کنار ایران چه میزان می‌تواند سیاست ضد ایرانی ترامپ را خنثی سازد؟**

ایران با سیاست‌های زیاده خواهانه دولت آمریکا، در شرایطی قرار گرفته است که راهی به جز



پیام سفر روحانی به عراق در روز روشن



دامون زاده کازرونی
کارشناس روابط بین‌الملل

رسانه‌های خارجی هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور کشورمان به عراق به‌طور کامل و با جزئیات به پوشش این رویداد خبری پرداختند و دستاوردهای این سفر به‌ویژه در حوزه اقتصادی را مورد توجه قرار دادند. در حالیکه رئیس‌جمهور آمریکا در دل شب با چراغ‌های خاموش در پایگاه نظامی کشورش در عراق فرود آمد، رئیس‌جمهوری ایران در روز روشن و با استقبال رسمی عالی‌رتبه‌ترین مقامات عراقی وارد بغداد شد.

رئیس‌جمهوری پیش از ترک تهران به‌قصد بغداد و در فرودگاه مهرآباد تهران، گسترش روابط دوجانبه با عراق را از مهم‌ترین اهداف این سفر دانست و گفت: روابط ایران و عراق یک روابط ویژه‌ای است، مردم ایران در طول سالیان گذشته در یک آزمایش بزرگی سربلند بودند و آن اینکه مردم منطقه هر کجا مشکلی پیدا کردند و از ملت و دولت ایران کمک خواستند، مردم و دولت ایران با همه توان به کمک آن‌ها شتافتند. این اولین دیدار آقای روحانی از عراق در پنج سال اخیر بود و در زمانی انجام شد که اقتصاد ایران به شدت تحت تأثیر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بوده و تقویت روابط با کشورهای همسایه یکی از راهکارهای ایران برای مقاومت در مقابل این تحریم‌ها است. عراق با وجود فشارهای آمریکا، اولین شریک تجاری ایران در میان همسایگان محسوب می‌شود. بنابر گزارش‌های رسمی ارزش روابط بازرگانی دو کشور که عمدتاً صادرات محصولات ایران به عراق را در بر می‌گیرد به ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد. آقای روحانی قصد دارد در جریان این سفر، حجم صادرات ایران به عراق را به دو برابر میزان کنونی افزایش دهد و ارزش مبادلات بازرگانی دو کشور را تا دو سال آینده به ۲۰ میلیارد دلار برساند.

صادرات ایران به عراق شامل محصولات مختلفی می‌شود و عمده‌ترین اقلام صادراتی این کشور به همسایه غربی، بنزین و برق است. این دو کشور دارای جمعیت عمدتاً شیعه، از زمان سقوط حکومت صدام حسین روابط نزدیکی با یکدیگر دارند. ایران همچنین اولین کشوری بود که در پی حمله داعش به عراق به کمک بغداد شتافت؛ کمک‌های ایران به عراق عمدتاً شامل مشاوره‌های نظامی و تأمین سلاح بود. اگرچه ایران در جریان فعالیت داعش در عراق، حضور نظامی رسمی در

مقامات عراقی حضور داشتند؛ دست کم ۱۶ مرد در هر طرف میز نشست‌ها بودند. ایران می‌خواهد نشان دهد که قوی‌ترین شریک عراق است.

ایران و عراق روابط اقتصادی خود در حالیکه آمریکا در حاشیه قرار دارد، تقویت کردند. با اشاره به اینکه عراق باید تحت فشارهای واشنگتن میان ایران و آمریکا انتخاب کند، به نظر می‌آید که روحانی پیروز شده است. وی در جریان سفر سه‌روزه خود با همتای عراقی خود دیدار کرد، به موضوعات اقتصادی پرداخت، به امکان مذهبی رفت و با رهبران اقوام مختلف عراق دیدار داشت. این در حالی است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا پس از ۱۶ سال حضور نظامی در عراق، در سفر دسامبر ۲۰۱۸ خود به این کشور به دلیل سفری که از پیش اعلام نشده بود خشم دیپلماتیک ایجاد کرد و تنها در یک پایگاه نظامی آمریکایی در عراق برای نیروهایش سخنرانی کرد و حتی با یک مقام عراقی هم دیدار نداشت.

رئیس‌جمهوری ایران با آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعیان در نجف دیدار کرد و علاوه بر این با مقامات بلندپایه عراقی، شامل رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر، رهبران سیاسی و مذهبی و نمایندگان اقوام مختلف در عراق دیدار داشت.

بسیاری از کارشناسان بین‌المللی در اظهارنظرهای خود بیان داشتند که سفر حسن روحانی به عراق، سفری «پرهیجان» به کشور همسایه غربی ایران بوده و یک دستور کار ویژه به لحاظ سیاسی و اقتصادی گوناگون بوده که برای ایران، عراق و منطقه در این برهه زمانی خاص معانی زیادی دارد و همین موضوع سبب شده تا این سفر به میزان زیادی اهمیت پیدا کند. در راستای همین سفر بود که روحانی در کاخ

این کشور نداشت اما از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه قدرتمند در خاک این کشور حمایت می‌کرد؛ گروه‌هایی که برآورد می‌شود نزدیک به ۱۵۰ هزار مبارز در اختیار داشته باشند.

این سفر همچنین نقش منطقه‌ای ایران را به‌ویژه پس از دیدار بشار اسد از تهران تقویت خواهد کرد. دیدار آقای روحانی یک پیام مهم دیگری را نیز به آمریکا مخابره کرد و آن استفاده صحیح و شناخت دقیق جمهوری اسلامی از خواست دولت و ملت عراق در مقابله با داعش و تروریسم بود. پیروزی بر داعش نشان داد که مقابله با تروریسم در کشورهای همسایه منجر به ثبات سیاسی و اقتصادی خواهد شد و این امر مستلزم همکاری برنامه‌ریزی شده و دقیق میان کشورهای همسایه است و نیازی به حضور ایالات متحده نیست. در رابطه با مسائل اقتصادی نیز، از آنجاکه روابط اقتصادی دو کشور حدود ۱۲ میلیارد دلار در سال است، این روابط را به راحتی در سال‌های آینده می‌توان به ۲۰ میلیارد دلار افزایش داد. امضای چندین قرارداد و توافق در حوزه‌های تجاری و انرژی نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان این دو کشور بزرگ شیعه است. آقای روحانی در حالی سفر خود به عراق را به پایان رساند که چندین قرارداد در حوزه روابط تجاری و انرژی و به‌علاوه توافقی ایجاد خط راه‌آهن برای مرتبط کردن دو کشور همسایه امضا کرده است. این قراردادها نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان ایران و عراق و به چالش کشیدن دولت آمریکا است که فشارها بر بغداد برای کاهش روابطش با ایران را افزایش داده است. علاوه بر این، رئیس‌جمهوری ایران با یک هیأت بزرگ در سفری سه‌روزه به عراق رفت و تمام آن‌ها بر سر میز دیدارهایش با

قصر الاسلام بغداد مورد استقبال همتای عراق خود «برهم صالح» قرار گرفت. رئیس‌جمهوری کشورمان در نشست خبری که پس از دیدار با برهم صالح برگزار شد، گفت: کشور عراق را کشور مهم اسلامی و عربی در منطقه می‌دانیم و عراق می‌تواند نقش مهمی را در امنیت منطقه و روابط بین کشورهای منطقه ایفا کند و این مسأله قابل مشاهده است. روحانی در دیدار با رئیس‌جمهوری عراق بابیان اینکه دو دولت و دو ملت ایران و عراق برادری و حسن هم‌جواری را همواره در عرصه‌های گوناگون برای یکدیگر به اثبات رسانده‌اند، تأکید کرد: اراده تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران بر توسعه و استحکام هر چه بیشتر روابط با عراق است. وی همچنین اظهار داشت: پیام این سفر این است که هیچ بروکراسی و کشور ثالثی نمی‌تواند در روابط دوستانه و برادرانه ایران و عراق تأثیر داشته و مانع اراده رهبران دو کشور برای توسعه و تعمیق مناسبات شود. در گفتگوی رئیس‌جمهوری کشورمان، آقای روحانی با تأکید بر اینکه امنیت و توسعه منطقه بدون ثبات و توسعه ایران و عراق امکان‌پذیر نیست، گفت: در شرایطی که آمریکا با تحریم‌های ظالمانه، غیرقانونی و خلاف موازین شورای امنیت علیه ملت ایران به دنبال اعمال فشار و فاصله انداختن میان کشورهای دوست است، باید با توسعه، استحکام و تعمیق روابط همه‌جانبه در برابر آنها بایستیم.

وی مذاکرات مسئولان و هیأت‌های عالی‌رتبه ایران و عراق را مثبت و در راستای توسعه هر چه بیشتر روابط و همکاری‌های فی‌مابین برشمرد و افزود: خوشبختانه امروز همه مسئولان ایرانی و عراقی اراده مستحکم و کامل برای توسعه همه‌جانبه مناسبات تهران - بغداد دارند. روحانی در نشست خبری با نخست‌وزیر عراق در بغداد در پایان امضای ۵ سند همکاری میان تهران و بغداد اعلام کرد که دو کشور توافق کردند صدور ویزا برای زائران و گردشگران ایرانی و عراقی رایگان شود. وی خاطرنشان کرد: در مذاکرات با نخست‌وزیر عراق توافق شد که روابط مردم با یکدیگر بیش از پیش تسهیل شود و در همین راستا ایران اعلام می‌کند که برای ویزا مبلغی را دریافت نمی‌کند و طرف عراقی هم بعد از این اعلام، اعلام می‌کند که این کشور هم مبلغی را دریافت نخواهد کرد. در این ملاقات در مورد مسائل مرزی دو کشور بر معاهده ۱۹۷۵ تأکید شد، برای لایروبی اوردرد که برای دو کشور و به‌ویژه منطقه جنوب ایران از اهمیت بالایی برخوردار است توافق کردیم و دو طرف در مورد رایگان شدن روادید سفر گردشگران و زائران دو کشور به توافق رسیدند. وی همچنین با یادآوری اینکه ملت و ارتش عراق به‌خوبی در برابر تروریست‌ها ایستادگی کردند، خاطرنشان کرد: در

روزهایی که برخی از کشورها لبخند بر لب داشته و تصور می‌کردند که مردم عراق از تروریست‌های داعش شکست می‌خورند، ملت ایران کنار مردم عراق بود و توانستیم باهم بزرگترین شکست را به تروریست‌ها وارد کنیم. همایش مشترک تجاری ایران و عراق در کاخ نخست‌وزیری عراق، با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران مصمم به توسعه روابط تجاری و اقتصادی با عراق و افزایش حجم مبادلات است برگزار شد و دو طرف با تأکید بر تسهیل روابط بانکی و اجرای توافقات در این راستا اذعان داشتند که می‌توانند یک فرصت تاریخی بزرگ برای دو دولت، دو ملت و فعالان اقتصادی به وجود آورند. دکتر روحانی در جمع نخبگان این کشور با ابراز خرسندی از اینکه در همه شرایط پیچیده و سخت منطقه، ملت‌های ایران و عراق پیوسته کنار هم بوده‌اند، گفت: در جریان مبارزه با داعش، جمهوری اسلامی ایران کنار مردم عراق بود. وی افزود: ما همچنین اجازه ندادیم قدرت‌های سلطه‌گر بتوانند خود را منجی منطقه معرفی کنند و اکنون همگان می‌دانند در نابودی تروریست‌ها در منطقه، این قدرت‌های غربی هیچ نقشی نداشتند و تنها با هواپیماها و بالگردهای خودشان عملیات نمایشی انجام دادند و قدرتی که توانست تروریست‌ها را از بین ببرد، ملت، ارتش، مجاهدان عراقی و فتوی مرجعیت بود.

رئیس‌جمهور در جمع نخبگان، عشایر و رهبران مذهبی در کربلای معلی با ابراز اینکه «اولین مردمی که کنار عراق برای مبارزه با داعش و القاعده گرفتند مردم ایران بودند»، گفت: پس از اشغال موصل توسط تروریست‌های داعش در یک سخنرانی عمومی اعلام کردم ما تهدید برای شهرهای مقدس عراق از جمله کربلا را به هیچ‌عنوان تحمل نخواهیم کرد و این حملات را به‌عنوان حمله به کشور و ملت خودمان می‌دانیم و در همان روز نیز به دولت عراق پیام دادم که «تمام امکانات ما در اختیار شما است تا در برابر تروریسم ایستادگی کنید و هر کمکی بخواهید ما آمادگی کامل داریم. رئیس‌جمهور با اعلام اینکه سالیانه حدود ۳ میلیون عراقی به ایران سفر می‌کنند و از ایران نیز نزدیک به دو میلیون نفر گردشگر و زائر به عراق می‌روند، گفت: موضوع گردشگری از نظر اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است و رایگان شدن روادید سفر به دو کشور می‌تواند در توسعه گردشگری و افزایش تعداد گردشگران مؤثر باشد. روحانی خاطرنشان کرد: در زمینه همکاری‌های تجاری در مورد کاهش تعرفه‌های تجاری و حتی حذف تعرفه برخی اقلام گفت‌وگو کردیم و همچنین در مورد احداث شهرک‌های صنعتی در مرزهای دو

کشور توافق شد. توافقاتی بسیار خوبی هم در زمینه همکاری در حوزه انرژی، برق و نفت و گاز حاصل شد. رئیس‌جمهور با بیان اینکه عراق اولین مرکز صادراتی ایران در دنیا است، افزود: در این سفر تصمیم گرفته شد صدور روادید تجاری نسبت به قبل تسهیل شود، دو کشور روابط تجاری بسیار نزدیک و صمیمی دارند و نقشی که فعالان اقتصادی و تجار در این زمینه ایفا می‌کنند برای دو طرف بسیار مهم است. روحانی همچنین راجع به توافق ایران و عراق برای همکاری در حوزه فنی - مهندسی گفت: در گفت‌وگو با مقام‌های عراقی در مورد ارائه تسهیلات خدمات فنی و مهندسی مذاکره کردیم. رئیس‌جمهور از موضوع روابط بانکی و حاکم شدن پول ملی دو کشور و تسهیل روابط بانکی به‌عنوان دیگر محورهای گفت‌وگو خود با مقام‌های عراقی نام برد و ادامه داد: در خصوص مسائل امنیتی منطقه نیز توافقاتی خوبی داشتیم و نظرات دو کشور به هم نزدیک است.

♦ سفر به عراق در سایه فشارهای آمریکا

سفر روحانی به عراق در حالی انجام پذیرفت که بغداد از سوی واشنگتن در فشار است که روابط خود را با تهران محدود کند. بغداد که از حمایت‌های مالی و نظامی واشنگتن برخوردار است همواره تلاش کرده است تا در روابط خود با هر دو کشور ایران و آمریکا توازن ایجاد کند. آمریکا نزدیک به ۵۲۰۰ سرباز در خاک عراق دارد که عمدتاً به آموزش نیروهای عراقی و پشتیبانی مأموریت‌های آن‌ها مشغول‌اند. اگرچه عراق توانسته است برای ادامه خرید مایحتاج الکتریسیته و گاز طبیعی خود از ایران مجوزهای لازم را از واشنگتن دریافت کند اما ایالات متحده از بغداد خواسته است تا برای تأمین انرژی خود با شرکت‌های آمریکایی وارد معامله شود.

حال باید منتظر ماند تا دستوردهای بیشتری از این سفر مهم آشکار شده و طی ماه‌های آینده کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز به تکاپو خواهند افتاد که نقش سیاسی و اقتصادی پررنگتری را برای مقابله با جمهوری اسلامی به کار گرفته و پیشنهادها اقتصادی بیشتری به‌سوی بغداد روانه خواهد شد. قطعاً عربستان سعودی برای برون‌رفت از بحران یمن نیاز به رایزنی با ایران از طریق عراق و وساطت جمهوری اسلامی برای حل این بحران بین‌المللی خواهد داشت و باید از تمام ظرفیت‌های سیاسی عراق در ارتباط با ایران استفاده کند و این وساطت تنها با ورود سرمایه‌های اقتصادی عربستان جهت تقویت روابط امکان‌پذیر هست.

ورود سعودی‌ها با کارت اقتصادی به عراق



دکتر اردشیر پشنگ
پژوهشگر ارشد
مسائل خاورمیانه



تاتق بازارگان

فروردین ۱۳۹۸

دوره جدید

شماره ۱۲۲

DC

سفر عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق به تهران آن هم در طی بازه زمانی کوتاهی پس از سفر حسن روحانی به عراق، بیانگر علایق و انگیزه‌های جدی برای بسط روابط دوجانبه میان تهران و بغداد تلقی می‌شود. از نظر شخصی و سیاسی نیز طیف عادل عبدالمهدی ارتباط نزدیک و دیدگاه مثبتی نسبت به ایران دارد و اخبار و تحلیل‌های غیر رسمی هم حاکی از آن است که ایران از حامیان نخست‌وزیری عبدالمهدی بود که نسبت به دیدگاه مثبت طرف عراقی تأثیر قابل توجهی داشته است.

از منظر سیاسی نیز اراده طرفین روی افزایش ارتباطات است و عراق کوشش می‌کند تا وزن گم شده دیپلماتیک خود را در خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس آهسته آهسته بازیابی کند تا تبدیل به یک بازیگر موثر در منطقه شود. به همین دلیل است که این کشور به دیدارهای دیپلماتیک بسیار تأکید داشته و سعی می‌کند تا روابط خود با کشورهای مختلف را ارتقاء دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد عراقی‌ها مایل هستند نوعی نقش میانجی با در پیش گرفتن نوعی دیپلماسی هم‌گرایانه در جهت کاهش تنش میان تهران و ریاض داشته باشند. در همین راستا گفته می‌شود سفر هیات عالی‌رتبه عربستان به عراق در چند روز قبل، مجموعاً می‌تواند در این چارچوب ارزیابی شود.

در چنین شرایطی یکی از سوالات مهم در رابطه با میزان همکاری‌ها میان تهران و بغداد بحث گسترش مناسبات اقتصادی است. اینکه گفته می‌شود در شرایط کنونی تا چه میزان می‌توان نفوذ امنیتی و سیاسی ایران در عراق را به تعاملات اقتصادی پیوند داد و در راستای آن حجم مراودات تجاری را از ۱۲ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار ارتقا داد؟ در این خصوص لازم به ذکر است، روابط امنیتی و سیاسی طرفین بسیار نزدیک است و مسائلی مانند ظهور داعش و بحث فراندوم استقلال اقلیم کردستان همگی دست به دست هم داد تا روابط طرفین نزدیک‌تر شده و وابستگی‌های امنیتی و سیاسی میان دو کشور افزایش یابد.

همانطور که اشاره شد در تغییر و تحولات سیاسی در عراق گفته می‌شود که ایران در تثبیت نظام تازه و دولت جدید عادل عبدالمهدی نقش قابل توجهی داشته است. بنابراین زمانی که چنین پیش زمینه امنیتی و سیاسی وجود دارد، مبنای مناسبات برای گسترش روابط اقتصادی و افزایش حضور و نفوذ

عراق، چه رهبران شیعی و چه رهبران کردی است. دولت جدید این کشور نیز با ایران روابطی مطلوب و نزدیک دارد. اما از سوی دیگر کارت بازی سعودی‌ها، توان مالی هنگفت و سرمایه‌گذاری این کشور است. به نظر می‌رسد رابطه خوب ایران با عراق و قدرت اقتصادی بالای عربستان نوعی بالانس را در روابط با بغداد ایجاد خواهد کرد و به نوعی نخواهد بود که یکی از طرفین رابطه‌ای بیشتر با عراق داشته باشند. هر چند در حال حاضر روابط ایران و عراق در ابعاد مختلف بیشتر از روابط میان بغداد و ریاض است، اما به مرور زمان انگیزه متقابلی میان مقامات سعودی و عراقی ایجاد می‌شود که می‌تواند در میان مدت نوعی تراز مثبت بین حضور و نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران و عربستان در عراق ایجاد کند.

از سوی دیگر با توجه به تحریم‌های آمریکا علیه ایران، سیاست بغداد تاکنون به گونه‌ای بوده که از منظر مواضع دیپلماتیک و دیپلماسی اعلامی، بارها اعلام کرده‌اند که روابط خود با ایران را ادامه داده و زیر بار تحریم‌های آمریکا نخواهند رفت. اما آن چه در عمل اتفاق افتاده این است که آنها در چارچوب تحریم‌های آمریکا حرکت کرده و در ظاهر حرفی‌هایی را می‌زنند و در باطن عمل دیگری از آنها سر می‌زند. به خصوص در زمینه معاملات دلاری و بازپرداخت بدهی‌های عراق در قبال خرید برق و گاز از ایران ما شاهد نوعی سختی و کندی در تسویه این بدهی‌ها هستیم. این عوامل نشان می‌دهد، آمریکا با توجه به حضور و تأثیرگذاری اش در عراق، سعی دارد در قالب تحریم‌ها نیز در روابط دو کشور تأثیر منفی داشته باشد. به همین دلیل به اعتقاد من یکی از عوامل بازدارنده افزایش پتانسیل‌های اقتصادی میان دو کشور همین عامل خواهد بود.

اقتصادی از نظر ثوریک و زمینه‌سازی برای ایران فراهم است. اما در خصوص ارتقاء حجم مناسبات تجاری و اقتصادی از ۱۲ میلیارد به ۲۰ میلیارد دلار باید گفت که به نظر می‌رسد به چند دلیل این مهم در کوتاه مدت چندان قابل تصور نخواهد بود. ۱- ظرفیت‌های داخلی اقتصادی طرفین. ۲- افزایش فشارهای ایالات متحده و تلاش برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران. ۳- مکمل بودن اقتصادهای دو کشور و ۴- متنوع شدن بازیگران سیاسی و اقتصادی در عراق از دولت‌های منطقه‌ای مانند عربستان، اردن و ترکیه گرفته تا کشورهای غربی. به همین دلیل همگی این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا در کوتاه مدت دو کشور قادر نباشند ظرفیت‌های اقتصادی خود را به عدد قابل توجه ۲۰ میلیارد دلار برسانند.

البته این اراده در هر دو کشور وجود دارد، ولی اینکه در کوتاه مدت این مهم اجرایی شود به نظر بعید است. اما در میان مدت اگر بحث تکامل حوزه‌های بازسازی عراق به خصوص موضوع گسیل نیروهای کار ایرانی به یک استراتژی جدی از سوی ایران تبدیل شود و از سوی دیگر در زمینه‌های زیربنایی و حوزه‌های مشترک نفت و گاز سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، به نظر می‌رسد که دو کشور می‌توانند در میان مدت به این سمت حرکت کنند.

♦ ورود سعودی‌ها با اهرم اقتصاد

از سوی دیگر سوال بعدی آن است که به توجه به رقابتی که اکنون میان ایران و عربستان برای نفوذ در عراق وجود دارد، دورنمای این رقابت چه آثار و پیامدهایی خواهد داشت؟ در همین رابطه می‌توان گفت: ایران دارای روابط بسیار خوب با رهبران فعلی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

عراق ضربه گیر تحریم‌های ترامپ علیه ایران



دکتر نیکنام بیری
پژوهشگر روابط بین‌الملل

رفت و برگشت‌های دوجانبه روسای جمهوری دو کشور ایران و عراق طی یک ماه اخیر، روابط ایران و عراق را وارد مرحله ای جدید ساخته است. در این مرحله سطح دوستی و همگرایی طرفین عمیق‌تر شده و نگاه رهبران دو کشور امروز به همدیگر از جنس راهبردی و استراتژیک محور است. اهمیت دیدارهای دوجانبه مقامات بلندپایه دو کشور زمانی عیان‌تر می‌شود که در آن سوی اطلانتیک، آمریکا ترامپ تمام تلاش و تمرکزش را بر جدایی تدریجی متحدان قدیمی و استراتژیک ایران گذاشته است. در طی دو سال اخیر با اطمینان می‌توان گفت که راهبردی ترین رویکرد دولت آمریکا در خارومیانه منزوی کردن ایران و ایجاد ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای علیه تهران است. دولت عراق با عطف به این واقعیت‌ها و آگاهی از رویکرد سیاست خارجی آمریکا، عزم دوستی و همگرایی با تهران بسته است.

ترامپ بعد از به اجرا گذاشتن دو مرحله تحریم‌ها علیه ایران نخست از اردیبهشت و تحریم‌های ثانویه از آبان ماه، به صفر رساندن فروش نفت ایران، ممانعت از تبدلات مالی و بانکی میان ایران با نهادهای جهانی را هدف قرار داده است. با توجه به تجربه قبلی تحریم‌ها، دولت آمریکا در نظر دارد برای به حداکثر رساندن سیاست فشار علیه اقتصاد ایران، قدرت‌های منطقه‌ای را نیز با خود همراه سازد. برای همین تمام تمرکز دولت آمریکا هم‌اکنون بر ایجاد موازنه منطقه‌ای علیه ایران است. بی‌گمان عراق با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی، از جایگاه استراتژیک‌تری در دکترین سیاست خارجی ترامپ برخوردار است. اهمیت عراق از چند منظر است. یکی اینکه دولت عراق می‌تواند بخش اعظمی از نفت تحریم شده ایران را در بازارهای جهانی پر کند.

به این شکل که کیفیت و نوع نفت تولید شده در جنوب ایران شباهت بسیار بالایی با نفت عراق به خصوص کرکوک دارد. نفت کرکوک از نوع نفت سبک است و از این جهت با افزایش تولید نفت در میداین نفتی این استان، خلافتی ایران در بازار پر می‌شود. کرکوک غنی‌ترین منطقه نفتی عراق، نزدیک به ۵۰ درصد کل تولید نفت عراق را برعهده دارد. از سوی دیگر عراق با توجه به حجم تجارت نسبتاً بالا با ایران که هم‌اکنون در محدوده ۱۲ میلیارد دلار می‌چرخد، هم‌بازار صادراتی خوبی برای کالاهای ایرانی است و هم مسیر و جریانی برای جذب ارزهای معتبر خارجی است. از این جهت همراه شدن عراق با تحریم‌های

آمریکا، ضمن از بین بردن فرصت‌های صادرات ایران، در حوزه بانکی و مالی نیز، اقتصاد ایران را با فشار و تنگنای بیشتری مواجه می‌سازد. اینجاست که اهمیت و درجه تأثیرگذاری عراق در سیاست تحریمی ترامپ برجسته می‌شود.

اما آنچه که در روابط ایران و عراق جاری است و این دو کشور را از دام نیرنگ ترامپ دور می‌سازد؛ نخست آگاهی بالای سیاسی در میان نخبگان اجرایی دو کشور و از سوی دیگر قفل بودن اقتصاد و تجارت دو کشور است. تقریباً جنوب عراق از لحاظ انرژی برق وابستگی جدی به نیروگاه‌های ایران دارد و از طرف دیگر بسیاری از اقلام و کالاهای غذایی مورد نیاز عراق از طرف ایران تامین می‌شود. حتی اگر اقتصاد را در روابط دو همسایه بزرگ ایران و عراق فاکتور بگیریم؛ عنصر ژئوپلیتیک امکان دور شدن دو کشور را به اقل ممکن می‌سازد. دولت عراق با توجه به تجربه ۱۵ ساله حضور نظامیان آمریکایی در شمال غربی و بخش‌های مرکزی عراق، متوجه این امر هست که بدون یارگیری از ایران امکان بازایی آرامش و ثباتش ممکن نبود. نتیجه حضور نظامیان آمریکایی در عراق، هرج و مرج و بی‌ثباتی‌های گسترده سیاسی و امنیتی بود که در نهایت منجر به ظهور افراط جویان داعش شد. قدرت‌گیری داعش در جغرافیای سیاسی عراق و سوریه، هراس را در دل و جان کل منطقه به خصوص عراقی‌ها خواهد انداخت. در این بین حمایت‌های سیاسی و نظامی دولت ایران از عراقی‌ها مانع از پیشروی داعش و در ادامه حذف این گروه گردید.

بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایلی که دولت عراق با وجود حجم فشارهای اقتصادی و سیاسی از سوی دولت آمریکا حاضر به همراهی بر سر موضوع تحریم‌ها علیه ایران نیست؛ جایگاه و تأثیرگذاری ایران در ثبات سیاسی و امنیتی عراق است. عراقی‌ها می‌دانند که

عامل بی‌ثباتی در منطقه آمریکا و نظامیان این کشور است و به همین جهت حاضر به ائتلاف با این کشور تحت هیچ شرایطی نیستند. از این رو رویه مخالفت جویانه ترامپ هر چه میزان عمق و شدت بگیرد به همان نسبت دوستی دو کشور عمیق‌تر می‌شود. بی‌جهت نیست که بعد از اقدام ترامپ علیه سپاه، دولت عراق بیشترین انتقاد را از رفتار تهاجمی ترامپ داشت. عادل عبدالمهدی نخست‌وزیری عراق با محکوم کردن تروریستی اعلام شدن ترامپ، رویکرد آمریکا را برای منطقه تهدید آفرین اعلام کرد. نخست‌وزیری عراق خواستار این نیست که سطح تنش و دشمنی میان آمریکا و ایران به مرحله بازگشت ناپذیر برسد. عراقی‌ها نگران از کشیده شدن منازعه ایران و آمریکا به جغرافیای خودشان هستند. برای همین جریان‌های عراقی بارها اعلام کرده‌اند که سپاه نیرویی ثبات بخش در عراق و منطقه است و دولت آمریکا بایستی به نقش این نهاد نظامی در منطقه احترام بگذارد.

بدین‌رو باید گفت که عراق و ایران دو بخش جدایی‌ناپذیر در منطقه هستند و اساساً امنیت منطقه در گرو همگرایی و هماهنگی‌های سیاسی این دو کشور است. امید آن است که سایر قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان به جای تلاش عبث برای ائتلاف سازی علیه ایران با سناریوهایی چون ناتوی عربی به بخشی از حل معادله امنیت منطقه‌ای تبدیل شوند. پاسخ منفی دولت مصر به درخواست سعودی‌ها در پیوستن به ناتوی عربی، نشان از سطح آگاهی دولت‌های منطقه از نیات عربستان و مهم‌تر از همه تأثیر سوء سیاست‌های عربستان بر ثبات خاورمیانه دارد. تردیدی نیست که با گذشت زمان دامنه متحدان عربستان کوچک‌تر و کم‌اثر‌گذارتر خواهد شد و این کشور تنهایی را به مفهوم واقعی در منطقه حس خواهد کرد.

ایران شانس اول حضور اقتصادی در عراق



دکتر محمدجواد سلطانی
مدرس دانشگاه



پس از سرنگونی رژیم بعث در عراق، ایران و عراق بیشترین ظرفیت‌های همکاری سیاسی-اقتصادی در شرایط جدید را داشتند. به‌ویژه اینکه ایران به همکاری اقتصادی به عنوان جاده‌صاف‌کن توسعه نفوذ سیاسی خود در عراق توجه ویژه‌ای داشته است. چرا که برای عراق در شرایط فعلی و به‌ویژه پس از شکست داعش، عنصر اقتصادی بیشترین جذابیت را در روابط با همسایگان خود دارد. همکاری در حوزه انرژی ستون توسعه روابط در این حوزه است. زیرساخت‌های ضعیف انرژی عراق، این کشور را به عنوان بازار اول صادرات انرژی ایران در منطقه کرده است. این همکاری اقتصادی به‌ویژه در زمینه توسعه حمل و نقل به تدریج می‌تواند ایران را از طریق عراق با مسیر زمینی به سوریه متصل کند. این مهم بدون رقیب برای ایران نبوده است. به‌ویژه اینکه ترکیه در حال توسعه نفوذ اقتصادی خود در اقلیم کردستان عراق است تا کردها را از نظر اقتصادی به شدت به خود وابسته کند. پس از سفر رئیس جمهوری ایران به عراق، یک هیأت اقتصادی سعودی عازم بغداد شد تا میدان رقابت اقتصادی قدرت‌های منطقه‌ای در عراق را کامل کند. با این حال ظرفیت‌های ایران برای داشتن دست بالا در اقتصاد عراق بیش از دو کشور یاد شده است. دید و بازدید مسئولان دو کشور در فاصله‌ای کمتر از یک ماه حاکی از اهمیت نگاه استراتژیک به‌ویژه در عرصه اقتصادی به همدیگر است.

در جریان سفر روحانی به عراق در اسفند ۱۳۹۷ سند و یادداشت تفاهم همکاری مشترک میان مقام‌های عالی‌رتبه دو کشور به امضاء رسید. هر ۵ سند همکاری در جهت گسترش روابط تجاری بین دو کشور بوده است. در جریان این سفر، توافقی بین دو طرف مبنی بر رایگان شدن روادید عراق و ایران برای اتباع دو کشور از نیمه فروردین ماه ۱۳۹۸ به امضاء رسید و اکنون جنبه اجرایی یافته است. بر اساس این توافقات، مبادلات تجاری بین دو کشور باید به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ برسد. تحقق این هدف نقش مهمی در توسعه کمی و کیفی روابط و ارتقای شاخص‌های اقتصادی مناسبات دو کشور دارد. در حال حاضر میزان صادرات

عراق عرضه می‌کند در حوزه توریسم مذهبی است. بیشترین توریست مذهبی از سوی ایران به کشور عراق فرستاده می‌شود. سالانه حدود ۷ میلیون مسافر بین دو کشور در حال رفت‌وآمد هستند.

سفر عادل عبدالمهدی به ایران در روزهای اخیر نیز حاکی از عزم این کشور به توسعه روابط استراتژیک به‌ویژه در عرصه اقتصادی با ایران و اجرایی کردن توافقات صورت گرفته در سفر اخیر رئیس جمهوری ایران به عراق است. سفر دو روزه عبدالمهدی در بغداد چند روز پس از سفر هیأت سعودی به بغداد صورت گرفت. وزیران نفت، دارایی، برق و تجارت از جمله همراهان عادل عبدالمهدی بودند. با توجه به رفت‌وآمدهای اخیر بین مقامات عالی‌رتبه دو کشور ایران و عراق، می‌توان گفت روابط دو کشور همسایه وارد فاز جدیدی از همکاری‌های سیاسی و به‌ویژه اقتصادی شده و این موضوع بر افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور نیز تأثیر مثبت گذاشته است. در واقع ایران در تلاش است عراق را از نظر اقتصادی و سیاسی به یک کشور قدرتمند عربی حامی خود در برابر اعراب حامی آمریکا قرار دهد و با افزایش ضریب امنیتی در این کشور زمینه تقویت حاکمیت ملی را در عراق فراهم کند. این روند ضمن تأمین امنیت در مرزهای غربی، عراق را به شریک استراتژیک ایران تبدیل خواهد کرد. به‌ویژه اینکه دولت عراق اعلام داشته است به تحریم‌های آمریکایی علیه ایران نخواهد پیوست.

ایران به عراق ۸.۵ میلیارد دلار است. در سال ۱۳۹۷ ارزش صادرات ایران به عراق حدود ۵۰ درصد در حوزه کالاهای غیرنفتی افزایش پیدا کرده است. مجموع مبادلات تجاری دوطرف به عدد ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. اکنون نیز ایران رتبه یک فعالیت در بازارهای عراق را دارد. در حال حاضر محصولات پلیمری و فرآورده‌های آن، محصولات لبنی، ماشین‌آلات صنعتی و به‌ویژه برق و گاز مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران به عراق هستند.

در واقع ایران همواره بیشترین تأثیر را از تحولات عراق پذیرفته است و بیشترین کمک را به دولت عراق در ایجاد ثبات به این کشور و مبارزه با داعش، به اذعان مقامات عراقی کرده است. از این رو ضرورت دارد شناس اول نفوذ اقتصادی در عراق با ایران باشد. اگرچه سعودی‌ها قبلاً اعلام کرده‌اند قصد دارند در موصل عراق حدود هفت میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنند. اما اعتمادی که جامعه مدنی عراق به نقش مثبت ایران در تحولات این کشور دارد را نمی‌توان برای سعودی‌ها قائل شد. اشتراکات دو ملت در این زمینه نقش بالایی دارد. چنانکه دکتر روحانی در سفر به عراق به این مهم اشاره داشته‌اند که تاریخ، فرهنگ مشترک، قرابت دینی و فکری دو ملت، شرایط جغرافیایی و هم‌مرز بودن و همسایگی و امنیت و ثبات، باعث توسعه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی میان ایران و عراق است. به‌ویژه اینکه ایران حتی در شرایط بی‌ثبات عراق، همکاری‌های اقتصادی خود با این همسایه غربی را قطع نکرد. به‌ویژه اینکه بزرگترین ظرفیت اقتصادی که ایران به

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



نظام اداری، فاقد مهارت ایران

که اگر قرار شد به جای سدسازی با هدف مهار آب و توزیع آن در مواقع ضروری کاری کند، زیرساخت‌های اداری و فنی برای فعالیت آماده است و می‌دانیم که به جای سد باید آبخیزداری شود یا کار دیگر؟ اگر ایران بخواهد به مضاف یک رخداد طبیعی برود آیا تکنولوژی روزآمد و مناسب دارد؟ نظام اداری ایران اگر بخواهد میان رسیدگی فوری‌تر به سیل‌زدگان لرستان یا خوزستان انتخابی انجام دهد می‌توان امید داشت برای این انتخاب یک کار کارشناسانه و منطبق با نیازهای ایران و نیازهای در منطقه انجام خواهد شد؟

توانایی‌های اجرایی و فنی برای پیاده کردن سیاست‌های مناسب است. به طور مثال تصور کنید که قرار است با تخصیص منابع کارآمد و واجد استانداردهای مناسب فعالیت‌های زیست‌محیطی در ایران کارآمدتر شده و ایران از فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی دور شده و از منابع طبیعی خود مثل جنگل، کوه، مرتع، اراضی زراعی و منابع نفتی به شکل کارآمدی استفاده کند. آیا در ایران عناصر نیرومندی که توانایی تشخیص اولویت‌ها بر اساس میران منابع را داشته باشد، داریم؟ آیا ایران آنقدر نیروی انسانی کارآمد دارد

فرض محال که محال نیست. فرض کنید سیاستگذاری در ایران در حوزه‌های اقتصاد، جامعه، فرهنگ و سیاست داخلی و خارجی از ناکارآمدی فعلی دور خواهد شد و مقرر شده است در هر حوزه از ارکان یاد شده سیاستگذاری مطلوب تدوین و اجرا شود. باز هم فرض کنید که سیاستگذاری‌های مناسب تدوین و برای اجرا ابلاغ شدند، آیا نظام اداری ایران در هر حوزه واجد توانایی‌های فنی، اجرایی و اداری دارد؟ واقعیت این است که چنین چیزی در ایران وجود ندارد. نظام اداری در ایران فاقد

نظام اداری و دیوان سالاری ایران آیا افرادی ورزیده و دارای قابلیت‌های چانه‌زنی با ذینفعان در لرستان یا خوزستان را دارد که به شهروندان بگوید چرا باید اول به لرستان برسیم بعد به خوزستان یا برعکس و یا اینکه ضرورت دارد همزمان به سیل‌زدگان لرستان، خوزستان و گلستان رسیدگی شود و امکانات موجود به بهینه‌ترین وضعیت به هر ۳ استان تخصیص داده شود.

فرض کنید قرار باشد ایران به سوی سیاستگذاری مناسب در بخش بانکداری حرکت کند آیا مدیران بانک‌های ایران و فعالان بانکداری در ایران قابلیت اجرای این سیاست را دارند؟ الان اگر قرار باشد که ایران FATF را بپذیرد، آیا در ایران ساختار مناسب و کارآمد برای اجرای آن در سطح بانک مرکزی، در سطح وزارت اقتصاد و سایر نهادها وجود دارد؟ واقعیت این است که نظام اداری ایران به دلایل گوناگون کارآمدی برای اجرای سیاست‌های درست آتی را ندارد. از آن بدتر، این است که در حال حاضر این سازمان اداری کشور قابلیت اجرای خواسته‌های نظام سیاسی فعلی را نیز ندارد و نمونه‌های پرشماری از ناکارآمدی را می‌توان نشان داد که قابلیت اندک نظام دیوان سالاری ایران در اجرای خواسته‌های نظام سیاسی فاقد مهارت بوده و کار را به بدترین شکل انجام داده است. در همین داستان سیل اخیر که رخ داد و میلیون‌ها ایرانی در آن گرفتار شدند می‌توان نشانه‌های ناکارآمدی و بازتاب‌های آن را به خوبی دید. دخالت‌ها و موازی‌کاری‌های ده‌ها سازمان دولتی و حکومتی که در استان‌ها دیده شد و گزارش‌های متعدد از آن منتشر شده است نشان می‌دهد نظام دیوان سالاری ایران

فاقد سازگاری درونی و تقسیم وظایف، به شکل بهینه بوده و هست. اختلاف نظر میان دولت و برخی از نهادهای موثر در ایران در بالاترین سطح در روزهای نخست وقوع سیل در استان گلستان یکی از نمادهای برجسته ناکارآمدی نظام اداری کشور است. برخی از نهادها بدون اینکه نهاد دولت و ستاد بحران را در جریان فعالیت‌ها قرار دهند برای خود قلمرو تعیین کرده و به بهره‌برداری‌های سیاسی پرداختند. دستگاه دیوان سالاری و نظام اداری ایران در یک ماه سپری شده از وقوع سیل در استان‌های کشور هنوز نتوانسته است تصمیم بگیرد که آیا باید از نهادهای مدنی استفاده کرد یا اینکه ضرورتی برای این کار وجود ندارد؟ درحالی‌که سازماندهی نیرو و امکانات نهادهای مدنی برای رسیدگی به رخدادهای گوناگون سیل یک ضرورت تمام‌عیار بوده و هست اما بخشی از نظام اداری ایران حاضر نشدند این ضرورت را به دلایل سیاسی قبول کنند و کار به مجادله کشیده است. درحالی‌که استفاده از امکانات و خواست داوطلبانه کشورهای دیگر می‌توانست در تامین نیازهای شهروندان موثر باشد اما نظام اداری ایران فاقد مهارت کافی برای انتزاع مسائل سیاسی روزمره و مسائل سیاسی بلندمدت بود و کمک‌های خارجی رسیده نیز معلوم نشد که به کدام ضریب بهرهوری به سیل‌زدگان رسیده است.

یکی از مشکلات نظم اداری کشورهای در حال توسعه، مهارت گسیختگی دیوان سالاری و انباشت بی‌حد قدرت در آنهاست. دیوان سالاری، نیروها و منابع و امکانات جامعه را انحصاراً به خود اختصاص می‌دهند و به صورت واحدهایی نیرومند در جامعه ظاهر می‌شوند و با استفاده از قوانین و مقررات دولتی، به اتکا به هدف‌های

ضروری و حیاتی خود و با بهره‌گیری از اهرم‌های سیاسی، به قدرت‌نمایی می‌پردازند و بدین ترتیب، سازمان‌هایی که باید در خدمت جامعه باشند، به صورت مخدوم درمی‌آیند. و جامعه را به خدمت خود می‌گیرند.

یکی از انتقادهای فراگیر آن است که بوروکراسی در ایران بسیار بزرگ است، از منابع وسیعی استفاده می‌کند، ولی آنچه پدید می‌آورد بسیار کوچک و اندک است. عدم تفکیک پست‌های سیاسی از پست‌های اجرایی، در سازمان‌ها، از راس هرم سازمانی تا قاعده که مدیریت اجرایی است، مدیریت سیاسی اعمال می‌گردد و از طرفی چون این گونه مدیریت‌ها بر اساس شایسته‌سالاری و تخصص و طی سلسله‌مراتب اداری اعمال نمی‌گردد، کارکنان امید به آینده و رشد و تعالی را از دست داده و به جای تلاش در جهت بهبود عملکرد سازمانی به دنبال روابط سیاسی می‌باشند.

عدم وجود ارتباط ارگانیک و تعریف شده بین سازمان‌ها و نهادهای کشور، سازمان‌ها و نظام‌های اداری موجود به مثابه جزایری هستند که به تنهایی عمل می‌کنند و خود را مقید به ارتباط و هم‌سرنوشتی با سازمان‌ها نمی‌دانند. عدم وجود توجیه منطقی حیات بعضی از سازمان‌ها، در جامعه ما بعضی از سازمان‌ها به ضرورت مقطعی متولد می‌شود و پس از رفع ضرورت بدون هیچ‌گونه توجیه منطقی همچنان باقی می‌مانند. تنها منافع مدیران و کارکنان است که این سازمان‌ها را نگه می‌دارد نه ضرورت و نیاز واقعی به آنها. هیچ نهاد، سازمان و ارگانی نیست که بررسی منطقی نماید و در صورت عدم نیاز، سازمان را از فرآیند حذف کند. در پرونده پیش رو دو گزارش درباره شرایط امروز نظام اداری را می‌خوانید.



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

نظام اداری کشور؛ چالش‌ها و راهکارهای تحول



مرتضی باقیان |

نظام اداری را می‌توان به عنوان یک دستگاه حاکمیتی مرتبط با بدنه مردمی کشور در نظر گرفت که از حیطة نفوذ و تأثیرگذاری بسیار وسیع و عمیقی برخوردار است. مهم‌ترین کارکرد این نظام را می‌توان در تنظیم کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌های ازپیش طراحی شده دولت‌ها خلاصه نمود. در حقیقت تمامی تصمیمات و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت یا نظام سیاسی حاکم بدون پشتیبانی نظام اداری تحقق‌پذیر نیست. امروزه یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، ویژگی‌ها و خصیصه‌های نظام اداری و مدیریتی آنهاست. بنابراین بخش عمده‌ای از توسعه و پیشرفت هر کشوری، وابسته به کارایی و اثربخشی مدیریت و نظام اداری آن است.

در این بین تجربه نظام اداری ایران نیز جالب‌توجه است. پیشینه نظام اداری در ایران بسیار طولانی است و به عهد ایران باستان بر می‌گردد؛ اما نظام فعلی اداری ایران محصول دوران مدرن و برگرفته از الگوی اداری و تجربه برخی کشورهای غربی است که البته در مسیر خود با انقلاط و ناکامی متعددی‌هایی مواجه بوده است. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه شناخته می‌شود و برای تحقق اهداف و سیاست‌هایش به یک دستگاه اداری سالم و کارآمد نیاز مبرم دارد. بدون وجود چنین نظام و دستگاهی، تحقق سیاست‌های کلان و اسناد بالا دستی نظام جمهوری اسلامی ایران (از جمله برنامه پنج ساله توسعه ششم، سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ و...) در جهت توسعه و پیشرفت کشور امکان‌پذیر نیست؛ چرا که بهترین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها با وجود نظام اداری و مدیریتی ناکارآمد و احتمالاً آلوده به فساد، در حقیقت به ضد خود تبدیل می‌شود و نه تنها وضع کشور و مردم بهبود پیدا نمی‌کند که مشکلات تازه‌ای بر رفتاری‌های موجود اضافه می‌کند.

◆ چالش‌های نظام اداری کشور

مهم‌ترین گام در تحول نظام مدیریتی کشور، تشخیص و شناخت چالش‌ها و مشکلات است؛ چون اگر چالش‌ها و مشکلات به درستی شناسایی نشوند به احتمال قوی، تحول و اثربخشی مطلوبی صورت نخواهد پذیرفت. این بخش تلاش می‌کند برخی از مهم‌ترین چالش‌های این نظام را بازنامایی کند.

۱- سیاست‌زدگی

سیاست‌زدگی را می‌توان دخالت غیرسازنده

کشور را در نارضایتی و ناامیدی شهروندان خلاصه نمود؛ چرا که در نظام مدیریتی سیاست‌زده، کارگزاران بوروکراسی کشور تنها به جلب رضایت مدیران فرادستی توجه دارند و انگیزه‌ای برای رضایت مردم و پاسخگویی به نیازهای شهروندان در خود احساس نمی‌کنند.

فساد اداری را می‌توان از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌زدگی در اداره کشور قلمداد نمود. باید توجه داشت اگر به‌طور قانونی و ساختاری، مرز مشخصی میان فعالیت‌های اداری و سیاسی ایجاد نگردد؛ احتمال نفوذ سیاست در نظام اداری و به تبع آن نقض قانون و در نهایت فساد اداری وجود دارد. وجود فساد و استمرار آن موجب کاهش اعتبار اجتماعی و حیثیت نظام اداری، از دست رفتن اعتماد و احترام مردم نسبت به نهادهای حکومتی و دستگاه‌های اداری و همچنین منجر به ایجاد و افزایش بیگانگی و فاصله بین حکومت‌گران و شهروندان می‌شود. همچنین ائتلاف منابع را می‌توان از دیگر پیامدهای مخرب سیاست‌زدگی بوروکراسی نام برد؛ چرا که در فضای سیاست‌زده، مدیران دست به تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت و مقطعی می‌زنند که منجر به ائتلاف منابع می‌شود.

در حال حاضر در اکثر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، تقدم امر سیاسی بر شایستگی‌های مدیریتی به امری مرسوم تبدیل شده است. در ایران نیز، نظام اداری تا حدودی تحت تأثیر حوزه سیاست بوده و بیشتر تغییرات مدیریتی نه از باب اصلاح و ارتقای کارآمدی که از باب ضرورت‌های سیاسی و مبتنی بر اهداف شخصی و جناحی بوده است. جابه‌جایی اتوبوسی مدیران در جریان تغییر دولت‌ها را می‌توان از جمله مصادیق سیاست‌زدگی در نظام مدیریتی کشور تلقی نمود. به‌طور کلی، سیاست‌زدگی را می‌توان

نظام قدرت و سیاست در دستگاه مدیریتی کشور و جایگزین نمودن معیارهای سیاسی به جای معیارهای شایستگی تعریف نمود. قرار گرفتن و قراردادن هر کس در جایگاه واقعی، یکی از ارکان مهم مدیریت سالم و کارآمد است؛ ولی در مدیریت سیاست‌زده، تصمیمات بیش از آنکه مبتنی بر رویکردهای علمی و منافع عمومی شهروندان باشند، ریشه در رویکردهای ایدئولوژیک و سیاسی مدیران دارد. البته ذکر این نکته در اینجا لازم است که درجه‌ای از دخالت سیاست در اداره و مدیریت کشور نه تنها مضر نیست بلکه جلوه‌ای از دموکراسی محسوب می‌شود؛ اما تزریق پررنگ سیاست در اداره کشور منجر به سیاست‌زدگی منفی خواهد شد.

اصولاً باید توجه داشت که مدیریت، کاری است تخصصی که نیاز به دانش و تجربه دارد. وقتی کارشناسی و مدیریت ادارات و سازمان‌ها از مدیریت سیاسی جداسازی نشود، با تغییر مدیران ارشد سیاسی در جامعه و استقرار یک تیم سیاسی جدید، مدیران و حتی کارشناسان ارشد نظام اداری کشور نیز با ملاحظات وابستگی سیاسی به تیم مدیریت جدید انتخاب می‌شوند. وقتی مدیران با تأکید بر وابستگی سیاسی آنها انتخاب می‌شوند، توانایی‌های مدیریتی آنها در جرات دوم یا سوم اهمیت قرار می‌گیرد و کیفیت مدیریت آن تنزل می‌کند و آهنگ پیشرفت کشور کند می‌شود.

از آنجا که مهم‌ترین هدف سیستم اداری و مدیریتی کشور، خدمت‌رسانی به شهروندان است؛ به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین گروهی که از پدیده سیاست‌زدگی بوروکراسی متضرر می‌شوند دریافت‌کنندگان اینگونه خدمات (شهروندان جامعه) می‌باشند. بنابراین می‌توان مهم‌ترین پیامد سیاست‌زدگی نظام مدیریتی



شایسته محوری هم رعایت گردد. همچنین تقویت احزاب سازمان یافته و قدرتمند باید مورد توجه جدی نظام سیاسی و فعالان سیاسی قرار گیرد؛ چرا که در طول تاریخ بعد از انقلاب، به دلیل نبود احزاب سازمان یافته، افراد به صورت مستقل وارد کارزار انتخاباتی شده و همواره برنده انتخابات، پس از پیروزی، سعی در جذب و به کارگیری افراد همفکر، اطرافیان و فعالان ستادهای انتخاباتی خویش نموده است. هم چنین در این زمینه لازم است تا در سازمان هایی که مسئولیت ارائه خدمات تخصصی به مردم و کشور را برعهده دارند، همواره معیارهای حرفه ای بر معیارهای سیاسی در انتصابات برتری داشته باشد. برای این کار لازم است تا هویت حرفه ای کارشناسان این سازمان ها (مانند وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، سازمان حفاظت از محیط زیست، وزارت بهداشت و...) تقویت شده و از سوی سیاستگذاران ارشد و انتخابی کشور به رسمیت شناخته شود.

۲- توجه به الگوی حکمرانی خوب

شاید بتوان بهترین راهکار جهت بهبود نظام مدیریتی کشور را در پیاده سازی الگوی حکمرانی خوب خلاصه نمود. مدل حکمرانی خوب، نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می دهد. این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل گری و هماهنگ کنندگی آن تأکید دارد. در یک تعریف کلی، حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع

۳- فرهنگ راهبردی نادرست

فرهنگ راهبردی را می توان مجموعه ای از باورها و ارزش های همگانی و مشترک در نظر گرفت که بر اندیشه و رفتار اعضای یک سازمان یا یک کشور اثر می گذارد. با این تعریف می توان گفت که فرهنگ راهبردی در نبود یک قانون یا دستورالعمل صریح، رفتارها را هدایت می کند. به عبارت دیگر کامیابی یا شکست سازمان ها را باید در فرهنگ آنها جستجو کرد.

وجود یک فرهنگ راهبردی مناسب در ادارات می تواند باعث بهبود در عملکرد و اثربخشی کارکنان شده و در نتیجه کارآیی سازمان ها را نیز بالا ببرد. اشاعه فرهنگ مشارکتی و همکاری جمعی در حل مشکلات و بهبود روابط کاری از جمله الزامات فرهنگ راهبردی درست است. در ساختار مدیریت کشورهای توسعه یافته ای مانند ژاپن و آلمان، اصولی مانند ضابطه گرایی و انضباط کاری به عنوان یک باور فرهنگی پذیرفته شده است. همچنین اتحاد و یکپارچگی وظایف و حوزه های کاری در ساختار کلان این قبیل کشورها به وضوح دیده می شود.

در ساختار اداری و مدیریتی ایران، فرهنگ راهبردی درست، آنچنان که بایسته است، وجود ندارد. فقدان باور و روحیه قانون مداری، عدم شفافیت در نظام اداری و پاسخگو نبودن دولت در مقابل مردم و نهادهای نظارتی، پایین بودن سطح فرهنگ کار و تلاش در نظام اداری، عدم حساسیت به وقت و زمان، بها ندادن به یادگیری و آموزش، فقدان اندیشه و خردورزی در نظام اداری، عدم حمایت از نوآوری و ابتکار عمل و... از جلوه های فرهنگ راهبردی نادرست میان ایرانیان است. همچنین فقدان نگرش استراتژیک و حاکمیت تفکر جزئی نگر از موانع کارآمدی نظام مدیریتی کشور به حساب می آید. به طور کلی وجود آسیب های فرهنگ سیاسی و راهبردی در نظام اداری، موجب حاکمیت فرهنگ محدود و تبعی را فراهم نموده است و به همین دلیل ادارات در ایران از اثربخشی سازمانی مطلوبی برخوردار نیستند.

♦ راهکارهای اصلاح و تحول نظام اداری کشور

جهت اصلاح و تحول در نظام اداری و مدیریتی کشور راهکارهای زیر پیشنهاد می شود.

۱- جداسازی امور مدیریتی از وابستگی های سیاسی

همان طور که گفته شد یکی از چالش های مدیریتی کشور، سیاست زدگی است که تبعات منفی بسیاری برای کشور دارد. به منظور کاستن از اثرات منفی سیاست زدگی لازم است امور مدیریتی از وابستگی های سیاسی جدا شود و سعی شود در کنار انتصابات سیاسی، اصل

یکی از مهم ترین آفت های مدیریتی و از بزرگترین موانع رفع مشکلات فعلی کشور در نظر گرفت و چنانچه تغییر رویه عملی در این زمینه شکل نگیرد باید شاهد پیچیده تر شدن مشکلات و تشدید تبعات نامطلوب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن بود.

۲- سوءمدیریت

سوءمدیریت عملی ناآگاهانه است که خودش را در نتیجه عملکردها نشان می دهد. عواملی مانند کمی دانش، نگاه غیر تخصصی، پردازش های نادرست، طرح ریزی استراتژی های غلط، جایگزینی روابط بر ضوابط، عدم توانایی اجرایی فرد، ضعف یا انحراف در نگرش یک مدیر نسبت به موضوعی خاص یا باورهای غلط فرد می تواند در شکل گیری سوءمدیریت موثر باشد.

بیشتر محققان، عدم توفیق کشورهای توسعه یافته در امر توسعه را نتیجه سوءمدیریت بر منابع این کشورها قلمداد می نمایند. کشور ایران نیز سالیان سال است که از عدم نگاه فرآیندی و سیستمی به مدیریت های خرد و کلان و در یک تعبیر ساده از سوءمدیریت رنج می برد. سوءمدیریت در ایران در حوزه های مختلف باعث شده تا کشوری با منابع، ثروت و امکانات بسیار، در تامین نیازهای مردم خود دچار مشکل باشد. یکی از مصادیق قابل توجه سوءمدیریت در ایران به مسأله یارانه ها باز می گردد. طرح هدفمندسازی یارانه ها با اهداف متعددی به اجرا درآمد و قرار بود بخشی از معضلات اقتصاد ایران را حل کند؛ اما خود به بخشی از مشکل اقتصاد ایران تبدیل شد. برای مثال یکی از اهداف طرح هدفمندی یارانه ها این بود که با پرداخت یارانه ها، اصلاح الگوی مصرف بین مردم صورت گیرد، اما نه تنها توفیقی در این زمینه حاصل نشد؛ بلکه با توزیع پول میان مردم به افزایش نقدینگی و تورم دامن زده شد.

یکی دیگر از مصادیق سوءمدیریت در ایران، شکل گیری بحران آب در کشور است. اکثر کارشناسان حوزه آب معتقدند که بحران آب در ایران بیشتر تحت تأثیر برداشتهای بی رویه منابع آب و نیز توسعه کشاورزی غیر کارشناسی، که در یک کلام می توان آن را سوءمدیریت متولیان آب کشور دانست، رخ داده است. بنابراین در شرایط کنونی، مسأله آب در کشور بیش از آنکه از کمبود آب و شرایط اقلیمی رنج ببرد، از سوءمدیریت و عدم نگرش صحیح به آب و مدیریت منابع آب رنج می برد.

در حال حاضر نظام جمهوری اسلامی ایران اندوخته و ظرفیت مدیریتی بسیار ارزشمندی دارد؛ اما به خاطر شیوه ها و سیاست های غلط مدیریتی، از این ظرفیت ها به خوبی استفاده نمی شود که نتیجه آن به انحاء مختلف در ضعف مدیریت یا سوءمدیریت ها قابل مشاهده است.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم انداز ۹۸

زخم های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



هرچه خدمات دولت الکترونیک مناسب‌تر و راضی‌کننده‌تر باشد، شهروندان اعتماد بیشتری به دولت خواهند داشت.

۴- استانداردسازی خدمات اداری

با تدوین و اجرای استانداردهای خدمات، از یک‌سو وظایف و تعهدات دستگاه‌های اداری با مردم و خدمت‌گیرندگان مشخص می‌شود و از سوی دیگر مردم می‌توانند از حقوق و وظایفشان در این رابطه مطلع شوند. با تدوین و اطلاع‌رسانی استانداردهای خدمات، مردم می‌توانند عملکرد واحدهای خدمت‌دهنده را براساس آن استانداردها، سنجش و ارزیابی کنند. بدیهی است این نوع سنجش و ارزیابی از صحت بیشتری برخوردار بوده و صرفاً بر اساس تصور و برداشت‌های آرمانی و غیرواقعی صورت نمی‌پذیرد. بدیهی است استانداردسازی خدمات، زمینه افزایش سلامت و کاهش فساد اداری را فراهم می‌آورند. توجه به استانداردها به منزله رعایت حداقل‌ها در فضایی شفاف بوده و فعالیت در شرایط رقابتی، امکان توسعه خدمات و در نتیجه افزایش رضایت مردم را به دنبال خواهد داشت.

۵- کاهش نقش دولت و نهادهای حاکمیتی در اقتصاد و کوچک‌سازی آن

نظام‌های اقتصادی و ساخت اقتصادی دولت‌ها از عوامل تأثیرگذار بر نظام اداری است. از میزان دخالت دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و روش تامین منابع و درآمد دولت‌ها و تک‌محصولی بودن یا چندمحصولی بودن اقتصاد، همه و همه شرایط متفاوتی برای نظام اداری به وجود می‌آورد. در اقتصادهای آزاد، دولت‌ها حداقل دخالت را در امور اقتصادی دارند و نظام‌های اداری را تنها برای جهت تسهیل فعالیت سایر بخش‌ها طراحی می‌کنند و چون منابع درآمدی خود را از محل مالیات و عوارض تامین می‌کنند، به جامعه و مالیات‌دهندگان پاسخگوتر هستند. اما در اقتصادهای تک‌محصولی مانند نفت، دولت و نظام اداری خود را در قبال شهروندان پاسخگو نمی‌داند. نظام اداری اینگونه دولت‌ها، خود را رقیب بخش خصوصی می‌داند و در خدمت‌دهی به مردم و بخش خصوصی خساست و حتی محدودیت اعمال می‌کند. شکل‌گیری رانت و فساد از چالش‌های بارز اینگونه دولت‌هاست. بنابراین مهم‌ترین مشکل کشورها با دولت بزرگ، انحصاری بودن بیشتر خدمات و عدم وجود رقابت ارائه آن‌هاست که عامل مهمی در افت کیفیت خدمات نظام اداری محسوب می‌شود. با کوچک‌سازی دولت و افزایش نقش مردم و ارائه خدمات به وسیله بخش‌های مختلف و ایجاد رقابت بین آنها کیفیت خدمات نیز افزایش می‌یابد.

۶- تدوین قانون پاسخگویی عمومی در نظام اداری

یکی از ضعف‌های نظام اداری کشور، نبود قانون پاسخگویی عمومی است. اگر چنین قانونی تدوین و تصویب شود، بی‌تردید در افزایش پاسخگویی ادارات و سازمان‌ها به شهروندان موثر خواهد بود. در این قانون، باید نوع پاسخگویی، ابزار پاسخگویی و ساز و کارهای برخورد با عدم پاسخگویی تشریح شود.

۷- تقویت آموزه‌های اخلاقی و دینی در نظام اداری کشور

چنانچه شرایط زیر فراهم شوند، آموزه‌های دینی کشور، که در قرآن، نهج البلاغه و سایر منابع اسلامی به چشم می‌خورند، به یکی از ارکان کارآمدی و پاسخگویی در نظام اداری و پیشگیری از فساد تبدیل می‌شوند. افرادی که امروزه در جامعه ما آموزه‌های دینی را ترویج می‌کنند خود عامل به آنها باشند؛ از فنون و ابزاری بهره بگیریم که بتوانند باور به وظیفه‌شناسی و وجدان کاری و دوری از فساد را در اذهان افراد شکل دهند؛ عالمان دینی به نقش کلیدی خود در اصلاح جامعه یقین داشته باشند؛

مدیرانی که از قشر روحانی‌اند به عملکرد سازمانی و فردی خود حساسیت بیشتری نشان دهند؛

♦ نتیجه‌گیری

شواهد تاریخی و تجربی نشان می‌دهد که نظام مدیریتی ایران از یک چارچوب منطقی و مدرن تبعیت ننموده است. سیطره نظام سیاسی بر نظام اداری و جانبداری حزبی به موازات گسترش فساد اداری، سوءمدیریت گسترده و فرهنگ راهبردی ضعیف از مشخصه‌های بارز نظام اداری ایران در حال حاضر است. این نظام ناکارآمد اداری و مدیریتی که در وهله اول، میراث نگاه‌های نادرست گذشته و پس از آن، غفلت در دوره فعلی است، نقش بسیار مهمی در ایجاد نارضایتی در اقشار مختلف مردم داشته است. شاید بتوان ادعا کرد که هم‌اکنون، ناکارآمدی نظام مدیریتی کشور بیشتر از تحریم‌های نفتی و اقتصادی آمریکا، اقتصاد و جامعه ایران را زمین گیر کرده است. به نظر می‌رسد پیروی از الگوی حکمرانی خوب متناسب با فرهنگ بومی کشور، هوشمندی نظام اداری و اجرای کامل قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و تدوین قانون پاسخگویی عمومی، کوچک‌سازی و چابک‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد و ترویج فرهنگ و آموزه‌های اخلاقی و دینی در جامعه و نظام اداری کشور بتواند نقش موثری در بهبود و ارتقای ساختار مدیریتی کشور ایفا کند.

اجتماعی و اقتصادی یک کشور می‌دانند، به‌طوری که چنین مدیریتی شفاف، پاسخگو، مشارکت‌جو و باز باشد. شاخص‌های متعددی از سوی محققان مختلف برای حکمرانی خوب مطرح شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی و پاسخگویی اشاره کرد.

به‌طور کلی، حکمرانی خوب با مرتب ساختن نظام اداری و مدیریتی بر مبنای ساختارهای پویا و ضابطه مند، تبیین استراتژی دقیق در عرصه‌های مختلف، فرهنگ سازمانی مترقی و بهره‌گیری از نیروهای شایسته و لایق در ایجاد اعتماد عمومی و افزایش مشروعیت و ثبات برای نظام سیاسی نقش موثری دارد.

۳- توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی نظام اداری

هدف از استقرار و توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی نظام اداری این است که مردم بتوانند به سهولت، حداکثر فعالیت‌ها و خدمات مورد نیاز را از طریق درگاه الکترونیکی انجام دهند. دولت الکترونیک با تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخگوتر کردن کارگزاران دولتی، شفاف‌سازی اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش‌تر شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری، گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات نقش موثری در کاهش فساد و افزایش کارآمدی سیستم مدیریتی کشور دارد. بنابراین

اصلاح اداری مبتنی بر حاکمیت عمومی

دکتر فرج الله رهنورد

می‌کند و یا در درون نظام سیاسی و اداری با رویکرد اجرای قوانین وضع می‌شود بیش از نیاز طبیعی است و یا درصد قابل توجهی از بوروکرات‌های خودمان را می‌بینیم که به دنبال حفظ منافع شخصی خود هستند تا دنبال کردن مصالح عمومی و غلو کردن در عملکردها و بحث وجود بروکراسی بازدارنده در خطمشی‌ها که نمی‌تواند ابزار مناسبی برای اجرای خطمشی‌ها باشد. زبان حاکمیت قانون بیشتر در حوزه‌ای که تخصص داریم تضعیف می‌شود و ما این اتفاق را در حوزه‌های دیگر نیز می‌بینیم. فرهنگ اداری ناسازگار در این حوزه وجود دارد کم‌توجهی به شایسته‌سالاری. تمرکز و بحران تمرکزگرایی برخی پیامدهای خود را دارد و پیش‌بینی‌هایی وجود دارد که اگر ما با همین نگاه تمرکز گرایانه حرکت کنیم این احتمال وجود دارد که در آینده نه چندان دور با بحران روبه‌رو شویم. پایین بودن انگیزه کارکنان و سوءمدیریت و عدم کنترل فساد اداری و مشکل صندوق‌های بان‌نشستگی و بیمه و پایین بودن ساعت کار مفید و تکیه بر نظرگاه‌های شخصی و مانند اینها نمونه‌ای است از نتایج تحقیقات کشور در حوزه دانشگاهی که به طور خلاصه عنوان کردم. می‌خواهیم نشان بدهیم که وقتی به معنای واقعی کلمه از اصلاح نظام اداری صحبت می‌کنیم، باید موضوع را جدی تلقی بکنیم چرا که با این نظام اداری نمی‌توانیم به مطالبات مردم پاسخ بدهیم. من و شما نیز بخشی از همین مردم هستیم که ممکن است با دستگاه‌های اداری در ارتباط باشیم.

واقعیت این است که اثر بخشی دولت در طول سال‌های مختلف افزایش چندانی نداشته است و حالتی باثبات وجود دارد که نشان می‌دهد این اثر بخشی در خوش‌بینانه‌ترین حالت زیر متوسط است و یا از نظر شاخص‌های سنجش اثربخشی و یا حاکمیت قانون وضعیت نامساعدی پیدا کرده‌ایم. در خوش‌بینانه‌ترین حالت از ۱۰۰ امتیاز زیر ۳۰ نمره می‌گیریم. در کنترل فساد شیب نزولی پیدا کرده‌ایم در طول زمان در برخی از مواقع موضوع را جدی گرفته‌ایم و باز رها کرده و در این حوزه با مشکل جدی روبه‌رو بودیم. ارتباط عمودی زوجی به این معنا است که مدیران در رابطه با اداره سازمان‌های خود مجموعه خود را به خودی و

می‌کنند یعنی نظام سیاسی خود را در نظام اداری باز تعریف می‌کند به عبارتی اگر در کشور در حوزه نظام اداری با مشکلاتی روبه‌رو هستیم می‌توانیم نگاهی به نظام سیاسی بیندازیم و ببینیم آیا نظام سیاسی کارآمدی وجود دارد که تأثیر مثبت بگذارد یا نه! کارآمدی نظام سیاسی می‌تواند ناکارآمدی‌هایی داشته باشد و به تبع آن خود را در نظام اداری باز تعریف کند. به همین دلیل تحقیقاتی درباره رابطه بین نظام سیاسی و نظام اداری صورت گرفته است. این تحقیقات نشان می‌دهد نظام سیاسی نمی‌تواند بدون داشتن نظام بوروکراسی مدرن به سطح بالای توسعه یافتگی دست پیدا کند. چرا؟ چون می‌گویند نظام اداری ابزار توسعه است. چه توسعه اقتصادی و چه توسعه سیاسی و چه توسعه اجتماعی. از طرفی تحقیقات دیگری صورت گرفته است و نشان می‌دهد اگر نظام اداری کارآمد و پیشرفته باشد خود می‌تواند در نقش بازدارنده ظاهر شود. اگر بخواهیم توصیفی کلی از نظام اداری خود در ایران داشته باشیم باید گفت بعد از پیروزی انقلاب و از زمانی که تحقیقات در این حوزه شروع شد نظام اداری همان‌طور که یادآور شدیم به عنوان زیر سیستمی از ساختار حکومتی ایران در نظر گرفته شد. این نظام دارای تشکیلات خاص خود است. ۱۸ وزارتخانه داریم که در حقیقت نقش صدر نظام اداری ما را ایفا می‌کنند. تعدادی دستگاه‌های ستادی که زیر نظر رئیس جمهور است. بنابراین وقتی از ناکارآمدی صحبت می‌کنیم باید همه این مجموعه را با هم ببینیم و بررسی کنیم. به خاطر دارم از سال ۱۳۸۰ و از زمانی که مرحوم دکتر هومن در قالب یک تحقیقی در سال ۱۳۸۰ یک نظرسنجی انجام داد برخی از ویژگی‌هایی که امروز در رابطه با آن صحبت می‌شود آن روز شناسایی شد. بعد از گذشت یک دهه برخی از این ویژگی‌ها هنوز اعتبار خود را حفظ کرده‌اند و باید گفت در مورد نظام اداری با مسائل و مشکلاتی جدی روبه‌رو هستیم. تحقیقات اخیر از مجموعه مباحث مطرح شده و مقالات موجود نشان می‌دهد علی‌رغم اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی گسترش بی‌رویه بخش دولتی هنوز وجود دارد. وجود قوانین متعدد و شکل‌گیری پدیده پیش‌مقرراتی به معنای اینکه قوانین و مقرراتی که نظام سیاسی وضع

وقتی از نظام اداری صحبت می‌کنیم منظور سیستمی است که همچون تمام سیستم‌های دیگر دارای عناصر درون‌زا، فرآیند برون‌زا و سازوکار بازخورد است و مثل تمام سیستم‌های دیگر می‌تواند درون‌داده‌های قابل قبول و یا غیرقابل قبولی داشته باشد و فرآیندهای آن از تغییرات محیطی تأثیر بپذیرد و به تبع آن برون‌داده‌های غیرقابل قبولی شکل بگیرد. بنابراین در بحثی که از اصلاح اداری صحبت می‌کنیم به نحوی می‌پذیریم نظام اداری برون‌داده‌های غیرقابل قبولی تولید می‌کند که نیازمند اصلاح است. این از نگاه سیستم‌ها به موضوع از نظر اینکه این نظام اداری دارای چه عناصری است تقریباً می‌توانیم بگوییم اختلاف‌نظر قابل توجهی وجود دارد. اگر بخواهیم اصلاحیه‌ای انجام بدهیم از کجا باید شروع کنیم. مثلاً به شکل سنتی در کشور خود ما نظام اداری را به چهار مقوله تشکیلات قوانین و مقررات و نیروی انسانی و روش‌ها تقسیم کرده‌اند. اگر با نگاه مدل‌های شناخته شده در نظر بگیریم، می‌توانیم نظام اداری را در قالب ۷ عنصر تعریف کنیم. از ساختارهای اداری گرفته تا خطمشی‌ها و سیستم‌های اداری و فرهنگ اداری و فناوری‌ها و کارکنان و بخش‌های مدیریتی که در این سیستم وجود دارد. به‌طور طبیعی وقتی با نگاه سیستمی از اصلاح اداری صحبت می‌کنیم باید توجه داشته باشیم اگر هر یک از این عناصر دچار مسأله شود و مشکل آفرین باشد اثر سو خود را روی سایر عناصر می‌گذارد. و این در مجموع در دراز مدت می‌تواند نظام اداری را به سمت کارآمدی و اثر بخشی و یا ناکارآمدی سوق بدهد. یادمان نرود که نظام اداری خود زیر نظامی است که از یک نظام فراگیرتری به نام نظام حاکمیتی تأثیری عمیق در الگوهای مدیریتی هر کشوری می‌پذیرد. اگر نظام حاکمیتی را در قالب سه نظام کلان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تقسیم کنیم می‌توانیم بگوییم نظام سیاسی بیشتر خطمشی تعیین می‌کند و نظام اداری به اجرای خطمشی می‌پردازد همین‌طور در مورد سایر نظام‌ها نیز می‌توانیم ارتباطات را تعریف کنیم ولی از بین این سه نظام به نظر می‌رسد نظام سیاسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و در ارتباط با نظام اداری وقتی این نظام را به عنوان زیرسیستمی از نظام سیاسی تعریف

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

غیر خودی تقسیم می کنند. به خودی ها امتیاز داده می شود و ویژگی هایی در نظر گرفته می شود که باعث نارضایتی غیر خودی ها است. و در طول زمان عدالت سازمانی خدشه دار می شود. بوروکراسی که وجود دارد بیشتر در نقش بوروکراسی محافظ ظاهر می شود معمولاً در توصیف بروکراسی محافظ گفته می شود دو نقش در بروکراسی ایفا می شود از یک طرف باید حافظ و نگهبان ایدئولوژی پذیرفته شده باشند و از طرف دیگر باید به انجام وظایف محوله بپردازند وقتی در کشور ما از تخصص و تعهد صحبت می شود به این معناست. اگر در بخش دولتی به الگوی تغییر مدیران نگاه کنیم نظریه کبوتران دور حرم می گوید این الگو مشابه حرکت کبوتران دور حرم است که وقتی شما وارد می شوید کبوتران بلند می شوند ولی در جای دیگری دور آن حرم می نشینند یعنی جابه جایی از نظام شایسته سالاری تبعیت نمی کند و ارتباطات و روابطی وجود دارند.

♦ مدیریت توسعه

الگوی شباهت های منطقی باعث شده است تقریباً از نظر وضعیت مشابهی در تعداد و زارخانه ها برخوردار باشند به غیر از افغانستان که وضعیت خاص خود را دارد. این مقدمه برای این است که بگوییم چرا صحبت از اصلاح نظام اداری به میان آمده است. هر چند که سازمان اداری و استخدامی کشور به عنوان یک نهاد متولی کار اداری احیا شده است و از این نظر باید این موضوع را به فال نیک گرفت و خوشحال باشیم که با هدایت کارآمد و اثر بخشی که انجام می دهد می توان اقدامات اصلاحی قابل توجهی داشت. هدف از اصلاح گوناگون است در بعضی از این موارد که ما باید با چه جهت گیری اصلاحات را دنبال کنیم باید گفت از نگاه مدیریتی باید به دنبال کارآمدی و اثر بخشی باشیم ولی نگاه های دیگری نیز وجود دارد یکی از آن نگاه ها بحث تجدیدگرایی است که نگاه متفاوتی نسبت به اصلاح دارد و عقیده دارد ما باید از سنت حرکت نکنیم و به سمت مدرنیته برویم. تقابل سنت و مدرنیته در بسیاری از کشورها از جمله در ایران وجود دارد و این نگاه مخالفان و طرفدارانی دارد. این مطالب از این رو مطرح می شود که شاید دیگران نگاه من و شما را در اصلاحات نداشته باشند و این بحث ها باید صورت بگیرد و همگرایی به وجود بیاید با نگاه توسعه نیز گفته می شود اگر ابزار اداری خود را اصلاح نکنیم نمی توانیم با ابزار ناکارآمد در وجوه مختلف به توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جامعه بپردازیم. و این اصلاح به این معنا خواهد بود که ما ظرفیت های نهادهای خود را ارتقا بدهیم. دو واژه وجود دارد که ممکن است برخی جابه جاسا استفاده کنند یکی مدیریت توسعه است و دیگری توسعه مدیریت. بحث مدیریت توسعه به این معناست که ما باید بتوانیم نظام اداری کارآمدی ایجاد کنیم که بتواند در ایجاد خط مشی های توسعه کارآمد ظاهر شود و در توسعه مدیریت خود این ابزار نیازمند بهبود است بنابراین اگر خود ابزار ناکارآمد باشد شما چگونه می خواهید برنامه های توسعه ای خود را دنبال کنید. برخی مدیریت توسعه را مترادف با مدیریت دولتی می گیرند و برخی کمی تفاوت قائل هستند که از این نظر موضوع قابل بحث است. نظریه های مختلفی

مطرح است. اقتصاددان ها بیشتر با این نظریه ها سر و کار دارند. در نظام اداری بیشتر وجه قالب نظریه نوسازی و نوگرایی مطرح است.

با نگاه ظرفیت سازی نیز بحث توسعه امروزه مطرح شده است ظرفیت سازی به این معناست که هر دولتی در هر کشوری موظف است وظایفی را برعهده بگیرد و انجام بدهد. آنجایی که ما نتوانیم به عنوان دولت از انجام وظایف خود برآیم از اصطلاحی با عنوان دولت شکننده حرف زده می شود. یک دهه است که این مبحث به شاخصی برای سنجش کشورهای مختلف تبدیل شده است. شاخص معروف گود گاورمنس که بسیار سر و صدا کرد امروز یک قدم عقبتر از شاخص دولت شکننده قرار دارد. دولت شکننده به این معنی است که اگر دولتی نتواند از عهده انجام وظایف اساسی خود بر بیاید طبیعی است که به دولتی شکننده تبدیل شود که در اثر فشارهای مختلف به مرحله فروپاشی می رسد.

♦ شاخص ها

با شاخص هایی که انتخاب شده است کشورها را به طور سالانه بر این مبنای ارزیابی می کنند. در بعد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و انسجام برای هر کشوری سه مولفه در نظر گرفته شده است و برای هر کدام از این مولفه ها یک تعداد شاخص تعریف شده است. در بعد اجتماعی یک مولفه مهاجران و آوارگان است. یعنی اگر آوارگانی به این سرزمین سرازیر شوند این کشور قادر به مدیریت آنها خواهد بود یا نه؟! و از ظرفیت لازم برای مقابله با فشارهای جمعیتی از جمله بیکاری و... برخوردار است یا نه به میزانی که از این ظرفیت ها برخوردار باشد می توان گفت از حالت دولت شکننده خارج می شویم و به سمت دولت باثبات حرکت می کنیم.

اگر در این مسیر حرکت نکنیم و نظام اداری خود را اصلاح و تقویت نکنیم به سمت دولت شکننده حرکت خواهیم کرد. این هشدار برای ما است تا بحث اصلاح نظام اداری را جدی تر دنبال کنیم. در طول سالیان مختلف که من از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ نگاه می کردم تفاوت قابل ملاحظه ای رخ نداده است و ما حتی در برخی از مقاطع به جای حرکت به سمت اصلاح به وضعیتی بدتر رسیده ایم.

در رابطه با اصلاح نظام اداری می توانیم الگوها و یا دیدمان های مدیریتی مختلفی را به عنوان مبنای قرار بدهیم. باید از خودمان بپرسیم امروز سازمان اداری و استخدامی کشور که خود را متولی نظام اداری ایران می داند با کدامیک از این دیدمان ها اصلاحات را دنبال می کند؟! دیدمانی به نام پابلک انداستیشن اداره امور عمومی سنتی یوپابلک منجمت و یا پابلک ولیو منجمت این کار را انجام می دهد. در سال های گذشته وجه قالب بیشتر یوپابلک منجمت بود. نظام اداری با این نگاه دنبال شده است. می توانیم این دیدمان ها را از نظر مبانی نظری با هم مقایسه کنیم که در دیدمان اداره امور سنتی بیشتر نظریات علوم سیاسی به کار گرفته می شود در مدیریت دولتی نوین بیشتر نظریات علوم اقتصادی و در نظریات مدیریت ارزش های همگانی در زمینه دموکراسی و در مدیریت ارزش های متعالی نظریه اخلاقی مطرح است. چون موضوع من در مورد حاکمیت عمومی است سوال کلیدی تر این است که

دیدمان های توضیح داده شده در پشت آنها از چه الگوی حاکمیتی دفاع می شود؟ یکی از آن الگوهای حاکمیتی حاکمیت عمومی است پابلک گاورننس که طرفداران آن در کشورهای مختلف بیشتر می شود. اگر گاورننس را به معنای الگو و کاربرد و اعمال قواعد در یک سطح تعریف کنیم که می تواند سطح جهانی باشد یا سازمانی و یا ملی در همه جا این تعریف واحد وجود دارد. باید از خودمان بپرسیم در کشورداری خود از چه الگوی حاکمیتی استفاده می کنیم و به تبع آن چه نوع الگوی مدیریتی متناسبی با آن الگوی حاکمیتی را داریم. فرض بگیریم در تفکر حاکمیت سنتی که وجود دارد وظیفه دولت کنترل فساد است. می گوییم مکانیزم هایی می اندیشیم و قوانینی وضع می کنیم و زندانی می کنیم و تنبیه می کنیم و چنین اقداماتی را در نظر می گیریم و وظیفه خود را در مورد کنترل فساد انجام می دهیم. در حاکمیت عمومی این طور نگاه نمی کنند بلکه گفته می شود کاری می کنیم تا مردم به سمت سلامت اداری حرکت کنند از رشوه دادن اجتناب کنند و... اینجا نوع جدیدی از وظایف برای دولت تعریف می شود. با نگاه سنتی وظیفه شهرداری این است که نظافت شهر را بر عهده بگیرد. شهرداری می گوید من به وظیفه خود عمل کردم و سطل های زباله را پیش بینی کردم و سیستم حمل و نقلی برای جابه جایی سطل ها در نظر گرفتم و... با نگاه حاکمیتی گفته می شود این کافی نیست چه کاری انجام بدهیم که مردم آشغال نریزند. بنابراین وظایفی که اینجا به دولت تحمیل می شود بسیار متفاوت خواهد بود.

♦ کیفیت و حاکمیت

امروز برای حاکمیت عمومی مدل های مختلفی وجود دارد ولی معروف ترین مدل ارائه شده از طرف آقای هوارد لاورتر است. او حاکمیت عمومی را در دو بعد تعریف می کند. یکی در بعد کیفیت زندگی مردم و دیگری در بعد اصول حاکمیتی. در بعد کیفیت زندگی مردم به این معنا تعریف عملیاتی می کند که می گوید نظام اداری کارآمد نظامی خواهد بود که بتواند کیفیت زندگی مردم را ارتقا بدهد. یعنی من نمی توانم بگویم نظام اداری با شاخص هایی تعریف شود که ممکن است این شاخص ها کیفیت زندگی مردم را ارتقا ندهد ولی از نظر من مدیریت اداری شاخص هایی مناسب است مثل نظام پیشنهادات و آن را شاخصی از اصلاح نظام اداری در نظر بگیریم و بگوییم ما به ازای این در ارتقای کیفیت زندگی مردم کجاست؟ اگر واقعاً نقش آفرینی ندارد الگوی حاکمیت عمومی آن را نمی پذیرد. کیفیت زندگی چگونه تعریف می شود گفته می شود مردم در طول زمان محیط زندگی قابل قبولی پیدا کنند و خدمات بهداشتی بهتری نسبت به گذشته دریافت کنند و خدمات رفاهی و اجتماعی و خدمات امنیت اجتماعی و خدمات آموزشی و... از اینجا می فهمیم که نظام اداری کارآمد است یا نه؟! ما مشابه این واژه را در مدیریت سازمان ها داریم و می توان شاخص های مشابهی تعریف کرد و به راحتی آن را سنجید. اصول نظام حاکمیتی در کنار آن از شفافیت حرف می زند و می گوید نظام اداری کارآمد باید بتواند ساز و کارهای شفافیت را به کار بگیرد. در کنار آن ساز و کارهای شراکت در بخش غیردولتی و خصوصی است که در

بحث‌های پی‌پی‌پی و مانند اینها مطرح شده است. چقدر در مسیر پایداری حرکت می‌کند؟ چقدر محیط زیست را رعایت می‌کند؟! چقدر منصفانه و عادلانه و صادقانه با مشتریان خود رفتار می‌کند و مسائلی از این دست. بنابراین وقتی من این موضوع را به عنوان موضوع بحث در این جلسه طرح می‌کنم به این معانی است. باید ببینیم اگر با این نگاه جلو برویم برنامه‌های اصلاح اداری خودمان که بعضاً می‌بینیم عملکرد دستگاه‌های اجرایی ارزشیابی می‌شود چقدر هماهنگی دارد؟ و باید این همسویی را کنکاش کنیم و برخی از برنامه‌ها را با نگاه حاکمیتی اصلاح و اجرا کنیم.

♦ ما و جهان

برای اینکه متوجه بشویم عملکرد ایران در گذشته چقدر در این مسیر بوده است از اقداماتی که در کشورهای مختلف دنیا با نگاه حاکمیت عمومی صورت می‌گیرد به صورت خلاصه وار ذکر شود. یکی از سازوکارهایی که دنبال می‌شود بحث دولت باز است. دولت باز در چهار بعد داده‌های دولتی و قوانین منتشر شده حق دسترسی به اطلاعات مشارکت مدنی و ساز و کار پیگیری به شکایت‌ها تعریف می‌شود. خوشبختانه در رابطه با بند دو اخیراً قانونی تصویب کرده ایم. قانون دسترسی مردم به اطلاعات که نشانگر این است که حرکت در مسیر دولت باز شروع شده است ولی اینکه تمامی این ابعاد به خوبی پوشش داده شده است یا نه مسأله‌ای دیگر است چابکی اداری مطرح می‌شود که در چهار بعد انعطاف‌پذیری واکنش‌گری و شایسته‌گری و سرعت طرح می‌شود که خوشبختانه در سیاست‌های کلی نظام اداری که از طرف رهبری ابلاغ شده است به برخی از این ابعاد توجه ویژه شده است. بحث توسعه دولت الکترونیک خوشبختانه از دیرباز در کشور ما مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه مشکل چندانی نداریم اگر چه ممکن است سرعت ما قابل نقد باشد. ارزیابی عملکرد دولت مطرح می‌شود که شاخص‌های جدیدی در این حوزه بحث می‌شود و کیفیت خدمات عمومی با نگاه حاکمیت عمومی طرح می‌شود و همینطور خدمات عمومی نوین یکی دیگر از اقداماتی است که کشورهای مختلف با رویکرد حاکمیت عمومی دنبال می‌کنند.

♦ تجربه ایران و ارزیابی

در ایران خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حتی اصلاح نظام اداری در قانون اساسی مطرح شده و این نگاه از شروع کار با اقدامات اصلاحی دیده شده است. در مراحل اولیه برخی از این اقدامات اصلاحی با پاک‌سازی‌ها صورت گرفت. و به مرور نهادهای انقلابی شکل گرفت که به موازات نظام اداری سنتی بتواند به مطالبات مردم پاسخ دهد. بحث اصلاح نظام اداری چیز جدیدی نیست و همیشه بوده است. به یاد دارم سازمان نظام اداری و استخدامی کشور سعی کرد در مرکز پژوهش‌ها به شکل علمی موضوع را از ابعاد مختلف آن مطالعه کند. من هم در ابتدای استخدام در مرکز مطالعات و پژوهش‌های وقت به کار گرفته شدم. نتایج تحقیقاتی که انجام شد و گزارش‌هایی که وجود داشت بیش از ۹۰ گزارش تهیه شده است که متأسفانه این منابع در طول زمان از بین رفتند. و حافظه سازمانی ما در این حوزه پاک شده است. به هر شکل از دولت

آقای هاشمی و آقای خاتمی که در قالب برنامه‌های ۵ ساله بحث توسعه و اصلاح اداری مطرح شده بود به سال‌های اخیر می‌رسیم در سال ۱۳۸۹ برای اولین بار در رابطه با اصلاح اداری سیاست‌های کلی در ۲۶ بند وضع می‌شود.

محور ارزش‌ها و ساختار و کارکرد جهت‌گیری کلی را که در سیاست‌های کلی مطرح شده در نظر بگیریم و... از اینها می‌توانیم به سمت و سوی هدایت سیاست‌های کلی به نظام اداری برسیم. اگر اینها را خلاصه کنیم می‌توانیم بگوییم اینها نشانگرانی هستند که از دیدگاه سیاست‌گذاران کلان به عنوان نشانگان نظام اداری مطلوب تلقی می‌شوند. ویژگی‌های آنها را در نظر بگیرید می‌توانند راهنمای خوبی برای نظام اداری ما باشند. خوشبختانه در سیاست‌های کلی بحث حاکمیت خوب نیز مطرح است. یعنی بخش‌هایی از این سیاست‌های کلی مستقیماً ناظر بر حاکمیت عمومی است.

اگر نگاهی به برنامه‌های اصلاحی در دولت‌های پیشین داشته باشیم می‌بینیم که واژگان در طول زمان در حوزه‌های مختلف عوض می‌شود و واژگان مناسب‌تری انتخاب می‌شود ولی از نظر محتوایی تغییر چندانی صورت نگرفته است. هنوز مدیریت دولتی نوین وجه قالب را در اصلاحات تمام این دولت‌ها دنبال می‌کند. من نمی‌گویم مدیریت دولتی نوین چیز بدی است نگاه دوستان هنوز بر این مدیریت دولتی نوین است. وقتی به برنامه‌های تفصیلی نگاه کنیم در سطح کلی برخی از این برنامه‌ها ناظر بر سیاست‌های کلی هستند و برخی از آنها بر مدیریت دولتی نوین ناظر هستند و برخی ناظر بر عملیاتی کردن قانون مدیریت خدمات کشوری هستند و قوانین دیگری مثل قانون بهبود فضای کسب و کار و مانند اینها که مجموع آنها باید در قالب برنامه‌های تفصیلی جمع شوند.

سوال این است آیا ما می‌توانیم برنامه‌هایی را که برای اصلاح نظام اداری در نظر گرفته‌ایم به عنوان شاخص ارزشیابی عملکرد استفاده کنیم؟! در بحث تحول اداری بحث شبکه‌ای که ایجاد کرده‌ایم اهمیت دارد. شبکه‌ای که کاملاً متمرکز است با محوریت سازمان اداری استخدامی کشور چرا می‌گویم متمرکز چون سازمان امور اداری و استخدامی کشور این بحث را دنبال می‌کنند و بقیه عناصر شبکه غیر از شورای عالی اداری که آنجا هم باز ایده‌های سازمان امور اداری و استخدامی به تصویب می‌رسد بیشتر در نقش مجری دیده شده اند. در این شبکه شما جایگاهی برای نهادهای اداری عمومی و غیر دولتی و بخش خصوصی نمی‌بینید که در حاکمیت شبکه‌های نوین مطرح می‌شود. این می‌تواند هشدار برای ما باشد و تا زمانی که آنها را دخیل ندانیم و با نگاه دولتی شبکه را تعریف کرده و پیش ببریم ممکن است نگاه ما در طول زمان محدود شود و شبکه از کارآمدی لازم برخوردار نباشد.

نکته دیگر بحث ویژگی‌های حاکمیت عمومی است که اشاره کردم در سیاست‌های کلی بندهایی وجود دارند که بند ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و سایر بندهایی که ملاحظه می‌کنید و کاملاً با حاکمیت عمومی هم خوانی دارند محور قرار گرفته‌اند. سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سایر دستگاه‌هایی که در حوزه اصلاح امور اداری کار می‌کنند چقدر برنامه‌های اصلاح اداری خود را با سیاست‌های کلی هم سو کرده‌اند؟ در

مقطعی در زمان دولت آقای محمود احمدی‌نژاد ستادی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت تشکیل شد و دبیرخانه خود را در مرکز آموزش‌های مدیریت دولتی قرار دادند و قرار شد مطالعه شود و از نگاه بالا به پایین یعنی شکست سیاست‌های کلی به برنامه‌های اصلاحی دست پیدا کنیم هر چند که آن اقدام در زمان خود بسیار مناسب بود و توانست به برخی از برنامه‌های نوین دست پیدا کند ولی دنبال نشد لازم است ما با مطالعات عمیقی در این حوزه وارد شویم مثال می‌زنم وقتی از شفاف‌سازی صحبت می‌کنیم سوال این است که مرکز آموزش مدیریت دولتی که در مقطعی متولی بود به عنوان دبیرخانه و یا سازمان امور استخدامی توانسته‌اند مدل شفاف سازی نظام اداری را طراحی کنند. وقتی صحبت از نظام اداری الکترونیک می‌شود آیا توانسته است مدلی طراحی کند؟ به یاد دارم در مقطعی که کار گروه‌های تخصصی و تحقیقاتی کل گرفته بود اسم نمی‌برم یکی از اعضای هیات علمی که در حوزه دولت الکترونیک ایران شناخته شده است و در این حوزه معروف است ریاست کار گروه را بر عهده داشت ولی نتیجه کاری که ایشان انجام داد دولت الکترونیک بود نه نظام اداری الکترونیک! و نتوانسته بود بین این دو تمیز قائل شود. بحث حاکمیت عمومی امروز به این شکل مطرح می‌شود که اگر در چرخه خط مشی نظام اداری را به مثابه چرخه‌ای مدیریتی در نظر بگیریم که زیرمجموعه‌ای از این چرخه خط‌مشی است این چرخه خط‌مشی مدیریتی باید اصلاح و کارآمد شود به این منظور مدل‌های زیادی مطرح شده است از جمله مدل سی‌پی‌اف‌ای که چگونگی اصلاح یا بهبود مدیریتی را مطرح می‌کند. از این نظر ضرورت دارد در نگاه خود نسبت به اصلاح نظام اداری بازنگری کنیم و با نگاه حاکمیت عمومی نیز نظام اداری را مورد بازنگری قرار بدهیم و ببینیم با این نگاه چه نوع شاخص‌هایی و چه نوع اقدامات اصلاحی را می‌توان تدوین کرد و در مجموع به این ترتیب به نیازها و خواسته‌های مردم واکنشی مناسب نشان بدهیم و واکنش ما دیر هنگام نباشد. ما در ابعاد مختلف جامعه نارضایتی‌های مردم را می‌بینیم باید بپذیریم ما مسئول بخشی از این عدم رضایت هستیم. باید در نظام اداری خود کارآمدتر ظاهر شویم. در جاهایی شاخص‌هایی را تعریف کرده‌ایم و با آن شاخص‌ها نمره بیست می‌گیریم در زمان آقای احمدی‌نژاد همین بحث اتفاق افتاد. مردم از دستگاه‌هایی که در جشنواره شهید رجایی به آنها جایزه داده می‌شد ناراضی هستند. و جشنواره مدتی تعطیل شده بود و مجدداً احیا شد. امروز هم همان خطر وجود دارد اگر ما با نگاه درون سازمانی و درون نظامی عملکرد دستگاه خود را اندازه بگیریم و از نگاه مردم وارد نشویم مشکل همین خواهد بود.

من اعتقاد دارم سنجش عملکرد دستگاه‌های اجرایی باید از بدنه دولتی خارج شود شاید این مسأله برای کشور ما کمی زود باشد ولی هیچ کسی نمی‌گوید ماست من ترش است اما باید به سمت NGOها برویم و آنها را متولی سنجش عملکرد دستگاه‌ها قرار بدهیم. آخرین توصیه من بحث ظرفیت‌سازی برای نظام اداری در ابعاد مختلف با رویکرد حاکمیت عمومی است که ظرفیت‌های خودمان را ارتقا بدهیم تا پاسخگوی نظام اداری کارآمدی باشیم.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



بازار ارز، راهبر بازارها

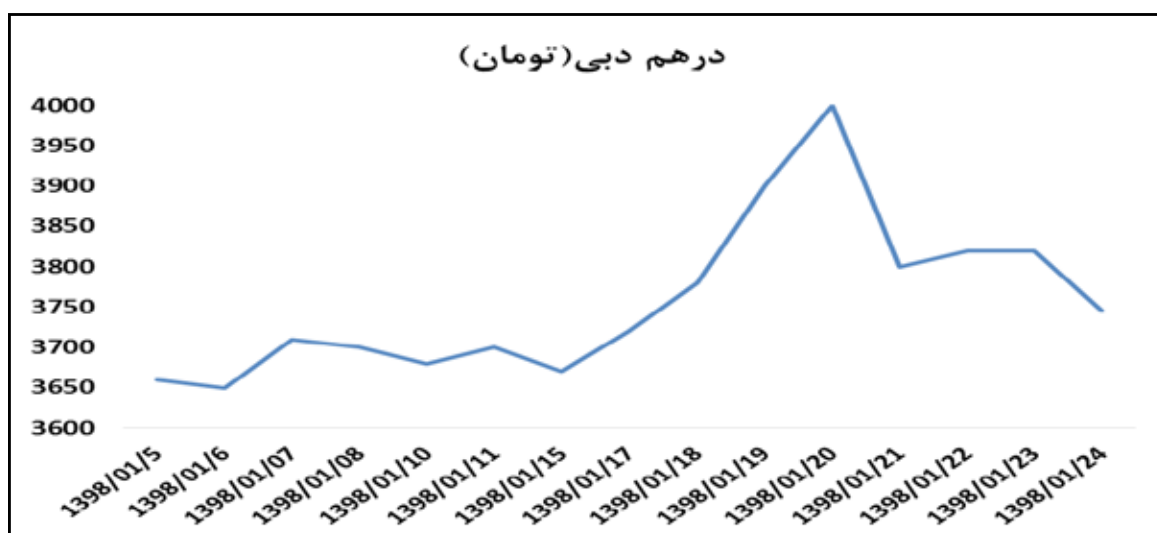


علی بالاز
عضو هیأت تحریریه

در برای کنترل منابع ورودی نقدینگی به بازار ارز برقرار کرد (از جمله کاهش سقف تراکنش بانکی، جمع‌آوری چک‌های رمزار در گردش در بازار، ساماندهی صرافی‌ها و...)، ولی تحولات فروردین ماه نشان می‌دهد بازار ارز در مقابل اخبار سیاسی بسته به وزن خبر می‌تواند شکننده باشد و پتانسیل‌های جهش را در خود دارد. دلار در روزهای ابتدای سال ۹۸ روند افزایشی داشت، ولی از اواسط تعطیلات قیمت دلار با ثبات بیشتری روبه‌رو شد. با این حال، آنچه در تعطیلات ۹۸ تفاوت عمده‌ای با سال‌های گذشته داشت، رفتار بازارساز ارزی بود.

حالت بدبینانه داشت، با گذشت زمان حالت واقع‌بینانه به خود گرفت. برخلاف خوش‌بینی بسیاری از کارشناسان داخلی و جهانی، آمریکا از برجام خارج شد. همین‌طور، برخلاف امیدواری‌های این گروه از کارشناسان به وجود شکاف میان آمریکا و اروپا و در نتیجه ایستادگی اروپا در برابر آمریکا، برجام اروپایی، به پوسته‌ظاهری از محتوا خالی، تبدیل شده است. حلقه محاصره اقتصادی هر روز در حال تنگ‌تر شدن است. باید منتظر ماند و دید در پی کنش و واکنش‌های سیاسی چه تحولات جدیدی رقم خواهد. در هر صورت با همه موانعی که بانک مرکزی در سال گذشته

از اخبار و فضای سیاسی این‌طور برمی‌آید که نوسانات بازار ارز همانند سال قبل پیش‌قراول نوسانات بازارهای اقتصاد ایران خواهد بود. در واقع تمامی بازارها چشم خواهند دوخت تا تغییرات این بازار را در تصمیمات خود لحاظ کنند. از زمان روی کار آمدن ترامپ تا این لحظه سناریوهایی که برای اقتصاد ایران زمانی



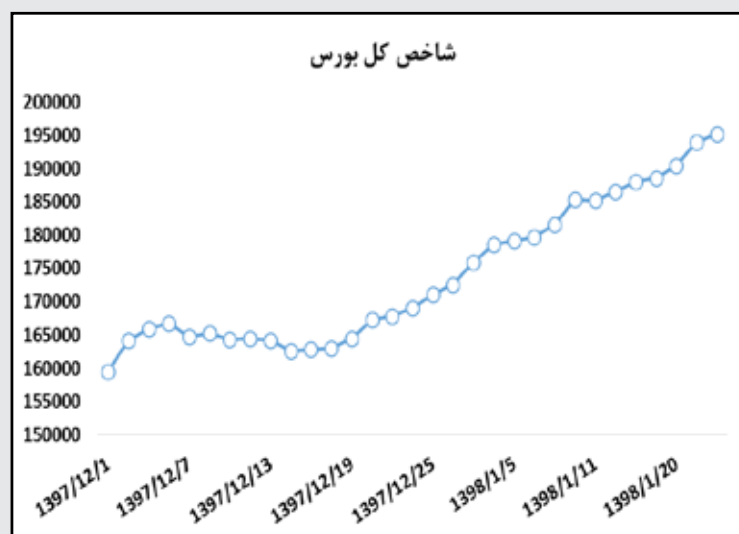
دیگر تنها جنبه نقض تحریم‌های آمریکایی را نخواهد داشت بلکه افراد و شرکت‌های خاطی با خطر جدی حمایت از تروریسم روبه‌رو هستند که می‌تواند به بازداشت، استرداد، و زندانی شدن افراد مسئول در آمریکا بیانجامد بنابراین مانع جدی‌تری بر سر راه معامله با ایران ایجاد خواهد شد چرا که هر معامله‌ای ممکن است سر از طرف حساب شدن با سپاه درآورد. از این بحث مهم‌تر، احتمالاً وضعیت نظامی جدید آمریکا در خلیج فارس است. براساس گزارش‌های رسیده، وزارت دفاع آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی آن کشور، مخالف این تصمیم دولت آمریکا بوده‌اند. یکی از

آن روزها نقش مهمی در افزایش قیمت دلار داشت، رشد نرخ حواله درهم بود. افزایش نرخ حواله درهم تا آستانه مرز ۴ هزار تومانی ارزش دلار در بازار داخلی را می‌توانست در حوالی محدوده ۱۴ هزار و ۶۰۰ تومانی قرار دهد. به نقل از خبرگزاری فارس به دلیل اینکه تقاضاهای عمده با نرخ‌های پیشنهادی بالایی برای خرید درهم با ریال ایران در دبی به‌وجود آمده و با توجه به تأثیر بالای درهم بر بازار ایران، افزایش قیمت‌ها در بازار داخل را در پی داشته است. به نظر نمی‌رسد که حرکت جدید آمریکا «در عمل» چیزی به تحریم‌ها بیفزاید مسأله مهم این است که معامله با شرکت‌های وابسته به سپاه

بنابر گزارشات، بازارساز ارزی پس از آنکه در روزهای ابتدایی سال جدید بر حفظ کانال ۱۲ هزار تومانی تأکید داشت، از روز ۸ فروردین سیاست فعالانه‌تری را در بازار در پیش گرفت و همین عامل موجب شد که آربیتراژ قیمتی بین بازار آزاد و صرافی‌های بانکی کاهش پیدا کند و دلار برابر نزول به زیر مرز ۱۳ هزار تومانی مقاومت کند. پس از آنکه آمریکا سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد؛ موج بعدی رشد دلار در فروردین ماه کلید خورد و قیمت دلار تا مرز ۱۴۵۰۰ تومان پیش روی کرد ولی مجدداً به کانال ۱۳ هزار تومان بازگشت. عامل مهم دیگر در که در

فصل سبز کمرنگ بورس

در حوزه سیاسی کشور چه در زمینه بین‌الملل و چه در زمینه اقدامات داخلی بازیر نخست اقتصاد کشور خواهد بود. غلبه این تلاطم‌های سیاسی بر عوامل بنیادی یکی از دغدغه‌هایی است که ممکن است وضعیت بازار سرمایه را با چالش مواجه سازد. در واقع عملکرد و سودآوری شرکت‌های بورسی و فرابورسی تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی از منظر محدود شدن بازارهای فروش محصولات، واردات اولیه و کالاهای واسطه‌ای ممکن است تحت فشار قرار گیرد و عوامل بنیادی مثبتی چون نرخ ارز و نرخ تسعیر شرکت‌ها و ثبات قیمت در بازارهای جهانی را خنثی سازد. از این جهت با توجه به ابهام‌های فراوان سال ۹۸، پیش‌بینی وضعیت بازارها از جمله بازار سرمایه از دقت بالایی برخوردار نیست ولی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بازار



خوش‌بینی‌هایی را به وجود آورد اما آنچه از فضای سیاسی کشور می‌توان فهمید این است که سال ۱۳۹۸ سالی توأم با تلاطم خبرهای سیاسی است. در واقع تغییرات

اگرچه بازار سرمایه نخستین روزهای سال ۹۸ را صعودی آغاز کرد و همراه شدن آن با تحولات مثبت در بازارهای جهانی به‌خصوص نفت و محصولات پتروشیمی،

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

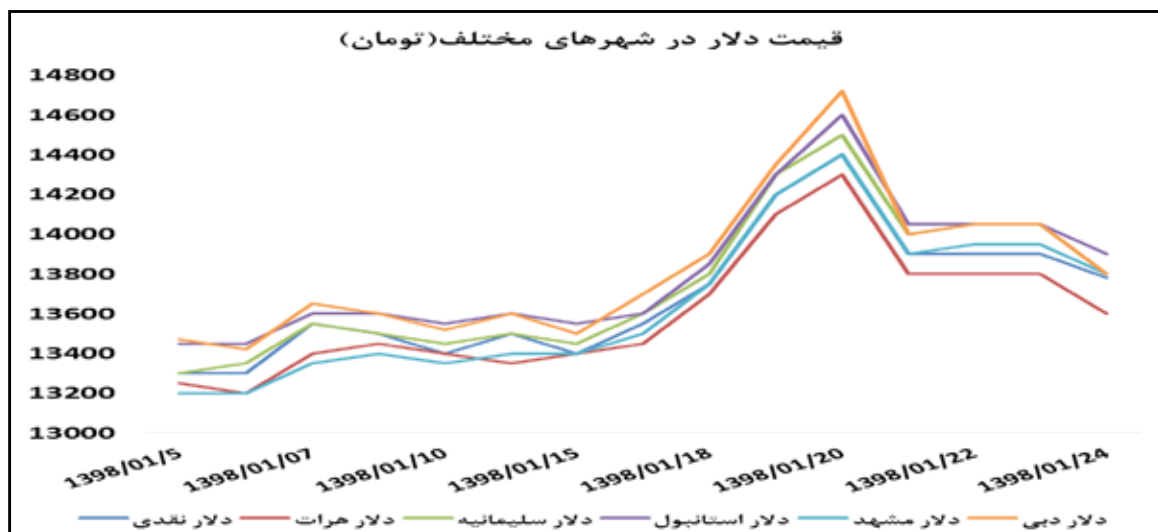
نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



رئیس سازمان ملل، آنتونیو گوترش، طی، گزارشی، در تیر ماه پیش‌رو، صحت ادعای مذکور را رد کند، در این صورت، اروپا همچنان در قالب سیاست یکی به نعل و یکی به میخ، در برجام باقی خواهد ماند و سعی خواهد کرد دست کم پوسته ظاهری آن را حفظ کند. اما، اگر بر ادعای اروپا مهر تایید بزند، در این صورت، به احتمال زیاد اروپا نیز از برجام خارج و با کنار رفتن پوسته ظاهری آن، مناسبات سیاسی میان اروپا و ایران پرتنش‌تر خواهد شد و اقتصاد ایران وارد فاز جدیدی خواهد شد که تفاوت کیفی قابل توجهی با همه سال‌های گذشته خواهد داشت.

در دیگر سو هم سازوکار مالی اروپا برای دور زدن تحریم‌ها، با این حرکت آمریکا می‌توان گفت که کم اثرتر هم خواهد شد. علاوه بر این در ماه گذشته سیگنال‌های از اروپاییان مشاهده شده که بقایای باقیمانده برجام فعلی را به مخاطره می‌اندازد. درخواست سه کشور آلمان و فرانسه و بریتانیا از رئیس سازمان ملل برای ارائه گزارشی درباره برنامه موشکی ایران، چشم‌انداز برجام را در موقعیت خطرتری قرار می‌دهد. ادعای اروپا، این است که آزمایش موشکی بالستیک و پرتاب دوموشک ماهواره‌بر به معنای نقض قطعنامه ۲۲۳۱ است. چنانچه

دلایل عمده آن می‌تواند این باشد که نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، به ویژه در خلیج فارس در تماس دائم و نزدیک با نیروهای سپاه هستند. این موضوع نکته مهمی است؛ به عبارتی اگر ارتش آمریکا در منطقه، هیچ واکنشی به حرکت مداوم نیروهای سپاه در نزدیکی خود نشان ندهد، هم به اعتبار خود لطمه زده و هم این حرکت ترامپ بلاموضوع خواهد شد. و اگر واکنش نشان دهد، آن‌طور که باید به یک گروه تروریستی نشان دهد، احتمال وقوع یک جنگ به شدت بالا می‌رود. باید دید این معضل را ارتش آمریکا چگونه می‌تواند حل کند.

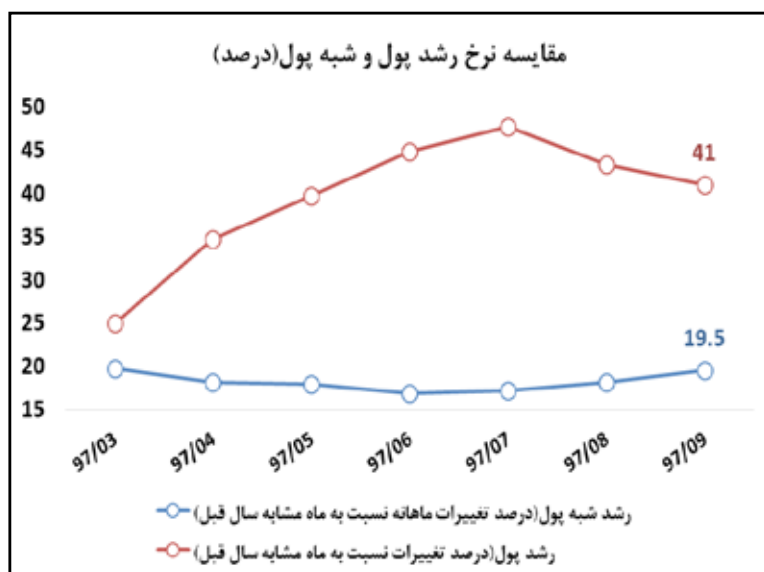
در بازارهای جهانی می‌تواند محرک مطمئنی در روند قیمتی سهام باشد. از دیگر سو باید در نظر داشت که به موعدهای سالانه عمده شرکت‌های بزرگ بورسی نزدیک می‌شویم. سودآوری مطلوب این شرکت‌ها در سال مالی ۹۷ و انتظار برای تقسیم سود قابل توجه سبب می‌شود تا انتظار برای تقویت تقاضا از این منظر نیز جدی ارزیابی شود. نکته مهم دیگر با تحریم جدید آمریکا در خصوص تروریستی اعلام کردن سپاه تا تأثیر عملی گذاشتن این تحریم انتظاری می‌رود حداقل در کوتاه‌مدت شاهد واکنش منفی بازار سهام نخواهیم بود. با رصد بازار و تقویت نقدینگی و در پیش بودن گزارش‌های ۱۲ ماهه و همچنین در پیش بودن مجامع و تقسیم سود پایان دوره به نظر می‌رسد که بازار در این مقطع زمانی وزن زیادی را به این تحریم اختصاص ندهد مگر اینکه اتفاق عملی خاصی بیفتد.

زیاد عمده توجه بازار به گروه‌هایی است که مدت زیادی از رشد قیمتی برخوردار نشده‌اند و از نسبت سهام بزرگ و شاخص‌ساز رشد بسیار کمتری را تجربه کرده‌اند. اگر چه شاخص کل بورس در روزهای گذشته در عبور از سقف تاریخی خود موفق نبود، ولی به نظر می‌رسد برآیند عوامل بنیادی حاکم بر روند کلی بازار ادامه مسیر صعودی را محتمل می‌سازد. حرکت صعودی اخیر بورس با روند قیمت‌ها در بازارهای جهانی توأم بوده است.

ثبات قیمت کالاهای پایه در محدوده فعلی می‌تواند برای عمده شرکت‌های مرتبط کاملاً مطلوب ارزیابی شود. با این حال باید در نظر داشت که بازارهای جهانی همچنان در انتظار تعیین تکلیف شرایط جنگ تجاری هستند و به نظر می‌رسد قیمت‌ها در بازارهای مرجع در میانه مسیر قرار دارند. با فرض ثبات در نرخ‌های مبنای ارز، صعود قیمت‌ها

سرمایه در سال ۹۸ حرکت رو به جلو با شیب صعودی را در پیش خواهد داشت، برخی از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که بازار سرمایه کشور نسبت به سایر بازارهای مالی بازدهی حدود ۴۰ درصدی را به سرمایه‌گذاران خود بدهکار است. تجربه نشان داده است بازار سرمایه از منظر ارزش بازار به هیچ عنوان پا به پای افزایش نرخ ارز تعدیل نشده است. بر این اساس انتظار می‌رود این عقب‌ماندگی با توجه به مطالعات تطبیقی ۴۰ سال گذشته در خصوص مقایسه بازدهی بازارها جبران شود. اما ممکن است حرکتی که شاخص در سال گذشته در سال ۹۸ ناتمام باقی بماند و قسمت عمده این جبران در سال ۹۹ و ۱۴۰۰ رخ دهد. در سال ۹۸ به دلیل برخی مسائل از جمله احتمال اصرار دولت بر سیاست‌های کنترلی و افزایش ریسک‌های سیاسی رشد پرتابی را در کلیت بازار شاهد نباشیم. به این ترتیب به احتمال

پول رونق دارد



آنچه در نیمه اول سال ۹۷ بر سر بازار پول گذشت حکایت از افزایش اجزای تورم‌زایی چون پول و پایه پولی دارد. از یکسو تحت تأثیر نوسانات بازار ارز و طلا با تبدیل سپرده‌های کوتاه‌مدت به بلندمدت، به سیالیت و انعطاف نقدینگی اضافه شد. طبق گزارش‌های بانک مرکزی از وضعیت پول در آذرماه سپرده کوتاه‌مدت و در حال گردش در دست مردم از طریق کارت‌های بانکی با رشد ۳۶ درصدی در ۹ ماه همراه بوده و از ۳۹۳ هزار میلیارد تومان در اسفند ۹۶ به ۵۳۵ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۷ رسیده و ۱۴۱ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. این در حالی است که سپرده بلندمدت تنها ۲۸ هزار میلیارد تومان در این ۹ ماه بیشتر شده و از ۸۴۰ هزار میلیارد تومان در اسفند ۹۶ به ۸۶۹ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۷ رسیده و ۳،۴ درصد رشد داشته که البته نشان می‌دهد در آذر ماه رشد قابل توجهی نسبت به ماه‌های دیگر سال داشته است. زیرا سپرده بلندمدت از اسفند ۹۶ تا آبان ماه تنها ۳ هزار میلیارد تومان رشد کرده بود اما در آذر ۹۷ به خاطر کاهش نرخ دلار و سکه در آبان و آذر متاثر از سیاست‌های بانک مرکزی در کنترل بازار ارز و طلا و سکه، سپرده بلندمدت معادل ۲۵ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. در ادامه سال باید دید در زمستان این روند

نرخ سود حقیقی بانک‌ها با توجه به روند افزایشی نرخ تورم روند کاهشی به خود گرفته است. از این جهت انتظار می‌رود روند افزایش سهم سپرده کوتاه مدت و کاهش سهم سپرده بلندمدت و به تبع این جریان سهم پول افزایش و سهم شبه پول کاهش یابد.

همچنین طبق گزارش‌های بانک مرکزی نقدینگی ابتدای سال ۹۷، معادل ۱۵۳۰ هزار میلیارد تومان ثبت شده است که از این مقدار ۱۲،۷ درصد سهم متغیر پول بوده است. در شهریورماه به رقم نقدینگی به ۱۶۷۰ هزار میلیارد تومان

چگونه بوده است. با توجه به اینکه در ۲۸ بهمن سال ۹۶ بانک مرکزی به منظور کنترل بازار ارز سپرده‌های یک‌ساله با نرخ سود ۲۰ درصد را در دستور کار قرار داد که به گفته نوبخت بانک مرکزی توانست ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از نقدینگی را جذب کند. با توجه چشم‌انداز ریسک‌های سیاسی و به تبع آن بازده بازارهای موازی چون ارز و طلا و سهام انتظار نمی‌رود، سود ۱۸ درصدی سپرده‌های بانکی بتواند از نقدینگی دلبری کند و محلی جذاب برای نقدینگی به حساب بیاید. همچنین این را نیز باید در نظر گرفت که

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

رسید و سهم پول توامان نوسانات بازار ارز و طلا با تبدیل سپرده‌های بلندمدت به کوتاه مدت، به ۱۴,۶ درصد افزایش یافت. همچنین آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد پایه پولی در ابتدای سال ۱۴۹۷ ۲۱۴ هزار میلیارد تومان بوده است در حالیکه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز ۱۳۲ هزار میلیارد تومان ثبت شده است. اما در انتهای شهریور ماه پایه پولی به ۲۳۴ هزار میلیارد تومان و بدهی بانک‌ها نیز به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است. می‌توان گفت سهم بانک‌ها در افزایش پایه پولی نزدیک به ۹۰ درصد بوده است. مروری بر برنامه‌های بانک مرکزی در سال جاری نشان می‌دهد روند پایه پولی نیز افزایشی باشد و در یکی از عمیق‌ترین رکودهای اقتصاد ایران بانک مرکزی سال پرکاری را در خلق پول و نقدینگی ایفا کند. اظهارات رئیس کل بانک مرکزی نشان می‌دهد، سیاستگذار بر این باور است عامل افزایش نقدینگی نرخ سود بالای بانکی است. همتی در بخشی از اظهارات خود در دیدار نوروزی با اهالی رسانه به مقوله نرخ سود بانکی پرداخت و اظهارداشت: عمده نقدینگی که در سال‌های اخیر ایجاد شده است ناشی از پرداخت سود سپرده توسط بانک‌هاست. وی افزود: نقدینگی به صورت الکترونیکی به حساب سپرده‌گذاران واریز می‌شود و بیشتر نقدینگی از یک حساب به حساب دیگر جابه‌جا می‌شود. بخش عمده نقدینگی سپرده بلندمدت و میان مدت است و با توجه به پرداخت سود سپرده به صورت ماهانه و ممنوعیت پرداخت سود به صورت روزشمار، سهم سپرده‌های جاری باز هم کاهش یافته است. رئیس کل بانک مرکزی تصریح کرد: وقتی نرخ سود بانکی ۱۸ تا ۲۰ درصد تعیین می‌شود، معنای آن این است که به طور متوسط نقدینگی حدود ۲۰ درصد رشد خواهد کرد چرا که

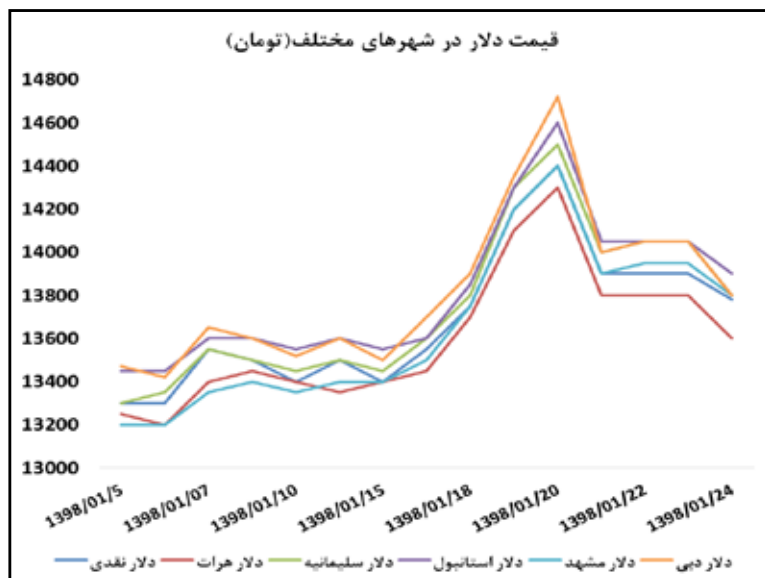
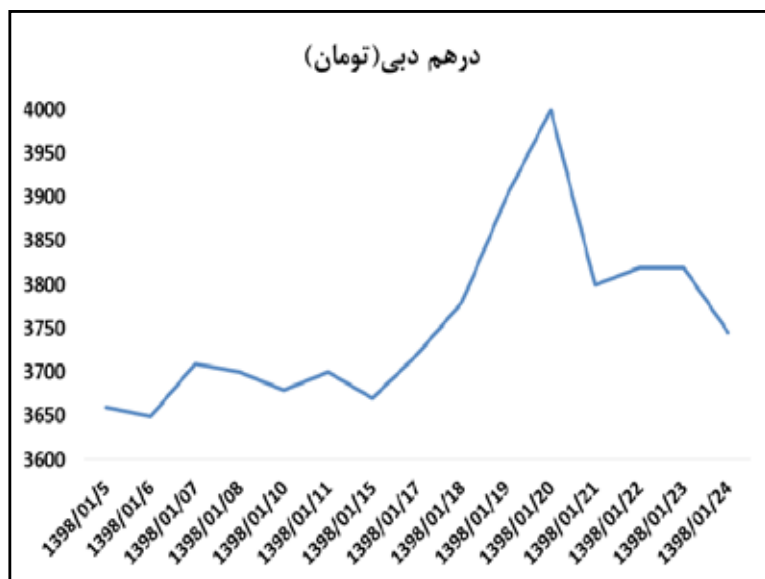
همه نقدینگی کشور در بانک است و بانک هم باید این میزان سود سپرده پرداخت کند. وی با بیان اینکه نقدینگی را نمی‌توان هدایت کرد و مثل مهمان به او گفت اینجا برو و آنجا برو، گفت: نرخ بالای سود بانکی باعث شد بانک‌ها برای پرداخت سود از بانک مرکزی اضافه برداشت کنند و این اضافه برداشت منجر به افزایش پایه پولی از این محل شد. بنابراین اگر بخواهیم رشد نقدینگی را کاهش دهیم باید نرخ سود سپرده را کاهش دهیم. همتی گفت: نکته مهمی که امسال اجرا می‌کنیم سیاست باز پولی است تا نرخ سود را در کانالی تعیین کنیم که بانک‌ها در آن چارچوب حرکت کنند؛ در اولین دستور کار شورای پول و اعتبار قرار دارد. رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه هدف ما تغییر ترکیب مؤلفه‌های نقدینگی است، گفت: هم‌اکنون عمده دلیل رشد نقدینگی سود سپرده‌ها و ضریب فرآیندها است و باید آن را کاهش دهیم و پایه پولی را زیاد کرده و برای رونق تولید از آن استفاده کنیم.

این اظهارات همتی نشان‌دهنده تغییر جدی سیاست بانک مرکزی در حوزه پولی است. طبق اظهارات رئیس کل بانک مرکزی بررسی شرایط اقتصادی بانک‌ها تنگناهای اعتباری و مطالبات معوقه نشان می‌دهد سیاست کاهش نرخ سود بانکی در خوش‌بینانه‌ترین حالت نهایت در کوتاه مدت موفق باشد. گزارشات نشان می‌دهد اخیراً بانک مرکزی فشارهای زیادی به بانک‌ها آورده‌اند، با تداوم این فشارهای انتظار می‌رود خلق نقدینگی از سمت بانک‌ها کاهش یابد با فرض کاهش نرخ سود بانکی باید در نظر داشت اگرچه مقصد نهایی نقدینگی شبکه بانکی است و فرار سپرده‌ها به معنی جا به جایی نقدینگی اگرچه درست نباشد ولی روند متغیرهای پولی و ترکیب اجزا

را نمی‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. در واقع تجربه نشان داده با کاهش نرخ سود بانکی سرمایه‌گذاران شبکه بانکی سعی می‌کنند با انگیزه کسب سود بیشتر سپرده‌های بلندمدت را به سپرده‌های کوتاه‌مدت تبدیل نمایند تا در مقابل نوساناتی که در بازارهای مختلف روی می‌دهد، انعطاف و قدرت مانور بیشتری داشته باشند، تا بتوانند با موج سواری در بازارهای مختلف بازده بیشتری بدست آورند و با تخصیص قسمتی از نقدینگی به مصرف موجب افزایش تورم نیز شوند. از این جهت چشم‌اندازهای تورمی از سمت نقدینگی در سال ۹۸ تقویت شده است. علاوه بر این آمارهای سال ۹۷ نیز نشان می‌دهد سایه کسری بودجه دولت بر نقدینگی همچنان سنگینی می‌کند. طبق آمارهای بانک مرکزی دارایی‌های بانک مرکزی در قسمت بدهی دولت با رشد ۶۳ درصدی در ۹ ماهه مواجه شده است. کسری بودجه دولت نیز از دو کانال بازار پول و نقدینگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدین صورت که انتظار می‌رود یا به صورت استقراض دولت از شبکه بانکی که آن هم در نهایت به استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی ختم می‌شود یا اینکه با استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی همراه خواهد بود. در هر دو حالت موجب افزایش پایه پولی و تقویت چشم‌اندازهای افزایش تورم می‌شود. با توجه به بحث استقلال ضعیف بانک مرکزی در اقتصاد ایران هیچ نیروی و جایگزینی وجود نخواهد داشت تا کسری بودجه به سمت متغیرهای پولی نرود. به همین دلیل است که گفته می‌شود عمده سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران سیاست‌های مالی هستند و ریشه در مسائل بودجه‌ای دارند. در واقع در این مقطع تنها راه حل تغییر چارچوب سیاستگذاری است.

وضعیت بازار پول						
مقدار (تریلیون ریال)			رشد (درصد)			
۱۳۹۵	آذر ۱۳۹۶	۱۳۹۶	آذر ۹۷	آذر ۹۶	آذر ۹۷	به اسفند ۹۶
۳۹۳,۳	۳۴۸,۶	۴۴۲,۷	۴۵۵	۳۰,۵	۱۱,۴-	۲,۸
۱۶۳۰,۳	۱۷۳۴,۴	۱۹۴۶,۷	۲۴۴۶,۲	۴۱	۶,۴	۲۵,۷
۱۰۹۰۳,۶	۱۲۷۱۵,۷	۱۳۲۵۳,۱	۱۵۱۹۹,۶	۱۹,۵	۱۶,۶	۱۳,۸
۱۲۵۳۳,۹	۱۴۴۵۰,۱	۱۵۲۹۹,۸	۱۷۶۴۵,۸	۲۲,۱	۱۵,۳	۱۵,۳
۱۷۹۸,۳	۱۹۹۴,۵	۲۱۳۹,۸	۲۴۴۸,۳	۲۲,۸	۱۰,۹	۱۴,۴
۶,۹۷	۷,۲۴	۷,۲	۷,۲۱	-۰,۵	۳,۹	۰,۸
اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	پول	شبه پول	نقدینگی	پایه پولی	ضریب فرآینده نقدینگی	

ارز راهبر بازارها



بنابر گزارشات، بازارساز ارزی پس از آنکه در روزهای ابتدایی سال جدید بر حفظ کانال ۱۲ هزار تومانی تاکید داشت، از روز ۸ فروردین سیاست فعالانه‌تری را در بازار در پیش گرفت و همین عامل موجب شد که آربیتراژ قیمتی بین بازار آزاد و صرافی‌های بانکی کاهش پیدا کند و دلار برابر نزول به زیر مرز ۱۳ هزار تومانی مقاومت کند. پس از آنکه آمریکا سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد؛ موج بعدی رشد دلار در فروردین ماه کلید خورد و قیمت دلار تا مرز ۱۴۵۰۰ تومان پیش روی کرد ولی مجدداً به کانال ۱۳ هزار تومان بازگشت. عامل مهم دیگر در که در آن روزها نقش مهمی در افزایش قیمت دلار داشت، رشد نرخ حواله درهم بود. افزایش نرخ حواله درهم تا آستانه مرز ۴ هزار تومانی ارزش دلار در بازار داخلی را می‌توانست در حوالی محدوده ۱۴ هزار و ۶۰۰ تومانی قرار دهد. به نقل از خبرگزاری فارس به دلیل اینکه تقاضاهای عمده با نرخ‌های پیشنهادی بالایی برای خرید درهم با ریال ایران در دبی به‌وجود آمده و با توجه به تأثیر بالای درهم بر بازار ایران، افزایش قیمت‌ها در بازار داخل را در پی داشته است. به نظر نمی‌رسد که حرکت جدید آمریکا «در عمل» چیزی به تحریم‌ها بیفزاید مسأله مهم این است که معامله با شرکت‌های وابسته به سپاه دیگر تنها جنبه نقض تحریم‌های آمریکایی را نخواهد داشت بلکه افراد و شرکت‌های خاطی با خطر جدی حمایت از تروریسم روبه‌رو هستند که می‌تواند به بازداشت، استرداد، و زندانی شدن افراد مسئول در آمریکا بیانجامد بنابراین مانع جدی‌تری بر سر راه معامله با ایران ایجاد خواهد شد چرا که هر معامله‌ای ممکن است سر از طرف حساب شدن با سپاه درآورد. از این بحث مهم‌تر، احتمالاً وضعیت نظامی جدید آمریکا در خلیج فارس است. براساس گزارش‌های رسیده، وزارت دفاع آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی آن کشور، مخالف این تصمیم دولت آمریکا بوده‌اند. یکی از دلایل عمده آن می‌تواند این باشد که نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، به ویژه در خلیج فارس در تماس دائم و نزدیک با نیروهای سپاه هستند. این موضوع نکته مهمی است؛ به عبارتی اگر ارتش آمریکا

آلمان و فرانسه و بریتانیا از رئیس سازمان ملل برای ارائه گزارشی درباره برنامه موشکی ایران، چشم‌انداز برجام را در موقعیت خطیرتری قرار می‌دهد. ادعای اروپا، این است که آزمایش موشکی بالستیک و پرتاب دوموشک ماهواره‌بر به معنای نقض قطعنامه ۲۲۳۱ است. چنانچه رئیس سازمان ملل، آنتونیو گوتروش، طی، گزارشی، در تیر ماه پیش‌رو، صحت ادعای مذکور را رد کند، در این صورت، اروپا همچنان در قالب سیاست یکی به نعل و یکی به میخ، در برجام باقی خواهد ماند و سعی خواهد کرد دست کم پوسته ظاهری آن را حفظ کند. اما، اگر بر ادعای اروپا مهر تایید بزند، در این صورت، به احتمال زیاد اروپا نیز از برجام خارج و با کنار

در منطقه، هیچ واکنشی به حرکت مداوم نیروهای سپاه در نزدیکی خود نشان ندهد، هم به اعتبار خود لطمه زده و هم این حرکت ترامپ بلاموضوع خواهد شد. و اگر واکنش نشان دهد، آن‌طور که باید به یک گروه تروریستی نشان دهد، احتمال وقوع یک جنگ به شدت بالا می‌رود. باید دید این معضل را ارتش آمریکا چگونه می‌تواند حل کند.

در دیگر سو هم سازوکار مالی اروپا برای دور زدن تحریم‌ها، با این حرکت آمریکا می‌توان گفت که کم اثرتر هم خواهد شد. علاوه بر این در ماه گذشته سیگنال‌های از اروپاییان مشاهده شده که بقایای باقیمانده برجام فعلی را به مخاطره می‌اندازد. درخواست سه کشور

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

رفتن پوسته ظاهری آن، مناسبات سیاسی میان اروپا و ایران پرتنش تر خواهد شد و اقتصاد ایران وارد فاز جدیدی خواهد شد که تفاوت کیفی قابل توجهی با همه سال‌های گذشته خواهد داشت. این تفاوت، به همراهی کامل اروپا و آمریکا در اعمال تحریم‌ها مربوط نیست که سابقه پیشینی دارد؛ بلکه تفاوت، به امکان استفاده از ابزارهای تنبیهی و تحریمی بیش‌تر مربوط می‌شود که قطعنامه ۲۲۳۱ راه آن را باز می‌کند. سخن اخیر وزیر خارجه فرانسه مبنی بر اینکه «برجام چک سفیدی در زمینه حقوق بشر نیست» و همین‌طور اعطای حق شهروندی پاریس به نسرین ستوده از سوی شهرداری این شهر، نشان‌دهنده همراهی بیش‌تر اروپا با آمریکا است. همراهی که با اقدامات کشورهای اروپایی در زمینه تروریسم و ربط دادن آن به ایران، از پیش شروع شده بود و اینک تکمیل می‌شود. حلقه نهایی این زنجیره می‌تواند خروج اروپا از برجام باشد که نیاز به مستمسکی به نام گزارش سازمان ملل دارد. به هر حال می‌توان گفت مشکل بتوان شرکت‌هایی را در اروپا یافت که وارد بازی شوند که در آن موضوع تجارت با حمایت از تروریسم آمیخته شود.

از سوی دیگر اتخاذ چنین تصمیماتی روی واکنش ایران بر تصویب لوایح باقیمانده FATF و همین‌طور باقیماندن در برجام بی‌تأثیر نخواهد بود. در همین خصوص مصباحی مقدم عضو مجمع

تشخیص مصلحت نظام گفت: اقدام آمریکا در مورد تروریستی خواندن سپاه احتمال تصویب نکردن FATF را در مجمع تشخیص قوی‌تر کرد.

در نتیجه ماه‌های پیش رو چشم‌انداز ریسک‌های سیاسی افزایشی تصور می‌شود و چه بسا با گذشت زمان، شاید در آینده نه‌چندان دور، ایران تصمیم به خروج از برجام بگیرد و عطایش را به لقایش ببخشد چون چیزی جز تحریم نصیبش نخواهد شد. این حرکت می‌تواند پیامدهای سلسله‌واری به همراه داشته باشد که اروپا و آمریکا را هم جبهه کند. این درست آن چیزی است که دولت آمریکا در انتظار آن است.

و اما برای پیش‌بینی اینکه در ماه‌های آتی و فصل بهار بازار ارز چه روندی را پشت سر خواهد گذاشت باید چند نکته را در نظر داشت: اول از همه اگرچه بازار ارز باتوجه به ریسک‌های سیاسی مطرح شده مستعد التهاب است ولی در مقایسه با سال گذشته شدت التهاب با این شرایط کمتر باشد مگر اینکه اقتصاد با متغیر پیش‌بینی نشده جدیدی با وزن بالای سیاسی مانند رویارویی نظامی یا جنگ مواجه شود. دوم، پیش‌بینی می‌شود دولت و بانک مرکزی، در مقایسه با سال گذشته، قدرت کمتری در کنترل بازار داشته باشد. موضوع حادثه سیل اخیر و خسارات سنگینی که بر جای گذاشت، ظاهراً بار دیگر فضا را برای ورود به صندوق توسعه ملی و استفاده از منابع ارزی به منظور

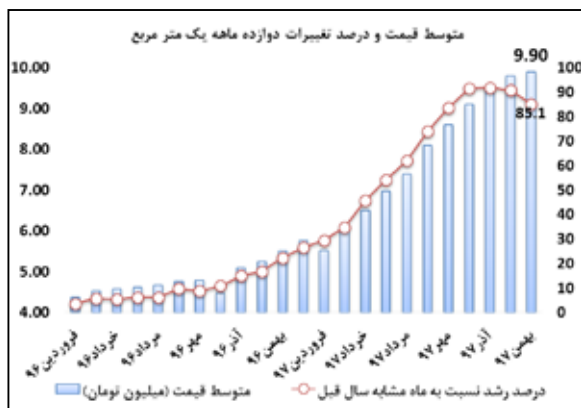
جبران هزینه، باز کرده است. گرچه تاکنون مجموع خسارت وارد شده درباره سیل از سوی دولت رسماً اعلام نشده است اما آنچه در اظهارات نمایندگان مجلس دیده می‌شود از خسارتی تا مرز ۳۰ هزار میلیارد تومان خبر می‌دهد. اگر برداشت مبلغ دو میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برای جبران خسارت‌های سیل نهایی شود اهرم مناسبی برای «تعدیل» نرخ ارز از طریق عرضه بیشتر فراهم خواهد شد؛ از این جهت ثبات کاهشی دور از انتظار نخواهد بود. از سوی دیگر روند خطرناک رشد نقدینگی و خلق نقدینگی بی‌کیفیت و مضر خصوصاً از طرف بانک‌ها سمی مهلک است که می‌تواند بازار ارز و سایر بازارها را با خطر سیل نقدینگی و سفته بازی ناشی از آن مواجه سازد.

اگرچه بانک مرکزی با برقراری فضای بگیر و ببند و ایجاد مانع در ورود جریان نقدینگی به بازار ارز، از جذابیت فضای سفته‌بازی تا حد زیادی کاسته است ولی با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به نفت و تداوم و تشدید ریسک‌های سیاسی تحریم‌ها باید گفت سیاست‌ها و ابزارهای بانک مرکزی همچنان برای برقراری تعادل در بازار ارز کافی نیست.

در نتیجه در حالت خوشبینانه محتمل‌ترین سناریو برای بازار ارز افزایش تدریجی و پلکانی است و با بالا رفتن ریسک‌های سیاسی و خنثی شدن سیاست‌های بانک مرکزی شیب افزایش نرخ ارز بیشتر و بیشتر می‌گردد.



سال سخت اجاره نشین‌ها



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



پوپولسیت‌های سنجاق شده به ناسیونالیسم



حسن صادقی
عضو هیأت تحریریه

سیاسی که ناسیونالیسم را دوباره زنده می‌کند و در این مسیر از جریان اندیشه‌ای پوپولیسم هم استفاده می‌کند به‌زودی بزرگترین و قدرتمندترین دولت و اقتصاد جهان را در دست می‌گیرد. دونالد ترامپ نمونه آمریکایی ناسیونالیست‌های جهان بود که البته بعدها موجی از سیاستمداران را به این مسیر کشاند. اگر نبود جریان هوشمندی که ماکرون در فرانسه را مدیریت کرد اکنون این غول اروپایی نیز در اختیار پوپولیسم فرانسوی افتاده بود. در شرایطی که تصور می‌شد سیاستمداران مجهز به ترفندهای فریبنده عوام‌گرایی در جهان شکست خورده‌اند اما در اروپا شاهد قدرت گرفتن این گروه بود و هستیم. پوپولیست‌هایی که خود را به ناسیونالیسم سنجاق کرده‌اند چه بر سر اروپا به ویژه انگلستان و جهان می‌آورند؟

سیاست ارجحیت ملی یا شوونیسم رفاهی توصیف کرد. از این منظر، سیاست‌های اقتصادی این احزاب، تا حدودی تابع برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی آنها در چارچوب حمایت‌گرایی ملی و اقتصادی یا ترکیبی از آن است. از لحاظ سیاسی نیز، ویژگی اصلی این احزاب، گرایشات مونیستی و ضدیت با پلورالیسم است. اما این نمونه در جریان چپ هم دیده می‌شود. چپ‌های پوپولیست نیز از برخی برنامه‌های مشابه اما به شکل‌های دیگر استفاده می‌کنند. در انگلستان بود که این پوپولیست غیر چپ توانست با برپا کردن پرچم عبور از اروپا داستانی بزرگ را بنویسد که تا امروز ادامه دارد. روزی که اعلام شد جدایی خواهان انگلیسی بر هواداران ماندن این کشور در اتحادیه اروپا پیروز شده‌اند کمتر کسی باور می‌کرد جریان

جریان سیاسی راست‌گرایان در پیوند با مفهوم راست افراطی، مفهومی اجتماعی - فرهنگی است. برای اشاره به احزابی است که مواضع اقتدارگرایانه‌ای در خصوص برخی موضوعات نظیر قانون، نظم، شهروندی و سیاست‌های مهاجرت اتخاذ می‌کنند. نمونه آن احزاب راست افراطی در اروپا هستند. موضوعات اقتصادی - اجتماعی برای این احزاب، ترکیبی از ناسیونالیسم و بیگانه‌ستیزی است که می‌توان آن را به مثابه نوعی

پیچیدگی‌های برگزیت برای محافظه کاران

کوربین بر سر یک موضوع توافق کنند، این تصمیم به شورای اروپا منتقل خواهد شد. ممکن است این طرح با تأیید مجلس باشد، که این پروسه نیز مشکلات خود را دارد. اگر کوربین و می، نتوانند در مورد یک طرح توافق کنند، آنها به طور جداگانه گزینه‌های خود را به مجلس ارائه می‌دهند.

♦ رفراendum برای بازگشت

رفراendum دوم همچنان یکی از گزینه‌های برگزیت باقی مانده است، اما در ماه مه سال گذشته، شدیداً با آن مخالفت شد. بیش از ۵ میلیون نفر تقاضای لغو برگزیت را در وب سایت مجلس امضا کرده‌اند. اعضای پارلمان دو بار جایگزینی برای توافق ماه مه رای دادند، اما هیچ یک از گزینه‌ها قادر به پشتیبانی اکثریت نشد. اگر بریتانیا بدون تصویب توافق از اتحادیه اروپا خارج شود، دوره انتقال دو ساله وجود نخواهد داشت. بریتانیا و اتحادیه اروپا به دنبال مذاکره بر سر یک توافق نامه تجاری جدید و دراز مدت در طول دوره انتقال هستند. در صورت عدم توافق، قوانین تجارت جهانی به اجرا در خواهد آمد.

♦ جامعه مخالفان

حضور در اتحادیه

برنده رفراendum ژوئن ۲۰۱۶ با ۵۱٫۹

درصد از رای گیری با ۱۷٫۴ میلیون

رای مشخص شد که مابقی آنها

(۴۸ درصد) ۱۶٫۱ میلیون نفر

مخالف داشت. آمار کلی از

تفاوت‌های منطقه‌ای فاحشی

خبر می‌دهد. ۵۳٫۴ درصد

از رای دهندگان انگلیسی

الاصل پشتیبان برگزیت

بودند که در مقایسه با

مخالفان، بیش از ۳۸ درصد

رای دهندگان اسکاتلندی

بودند. از آنجایی که انگلستان

اکثریت قریب به اتفاق جمعیت

انگلستان را تشکیل می‌دهد،

حمایت از این در نتیجه به برگزیت

منجر شد.

فرآیند ترک اتحادیه اروپا به طور رسمی در

تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷ آغاز شد، زمانی که بررسی

ماده ۵۰ پیمان لیسبون آغاز شد. انگلستان دو سال از

آن تاریخ برای مذاکره با یک رابطه جدید با اتحادیه اروپا

فرصت داشت. مذاکرات در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ شروع شد. بخشی

از مفاد این ماده با قانون اساسی انگلیس سازگار بود و بخشی

از آن هیچ کشوری از اتحادیه اروپا از این ماده در گذشته استفاده

نکرده است. در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۱۸، بریتانیا و اتحادیه اروپا در یک

موافقتنامه خروج ۵۸۵ صفحه‌ای، با مسائلی در خصوص حقوق شهروندی،

لایحه طلاق و مرز ایرلند موافقت کردند.

پارلمان انگلستان این موافقتنامه خروج را در روز سه‌شنبه، ۱۵ ژانویه

۲۰۱۹ در معرض رای گیری قرار داد که اعضای پارلمان از ۴۳۲ نفر تنها

۲۰۲ رای دادند که به تصویب نرسید تا این توافق به بزرگترین شکست یک

دولت در مجلس عوام در تاریخ اخیر ثبت شود. هر چند ترزا می از این رای

تایمز | ون رامپویی، برنده جایزه صلح نوبل در سخنرانی خود، زمانی که می‌خواست در پیوند اتحادیه اروپا را توصیف کند، از آن به عنوان قراردادی مستحکم که حافظ منافع همه کشورهای است، یاد می‌کند و جامعه اروپا را متحد در برابر هر خطری ترسیم می‌کند. هر چند اتحادیه اروپا بر اساس مجموعه مقالات و بررسی‌های اقتصاددانانی چون دنی رد ریک و دیوید دورن، پر از منافع سرشاری برای کشورها بوده است، اما انگلیسی‌ها اولین کشوری بودند که زیر میز این توافق زدند و با نام برگزیت سفره خود را از دیگر کشورهای اروپای جدا کردند. هر چند برگزیت در بدو امر خوشبینی‌های زیادی را برای مردم این کشور رقم زد، اما دیری نپایید که به واسطه پیچیدگی‌های خروج و موانع تجاری که بعدها به وجود می‌آید، دولتمردان انگلیسی از شدت هیجانات تصمیم خود کاستند و اکنون به بازپچه ای در دست رقیب خود مبدل شده‌اند.

با این حال برگزیت، اولین نشانه ظهور ناسیونالیسم در اتحادیه اروپا بود تا این پیوند قدیمی را که بنابر باور بنوا پوتیه اکنون روکش نازکی از آن باقی مانده است، شدیداً شکننده و ضعیف باشد. نکته اساسی آنجاست که اگر تجربه خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مبدل به تجربه موفق و کارآمد شود، روند اضمحلال اتحادیه اروپا به مراتب سریع‌تر و عمیق‌تر خواهد بود چرا که رشد افراط‌گرایی و ناسیونالیسم‌گرایی در قلمرو اروپایان با قوت، در رشد و تکثیر است و آنها اکنون برای پیاده سازی شعارهای خود، تنها نیاز به الگوی برگزیت دارند همان گونه که مارین لوپن قبلاً اشاره کرده بود که «با هر انتخاباتی که در سال گذشته برگزار شد، در سوئد، ایتالیا، مجارستان و اتریش شاهد یک دومینو بودید، بنگ، بنگ، بنگ...». البته هنوز برگزیت بعید به نظر می‌رسد که به تجربه موفق برای فرار از اتحادیه اروپا بدل شود. بن بست سیاستمداران این کشور در حوزه‌هایی نظیر تعیین مکانیزم خروج و حتی سیاست‌های تجاری که در آینده با آن روبه رو می‌شوند، مانع از این می‌شود که انگلستان بدون هیچ هزینه‌ای، بهای تصمیم خود را بپردازد. این گزارش احوالات برگزیت از ابتدا تاکنون مرور می‌کند و توصیفی از شکست‌ها و علل آن به مخاطب ارزانی می‌دارد.

برگزیت مخفف «خروج بریتانیا» است که اشاره به تصمیم ناگهانی مردم انگلیس در رفراendum ژوئن سال ۲۰۱۶ برای ترک اتحادیه اروپا (اتحادیه اروپا) دارد. نتیجه آرای مردمی، انتظارات و بازارهای جهانی را متحمل هزینه‌های زیادی کرد و موجب شد تا پوند انگلیس در ۳۰ سال گذشته به پایین‌ترین سطح خود در برابر دلار برسد. دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق، که نامزد رفراendum شده بود، در تلاش بود تا بریتانیا را در اتحادیه اروپا نگه دارد، اما پس از رفراendum استعفا کرد. وزیر امور خارجه ترزا می، به عنوان رهبر حزب محافظه کار و نخست‌وزیر جایگزین شد. پس از انتخابات فوری در ۸ ژوئن ۲۰۱۷، وی همچنان نخست‌وزیر باقی ماند. با این وجود، محافظه کاران اکثریت خود را در پارلمان از دست دادند، و منتقدین می بر این باورند که یک «برگزیت سخت»، در راه است. بریتانیا تا ۳۱ اکتبر امسال، فرصت دارد تا سیاست‌های برگزیت را برای اتحادیه اروپا روشن کند. برنامه خروجی که قرار بود با اتحادیه اروپا مذاکره شود، سه بار توسط مجلس عوام رد شد. هم اکنون تنها امیدهای محافظه کاران به سازش کوربین و حزب او گره خورده است. بریتانیا موفق شده است بدون تمدید مذاکره برای یک بار دیگر از توافق با اتحادیه برای خروج فرار کند معامله خارج شود. انگلیس می‌تواند قبل از ۳۱ اکتبر اتحادیه اروپا را ترک کند حتی اگر بخواهد با توافق یا بدون آن تصمیم گیرد، مجبور خواهد شد در انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا شرکت کند، البته اگر تا ۲۲ ماه مه باقی نماند.

ممکن است ماه مه با رهبر حزب کارگر، جرمی کوربین، موافقت کند که چه کسی باید انگلستان را در آینده با اتحادیه اروپا دنبال کند. از آنجایی که کوربین از حضور در اتحادیه اروپا حمایت می‌کند، اگر هم توافقی حاصل شود احتمالاً خروجی نرم‌تر از آنچه که محافظه کاران می‌خواهند، رقم خواهد خورد. اگر می و

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

◆ مرز شمالی ایرلند

توافقنامه خروج شامل یک بند پیشنهادی است. این تبصره تضمین می‌کند که اگر معامله برگزیت در پایان دوره گذار در پارلمان انگلیس و اتحادیه اروپا صورت نگیرد، هیچ مانع مرزی بین ایرلند شمالی و ایرلند جنوبی وجود نخواهد داشت. این یک سیاست تضمینی است که بریتانیا را در اتحادیه گمرکی اتحادیه اروپا با ایرلند شمالی تحت قوانین اتحادیه اروپا حفظ می‌کند. اگر بریتانیا و اتحادیه اروپا نتوانند در خروج از اتحادیه اروپا به توافق در خور و شایسته ای که دو طرف را راضی کند، نرسند، به طور موقت و به موجب توافق بعدی، این مرز جایگزین خواهد شد و روابط تجاری انگلستان با اتحادیه اروپا از این مسیر دنبال خواهد شد. اجرایی نشدن این گزینه، به عنوان اصلی ترین دلیل شکست برگزیت عنوان می‌شود چراکه اگر این بند هم به تایید نمایندگان مجلس بریتانیا نرسد، دیگر دولت ترزا می‌هیچ دستاویزی برای آینده تجاری خود نخواهد داشت. نمایندگان ایرلندی حاضر در مجلس نمایندگان در تلاشند تا نخست‌وزیر این کشور را به اضافه کردن تغییراتی در مفاد قانونی ملزم کنند، چراکه هراس دارند به موجب تایید این قانون، خودمختاری ایرلند به خطر بیفتد و اجرای این قانون به طور نامحدودی تداوم یابد. رهبران اتحادیه اروپا تاکنون از حذف آن خودداری کرده‌اند و همچنین محدودیت زمانی تعیین کرده‌اند. در ۱۱ مارس ۲۰۱۹، دو طرف قرارداد را در استراسبورگ امضا کردند که موافقت‌نامه خروج را تغییر نداد اما «حصول قانونی معنی داری» را اضافه کردند. هرچند به اندازه‌ای نبود تا نمایندگان سختگیر قانون برگزیت را متقاعد کند. در دهه دوم قرن بیست و یکم، خشونت میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها به ایرلند شمالی آسیب رساند، و مرز بین کشور بریتانیا و جمهوری ایرلند تا جنوب، نظامی شد. توافقنامه جمعه ماه ۱۹۹۸، مرز را تقریباً نامرئی اعلام کرد و به جز نشانه‌های محدودیت سرعت و برخی موارد جزئی تقلیل یافت. هر دو طرف مذاکره کنندگان بریتانیا و اتحادیه اروپا نگرانند که تغییر این قانون و بازنگری آن، حامل پیامدهای ناخوشایندی برای کشور باشد چراکه ممکن است انگلیس برای پایان دادن به آزادی حرکت از اتحادیه اروپا، نگران باشد و آنچنان که می‌خواهد کنترلی نداشته باشد. باین حال، ترک اتحادیه گمرکی بدون اعمال بازرسی‌های گمرکی در مرز ایرلند شمالی یا بین ایرلند شمالی و مابقی انگلیس، شرایط را برای قاچاق کالا مهیا می‌کند. این چالش مهم و منحصر به فرد یکی از دلایلی است که طرفداران معتدل برگزیت بیشتر به نفع اقامت در اتحادیه گمرکی اتحادیه اروپا و شاید بازار آن واحد هستند.

◆ برگزیتی برای بحران‌های اروپا

رای‌دهندگان حمایت خود را از برگزیت به دلیل عوامل مختلفی، از جمله بحران بدهی اروپا، مهاجرت، تروریسم و درک ادغام بوروکراسی بروکسل در اقتصاد بریتانیا پایه‌ریزی کردند. بریتانیا مدتهاست که از پروژه‌های اتحادیه اروپا حمایت می‌کند، این موضوع موجب شده تا مردم این کشور احساس کنند که حاکمیت انگلستان تهدید می‌شود: این کشور هرگز به اتحادیه پولی اتحادیه اروپا نمی‌پیوندد، به این معنی که از آن به جای یورو از پوند استفاده می‌کند. همچنین در خارج از منطقه شنگن باقی ماند، به این معنی که مرزهای باز با تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی به اشتراک گذاشته نخواهد شد. مخالفان برگزیت نیز تعدادی از مناطق را برای موقعیت خود ذکر می‌کنند. یکی از این خطرات مربوط به خروج فرآیند تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا است، به این معنی که این بزرگترین مقصد برای صادرات بریتانیا است. یکی دیگر از مزایای اقتصادی و اجتماعی «چهار آزادی» اتحادیه اروپا است: جنبش آزاد کالا، خدمات، سرمایه و مردم در مرزها. موضوع مشترک در هر دو استدلال این است که خروج اتحادیه اروپا از اقتصاد بریتانیا در کوتاه مدت بی‌ثبات است و کشور را در بلند مدت فقیرتر می‌کند.

گیری در تاریخ ۱۶ ژانویه جان سالم به در برد اما ملزم شد تا طرح جایگزین را در ۲۱ ژانویه اعلام کند. این طرح برای اینکه بسیار شبیه قرارداد اصلی او است، مورد انتقاد قرار گرفت. در روز ۲۹ ژانویه، نمایندگان مجلس برای می‌رای دادند تا برخی نواقص طرح او که در رابطه با ایرلند بود، اصلاح شود با تدابیر مناسب‌تری جایگزین شود، اما اتحادیه اروپا گفته است که راه دوباره برای مذاکره مجدد باز نیست. مرز ایرلند برنامه ای است که اگر اتحادیه اروپا و انگلیس نتوانستند در دوره گذار برگزیت به توافقی دست یابند، جریان تجارت آزاد از مرز ایرلند جریان داشته باشد. می‌در تلاش بود تا با تغییراتی که در پیش نویس قرارداد ایرلند، اعمال می‌کند، تا حدودی حمایت پارلمان انگلیس را به دستاورد. این مرز قرار بود به عنوان یک راه حل کوتاه مدت اجرایی شود اما نمایندگان ایرلندی‌ها نگران آن هستند که این طرح به طور نامحدود ادامه پیدا کند و استقلال خود را از بریتانیا از دست دهند.

«می» همچنین

توسط حزب

کارگر متهم

شده بود که با

در تنگنا قرار دادن

نمایندگان، اعضای

مجلس را مجبور کند

میان طرح او و هیچ توافقی

یکی را انتخاب کنند. در روز

۲۷ مارس هیچ یک از هشت گزینه

جایگزین برگزیت توسط اعضای پارلمان

رای اکثریت را از آن خود نکرد. پیشنهاد

می در ۲۹ مارس تنها توسط ۵۸ رأی تایید شد و

دوباره از سوی مجلس بریتانیا رد شد. حزب کارگر با

بحران خود مواجه است. پس از آنکه ده قانونگذار تصمیم

گرفتند که گروه مستقلی در مجلس عوام تشکیل دهند و از

حزب کارگر خارج شوند. آنها شکست کوربین در مقابله با ضدیت

با یهود در حزب و سیاست‌های برگزیت ضعیفش سرزنش کردند. سه

عضو پارلمان متعلق به حزب محافظه کار می‌نیز برای پیوستن به گروه

مستقل، کنار کشیدند. آنها شکایت کردند که خط مشی‌ها و اولویت‌های

توریس توسط افراط‌گرایان در حزب تعریف شده است.

ناسیونالیست اقتصادی، نسخه جدید دفاعی



محمد حیدری

عضو اندیشکده مطالعات دانشگاه شریف
هر چند ناسیونالیست اقتصادی، پدیده‌ای نیست که در طول تاریخ غیبت طولانی مدتی داشته باشد و حتی تئوری هم نبوده که در دوران بازار آزاد و جهانی شدن از منظر اقتصاددانان و نخبگان جامعه به دور باشد، اما اینک مبدل به پدیده‌ای شده که موجبات نگرانی‌های بسیاری را فراهم آورده است. ساختار اقتصاد کشورهای کنونی چنان در هم تنیده شده که ایجاد معضلی در یکی، اپیدمیک وار همه کشورهای دیگر را فرا می‌گیرد. با این حال در هر دوره‌ای، این نگرش در قالب‌های متعدد و اشکال مختلفی مجال بروز یافته است، حتی در مهد لیبرالیسم نیز، ناسیونالیست اقتصادی، اکنون به خطری تهدیدآمیز بدل شده است. جنگ‌های تجاری و تعرفه‌ای، بازگشت دوباره یارانه‌های صادراتی، کاهش ارزش پول ملی و تهدید به قطع واردات از جمله نشانه‌های این پدیده است. این گزارش شرح کوتاهی از مریکانتیسم در اعصار گذشته و در قرن حاضر ارائه می‌دهد.

♦ خاستگاه مریکانتیسم

مریکانتیسم در هر شرایطی و محیط‌های سیاسی و اجتماعی متعددی، خود را نشان می‌دهد. هر چند در طول تاریخ بشر، همواره پس از هر شکستی، با ظاهری دیگر سر بر آورده است. یک مثال از این تحول، توسعه ناسیونالیسم اقتصادی به عنوان گونه‌ای از مریکانتیسم در اواخر قرن هجده

و قرن نوزدهم است. در حالیکه مریکانتیست‌های کلاسیک بر کسب سود و قدرت از طریق تجارت خارجی نامتعادل (مازاد تجاری) تأکید می‌کردند، ناسیونالیسم اقتصادی بر توسعه درونی اقتصاد ملی تمرکز کرد. ناسیونالیسم اقتصادی به میزان وسیعی، واکنشی بود در مقابل لیبرالیسم اقتصادی، هنگامی که بریتانیا ثروتمندتر و قدرتمندتر شد، سایر ملل مانند آمریکا و آلمان در رابطه با استقلال خویش دچار نگرانی شدند و سیاست‌های ناسیونالیستی اقتصادی را به عنوان راهی برای محافظت از خود در مقابل پدیده‌ای که سیاست‌های متجاوزانه بریتانیا می‌انگاشتند، اتخاذ کردند. در این جا به جزئیات بر آمدن و ظهور ناسیونالیسم اقتصادی اشاره می‌شود.

پیشرفت در تکنولوژی تولید و حمل و نقل، به تدریج اقتصادهایی با مقیاس ملی در مقابل اقتصادهای محلی و منطقه‌ای، ایجاد کرد. مرزهای سیاسی دولت و مرزهای بازارهای اقتصادی به میزان وسیع‌تری بر یکدیگر منطبق شدند، همچنین خط فاصل میان ثروت و قدرت نیز به میزان مشخصی رو به کم‌رنگی نهاد طوری که هر یک می‌توانست جای یکدیگر به کار رود. برخی این گونه اندیشیدند که برای یک قدرت سیاسی مستقل بودن لازم است که یک قدرت اقتصادی مستقل نیز همراه باشد. با این حال بازارها که به حال خود رها بودند طبعاً با الگوهای محلی و بین‌المللی تجارت که توسط مریکانتیست‌ها تارهای وابستگی نامیده می‌شود، در پیوند بود. چگونه یک ملت می‌تواند مستقل باشد در صورتیکه به کالاهای ساخته شده کشور دیگر

و یا بازار کشور دیگر برای صادرات کشاورزی خود وابسته باشد؟ اگر همان گونه که مریکانتیست‌ها اعتقاد داشتند، بازارهای بی‌نظم موجب افزایش وابستگی اقتصادی می‌شود بنابراین این وظیفه دولت است که پیوندهای بازار را به سطح داخلی معطوف کند و اقتصاد داخلی را به عنوان یک موتور مستقل و قدرتمند ثروت و قدرت توسعه دهد. این ایده که منافع اقتصادی ملت باید فراتر از علایق اقتصادی افراد قرار گیرد و باید از طریق اعمال دولتی مقتدر تقویت شود، ناسیونالیسم اقتصادی نامیده شده است.

مهم‌ترین و مشهورترین هواداران ناسیونالیسم اقتصادی، الکساندر هامیلتون آمریکایی (۱۷۵۵-۱۸۰۴م) و فردریک لیست آلمانی (۱۷۸۹-۱۸۴۶م) بودند. در ایالات متحده آمریکا، الکساندر هامیلتون احساس می‌کرد که بنیان صنعتی و تولیدی کشور نیازمند نقش فعال دولت در حمایت تجاری از صنایع نوپا است. هامیلتون در گزارش خود به کنگره در رابطه با موضوع تولید مطالبی بیان کرد که حتی امروزه آشنا به نظر می‌رسد. او استدلال کرد که حمایت تجاری و همچنین نقش فعال دولت در توسعه صنایع محلی باید توسعه یابد. هامیلتون مشاهده می‌کرد که امنیت اقتصادی آمریکا توسط سیاست‌های مریکانتیستی سایر ملل تهدید گشته است، از این رو او به ضرورت اقدامات اساسی دولت برای عقب راندن متجاوزان اقتصادی بیگانه اذعان داشت. هامیلتون از یارانه دادن به منظور رقابتی در ساختن کالاهای آمریکایی در داخل و خارج از

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

◆نئومر کانتالیست

پس از جنگ جهانی دوم، وابستگی متقابل اقتصادی به سطح بالایی رسیده است (به ویژه پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۸۹)، سازمان‌هایی مانند موافقتنامه عمومی تجارت و تعرفه و سازمان تجارت جهانی، کنفرانس اقتصادی آسیا-اقیانوسیه، تجارت آزاد و بازارهای آزاد را گسترش دادند. منطق این حرکت در این بود که تجارت آزاد و بازارهای آزاد مانع منازعات مرکانتالیستی (منازعاتی که تأثیرات بسیار نامطلوبی داشته و رنج و اندوه انسانی را به بار آوردند) می‌شدند.

با این وجود بازارهای آزاد و تجارت آزاد یک معما را برای دولت به وجود می‌آورد. همان‌طور که رابرت گیلپین نوشته است: درحالی‌که نیروهای قدرتمند بازار در اشکال تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و پولی قصد فراتر رفتن از مرزهای ملی و گریز از کنترل سیاسی و ادغام کردن جوامع در یکدیگر را دارند، تمایل حکومت محدود کردن و سوق دادن فعالیت‌های اقتصادی به سوی منافع مورد قبول دولت و گروه‌های قدرتمند درون آن است. منطق بازار این است که فعالیت‌های اقتصادی در مکانی که بیشترین سود را دارد، واقع شوند درحالی‌که منطق دولت به دنبال کنترل و در دستگیری فرآیند رشد اقتصادی و انباشت سرمایه است.

تعهد کشورها به این هدف تجارت مسالمت‌آمیز بین‌المللی، آنها را از نگرانی در رابطه با امنیت اقتصادی و استقلال ملی خویش باز نداشته است. آنها به دنبال راه‌هایی برای محافظت کردن از امنیت اقتصادی خود در محیط سیاسی اقتصادی بین‌المللی‌ای که در آن سیاست‌های مرکانتالیستی به ویژه تعرفه و سهمیه‌ها به طور روزافزونی منع می‌شود، بودند. ما این سیاست‌های ذاتاً مرکانتالیستی را که به تازگی توسط دولت‌های متفرد در محیط اقتصادی بین‌المللی نامطمئن اتخاذ می‌شود، نئو مرکانتالیسم می‌نامیم. پس از جنگ جهانی دوم بر خلاف سیاست استفاده از موانع تجاری و حمایتی آشکار مانند تعرفه‌های وارداتی، سیاست‌های نئومرکانتالیستی به طرز زیرکانه‌ای برای کمتر حمایتی به نظر رسیدن طراحی شد. بسیاری از این سیاست‌ها مزیت‌های اقتصادی و سیاسی را برای صنایع ملی و کارآفرینان خصوصی تولید می‌کرد. درحالی‌که بقیه این سیاست‌ها به منظور مقابله کردن با مزایایی که سایر دول به صنایع خود اختصاص می‌دادند، به کار می‌رفت اگر شما می‌خواهید مثالی را از این که چگونه وابستگی متقابل اقتصادی به نئو مرکانتالیسم منجر شده است ملاحظه کنید، کافی است تنها به وسیله نقلیه یا ماشین باری خود نگاهی بیندازید.

در ۱۹۷۳ و مجدداً در ۱۹۷۹ میلادی سازمان اوپک قیمت نفت را افزایش داد و ارسال نفت را

باور که شهروندان یک ملت برای سعادت اقتصادی خود مسئولیت مشترک دارند، پیامد طبیعی این میهن دوستی رو به رشد بود. این نوع اقتصاد سیاسی میهنی هنوز در مناطق مختلفی از دنیا یافت می‌شود. به عنوان مثال بسیاری از کارگزاران ملل در حال توسعه، فرآیندهای توسعه و ملت‌سازی را یکی از عوامل پیشرو بودن ملل صنعتی غربی در نظر می‌گیرند و اغلب انتظار دارند که دولت صنایع وطنی را توسعه دهد و در مقابل صنایع توانمند غرب و سیاست‌های حمایت‌گرایانه دولت‌های غربی از صنایع نوپا حمایت کند در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تمایل آکادمیک غالب مقایسه موفقیت اقتصادی ژاپن و برخی دیگر از کشورهای تازه صنعتی شده با موفقیت‌های اقتصادی آمریکا و سایر کشورهای صنعتی بود.

راز ژاپنی‌ها در این حقیقت یافت می‌شود که آنها آرزوی جهانی بشر را برای بنا کردن، متعلق به یک امپراطوری بودن، غلبه بر امپراطوری‌های همسایه و تبدیل شدن به قدرت اقتصادی جهانی برآورده کردند. حمایت از صنایع داخلی به همراه جاه طلبی جلو بودن از دیگران و به دست آوردن امنیت بیشتر در این جهان غیرقابل پیش‌بینی، برخی از انگیزه‌هایی هستند که حتی امروزه مرکانتالیسم را به پیش می‌برد.

◆پیشرفت تکنولوژی

اگر چه اهداف ناسیونالیسم اقتصادی ایجاد توان اقتصادی داخلی به منظور کسب امنیت و استقلال به نظر می‌رسد که نسبتاً آزر و خوش سرشت است اما پیشرفت در تکنولوژی، مبادلات و حمل و نقل سرانجام تأثیرات این سیاست‌ها را به طور کلی تغییر داد. در پایان قرن نوزدهم، توانایی یک ملت برای تولید کالاهای صنعتی اغلب بسیار بیشتر از توان بازارهای داخلی برای جذب این تولیدات بود. لذا تمرکز ناسیونالیسم از توسعه توان تولید داخلی به پیدا کردن بازارهایی برای این کالاها منحرف شد. کلید امنیت از اقتصاد داخلی قوی به امپراطوری اقتصادی قدرتمندی که قادر به تأمین منابع کمیاب برای اقتصاد داخلی خود و فروش تولیدات صنایع ملی باشد، تغییر کرد. به طور خلاصه، ناسیونالیسم اقتصادی به شکل‌گیری امپریالیسم در عرصه خارجی کمک کرد. هنگامی که بسیاری از ملل مختلف سیاست‌های مشابهی را آغاز کردند، در مرحله اول صنایع داخلی را توسعه دادند و سپس این محصولات را به بازارهای خارجی انتقال دادند، تضاد بین منافع ملی آنها اجتناب ناپذیر شد. می‌توان استدلال کرد که ریشه جنگ‌های جهانی اول و دوم به میزان معینی به رقابت‌های بین‌المللی منتج از ناسیونالیسم اقتصادی برمی‌گشت.

کشور حمایت کرد (به منظور موازنه با یارانه‌هایی که سایر دول خارجی به کالاهای خود می‌دادند. او همچنین با بی‌میلی استفاده از تعرفه‌ها را به منظور محدود کردن واردات خواستار شد.

واضح است که ملت‌های مشخصی بر صادرات کالاهای خاصی یارانه می‌دهند به این منظور که کارگران خود را قادر به ارزاتر فروختن محصولات خویش نمایند و از این طریق جایگزین سایر رقبا در کشورهایی گردند که این کالا به آنها ارسال می‌شود، لذا کارپذیر این یک محصول جدید نه تنها باید به عدم مزیت‌های طبیعی محصول جدید غلبه نمایند بلکه باید بر پاداش‌ها و تسهیلاتی که دولت‌های دیگر به محصولات و صنایع خود می‌دهند نیز چیره گردند. واضح است که دخالت و کمکی حکومت‌ها برای موفق بودن در این عرصه حیاتی می‌باشد (هامیلتون، ۱۹۹۱)

فردریک لیست، صاحب‌نظر اقتصاد سیاسی در قرن نوزدهم آلمان - حتی پیش از این هوادار ناسیونالیسم اقتصادی بود. فردریک لیست که به خاطر سیاست‌های تجاری آزاداندیشانه رادیکال خویش از آلمان تبعید شده بود به آمریکا آمد و نتایج سیاست‌های ناسیونالیستی اقتصادی‌ها میلیون‌ها ملاحظه کرد. لیست تأمل کرد که در اینجا ملتی وجود دارد که امنیت و استقلال خود را به دستاورده است. در ۱۸۴۰ میلادی، لیست به این نتیجه رسید که اقدام دولت به منظور توسعه توان مؤثر در آموزش، تکنولوژی و صنایع ضروری است. مطابق اندیشه‌های فردریک لیست، توان تولید از ثروت با اهمیت‌تر است (لیست، ۱۹۶۶: ۱۴۴). او همچنین دلایل زیادی ارائه کرد که چرا صنعت و نه کشاورزی بنیاد ثروت و قدرت ملی است. استدلال لیست که صنعت مهارت‌های انسانی و فرصت‌های بیشتری را ایجاد می‌کند حتی امروزه نیز مردم‌پسند اگر ما به مشاغل کارخانه‌ای (مرتبط با فرآوری) به عنوان یک کل نظری بیندازیم به سرعت درمی‌یابیم که این مشاغل در مقایسه با کشاورزی به طور قیاس‌ناپذیری، مجموعه گسترده تر و گونه‌های بالاتری از ویژگی‌ها و توانایی‌های فکری را توسعه می‌دهند. مصنوعات درحالی‌که فرزندان علم و هنر می‌باشند حامیان آن نیز هستند، (همان، ۲۰۰-۱۹۹) نوشته‌های هامیلتون و لیست در چارچوب یک ناسیونالیسم اقتصادی میهن دوستانه جای می‌گیرد به این دلیل که هر دوی آنها از سیاست‌های دولت که موجب افزایش منافع ملی از طریق تسهیل صنعتی کردن اقتصاد می‌شود، حمایت کردند. دیدگاه‌های آنان، ایده‌های پراهمیتی چون منافع ملی، نقش مثبت دولت در اقتصاد و فداکاری برای تحصیل سود اقتصادی در آینده را به هم پیوند می‌زند. بسیاری از افراد این عناصر را عوامل کلیدی در فرمول کلاسیک ملت‌سازی می‌دانند، رابرت ریش به درستی می‌نویسد که این

به آمریکا و هلند تحریم کرد. علاوه بر این ارسال نفت به سایر نقاط جهان را نیز به میزان ۲۵ درصد کاهش داد. این وقایع به افزایش شدید قیمت نفت انجامید، افزایش قیمت نفت و انتقال میزان زیادی ارز به کشورهای نفتی از نظر اقتصادی غرب را تضعیف کرد درحالیکه اوپک را تبدیل به یک قدرت اقتصادی سیاسی کرد که باید جدی گرفته شود. وابستگی غرب به واردات نفت و به طور خاص به اوپک، مسأله امنیت اقتصادی را تبدیل به یکی از موضوعات مهم در کشورهای واردکننده نفت در سرتاسر جهان کرد. در این زمان رئیس جمهور آمریکا - کارتر - تا آنجا پیش رفت که بیان داشت تلاش در راستای غلبه بر وابستگی به نفت، معادل اخلاقی جنگ است. ره آورد این وقایع یک تلاش جدی توسط بسیاری از کشورهای صنعتی برای کاهش وابستگی به واردات نفت به منظور افزایش امنیت اقتصادی بود. ایالات متحده برنامه توسعه ذخایر نفتی استراتژیکی را بنیان نهاد و حوزه نفتی North slope را در آلاسکا توسعه داد. سیاست‌های ملی دیگری مانند کاهش مالیات برای مردمی که انرژی خانگی کمتری مصرف می‌کنند و حد مجاز سرعت ۵۵ مایل در ساعت اتخاذ شد؛ همچنین بودجه‌های دولتی برای گسترش منابع انرژی جایگزین اختصاص یافت. کنگره حتی در مورد میزان مصرف بنزین در هر مایل بر کارخانجات اتومبیل‌سازی تحمیل کرد. به این منظور که آنها را وادارند تا ماشین‌هایی با کارآمدی سوختی بالاتر تولید کنند. در مجموع این که شما چه ماشینی را می‌دانید؟ چگونه می‌رانید؟ سوختی که ماشین سواری یا باری شما مصرف می‌نماید از کجا تامین می‌شود؟ همه و همه توسط سیاست‌های تئومر کانتالیستی بعد از ۱۹۷۰ میلادی و به منظور کاهش وابستگی اقتصادی به واردات نفت تعیین شده‌اند و وابستگی متقابل اقتصادی بین‌المللی همچنین در رابطه با سایر منابع طبیعی و مواد خام که به میزان زیادی مورد تقاضای ملل صنعتی است و معمولاً منابع استراتژیک نامیده می‌شوند مانند آلیاژهای خاص و مواد معدنی مورد استفاده در تولیدات هواپیما و با اورانیوم مورد استفاده در سلاح‌های اتمی نیز به کار می‌رود. هم واقع‌گرایان و هم تئومر کانتالیست‌ها به این مسأله باور دارند که وابستگی به تأمین کنندگان خارجی در مورد منابع استراتژیک یک خطر امنیتی غیرقابل قبول است. واقع‌گرایان و تئومر کانتالیست‌ها همچنین بر این باورند که وابستگی متقابل همیشگی میان دولت‌ها متقارن و یکسان نیست. تأمین کنندگان نفت و سایر منابع و کالاهای مورد نیاز، ظرفیت تولیدی خود و

وابستگی حاصله سایر دولت‌ها را امری مثبت تلقی می‌کند که قدرت و امنیت آنها را افزایش می‌دهد. در بسیاری از موارد، قیمت نسبتاً بالای نفت توأم با تهدیدات تولیدکنندگان مبنی بر قطع صدور، وابستگی به منابع و همچنین آسیب‌پذیری در مقابل تولیدکنندگان این منابع را مترادف با تهدید امنیت ملی برای کشورهای واردکننده کرده است. در واقع تنها خودکفایی کامل یک ملت را از نظر اقتصادی و سیاسی ایمن می‌سازد. با این حال در جهان واقعی دولت‌ها تلاش می‌کنند که وابستگی خود را به دیگران کاهش دهند و به طور همزمان سعی می‌کنند شرایطی را که موجب وابستگی دیگران به آنها می‌شود را تقویت کنند. بسیاری از دولت‌ها خود را در میان تعهدات بین‌المللی مبنی بر گسترش و حمایت از تجارت آزاد و بازارهای آزاد در مقابل آمال ملی خود مبنی بر کسب استقلال و امنیت اقتصادی سردرگم می‌یابند. همراه با این معضل یک مجموعه‌ای از تکنیک‌های حمایتی جدید تئومر کانتالیستی از ۱۹۷۰ میلادی به بعد ظهور یافت. بسیاری از این سیاست‌ها به طور قانونی برای حمایت از صنایع ملی طراحی شده‌اند و تحت پوشش موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی قرار نمی‌گیرند، درحالیکه بقیه سیاست‌ها طوری طراحی شده‌اند که بار مفهومی منفی حمایت تجاری را به همراه ندارند ولی عملاً و به زیرکی همان هدف را دنبال می‌کنند.

♦ سیاست‌های جدید حمایت‌گرایی

بسیاری از این سیاست‌ها به منظور مقابله کردن با سیاست‌های حمایتی اتخاذ شده توسط دول دیگر به کار می‌روند. برخی از دولت‌ها سیاست یارانه دادن به صادرات را دنبال می‌کنند. به این دلیل که کالاهای خود را به قیمت پایین‌تری برسانند و از این طریق آنها را برای واردکنندگان جذاب‌تر سازند. ایالات متحده به طور معمول به صادرات کشاورزی

خود یارانه می‌داد و ادعا می‌کرد که این عمل را به منظور مقابله با اتحادیه اروپا انجام می‌دهد. همچنین مجموعه‌ای از روش‌ها برای محدود کردن واردات به کشور توسعه یافتند. درحالیکه مذاکرات چند جنبه‌گات بعد از جنگ جهانی دوم به طور موفقیت آمیزی اعمال تعرفه‌های وارداتی (به عنوان مثال مالیات بر واردات) بر تولیدات صنعتی را کاهش داد، بسیاری از ملل از سهمیه‌های وارداتی به منظور هدایت مشتریان به عدم خرید کالاهای وارداتی استفاده کردند. این سهمیه‌ها مشخص می‌کرد که چه میزانی از یک محصول خاص در این محل می‌تواند فروخته شود. ایالات متحده هنوز از سهمیه‌های وارداتی به منظور محدود کردن میزان شکری که مصرف کنندگان کشور از خارج می‌خرند استفاده می‌کند. این اقدام به تولیدکنندگان داخلی در مقابل تولیدکنندگان خارجی شکر یاری می‌رساند.

روش دیگری برای محدود کردن واردات از خارج، محدودیت صادرات داوطلبانه با موافقتنامه صادرات داوطلبانه است. این سیاست به موافقتنامه‌ای بین صادرکننده و واردکننده اشاره می‌کند که بر اساس آن صادرکننده به طور دلخواه فروش محصولات خود را در کشور واردکننده محدود می‌کند. صادرکنندگان خود را مجبور به تبعیت از درخواست واردکنندگان احساس می‌کنند. از ترس این که واردکننده ممکن است شکل پرهزینه‌تری از حمایت از محصولات خودی را تحمیل کند. موانع وارداتی پیشرفته‌تر شامل ردیفی از موانع غیرتعرفه‌ای هستند. به عنوان مثال مجموعه‌ای از مقررات حکومتی پیچیده مرتبط با سلامت و استانداردهای بهداشتی، الزامات برچسب و گواهینامه و الزامات محتویات داخلی که فروش با توزیع کالاهای وارداتی را مسدود و یا مختل می‌کند. هنوز اقدامات دیگری وجود دارد که دولت‌ها به طور معمول تری برای یاری رساندن به صنایع خاص انجام داده‌اند. از جمله وام، برنامه‌های توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای، توسعه سرمایه‌گذاری و حتی مالکیت مستقیم همگان در برخی صنایع مشخص. بسیاری از حکومت‌ها در بازاریابی محصولات شرکت‌های خود در خارج از کشور به آنها کمک می‌کنند. سفارتخانه‌های کشورهای توسعه‌یافته به طور معمول افرادی را استخدام می‌کنند که مسئولیت آنها واری شرایط اقتصادی سیاسی کشور فوق و ارزیابی تأثیر بالقوه این شرایط بر تجارت کشور متبوع است. دقیقاً همان طور که در سالیان قبل آنها چگونگی آرایش نظامی و استقرار نیروها را مورد توجه قرار می‌دادند.



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

برگزیت به سبک اسپانیایی

تجزیه‌طلبی در کشورهای اروپایی تاریخ طولانی دارد. به‌ویژه زمانی که مناطق خودمختار و تجزیه‌طلب دارای منافع اقتصادی و ثروت‌های سرشار اقتصادی باشند. با این حال داستان استقلال کاتلان‌ها از اسپانیا، تنها به عوامل سیاسی و اقتصادی گره نمی‌خورد بلکه بخشی از تحلیل‌های مورد توجه برای خودمختاری و استقلال آنها به یک مسابقه ورزشی پربیننده یعنی رقابت تیم‌های فوتبال رئال مادرید و بارسلونا بازمی‌گردد. این مسابقه ورزشی آنچنان نزد عموم ورزش‌دوستان جهان، حائز اهمیت است که حتی بر سر بزن‌گاه‌های مهمی نظیر اعلام خودمختاری کاتلان‌ها سایه می‌اندازد. هرچند منافع اقتصادی هنگفتی نیز در این دیدارها از آن طرفین دعوی می‌شود. به طور مثال مطابق با آمار اعلام شده توسط فیفا مسابقه رئال مادرید و بارسلونا که به ایر کلاسیکو مشهور است، حدود یک میلیارد بیننده داشته است. این موضوع گویای رقم هنگفت فروش این بازی در تلویزیون‌های بین‌المللی است. از سوی دیگر جدایی طلبی کاتلان‌ها ریشه‌های اقتصادی زیادی دارد. نظیر پرداختی‌های حکومت خودمختار به دولت مرکزی و نرخ‌های مالیاتی است. این موضوع دامنه کینه کاتلان‌ها نسبت به اسپانیایی‌ها را شدت می‌بخشد. گذرگاه‌ها و بنادر مهمی نیز که در این ایالات تاسیس وجود دارد، دولت وابستگی دولت مرکزی اسپانیا به کاتلان‌ها را بیشتر کرده است. تمایلات استقلال طلبی در کاتالونیای اسپانیا پس از برگزاری همه‌پرسی استقلال اسکاتلند از بریتانیا در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴ آغاز شد. همه‌پرسی استقلال کاتالانیا دومین نمونه عینی از موج استقلال‌خواهی در اروپا بود که نزدیک بود همچون دومینویی سایر گسل‌های جدایی طلبی در اروپا و سایر نقاط جهان را تحریک و تهییج کند. گرچه برگزاری همه‌پرسی استقلال کاتالونیا در اسپانیا، تقریباً همزمان با همه‌پرسی استقلال اسکاتلند از بریتانیا مطرح و از موضوعیت خاص برخوردار شد، اما این همه‌پرسی دارای تفاوت‌هایی با نمونه انگلیسی آن بود. برخلاف اسکاتلند، که برای برگزاری همه‌پرسی میان ادینبورگ و لندن مذاکراتی صورت گرفت، در موضوع کاتالونیا به دلیل وجود اختلافات اساسی میان بارسلونا و مادرید، امکان مذاکرات میان مسئولان وجود نداشت و همین موضوع بر پیچیدگی‌های موجود در داخل جامعه کاتالونیا افزود. به هر ترتیب، آنچه در اسکاتلند

اتفاق افتاده برگزاری همه‌پرسی پس از تایید دولت انگلیس و موافقت آن بود، اما مقامات اسپانیا پس از اعلام تاریخ همه‌پرسی از طرف رئیس منطقه کاتالونیا، صراحتاً با آن مخالفت و هرگونه همه‌پرسی را غیرقانونی خواندند. از این منظره هر نتیجه جدایی در همه‌پرسی استقلال کاتالونیا، اگرچه دارای پیامدها و بازتاب‌های خاص خود و به گفته رهبر کاتالونیا معرف خواست دموکراتیک اکثریت شهروندان این ایالت بود اما از آنجا که فاقد ضمانت اجرایی و الزام قانونی بود، به معنای جنایی این منطقه از اسپانیا نبود. در حقیقت بعد از اینکه دادگاه قانونی اساسی اسپانیا همه‌پرسی را غیرقانونی خواند، آنچه در کاتالونیا انجام شد بیشتر یک افکارسنجی برای نشان دادن و علنی کردن خواست و اراده عمومی کاتلان‌ها برای به رسمیت شناختن همه‌پرسی در آینده بود. شاید مخالفت صریح دولت اسپانیا با درخواست کاتلان‌ها برای همه‌پرسی رسمی، ناشی از اطمینان ماتادورها از رای مثبت مردم کاتالونیا به استقلال از اسپانیا و عدم توانایی دولت در به کارگیری ترفندهای مختلف برای تغییر دیدگاه مردم این منطقه مشابه آنچه انگلیسی‌ها انجام داده بودند بود.

از این رو، نخست‌وزیر اسپانیا پس از مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی در اسکاتلند در یک موضع‌گیری رسمی، به مردم اسکاتلند به دلیل نتایج همه‌پرسی استقلال و بخاطر احترام دقیق به قانون، که مانع از پیامدهای وخیم استقلال منطقه شده تبریک گفت: «اسکاتلندی‌ها در روز گذشته بین تفکیک و یکپارچگی، میان انزوا و گشایش، بین ثبات و سردرگمی و بین امنیت و خطر حتمی، مطلوب‌ترین گزینه برای همه‌را که اسکاتلند همچنان بخشی از انگلیس باشد انتخاب کردند و بدین وسیله به عظمت انسجام و توسعه انگلیس کمک کردند»

تصریح نخست‌وزیر بر احترام دقیق قانون به این واقعیت بازمی‌گردد که مقامات کاتالان تاکید کرده بودند که همه‌پرسی را در آبان ۱۳۹۳ برگزار خواهند کرد؛ درحالی‌که دولت اسپانیا با توجه به پیش‌بینی احتمالی از نتیجه همه‌پرسی از موافقت با آن پرهیز کرد

تقسیمات کشوری اسپانیا و استعداد جدایی طلبی پس از مرگ فرانکو در نوامبر ۱۹۷۵ و با تصویب قانون اساسی جدید اسپانیا در ۱۹۷۸، حکومت با ایجاد یک سازماندهی درونی بر پایه ایجاد بخش‌های خودمختار قدرت بیشتری به مناطق و



استان‌ها اعطا کرد. با این حال، همین قانون اساسی، اسپانیا را صراحتاً کشوری متحد و غیرقابل تقسیم می‌داند. همچنین، طبق قانون اساسی اسپانیا، هیچ دینی در این کشور رسمی نیست و همه مردم در اعمال و باورهای دینی خود از انتقال به این ترتیب اسپانیا یکی از تمرکززدایی‌شده‌ترین کشورهای اروپایی است. تمام بخش‌های خودمختار در اسپانیا دارای مجلس منتخب مستقل، دولت و ادارات دولتی مستقل، بودجه مستقل، نظام آموزشی و بهداشتی مستقل‌اند.

افزون بر این، بانک‌ها دارای نظام مالی مستقل خود بوده و در بخش‌های خودمختار کاتالونیا و باسک نیروی پلیس محلی جانشین پلیس ملی شده است. بنابراین، همچنان که از اختیارات ویژه در ایالت باسک و کاتالونیا مشهود است، تمایلات استقلال‌طلبی نیز بیش از همه در اسپانیا مربوط به این دو ایالت است. جدایی‌طلبی باسکی‌ها در ایللیا از جدی‌ترین معضلات جدایی‌طلبی به‌شمار می‌رود که در فرآیند تمایلات استقلال‌طلبانه خود به انواع شیوه‌ها و از جمله شیوه‌های چریکی و مسلحانه روی آورده است. در اسپانیا حدود ۲ میلیون باسکی وجود دارد که در سه استان منطقه‌ای موسوم به ایالت باسک ساکن هستند. در حالیکه سیاست به کار گرفته شده فرانسیسکو فرانکو، نگارش کتاب، روزنامه و آموزش به زبان کوسکارا و همچنین نام‌گذاری کودکان با نام‌های باسکی و برافراشتن پرچم باسک‌ها را ممنوع کرده بود، پس از فرانکو روند شکل‌گیری رویاهای دموکراتیک در اسپانیا این منطقه از حقوق و قوانینی متفاوت نسبت به سایر مناطق اسپانیا برخوردار شد و سطح زندگی مردم آن از متوسط زندگی در اسپانیا بالاتر است.

همچنین، زبان مورد استفاده در این منطقه زبان رسمی و متعلق به ایالت باسک است. با این حال، طرفداران جنایی باسک از اسپانیا و پیوستن این منطقه به ایالت ماسک فرانسه مالیاتی مهم‌تر از اینها را نیز مطرح کرده‌اند. به هر ترتیب، علی‌رغم اعطای خودمختاری برای آرام کردن مبارزان و جدایی‌طلبان باسک‌ها، گرایش‌های جدایی‌طلبی و فعالیت‌های سازمان آنها متوقف شد و در جریان مبارزات جدایی‌طلبانه این ایالت بیش از نهمصد نفر کشته شده‌اند. سرزمین باسک یکی از بخش‌های عمده خودمختار کشور اسپانیا است که در شمال این کشور و جنوب غربی فرانسه قرار دارد. مردم این سرزمین با هجوم اقوام و ملت‌های دیگر مختلط شد، اما به‌طور کلی با آنها ادغام نشدند و همیشه کوشش کردند خود را مستقل و تا حدی آزاد نگه دارند. جدایی‌طلبان باسک خواستار رد

هرگونه ارتباط با دولت اسپانیا بودند و از اواخر دهه ۱۹۶۰ برای آزادی با دولت مرکزی اسپانیا مبارزه می‌کنند. این گروه از طرف اتحادیه اروپا، آمریکا و سازمان ملل به عنوان یک گروه تروریستی یاد شده است. با وجود این، از آنجا که مسأله همه‌پرسی سال ۲۰۱۴ در ایالت کاتالونیا صورت پذیرفت.

♦ کاتالونیا و ریشه‌های استقلال طلبی

کاتالونیا بخشی خودمختار در شمال شرقی کشور اسپانیا است. این منطقه از نظر مالی و بانکی و امور بندری مهم‌ترین بخش خودمختار اسپانیا به‌شمار می‌رود و نزدیک ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی اسپانیا در کاتالونیا انجام می‌شود. یکی از خواسته‌های دولت کاتالونیا در سال‌های اخیر پرداخت سهم کمتری از مالیات‌هایی که از مردم این ایالت اخذ می‌شود به دولت مرکزی و تعیین سقف مالیات‌ها توسط دولت محلی بوده است. آنها معتقدند تعهدات مالی این ایالت به دولت مرکزی باعث شده است کاتالونیا به رغم توان اقتصادی بالای خود به مقروض‌ترین ایالت اسپانیا بدل شود و نزدیک ۴۲ میلیارد یورو بدهی داشته باشد. گرایش‌های جنایی خواهانه در کاتالان که در دهه‌های گذشته در اقلیت بود، در سال‌های اخیر و پیش از همه در نتیجه بحران‌های مالی و اقتصادی اروپا و اسپانیا قدرت بیشتری گرفته‌اند. جنایی خواهان کاتالونیا

و شماری از اقتصاددانان معتقدند جدایی این ایالت از دولت مرکزی به سود آن خواهد بود چرا که ۲۷ درصد صادرات اسپانیا از این منطقه است و ۲۵ درصد توریست‌های اسپانیا نیز مقصدشان کاتالونیا است. همچنین، سهمی که کاتالونیا از دولت مرکزی می‌گیرد، ۱۵ میلیارد یورو کمتر از سهمی است که کاتالونیا به خزانه مرکزی می‌پردازد. در حالیکه بعضی کارشناسان اقتصادی دیگر معتقدند کاتالونیا مستقل، از لحاظ اقتصادی، توان ادامه حیات ندارد به‌ویژه اگر به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته نشود و صادراتش به اسپانیا نیز قطع شود.

بعضی از کاتالان‌ها از ملی‌گرایی کاتالانی و استقلال‌طلبی کاتالانی در اسپانیا و فرانسه حمایت می‌کنند که تعداد آنها در فرانسه از اسپانیا کمتر است. بیشتر کاتالان‌ها در اسپانیا زندگی می‌کنند و تعدادشان بیش از ۷ میلیون است. حداقل ۱۰۰ هزار کاتالان زبان در فرانسه زندگی می‌کنند و بیش از ۳۱ هزار در اندورا و ۲۰ هزار نفر در ایتالیا هستند. علاوه بر این، تعداد نامعلومی از آنها در زمان قدرتمندی امپراتوری اسپانیا به قاره آمریکا رفتند و کلونی‌های مهمی در شیلی، گویا پورتوریکو، جمهوری دومینیکن و عموماً در آمریکای لاتین ایجاد کردند. جنبش ناسیونالیسم کاتالونیا که خواستار به رسمیت شناخته شدن شخصیت سیاسی کاتالونیا با منطقه کاتالونیزیان است، در



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

دوران رمانیسم در اواسط قرن نوزدهم میلادی متولد شد و همراه با جنبش ناسیونالیسم باسک، از مردمی‌ترین جنبش‌های مقاومت در برابر گرایشات سانترالیسم و همگون‌سازی دولت مدرن اسپانیاست. نکته حائز اهمیت اینکه، ناسیونالیسم کاتالونیا نه بر مبنای قومیت بلکه براساس زبان فرهنگی تاریخ و سرزمین استوار است و از نظر سنتی عمیقاً از مذهب کاتولیک تأثیر پذیرفته است.

اگرچه این منطقه در دوره‌هایی از تاریخ گذشته توانسته بود به خودمختاری دست یابد اما در دوران جنگ داخلی اسپانیا از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ خودمختاری کاتالونیا اعلام شد و بعد از جنگ و با به قدرت رسیدن ژنرال فرانکو که حکومتی فاشیستی به وجود آمد، عملاً کاتالونیا بار دیگر خودمختاری خود را از دست داد و تبدیل به مستعمره حکومت فرانکو شد. رشد ناسیونالیسم کاتالونی در دهه ۱۹۷۰ فعالیت‌های علنی خود را از سر گرفتند. نظام شبه فدرال اسپانیا در ۱۹۷۸، امتیازی بود که در ازای مشارکت ناسیونالیست‌های کاتالونیا و باسکه در کنار به دموکراسی به آنها داده شده است. کاتالونیا در ۱۹۷۹، به جایگاه تازه‌ای دست یافت.

خوردی پوخول، بنیانگذار و رهبر حزب ناسیونالیست معتدل اسم‌گرای دموکراتیک کاتالونیا در همه انتخابات مستقلی که پس از ۱۹۸۰ مه برگزار شد به پیروزی دست

یافت. این حزب خواستار این بود که اسپانیا، کاتالونیا را به عنوان یک ملت به رسمیت بشناسند. یکی دیگر از پیشنهادهای این حزب، این بود که اتحادیه اروپا باید تنوع فرهنگی خود را محترم بشمارد و با پرهیز از اشتباهات تاریخی ملت‌سازی، پایه‌های خود را براساس این تنوع فرهنگی بسازد. سرانجام، ایالت کاتالونیا طی رفراندوم ۲۰۰۸ با رأی ۷۵ درصد از مردم اسپانیایه خودمختاری بیشتری دست یافت. با وجود این، کسب این امتیاز مهم به معنای افول عطش استقلال خواهی و جدایی طلبی نبود. رشیر کاتالونیا بعد از پیروزی هواداران استقلال در انتخابات ۲۰۱۲ تلاش برای برگزاری رفراندوم را آغاز کرد. در ۱۹ سپتامبر پارلمان محلی کاتالونیا با نتیجه آرای ۱۰۶ موافق در برابر ۲۸ مخالف مجوز برگزاری همه‌پرسی استقلال را مشابه آنچه در اسکاتلند برگزار شد، صادر و رئیس منطقه کاتالونیا با امضای مصوبه پارلمان محلی رسماً اعلام کرد که همه‌پرسی استقلال این منطقه از اسپانیا در ۹ نوامبر (۱۸ آبان) برگزار خواهد شد براساس آمارهای دولت منطقه‌ای کاتالان، بیش از ۸۰ درصد رای دهندگان به جدایی کامل کاتالونیا رای مثبت دادند؛ درحالی‌که مقامات دولت مرکزی اسپانیا همچنان که پیش از برگزاری همه‌پرسی، آن را غیرقانونی اعلام کرده بودند، پس از انتخابات نیز نسبت به نتایج آن موضع گیری و با غیرقانونی خواندن این انتخابات آن را بی اعتبار دانست.

سانتاماریا، معاون نخست‌وزیر اسپانیا، در اظهاراتی درباره انتخابات اخیر کاتالونیا، آن را یک شکست نامید و جدایی این منطقه از اسپانیا را غیرممکن خواند. وی در این باره گفته نه تنها این دولت بلکه هیچ جزیی جدایی کاتالونیا را نمی‌پذیرد و دولت هیچ گفتگویی در رابطه با برگزاری یک رفراندوم برای استقلال کاتالونیا انجام نخواهد داد. علی‌رغم همه بحث‌های صورت گرفته در خصوص ریشه‌های تاریخی استقلال خواهی و مؤلفه‌های دگرساز هویتی در کاتالونی آنچه به همه‌پرسی استقلال در کاتالونیا فراتر از سطح ملی و منطقه‌ای و موضوعات سیاسی و اقتصادی مترتب بر آن بازتاب بین‌المللی بخشیده: موضوع آل کلاسیکو و تیم فوتبال بارسلونا به عنوان یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین تیم‌های فوتبال جهان است. از این منظر، شاید بتوان گفت که این محبوبیت به عنوان مانعی جدی برای کاتالان‌ها از یکسو و اهرمی مناسب برای ماتادورها در کاهش شدت تمایلات استقلال طلبی عمل می‌کند.

مروری بر شبکه‌های مجازی نشان می‌دهد که بیشتر مردم جهان با استقلال کاتالونیا مخالف‌اند و این مخالفت نه به واسطه تأیید یا رد خواست مردم کاتالان برای استقلال، بلکه ریشه در نامیدی آنان از کنار گذاشتن بارسلونا از آل کلاسیکو در صورت جدایی از اسپانیا دارد. درحالی‌که کاتالان‌ها خاطره‌ای تلخ از قتل چند ستاره بارسای در دوران حکومت فرانکو داشته‌اند و این خود یکی از اصلی‌ترین عوامل هیجان بارسای‌ها در دیدارهای میان رئال مادرید و بارسلونا محسوب می‌شود. محبوبیت بارسلونا در افکار عمومی جهان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های دولت اسپانیا در به کارگیری عملیات روانی و تبلیغی در ایجاد فضاسازی علیه استقلال طلبان کاتالونیایی محسوب می‌شود

با توجه به آنچه که ذکر شده می‌توان تصریح کرد که جدایی طلبی کاتالونیا از جمله نادرترین تمایلات استقلال طلبانه در سطح جهان است که تقریباً از هیچ حمایت و پشتیبانی در سطح افکار عمومی جهان برخوردار نیست. از این منظر، به نتایجی مانند اینکه تا زمانی که بارسلونا در آل کلاسیکو می‌درخشد، استقلال کاتالونیا برای کاتالان‌ها مقرون به صرفه نیست. به همین دلیل است که کاتالان‌ها در مقابل مقاومت دولت مرکزی در مخالفت با درخواست همه‌پرسی و به رسمیت شناختن نتایج آن برای استقلال خواهی، فراتر از اعتراضات مقطعی خیابانی واکنش خاصی انجام نمی‌دهند. به عبارت دیگر، علی‌رغم اختلافات اساسی میان کاتالان‌ها و اسپانیایی‌ها، فشارهای استقلال طلبی بیش از همه معطوف به امتیازگیری بیشتر است. از سویی دیگر، دولت مرکزی نیز با بهره‌گیری هوشمندانه از آل کلاسیکو عملاً کاتالان‌ها را در فضای مبهم برای تصمیم‌سازی جمعی میان دو گزینه استقلال از اسپانیا به واسطه مؤلفه‌های هویتی و در مقابل، جدا نشدن از اسپانیا با فرض حضور در آل کلاسیکو مدیریت می‌کند. علاوه بر این، تا زمانی که دولت اسپانیا، همه‌پرسی استقلال کاتالونیا را قانونی نداند، تحقق عینی استقلال کاتالونیا حداقل در سال آینده و سال‌های نزدیک که دور از ذهن است - نکته مهم دیگری که مشابه مورد اسکاتلند حائز اهمیت است، وضعیت مناسب اقتصادی کاتالان‌ها به نسبت بسیاری دیگر از مناطق خودمختار اسپانیاست. بر این اساس، استقلال طلبی کاتالان‌ها نیز نظیر اسکاتلندی‌ها، متأثر از برخورداری بیشتر آنها از شاخص‌های اقتصادی است و نه محرومیت‌های تبعیض آمیز مورد تأکید در بسیاری از نظریه‌های محل تجزیه طلبی.



سه سناریو برای حفظ روابط تجاری

گاردین | پس از خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، مهم‌ترین سوال به نحوه رابطه تجاری این کشور با دیگر کشورهای اروپایی بازمی‌گردد. هم اکنون سه مدل پیشنهادی برای جایگزینی روابط تجاری وجود دارد اما هنوز هیچ‌یک از مقامات دولت انگلیس، اشاره‌ای به آن نکرده‌اند که کدامیک را برای آینده تجاری خود برگزیده‌اند.

♦ مدل نروژ: پیوستن به EEA

اولین گزینه برای انگلیس برای پیوستن به نروژ، ایسلند و لیختن اشتاین در منطقه اقتصادی اروپا (EEA) است که دسترسی به بازار همه کشورهای اتحادیه اروپا را برای بیشتر کالاها و خدمات فراهم می‌کند (کشاورزی و شیلات حذف می‌شوند). در عین حال EEA خارج از اتحادیه گمرکی است، بنابراین بریتانیا می‌تواند با کشورهای غیر اتحادیه اروپا وارد تجارت شود. با این حال، این قرارداد تقریباً به نفع برنده است. در این قرارداد انگلیس محدود به اجرای برخی از قوانین اتحادیه اروپا است، این در حالیکه توانایی خود را در نفوذ به تغییر یا اصلاح این قوانین از طریق شورای و پارلمان اروپا را از دست می‌دهد چراکه دیگر حق رای برای این اقدام ندارد. در سپتامبر ۲۰۱۷ می‌این موضوع را «عدم کنترل دموکراتیک» غیرقابل قبول نامید. دیوید دیویس در پاسخ به سوالاتی که در اتاق بازرگانی ایالات متحده در واشنگتن، روبرو شد، اذعان کرد که به مدل نروژی علاقمند است. «این چیزی است که ما در مورد آن فکر قبلاً بسیار اندیشیده‌ایم، اما آن را در بالای لیست خود قرار نداده‌ایم.» او به طور خاص به اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA) اشاره کرد که مانند EEA به دسترسی به بازارها تکیه می‌کند، اما اتحادیه گمرکی نیست. EFTA یک سازمان بزرگ متشکل از پیمان قراردادهای تجاری کشورها بود، اما بعدها بیشتر اعضای آن به عضویت اتحادیه اروپا اقدام کردند. امروزه این پیمان شامل نروژ، ایسلند، لیختن اشتاین و سوئیس است. همه اما سوئیس نیز عضو اتحادیه اروپا هستند.

♦ مدل سوئیس، موافقتنامه‌های تجارت دوجانبه

روابط سوئیس با اتحادیه اروپا، که تقریباً حدود ۲۰ پیمان دوجانبه عمده اداره می‌شود، به طور

گسترده‌ای مشابه قرارداد EEA است. همراه با این، سوئیس عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا (EFTA) است. سوئیس به ایجاد اتحادیه اروپا کمک کرد اما مردم، آن را در فراتر از ۱۹۹۲ رد کردند. این کشور اجازه حرکت آزادانه مردم را می‌دهد و عضو ناحیه شنگن بدون گذرنامه است. این موضوع نشأت گرفته از بسیاری از قوانین بازار است، به طوری که بدون آنکه در ایجاد بازارهای جدید به قانون خاصی نیاز داشته باشد، با کمک آزادی حرکت مردم، این نیاز را فراهم می‌کند. این کشور خارج از اتحادیه گمرکی است و البته روابط تجاری خود را به مذاکره در مورد توافقنامه‌های تجارت آزاد با کشورهای تقلیل می‌دهد. همچنین در کنار کشورهای عضو EEA مذاکرات زیادی داشته است. سوئیس به بازار تک تک کالا (به استثنای کشاورزی) دسترسی دارد، اما خدمات (به استثنای بیمه) جزء این بازارها نیست. از این رو مقداری به بودجه اتحادیه اروپا پرداخت می‌کند. طرفداران برگزیت با وجود آنکه در تلاشند تا کنترل کشور خود را به دست بیاورند، بعید به نظر می‌رسد که با امتیازاتی که سوئیس در مورد مهاجرت، پرداخت بودجه و قوانین بازار یکسان پرداخته کرده به راحتی کنار بیایند.

اتحادیه اروپا احتمالاً نمی‌خواهد رابطه‌ای که بر اساس سوئیس طراحی شده باشد، قبول کند چراکه عضویت سوئیس در EFTA، اما نه در EEA، Schengen و اتحادیه اروپا، حاصلی از تاریخ پیچیده ادغام اروپا و -و یک فراتر از آنکه در آن زمان مجال بررسی دقیق نداشت.

♦ مدل کانادا: توافقنامه تجارت آزاد

گزینه سوم این است که مذاکره با توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا را در راستای توافق جامع اقتصادی و تجاری (CETA) است. به موجب این توافق که اتحادیه اروپا با کانادا مجدداً تصویب کرده، روابط دسترسی به بازارها بر اساس قوانین بازار آزاد رقم می‌خورد. اساسی‌ترین مشکل این روش این است که انگلیسی‌ها دو سال از شروع ماده ۵۰ برای مذاکره با چنین توافقی فرصت داشتند اما هیچ اقدامی برای دستیابی به آن نداشتند. برای نشان دادن این که چقدر زمان‌بندی دقیق است، مذاکرات CETA در سال ۲۰۰۹ آغاز شد و در سال ۲۰۱۴

به پایان رسید. سه سال بعد، یک اقلیت کوچک از ۲۸ پارلمان ملی اتحادیه اروپا این معاهده را تصویب کرده است. متقاعد کردن، زمان می‌خواهد و ممکن است سال‌ها طول بکشد. حتی قانونگذاران محلی نیز می‌توانند در توافق نقشی داشته باشند، مجلس منطقه‌ای والون که کمتر از ۴ میلیون بلژیکی به طور عمده فرانسه زبان فرانسه را به عهده دارد، به مدت چند روز در سال ۲۰۱۶، CETA را مسدود کرد. برای تمدید مهلت دو ساله برای خروج از اتحادیه اروپا، بریتانیا نیاز به تصویب همه‌جانبه‌ای از اتحادیه اروپا دارد. چندین سیاستمدار بریتانیایی، از جمله صدراعظم ارشد مالی فیلیپ هاموند، تأکید کرده‌اند که نیاز به یک توافق انتقالی چند ساله به طوری که بریتانیا بتواند مذاکره با اتحادیه اروپا و معاملات تجاری را به سرانجام برساند. در برخی موارد، مقایسه وضعیت بریتانیا با کانادا گمراه‌کننده است. کانادا در حال حاضر تجارت آزاد با ایالات متحده را از طریق NAFTA به دستاورده که این یعنی که معامله تجاری با اتحادیه اروپا مانند گذشته حائز اهمیت نیست. اقتصادهای کانادا و بریتانیا نیز بسیار متفاوت است: CETA شامل خدمات مالی نیست، در حالیکه این حوزه یکی از مهمترین کالاهای صادراتی بریتانیا به اتحادیه اروپا بوده است. در ماه سپتامبر ۲۰۱۷، فلورانس، می‌گوید که انگلیس و اتحادیه اروپا می‌توانند خیلی بهتر از توافقنامه تجاری CETA به امضا برسانند. از آنجایی که آنها از موقعیت بی سابقه‌ای برای به اشتراک گذاشتن یک مجموعه قوانین و مقررات استفاده می‌کنند، این مهم قابل اجرایی است. مونیک ابل، که پیش از این، موسس ملی تحقیقات اقتصادی و اجتماعی بود، تأکید می‌کند که حتی با توافق موقت، موانع غیر تعرفه احتمالاً به یک معافیت موقتی در تجارت بریتانیا با اتحادیه اروپا خواهد بود. خدمات جزء اصلی تجارت بین‌المللی بریتانیا هستند؛ البته این کشور از مازاد تجاری در این بخش را تأمین می‌کند، که برای واردات کالاها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. معاملات تجارت آزاد همچنین برای جلوگیری از موانع غیرتعرفه‌ای استفاده می‌شود. مسلمان بریتانیا و اتحادیه اروپا از یک طرح نظارتی یکپارچه شروع می‌کنند، اما به توافق رسیدن برای یک رابطه تجاری بلندمدت، هنوز درهاله‌ای ابهام قرار دارد.

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



معمای سلطه دلار و راز سقوط آن



مونا مشهدی رجبی
عضو هیأت تحریریه

دهه هفتاد میلادی آمریکا دست به مانور دیگری هم زد. نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا با عربستان توافق کرد که تمام معاملات نفتی خود را با همه کشورهای دلار آمریکا انجام دهد. پس از آن توافق، ابتدا دیگر کشورهای اوپک و سپس تولیدکنندگان فرآورده‌های اصلی و مواد خام (از قبیل محصولات کشاورزی، انواع سوخت و انرژی، فلزات قیمتی و صنعتی...) در سراسر جهان از این حرکت پیروی کردند. این تحول باعث شد که بانک‌های مرکزی کشورهای جهان که نیاز به خرید این اقلام داشتند ذخایر ارزی خود را به دلار نگه دارند. این آغاز حکومت دلار بر تجارت و بازارهای مالی جهان بود. آیا این سلطه پولی آمریکا روزی به پایان می‌رسد؟ برخی می‌گویند یک راه برای شکست دلار وجود دارد: چین، انگلستان، روسیه، آلمان فرانسه یک واحد پولی واحد تأسیس کنند و نظام‌های سیاسی خود را یکپارچه سازند. نوشته این پرونده به مساله سلطه دلار و چالش‌های دلار می‌پردازد.

را در دستور کار قرار داده‌اند. آمارهای دردسترس جهانی نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۷ نزدیک به دوسوم مجموع ذخیره ارزی کشورهای جهان (به‌طور دقیق ۶۳/۸ درصد) را دلار آمریکا تشکیل می‌دهد. از مجموع معاملات بر روی ارزهای خارجی (فارکس) در سطح دنیا، رقم خیره‌کننده ۸۸ درصد را دلار به خود اختصاص داده است (۲۰۱۶). همچنین بیش از نیمی از کل تجارت در جهان به دلار (۲۰۱۴) و ۸۵ درصد معاملات نفتی و مشتقات آن به دلار صورت می‌گیرد (۲۰۱۶). این موقعیت یگانه به آمریکا امکان داده که با تهدید به مجازات و اعمال تحریم بر کشورهای دیگر جهان، سیاست خود را در صحنه بین‌المللی پیش ببرد. جزئیات اینکه دلار چگونه به این موقعیت دست یافت؟ به‌طور مختصر می‌توان گفت سرچشمه برتری دلار بر سایر پول‌ها این بود که آمریکا پیروز عمده جنگ جهانی دوم بود. آمریکا برعکس اروپا، به علت دوری از صحنه جنگ آسیایی ندید در حالی که اروپا به مخروبه‌ای مبدل شد. در

شاه عربستان آخرین نفری بود که همین چند روز پیش به آمریکا هشدار داد اگر بخواهد محدودیت تازه برای فعالیت اوپک ایجاد کند دادوستد نفت خود را با پولی غیر از دلار انجام خواهد داد تا از نیرومندی دلار در بازارهای جهانی کاسته شود. پیش از او رجب طیب اردوغان چنین تهدیدی کرده بودند. رهبری حزب کمونیست چین و رهبر مقتدر روسیه حتی از این هم فراتر رفته و دادوستد بر پایه پولی غیر از دلار را در دستور کار قرار داده و اجرا نیز کردند. در همه دهه‌های اخیر کشورهای مثل ایران، روسیه، چین و برخی دیگر از کشورها راه‌ها گوناگونی برای تضعیف دلار



سهم دلار در معاملات دنیا چقدر است؟

سال‌ها بر بازارهای جهانی حاکم بوده است و حتی اگر سیاست جهانی به سمت خارج شدن از وابستگی به دلار و وابستگی به دو یا چند ارز دیگر یا حتی ایجاد یک واحد پولی مستقل باشد، این روند سال‌ها به طول می‌انجامد. اما سوال اصلی این است که چرا دلار به ارز جهانی تبدیل شده است؟

وبسایت **balance** در پاسخ به این سوال نوشت: ارز جهانی ارزی است که تمامی کشورها برای تجارت آن را پذیرفته‌اند و محصولات خود را با این ارز به فروش می‌رسانند و با کمک همین ارز محصولات مورد نیازشان را از دیگر کشورها خریداری می‌کنند. دلار اصلی‌ترین ارز مورد استفاده در مبادلات است ولی باید در نظر داشت که این و یورو هم در بازارهای جهانی استفاده می‌شود ولی با سطح بسیار کمتر.

طبق گزارش منتشر شده توسط بانک مرکزی آمریکا، تا فصل سوم سال ۲۰۱۸ میلادی ۶۲ درصد از ارز موجود در صندوق ذخایر ارزی کشورها را دلار تشکیل می‌دهد و همین مسأله هم بر اعتبار دلار در بازار جهانی افزوده است. هال والمارک تحلیلگر بازار ارز در این مورد به سی‌ان‌بی‌سی گفت: بانک‌های مرکزی کشورها ارزی را نگهداری

دیگر کشورهای دنیا هم چین و روسیه در مورد ضرورت استفاده واحدهای پولی دیگر به جز دلار برای معاملات صحبت می‌کنند و شماری از کشورهای نفت‌خیز هم در این مورد سخن می‌گویند. اما آیا این طرح امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توان ارز دیگری را جایگزین دلار کرد؟ چرا دلار به عنوان ارز جهانی انتخاب شد و آیا کشور دیگری پتانسیل این را دارد که ارزش را به عنوان ارز جهانی در مبادلات وارد کند؟

♦ ارز جهانی چیست

دلار بخش اعظم ارز مورد نیاز تمامی معاملات در جهان را تامین می‌کند و تمامی انتقالات دلاری هم از طریق بانک‌های آمریکا انجام می‌شود. قدرت اقتصاد آمریکا، حجم بالای ذخیره دلار در بانک مرکزی کشورهای مختلف و تمایل مردم دنیا برای خرید دلار تنها به منظور حفظ ارزش دارایی‌ها همه نشان می‌دهد که هنوز این جایگاه به دلار تعلق دارد.

سی‌ان‌بی‌سی در گزارش اخیر خود نوشت دلار ارز اول و اصلی مورد استفاده در مبادلات است و اقتصاد دنیا به این سادگی نمی‌تواند از زیر بار این ارز خارج شود. دلار

تحریم‌های پی‌درپی آمریکا علیه کشورهای مختلف و با بهانه‌های مختلف باعث شد تا بسیاری از کشورها به انتقاد از نظام پولی دنیا که وابسته به دلار است روی بیاورند. نظامی که به آمریکا قدرت می‌دهد تا سیاست‌های درست یا نادرست خود را به کشورهای مختلف دنیا تحمیل کند و از دلار و تحریم دلاری و اقتصادی برای مجبور کردن کشورها برای همسو شدن با دیدگاه‌های آمریکا استفاده کند. این مسأله را در مورد تحریم‌های اخیر ایران هم شاهد بودیم. آمریکا ضمن خارج شدن یکجانبه از توافق هسته‌ای و بی‌توجهی به خواسته دیگر کشورهای امضا کننده توافق اعلام کرد، هر کشوری که با ایران تجارت کند هم مشمول تحریم اقتصادی می‌شود از اقتصاد آمریکا سهمی نخواهد داشت. در واقع آمریکا با این ابزار تلاش می‌کند تا اروپا و دیگر کشورهای شریک تجاری ایران را با خود همسو کند. در سال‌های اخیر به خصوص بعد از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا انتقاد از این سیاست‌ها در دنیا بیشتر شده است. اروپا اعلام کرد که خواستار استقلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در دنیا است و حتی از ناتوی اروپایی هم صحبت کرد. در

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



آمریکا، دلار قدرتمندترین ارز دنیا است و بالغ بر ۵۸۰ میلیارد دلار پول کاغذی در خارج از آمریکا وجود دارد که معادل ۶۵ درصد از کل دلار موجود در بازار جهانی است. سهم اعظم دلاری آمریکا در بازار کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد و برای مبادلات روزمره استفاده می‌شود.

اما پول نقد تنها یک وجه ماجرا است. آمار نشان می‌دهد یک سوم از کل تولید ناخالص داخلی دنیا از کشورهایی تامین می‌شود که ارزش پول خود را وابسته به دلار آمریکا کرده‌اند و هفت کشور که از دلار به عنوان ارز رایج استفاده می‌کنند.

در بازار مبادلات ارز هم دلار حکومت می‌کند. ۹۰ درصد از مبادلات ارزی در فارس با دلار آمریکا است. با اینکه طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول دلار تنها یک واحد پول از مجموع ۱۸۵ واحد پولی است که دنیا وجود دارد ولی تنها واحد پولی است که تمامی کشورهای دنیا به طور گسترده از آن استفاده می‌کنند. اغلب واحدهای پولی تنها در داخل کشور کاربرد دارند و تمامی مردم برای سفرهای خارجی به دلار روی می‌آورند. از طرف دیگر خرید دلار سیاستی برای حفظ ارزش دارایی در زمان بحران نیز هست که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد از آنجا که در معاملات داد و ستد پول وجود دارد، معمولاً سهم ارزها در مبادلات مالی دنیا به جای ۱۰۰ درصد ۲۰۰ درصد در نظر گرفته می‌شود. در سال ۲۰۱۸ میلادی ۹۰ درصد از مبادلات مالی در دنیا با دلار آمریکا انجام شده بود درحالی‌که ۳۱ درصد با یورو و ۲۱ درصد با ین ژاپن انجام شد. در سال ۲۰۱۸ میلادی پوند بریتانیا و دلار استرالیا از نظر حجم و ارزش مبادلات جایگاه چهارم و پنجم را داشتند و دلار کانادا با داشتن سهم ۵ درصدی در این بازار جایگاه ششم را از آن خود کرد. فرانک سوییس و یوان چین در رده‌های بعدی قرار دارند.

♦ چه شد که دلار این جایگاه را به دست آورد؟

توافق برتون وودز در سال ۱۹۴۴ زمینه ساز حکمرانی دلار در بازار ارز دنیا شد. قبل از آن اغلب کشورها از استاندارد طلا برای معاملاتشان استفاده می‌کردند. دولت‌های آنها متعهد بودند که ارزش پول را با طلایی مشابه همان ارزش در زمان تقاضای فرد

مبادله کنند. از آنجا که آمریکا بزرگترین ذخایر طلای دنیا را داشت، به جای اینکه پولشان را با طلا معامله کنند با دلار آمریکا مبادله کردند. تا سال ۱۹۷۰ میلادی برخی از کشورها معادل دلاری که در اختیار داشتند از آمریکا طلب طلا می‌کردند و از آن به عنوان ابزاری برای مقابله با تورم استفاده می‌کردند ولی در جریان ریاست جمهوری نیکسون در آمریکا این نگرانی ایجاد شد که ذخایر طلای آمریکا به پایان برسد به همین دلیل اعلام شد که دیگر در مقابل دلار طلا داده نمی‌شود و طلا به عنوان پشتوانه دلاری که آمریکا چاپ می‌کند در خزانه داری این کشور نگهداری می‌شود. از همین زمان بود که دلار وارد دوره قدرت‌گیری و رشد شد.

♦ صدایی تازه شنیده می‌شود

در مارس سال ۲۰۰۹ میلادی و به دنبال استفاده ابزاری آمریکا از دلار برای تحقق اهداف سیاسی‌اش، دولت‌های روسیه و چین که بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی دنیا را تولید می‌کنند خواستار ایجاد یک واحد پولی تازه در دنیا شدند. آنها خواهان ایجاد یک ذخایر ارزی در دنیا بودند که به یک کشور خاص تعلق نداشته باشد و بتواند بدون تأثیرپذیری از سیاست‌های یک کشور در درازمدت ارزش ثابتی داشته باشد. این درخواست به صندوق بین‌المللی پول ارائه شد.

اما علاوه بر نگرانی چین در مورد استفاده ابزاری آمریکا از دلار، یک نگرانی دیگر هم وجود داشت. این کشور هزاران میلیارد دلار ذخیره دلاری داشت و در سال‌های رکود سال ۲۰۰۸ و بحران‌های تورمی بعد، این نگرانی وجود داشت که به دلیل رشد تورم، رشد میزان بدهی‌های دولتی آمریکا و رشد کسری بودجه ارزش دلار تنزل یابد و چین با بحران ارزی روبه‌رو شود.

به دنبال تلاش‌های چین بود که در چهارمین فصل سال ۲۰۱۶ یوان واحد پولی کشور چین به عنوان یکی دیگر از منابع ارزی در دنیا معرفی شد. تا فصل سوم سال ۲۰۱۸ میلادی ارزش ذخایر یوان در صندوق ذخایر ارزی دنیا برابر با ۱۹۳ میلیارد دلار بود و چین اعلام کرده است در نظر دارد با پشتوانه تقویت جایگاه اقتصادی و ایجاد قراردادهای دوجانبه برای تجارت با واحد پولی یوان، سهم یوان را در ارزش‌های جهان افزایش دهد. این کشور رویای تبدیل شدن یوان به ارزش غالب در دنیا را نیز در سر دارد ولی تا رسیدن به این هدف فاصله زیادی در پیش است.

می‌کنند که از آنها بتوانند برای تامین هزینه‌های جاری کشور استفاده کنند و به زعم آنها ارزی ارزشمند است. دلار در سال‌های اخیر ارزش خود را حفظ کرده است و در بسیاری از موارد ما شاهد ارتقای ارزش آن در مقابل دیگر ارزها بودیم. به همین دلیل است که نگهداری دلار برای بانک‌های مرکزی اهمیت دارد.

بعد از دلار یورو بیشترین سهم را در صندوق ذخایر ارزی کشورها دارد که برابر با ۲۱ درصد است که نسبت به سال ۲۰۱۰ میلادی ۲ درصد رشد کرده است. با توجه به پایان بحران اقتصادی در کشورهای منطقه یورو، انتظار می‌رود سهم یورو در ذخایر ارزی دنیا رشد کند. البته نمی‌توان تصور کرد که یورو به ارز جهانی تبدیل شود که دلیل آن چالش‌های موجود در اقتصادهای منطقه یورو و تمایل بسیاری از کشورها برای خارج شدن از این منطقه است.

♦ چرا دلار قدرتمندترین ارز دنیا است

اقتصاد هر کشور پشتوانه ارزش پولی کشور است و به همین دلیل است که دلار هم توانسته به عنوان قدرتمندترین ارز دنیا معرفی شود. طبق گزارش بانک مرکزی

یوان و تهدید دلار



بود و به دلیل استفاده زیاد از دلار و تعامل زیاد آمریکا با دیگر اقتصادهای دنیا به تدریج به دیگر کشورها گسترده شد، زمینه را برای اظهار نظرهای زیاد در مورد معایب وابستگی اقتصادی به دلار فراهم کرد. در این زمان رئیس بانک مرکزی چین مقاله‌ای نوشت و ضمن انتقاد از سیاست وابستگی اقتصادی دنیا به دلار گفت: دنیا باید نظام پولی خود را اصلاح کند. وابستگی به یک واحد پولی و یک اقتصاد برای تمامی تبادلات، اقتصاد جهان را آسیب‌پذیر کرده است و این موضوعی نگران‌کننده است.

بعد از مطرح شدن این نظریه به تدریج استفاده از یوان در بازارهای جهانی رشد کرد و از کمتر از ۰.۵ درصد در سال ۲۰۰۹ میلادی به حدود یک درصد در سال ۲۰۱۳ و حدود ۳ درصد در سال ۲۰۱۵ رسید ولی از آن پس تاکنون روند نزولی در سهم یوان در بازار جهانی آغاز شده است و در انتهای سال قبل سهم این ارز در تبادلات جهانی به ۱.۷ درصد رسید.

♦ چین بزرگترین واردکننده نفت دنیا

در سال ۲۰۱۷ میلادی چین بیش از آمریکا نفت وارد کرد و رکورد بزرگترین واردکننده نفت را از آن خود کرد. همین مسأله انگیزه‌ای شد برای کشور چین تا مکانیزمی برای فروش نفت با استفاده از واحد یوان را ایجاد کند. مکانیزمی که می‌تواند کشور را به سمت استقلال بیشتر

اقتصادی باعث شده است که تقاضای مردم برای کالاهای مصرفی غیرضروری در این کشور رشد کند. از طرف دیگر این کشور بزرگترین صادرکننده کالاهای مختلف مصرفی و تولیدی در جهان است و دارای حجم بالایی از ذخایر نفتی و منابع طبیعی است. همه اینها برای اینکه چین بتواند ارز خود را به عنوان ارز قدرتمند در دنیا معرفی کند کفایت می‌کند.

این موسسه در ادامه گزارش نوشت: از سال قبل اولین گام‌ها در زمینه استفاده از یوان در تبادلات بین‌المللی برداشته شد. اولین قراردادهای فروش نفت در ازای پرداخت یوان چین در سال ۲۰۱۸ امضا شد و توافق‌های دوطرفه‌ای با کشورهای مختلف برای استفاده از یوان یا ارزهای دیگر در تعاملات انجام شد. در نتیجه اجرای این سیاست‌ها بود که این سوال در جهان مطرح شد: آیا چین در نظر دارد قدرت دلار در بازارهای ارز دنیا را به چالش بکشد؟ آیا چین می‌خواهد یوان را جایگزین دلار در تبادلات نفتی کند؟ و سوال مهم‌تر اینکه چرا چین قصد دارد از یوان برای مبادلاتش استفاده کند؟

♦ تلاشی ثمربخش

البته تلاش چین برای تبدیل یوان به یک ارز قدرتمند در دنیا از یک دهه قبل یعنی در سال ۲۰۰۹ شروع شد. در آن زمان بحران اقتصادی دنیا که در نتیجه سیاست‌های اشتباه در آمریکا ایجاد شده

مسأله ضرورت جایگزین شدن دلار با ارزهای دیگر مدت‌ها است که در میان اقتصاددانان مطرح شده است ولی هنوز تا تحقق این مسأله راه درازی وجود دارد. در ابتدا تصور می‌شد که یورو می‌توان به عنوان رقیب و حتی جایگزین دلار در تعاملات اقتصادی در دنیا مطرح شود ولی بحران‌های پی‌درپی اقتصادی در کشورهای اروپایی و تبعات منفی آن روی اقتصاد و تجارت در این منطقه باعث شد تا یورو از دامنه ارزهای غالب در تجارت خارج شود. در مورد سبد ارزی هم صحبت زیاد است. برخی بر این باور هستند که باید سبدی از ارزهای مختلف که در بر دارند ارز مورد استفاده در کشورهای تأثیرگذار در اقتصاد جهان است به عنوان سبد ارزی انتخاب شود. ارزهای پیشنهادی شامل یورو، روبل روسیه و یوان چین است که همه می‌توانند سهمی در تجارت کالای دنیا داشته باشند. ولی این طرح هم چندان مورد استقبال قرار نگرفت که اصلی‌ترین و مهم‌ترین دلیل آن تعارض دیدگاه‌های سیاسی در کشورهایی است که مالک این ارزها هستند.

اما به دنبال قدرت گرفتن اقتصاد چین در بازارهای بین‌المللی، این نظریه مطرح شده است که یوان می‌تواند جایگزین دلار در تعاملات جهانی شود. موسسه بروکینگز در این زمینه نوشت: چین دومین اقتصاد بزرگ دنیا است، بزرگترین بازار مصرف دنیا در این کشور واقع شده است و رشد

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

و کاهش وابستگی اقتصادی به دلار و آمریکا هدایت کند.

البته مقامات چین هم از اعلام این هدف در مجامع بین‌المللی ترسی ندارند. اخیراً یکی از مقامات رسمی دولت چین به تلویزیون این کشور گفته است: ما در نظر داریم یوان را به عنوان ارز مورد استفاده در تجارت جهانی وارد کنیم. ما قصد نداریم تنها قراردادهای نفتی خود را با واحد یوان امضا کنیم بلکه می‌خواهیم سهم اعظم تجارتان را با یوان انجام دهیم. با افزایش حجم تجارت در دنیا با یوان به تدریج می‌توانیم سهم یوان در ذخایر ارزی را بیشتر کنیم و اقتصادپویاتری را به‌وجود آوریم.

♦ یوان خطری برای دلار محسوب نمی‌شود

با وجود اینکه چین نقشی کلیدی و مهم در اقتصاد دنیا و بازار جهانی نفت دارد، و با وجود اینکه این کشور هر ساله سهم زیادی از کالاهای صادراتی جهان را تامین می‌کند ولی به نظر نمی‌رسد یوان تهدیدی جدی برای دلار در آینده نزدیک محسوب شود. موانعی که در این مسیر وجود دارد را می‌توان ریسک‌های بالای موجود در بازار ارز چین و سیاست‌های دولتی این کشور در کنترل بازار سرمایه دانست. از طرف دیگر اقتصاد چین هنوز بسیار آسیب‌پذیر است. این کشور اقتصادهای صادرات محور دارد و بحران در اقتصادهای دیگر می‌تواند چین را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند. به همین دلیل یوان در میان مردم به عنوان عامل حفظ ارزش شناخته نمی‌شود.

بازار سرمایه در چین بازاری توسعه‌نیافته است و امکان تبادل ارزها در بازار سرمایه این کشور به منظور خرید کالا از کشورهای مختلف بسیار محدود است. از طرف دیگر ارز یوان در طول زمان بارها تنزل پیدا کرده است و این مسأله باعث شده است که سرمایه‌گذاری در این بازار غیر سودآور باشد. این در حالی است که ارزش دلار در تبادلات جهانی تغییر زیادی نمی‌کند و این مزیت مهمی در بازار دلار است.

بازار یوان تحت کنترل دولت است. این دولت است که ارزش یوان را تعیین می‌کند و اگر سیاست‌های دولتی در جهت کاهش یا افزایش ارزش یوان باشد، بازار نمی‌تواند نقشی در این زمینه ایفا کند. به همین دلیل یوان نمی‌تواند ارز جایگزین دلار باشد مگر اینکه اصلاحات زیر ساختی در این بازار انجام شود.

♦ چین چه راه‌هایی در پیش دارد

سوال دیگر اینجاست که چین از چه راه‌هایی می‌تواند یوان را به عنوان ارز جذاب در بازار جهانی معرفی کند. ارزی که مانند دلار در تعاملات استفاده شود و مردم برای حفظ ارزش دارایی خود از آن بهره ببرند. موسسه مطالعاتی بروگینگز در این زمینه گفت: آزادسازی بازار مالی و حساب سرمایه اولین و اصلی‌ترین راه است. در واقع از این طریق است که چین به خارجی‌ها امکان می‌دهد اوراق قرضه دولتی و سهام کشور را خریداری کنند پول را در صورت نیاز به داخل و خارج کشور انتقال دهند. از طرف دیگر اصلی‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه ارزش

واحد پول خود را بر مبنای ارزش دلار تعیین می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به عربستان و امارات و عمان و قطر اشاره کرد. در کشورهای دیگر ارزش پول داخلی بر مبنای ارزش سبیدی از کالاهای تعیین می‌شود ولی باز هم در این سبب ارزی، سهم دلار قابل توجه‌تر است.

بنابراین در شرایط فعلی نه اقتصاد چین و اقتصاد دیگری توانایی جایگزین کردن پول خود با واحد پولی دلار را ندارد و انتظار می‌رود تسلط دلار به بازارهای جهانی همچنان ادامه داشته باشد. البته تهدیدهای هر از گاهی از کشورها در مورد عدم استفاده از دلار در تبادلات مالی شنیده می‌شود که زنگ خطری برای اقتصاد دنیا است و شاید زمینه را برای از بین بردن سلطه دلار در آینده فراهم کند ولی تا تبدیل شدن به واقعیت راه درازی در پیش است. از طرف دیگر اقتصاد دنیا هم آمادگی جایگزین کردن دلار با پول دیگری را ندارد و انگیزه این کار هم وجود ندارد. البته کشورهایی که در سال‌های اخیر مورد تحریم آمریکا قرار گرفته‌اند و از بازار دلار خارج شده‌اند در مورد ضرورت این جایگزینی صحبت می‌کنند که شاید در سال‌های گذشته این تهدید چندان جدی نبود ولی با توجه به اینکه اخیراً آمریکا کشورهای بزرگی از قبیله روسیه و چین و ایران و ونزوئلا را تحریم کرده است و هر یک از این کشور از نظر اقتصادی یا از نظر سهم ذخایر نفتی در زمره اقتصادهای برجسته در دنیا هستند، خطر بزرگتر شده است و اگر آمریکا در سیاست‌های خود تغییراتی ایجاد نکند، دوره‌ای که دلار در بازار حکمرانی خواهد کرد کوتاه‌تر می‌شود.



آینده دلار و نقش آن در دیپلماسی مالی در دنیا



نقش کلیدی دلار در بازارهای مالی نشان دهنده اعتمادی است که اقتصاد جهان به مدیریت آمریکا در عرصه اقتصادی دارد. البته یک نشانه دیگر هم هست. سهم زیاد این واحد پولی در تعاملات تجاری نشان می‌دهد که تاکنون جایگزینی برای دلار در تبادلات بین‌المللی ایجاد نشده است. از طرف دیگر تسلط دلار در بازارهای مالی جهانی باعث شد تا آمریکا بتواند دیدگاه بازار آزاد و تجارت آزاد را نیز در دنیا توسعه بدهد و فرهنگ جهانی سازی را در سراسر زمین گسترش دهد. سوالی که در اینجا ایجاد شد، این است که آیا این قدرت همچنان در اختیار دلار باقی می‌ماند یا خیر؟ در ابتدا باید به این مسأله اشاره کرد که در سال‌های اخیر هم طرفداران حزب جمهوری خواه و هم دموکرات‌ها در آمریکا تاکید کرده اند که در مورد مزایای اقتصاد آزاد تردید دارند. اخیراً در یک میزگرد تلویزیونی در سی‌ان‌ان اعلام شد که اقتصاد آزاد باعث شده است تا فرصت‌های شغلی زیادی از آمریکا خارج شود و کارخانه‌های زیادی در کشورهای در حال توسعه راه اندازی شود تا از مزایای نیروی کار ارزان قیمت در این کشورها برخوردار شوند. در نتیجه شمار مشاغل در آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی کاهش پیدا کرده است و این کشورها به بازارهای مصرف تبدیل شده‌اند. در این میزگرد عنوان شد که دیدگاه جهانی سازی و اقتصاد آزاد برای آمریکا پدیده‌ای منفی است و این کشور نمی‌تواند رشد را تجربه کند زیرا فرصت‌های رشد را به خارج از مرزها هدایت کرده است. از طرف دیگر در جریان بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی در کشور آمریکا و تزریق میلیاردها دلار به اقتصاد این کشور برای مواجهه با بحران بر انبوه بدهی‌های دولتی آمریکا اضافه شد. ضمن اینکه نشان داد سیستم بانکی آمریکا زمینه را برای انباشت وام‌های معوقه و افزایش حجم وام دهی بدون پشتوانه فراهم می‌کند. این خود می‌تواند به اقتدار دلار در بازار جهانی آسیب وارد کند.

♦ دلار همچنان صدرنشین می‌ماند

با وجود اینکه هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی شرایط برای کاهش قدرت دلار در بازار جهانی فراهم است ولی نمی‌توان انتظار داشت که تغییر ساختارهای مالی در دنیا به سرعت انجام شود. آمریکا هنوز قدرت سیاسی و نظامی برتر در دنیا است. شمار زیادی از سازمان‌های بین‌المللی و مهم دنیا در این کشور قرار گرفته اند و اغلب کشورها برای خرید نفت از دلار استفاده می‌کنند. این یعنی بخش‌های مهم اقتصادی و سیاسی دنیا به آمریکا و پول این کشور وابسته است و حتی اگر اتمام برای کاهش وابستگی وجود داشته باشد، این روند تغییر کند و تدریجی خواهد بود. در مورد انگیزه سیاسی خارج شدن دلار از بازارهای بین‌المللی به عنوان ارز مرجع می‌توان این‌طور بیان کرد که آمریکا در سال‌های اخیر تلاش کرده تا نقش کم‌رنگ تری در تعاملات و تصمیم‌گیری‌های جهانی داشته باشد. خارج شدن این کشور از توافقاتی جهانی از جمله توافق هسته‌ای ایران و توافق زیست محیطی پاریس و تلاش برای انعقاد توافقاتی

اینترنت نشان می‌دهد اقتصاد آمریکا در دهه ۱۸۷۰ میلادی از اقتصاد بریتانیای کبیر بزرگتر شد و تا جنگ جهانی اول بزرگترین صادرکننده در دنیا بود. ولی در این زمان همچنان ارز رایج در دنیا پوند بود و دلار جایگاهی در تبادلات مالی نداشت. در آستانه سال ۱۹۲۹ میلادی بود که دلار توانست از پوند بریتانیا ارزشمندتر شود و از این تاریخ می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین تاریخ‌ها در آمریکا نام برد. ولی با آغاز رکود بزرگ اقتصادی در آمریکا در دهه ۱۹۳۰ دوباره ارزش دلار افت پیدا کرد و رهبری بازارهای مالی به بریتانیا و واحد پولی این کشور بازگشت. با پایان یافتن جنگ جهانی آمریکا قدرت گرفت زیرا دارای ارتش و تجهیزات نظامی قدرتمندی بود و صناعی را ایجاد کرده بود که ضمن تامین نیازهای داخلی می‌توانست نیازهای بین‌المللی را نیز تامین کند. از آن پس استفاده از دلار به عنوان ارز رایج رواج زیادی دارد و طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول سهم دلار در تجارت بین‌المللی کالاهای و خدمات در دنیا سه برابر سهم آمریکا در بازارهای صادراتی بین‌المللی است. هم اکنون ۶۲ درصد ذخایر ارزی دولت‌ها را دلار تشکیل می‌دهد در حالیکه تنها ۲۰ درصد از این ذخایر یورو و کمتر از ۲ درصد یوان چین است. از طرف دیگر بازار دلار یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین بازارهای ارز در دنیا است که به افرادی که به آن دسترسی دارند اجازه می‌دهد از مزایای زیادی بر خوردار باشند.

♦ آیا تغییری در راه است

در پاسخ به این سوال که آیا باید منتظر تغییری در نظام پولی و ارزی دنیا باشیم یا خیر، گزارش‌های زیادی ارائه شده است ولی در اغلب این گزارش‌ها به این نکته اشاره شد که در آینده نزدیک تغییری در ساختار مالی دنیا رخ نمی‌دهد. از طرف دیگر تا زمانی که آمریکا بخواهد به عنوان قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در دنیا نقش ایفا کند، دلار همچنان قدرتمند باقی می‌ماند.

دو طرفه با کشورها در واقع نشان داد که آمریکا دیگر تمایلی برای نقش آفرینی به عنوان مرکز جهان را ندارد. نمایش بیرونی این خواسته را می‌توان در شعارهای انتخاباتی ترامپ و تاکید مداوم روی این مسأله که باید آمریکا را در اولویت قرار دهیم دید. در واقع رئیس جمهوری آمریکا در حال رواج دیدگاه تازه‌ای در این کشور است. دیدگاهی که نشان می‌دهد آمریکا قصد ادامه راه گذشته را ندارد و می‌خواهد از نقش خود به عنوان رهبر بازارهای مالی دنیا دست بردارد.

چالش اصلی در شرایط فعلی این نیست که با حذف دلار از بازار، ارز چه کشوری جایگزین می‌شود بلکه نگرانی از این است که با کم‌رنگ شدن نقش دلار در بازارهای بین‌المللی، هیچ کشوری نتواند جایگزین آمریکا شود. مسأله‌ای که می‌تواند بحران‌های بزرگی در اقتصاد دنیا ایجاد کند و سازو کار مالی دنیا را با تحولات منفی روبه‌رو کند. در صورت وقوع این پیش‌بینی، بحران‌های اقتصادی آتی سخت‌تر و طولانی‌تر خواهد بود زیرا کشورها برای اجرای سیاست‌های مالی تأثیرگذار با هم همراه و همسو نمی‌شوند و هیچ قدرتی نیست که بتواند برای یکسان‌سازی عملکرد بازارهای مالی سیاست‌های کلی ارائه دهد. این تغییر رویکرد در سیاست‌های آمریکا کاملاً مشهود است و اخیراً هم در انتخابات میان دورهای خود را نشان داد. در این دوره هیچ کس در مورد مزایای وابسته شدن اقتصاد دنیا به دلار آمریکا برای اقتصاد این کشور صحبتی نمی‌کرد و هم در مورد معایب این وابستگی سخن می‌راندند. این در حالی است که دلیل وابستگی دنیا به دلار آمریکا است که اقتدار دولت هم رشد کرده است و آمریکا می‌تواند منابع لازم برای انجام طرح‌های مختلف امنیتی و اقتصادی در سراسر دنیا را در اختیار داشته باشد.

♦ تاریخچه قدرت‌گیری دلار

برخی بر این باورند دلار زمانی در بازارهای مالی قدرت گرفت که اقتصاد کشور هنوز آمادگی پذیرش این جایگاه را نداشت. مطالعات انجام شده توسط نشریه نشنال

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



دغدغه‌های سوئدی برای آینده

شهروندان و بنگاه‌هاست که نهادهای مدنی به حساب می‌آیند. نهادهای مدنی به‌ویژه بنگاه‌های سوئدی همانند هم‌تایان دیگر خود از دنیای پر آشوب فعلی نگرانند و می‌خواهند بدانند که وقوع یک رخداد بزرگ میان آمریکا و چین، میان روسیه و آمریکا و در میان کشورهای خاورمیانه چه اثرات جانبی یا مستقیم بر بازار فروش آنها بر جای خواهد گذاشت. این دغدغه کمی نیست و سرنوشت و سرشت آینده سوئد را دستخوش تحول خواهد کرد و می‌تواند شهروندان سوئد را نگران کند.

مشهور است نسبت به آینده جهان دغدغه دارد. آیا دولت سوئد دغدغه دارد؟ واقعیت این است که دولت در سوئد در سایر کشورهای دارای نهادی قدیمی دموکراتیک میان احزاب و اندیشه‌ها دست به دست می‌شود و نمی‌توان گفت که کدام دولت چه سیاستی در آینده کشور خواهد داشت. سوئد البته کشوری نیست که نهادهایی از بالای سر دولت در آن نقش اصلی داشته باشند و بخواهند کاری برای آینده دور انجام دهند. آنچه بیش از هر چیز در سوئد ممکن است دغدغه باشد همان کسب‌وکار

آیا کشور سوئد هم‌اکنون با تهدید جدی، مستقیم و فوری از سوی کشوری مواجه است؟ آمار و اطلاعات نشان نمی‌دهد که هیچ‌کدام از همسایه‌ای این کشور قصدی برای یورش نظامی و درگیری با سوئد داشته باشند. کشورهای بزرگ اروپایی همسایه سوئد نیز در وضعیتی نیستند که حتی در آینده دور هم بخواهند برای سوئد مشکل ایجاد کنند. اما همین کشور کوچک که کمتر از ۸ میلیون نفر جمعیت دارد و در میان کشورهای اروپایی به کشوری با درآمد سرانه بالا و رفاه در سطح بالا

در سوئد دولت جز اینکه سیاستگذار و قانونگذار است و در شرایط سخت ممکن است اندکی در کسب و کارها دخالت کند، مالکیت چندانی ندارد و به همین دلیل است که شرکت‌های سوئدی در دنیای پرآشوب امروز جهان دست به دامان «موسسه کسب و کار سوئد» شده و از این نهاد پژوهشی می‌خواهند هر سناریوی موثر در جغرافیای سیاسی جهان را بر کسب و کار آنها تجزیه و تحلیل کند. این موسسه پژوهشی در دنیای پرتلاطم فعلی چند منازعه بزرگ را تشخیص داده و آثار آنها بر موسسه‌های سوئدی را بررسی کرده است.

چند نکته درباره این گزارش حائز اهمیت است: نکته نخست این است که موسسه‌های سوئدی خطر را احساس کرده و برای دفع خطر هزینه می‌کنند و می‌دانند که باید هزینه‌های پژوهش را نیز در زمره هزینه‌های اصلی قرار دهند. نکته دوم این است که موسسه کسب و کار سوئد بدون هراس از دخالت‌ها و نظارت‌های غیرضروری دولت آزادانه فعالیت کرده و راه را برای واقع‌گرایی هموار کرده است که می‌تواند قابل توجه دولت‌های دیگر از جمله دولت ایران باشد. نکته سوم این است که شوربختانه یکی از نقاط مستعد برای آشوب در جاهایی قرار دارد که ایران نیز در قلب آن نهفته است. خاورمیانه در آینده چگونه خواهد شد. درس‌های این بررسی را می‌توان برای مدیران بنگاه‌های ایرانی نیز به کار

گرفت. مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری با انتخاب این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردها را خوب تشخیص داده است. نتایج این پژوهش را می‌خوانید:

♦ خوش‌بینی برای آینده

موسسه کسب و کار سوئد با تقاضاهای فراوان برای تحلیل سناریوهای ژئوپلیتیکی و پیامدهای آنها برای شرکت‌های سوئدی و فعالیت‌های کسب و کار آنها مواجه است. دلیل این هم، نااطمینانی گسترده‌ای است که درباره آینده جهان احساس می‌شود و اینکه توسعه مثبت جهانی به واسطه تغییر در چشم‌انداز سیاسی ایالات متحده، اروپای غیر متحد و پیشرفت چین و روسیه، مورد تهدید قرار گرفته است. تیره‌تر شدن چشم‌انداز، احتمال از بین رفتن سیستم تجارت چندجانبه به نفع ناسیونالیسم اقتصادی و شتاب بخشی به تغییر اقلیم را در پی دارد. برخی علائم نویدبخش از اروپا می‌آید اما دیدگاه کلی این است که وضعیت سیاسی جهانی در میانه ریسک فزاینده منازعات منطقه‌ای که برخی از آنها واکنش‌های بین‌المللی جدی را داشته‌اند، بدتر شده است.

موسسه کسب و کار سوئد قراردادی را با آژانس تحقیقات دفاعی سوئد برای ارائه سه سناریوی ژئوپلیتیکی منعقد کرده که هر کدام، پیامدهای بالقوه سیاسی یا نظامی رویدادهایی را توصیف می‌کنند که ریشه در منازعات ملی یا منطقه‌ای

دارند. هر سه سناریو در بهار ۲۰۱۸ مطرح می‌شوند. سناریوها مستقل هستند و به گونه‌ای نگاشته شده‌اند که انگار گزارش‌های خبری هستند که در ژوئن ۲۰۱۸ نوشته شده‌اند.

تحلیل موسسه کسب و کار سوئد در سه مرحله انجام شده است. اول، هر سناریو و بافت ژئوپلیتیک مربوط به آن را توصیف کرده، عامل بحران را شناسایی کرده و پیامدهای آن رویداد را توضیح می‌دهیم. دوم، اثرات اقتصادی هر سناریو در منطقه تحت تأثیر و گسترش آن به سایر مناطق را تحلیل می‌کنیم. برای ساده‌سازی تفسیر رویدادها به اثرات اقتصاد کلان، فرض می‌کنیم که اثر اقتصادی، بی‌واسطه و مستقیم است.

سوم، پیامدهای احتمالی برای شرکت‌های سوئدی را تحت هر سناریو ارزیابی می‌کنیم. این تحلیل از آمارهای قابل دسترس در خصوص توزیع منطقه‌ای صادرات و فروش خارجی شرکت‌های سوئدی استفاده می‌کند. برای درک بهتر آزادی عملی که کسب و کارهای سوئدی در مدیریت فعالیت‌های خود در منازعات بین‌المللی دارند، موسسه کسب و کار سوئد نتیجه‌گیری خود را بر مصاحبه با مدیران ارشد با تجربه فروش جهانی استوار می‌کند.

خلاصه اجرایی در این گزارش، موسسه کسب و کار سوئد سه سناریوی ژئوپلیتیکی بالقوه را طرح کرده و اثرات اقتصادی و پیامدهای آنها را برای شرکت‌های سوئدی مطرح می‌کند.

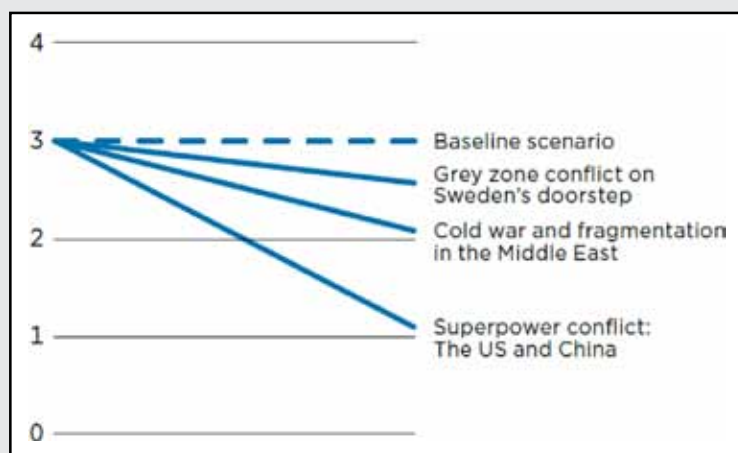
جنگ سرد

کردها در عراق که با واکنش شدید از ناحیه ترکیه هم همراه است، گسترش می‌یابد. همانند دو سناریوی اول، اثر اقتصادی محدود به منطقه مورد منازعه است: خاورمیانه و شمال آفریقا. بدتر شدن اوضاع امنیتی و سقوط تقاضا، شرکت‌های سوئدی را مجبور به کاهش فعالیت‌های خود در این منطقه می‌کند.

خلیج فارس با یک میلیون نفر سکنه و اکثریت شیعه است. این ضربه که باعث ترس عربستان سعودی و سایر دولت‌های سنی همسایه می‌شود، ترس از بهار عربی جدید و تقاضا برای اصلاحات دموکراتیک و حقوق مدنی را منعکس می‌کند. ناآرامی‌ها در بحرین فروکش می‌کند اما تنش‌ها به واسطه پشتیبانی عربستان سعودی از استقلال

این سناریو متکی بر بازگشت مجدد جنگ هزار ساله خاورمیانه از طریق مقابله بین فرقه‌های شیعه و سنی است. جهادگران رژیم در حال سقوط دولت اسلامی در بخش‌هایی از سوریه و عراق که حملات تروریستی را در شمال آفریقا و مدیترانه آغاز می‌کنند، بی‌ثباتی منطقه‌ای را تشدید کرده و باعث خروج پناهنده‌ها به سمت اروپا می‌گردند. تنش بین همواردان اصلی این سناریو - دولت سنی عربستان سعودی و دولت شیعی ایران - افزایش می‌یابد زیرا هر دو طرف برای تسلط سیاسی، اقتصادی و دینی در منطقه تلاش می‌کنند. نفوذ ایران در بحبوحه جنگ‌های داخلی در سوریه و یمن و رابطه نزدیک‌تر بین تهران و دولت شیعه عراق، در حال افزایش است. توافق بین‌المللی سال ۲۰۱۶ در مورد برنامه هسته‌ای ایران، امکان از سرگیری صادرات نفت و آغاز بازسازی اقتصاد را برای این کشور فراهم کرده است. در این بین، موضع مخالف دولت ترامپ در مورد ایران، اندکی به رهایی عربستان از پریشانی کمک می‌کند. ماشه آغاز بحران، تغییر رژیم در بحرین، یک کشور جزیره‌ای سنی در

شکل ۱- رشد تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۸، درصد



یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی



نبرد شول‌های اول و دوم

ادعاهای روسیه مبنی بر اینکه تعداد پرسنل نظامی این کشور به یک میلیون نفر رسیده به‌طور گسترده در غرب مطرح شده، گرچه کارشناسان این عدد را دارای اغراق می‌دانند.

با آغاز زمستان، غرب در واکنش و برای رقابت با تعداد نیروهای نظامی روسیه، تلاش بیهوده‌ای را آغاز نمود. مانور ناتو در شرق اروپا برای اطمینان از سازماندهی نظامی اعضای جدید این ائتلاف برگزار شد اما تحت الشعاع جریب‌های جاری در بروکسل قرار گرفت. زمانی که مذاکرات مربوط به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ماه ژانویه خاتمه پیدا کرد، دولت انگلستان اتحادیه اروپا را به عدم توجه به نیازهای اقتصادی و امنیتی جمعی اروپا متهم نمود. کمیسیون اروپا پاسخ داد که تعهدات انگلستان در چارچوب ناتو نمی‌تواند خروج آن از اتحادیه اروپا را جبران کند.

در ماه فوریه، انگلستان اعلام نمود که دیگر مبلغی را بابت توان دفاعی در شرق اروپا پرداخت نمی‌کند و از تعهدات خود به ناتو دست می‌کشد. فرانسه هم وارد بحث شد و ادعا نمود که مبارزه علیه تروریسم بر تأمین پشتیبانی نظامی برای کشورهایی که خودشان برای دفاع از کشورشان کاری نمی‌کنند، اولویت دارد. مواضع انگلیسی -فرانسوی، باعث ایجاد اختلاف درون ناتو در خصوص سطوح مخارج دفاعی ملی گردید.

در سخنرانی در اوایل ماه مارس که مواضع انگلیس را در بر داشت، ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده ادعای خود را مجدداً طرح نمود که ایالات متحده سه چهارم بودجه ناتو را تأمین می‌کند. اعضای اروپایی ناتو پاسخ دادند که سهم هر عضو در بودجه ناتو بر اساس اندازه اقتصادی آن است. اهالی سیاست انتظار داشتند که این بحث‌ها باعث جسورتر شدن روسیه گردد، اما با این وجود از حوادث چند هفته بعد در بلاروس متعجب شدند.

مهم نظامی و غیرنظامی آن را از کار می‌اندازد. پیامد اقتصادی این سناریو، اساسی و جهانی است. مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها در سرتاسر جهان با دورنمای جنگ نظامی بین چین و ایالات متحده پس می‌کشند. قیمت نفت ۵۰ درصد سقوط کرده و به بشکه‌ای ۲۷ دلار می‌رسد. تعرفه‌های ایالات متحده در مورد کالاهای چینی، آتش جنگ تجاری را شعله‌ور می‌سازد. هر دو کشور شاهد نزول رشد اقتصادی هستند و رکود اقتصادی دامن مناطق دیگر را نیز می‌گیرد. رشد اروپا به صفر می‌رسد. شدت ناسیونالیسم اقتصادی در ایالات متحده و چین باعث ضربه به کسب‌وکارهای سوئدی در بحبوحه سقوط شدید تقاضای جهانی و اشباع بازارهای اروپایی از کالاهای چینی می‌گردد.

◆ رشته حوادث: استکهلم، ۱ ژوئن ۲۰۱۸

تلاش‌های روسیه در طی دهه گذشته برای اعاده نقش سنتی ابرقدرتی خود، اصطحاک‌هایی را با مکانیزم‌های همکاری چندجانبه‌ای که سنگ بنای صلح در اروپا از زمان پایان جنگ سرد بودند، ایجاد کرده است. بلندپروازی‌های روسیه را تا اندازه‌ای می‌توان با نیاز به تهدید خارجی برای تحکیم قدرت دولت توضیح داد. جنگ در گرجستان، الحاق شبه‌جزیره کریمه و جنگ نیابتی در اوکراین، همه از این ضرورت درک شده ناشی می‌شوند.

لفاظی در مورد منطقه نفوذ، یکی از ابزارهایی است که روسیه برای تضعیف اتحادیه اروپا و ناتو استفاده می‌کند. در پاییز ۲۰۱۷، مانور نظامی روسیه، توانایی این کشور برای اجرای عملیات سریع و گسترده را نشان داد. به‌طور غیر شگفت‌آوری، این باعث جلب توجه کشورهای خارجی و پوشش گسترده رسانه‌ای مانور هواپرد نظامی در میدان‌های آموزشی در بلاروس گردید.

این سناریو، دورنمای یک جهان چند قطبی نوظهور طرح می‌کند که در آن، قدرت‌های منطقه‌ای با بلند پروازی‌ها و نفوذ در حالا رشد، هژمونی اقتصادی و نظامی ایالات متحده را به چالش می‌کشند. ایالات متحده و چین از گذشته برای قدرت در آسیا اقیانوسیه از طریق حضور اقتصادی و نظامی با هم رقابت داشته‌اند. زمانی که دولت ترامپ با ادعای تعریفی محدود از منافع ملی به رهبری ایالات متحده بر نظم غالب جهانی پشت پا می‌زند، مسیر برای چین هموار می‌شود که نقش منطقه‌ای و جهانی گسترده‌تری را ایفا نماید. ناآرامی و عصبانیت در میان هم‌پیمانان آسیایی آمریکا که خود را مجبور به مدیریت روابط با چین، بدون حمایت از ناحیه واشنگتن می‌بینند، افزایش می‌یابد.

در ژوئن ۲۰۱۸ پس از شکایات متعدد در مورد صدمات اقتصادی که چین از طریق دستکاری نرخ ارز به ایالات متحده وارد می‌کند، آمریکا تعرفه‌های تنبیهی را در مورد کالاهای چینی وضع می‌نماید. ایالات متحده همچنین ناراضیاتی خود از روابط نزدیک هم‌پیمانان خود با چین را هم نشان می‌دهد. زدن ناوشکن فیلیپین توسط کشتی چینی در دریای چین شمالی نزدیک به جزایر مورد اختلاف اسپرانتلی، احساسات در ژاپن را به غلیان می‌اندازد، زیرا این کشور از زنجیره رویدادهای مشابه حول جزایر دیاوئیو اسنکاگو (که توسط دولت ژاپن اداره می‌شوند اما مورد ادعای چین هستند) واهمه دارد. ایالات متحده و چین حضور محلی نیروی دریایی یکدیگر را تقویت می‌کنند. درست هنگامی که به نظر می‌رسد، ایالات متحده جزایر اسپرانتلی را محاصره خواهد کرد، حرکتی که قطعاً دید چین به منزله اقدام جنگی قلمداد می‌شود، ایالات متحده دستخوش حملات سایبری سنگین می‌شود که تأسیسات



کشور گشای روسیه

نبوده است، اقتصادی که مداخله سیاسی، حکومت خانوادگی الیگارش، و فساد همه گیر از ویژگی های آن است. سقوط قیمت نفت و اعمال تحریم های اقتصادی بین المللی علیه روسیه، وضعیت اقتصاد ضعیف این کشور را بدتر کرده است.

این منازعات منطقه خاکستری در مجاورت سوئد - شامل الحاق ضمنی بلاروس به روسیه - بر اقتصاد این کشور در قالب از بین رفتن اعتماد جهانی در میان مصرف کنندگان و کسب و کارها تأثیر خواهد گذاشت. کاهش در شاخص اعتماد به اندازه ۱۰ درصد کاهش ثبت شده در خلال بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ است و این بیشترین کاهش ثبت شده در اعتماد اقتصادی جهانی در دوران مدرن است. اثرات منفی بر اقتصاد جهانی مسکوت باقی خواهد ماند. انتظارات جامعه جهانی از رفتار ژئوپلیتیکی روسیه در حال حاضر بسیار کم است و کشورهای اندکی واکنش شدید نسبت به دخالت روسیه در بلاروس نشان می دهند. اقتصاد بلاروس کوچک است و کسب و کارهای این کشور حضور چشمگیری در عرصه بین الملل ندارند.

بازی قدرت روسیه منجر به نگرانی جهانی و افت بازارهای سهام در سرتاسر جهان خواهد شد. مصرف کنندگان از خریدهای خود می کاهند و جامعه کسب و کار هم برخی از سرمایه گذاری های عمده خود را به تعویق خواهد انداخت. قیمت نفت به ۴۵ دلار در هر بشکه سقوط خواهد کرد. در اروپا، مصرف خانوار کاهش خواهد یافت، و بیشترین فشار، محدود به اقتصادهای مرکز و شرق اروپا خواهد بود. مهاجرت دسته جمعی پناهجویان از بلاروس، محدود خواهد بود اما با این وجود، باعث ایجاد تنش هایی در لهستان و کشورهای حوزه دریای بالتیک خواهد شد. تقویت نظامی گسترده اروپا، شامل افزایش مخارج در مورد امنیت سایبری، در حال حاضر شروع شده اما اثر اقتصادی فوری نخواهد داشت. در روسیه، سرمایه گذاری کسب و کارها تا ۳۰

سیاسی و اجتماعی در بلاروس مجدداً بالا گرفت. رئیس جمهور لوکاشنکو به دنبال نشان دادن کنترل اوضاع از طریق دستور به موجی از بازداشت های گسترده در کشور بود. مسکو به استناد ریسک گسترش ناآرامی ها از بلاروس به روسیه، دستور کنترل های شدیدتر مرزی را صادر و محدودیت هایی را در مورد مسافرت و تجارت بین دو کشور وضع نمود. در پایان ماه مارس، با اختلال های مکرر در تحویل گاز مواجه شد، که مسکو خرابکاری های داخل بلاروس را عامل آن می دانست. درست قبل از عید پاک، مینسک و دیگر شهرهای مهم بلاروس با قطع برق های مکرر مواجه شدند مقامات کرملین به رسانه های بین المللی اعلام داشتند که رئیس جمهور بلاروس درخواست کمک برای حفظ نظم و قانون نموده است، و در عید پاک نیروهای روسی بدون مواجهه با مقاومت مسلحانه وارد شدند. از ماه آوریل، سربازان روسی در پایگاه های استراتژیک در نقاط مختلف کشور مستقر کرده اند. لوکاشنکو به عنوان رئیس جمهور باقی مانده است.

◆ اثر اقتصادی در منطقه و جهان

این سناریوی مفروض، در ارتباط با خارج نزدیک سوئد است که متشکل از نروژ، دانمارک، فنلاند، کشورهای حوزه دریای بالتیک، لهستان و آلمان شمالی است. حاشیه غربی بازیگر اصلی این سناریو، روسیه، بخشی از منطقه است. بلاروس که به اروپای مرکزی نزدیک تر است، در پیرامون است. چه اینکه مجاورت سوئد را به تفکیک کشور به کشور یا به عنوان یک منطقه جغرافیایی حول دریای بالتیک تعریف کنیم یا نکنیم، این یک منطقه ناهمگن و متنوع از نظر اقتصادی است. به لطف رشد اقتصادی سریع در دهه های اخیر، لهستان و کشورهای حوزه دریای بالتیک، شکاف ثروت با کشورهای اسکاندیناوی و آلمان را کاهش داده اند. روسیه در از بین بردن اتکای اقتصاد خود به نفت موفق

رکود اقتصادی مزمن در بلاروس در طول زمستان ۲۰۱۷-۲۰۱۸ بدتر شد به گونه ای که تورم بالا، پس اندازها و دستمزدهای بخش عظیمی از جمعیت را از بین برد. در ژانویه ۲۰۱۸، دولت شروع به جمع آوری مالیات های جدیدی نمود که با انتقادات فراوانی مواجه بود. فروپاشی قرارداد اجتماعی، که به وسیله آن، رئیس جمهور از حمایت سیاسی گسترده در ارتباط با حفظ یک دولت رفاه سخاوتمندانه برخوردار شده بود، منجر به تظاهرات خیابانی وسیع در مینسک در اوایل ماه مارس گردید. این اعتراضات به بزرگی تظاهرات ضد ریاضتی سال قبل نبودند اما به مجموعه ای از رویدادها تبدیل شدند که ماهیت اصلی آنها نامشخص است. چیزی که مشخص است این است که روسیه به دنبال مذاکرات جدید در مورد تحویل گاز طبیعی به بلاروس بوده است. برخی منابع بر این باورند که مسکو تهدید به افزایش قیمت گاز یا اختلال در تحویل نفت نموده که صنعت بلاروس به آن وابسته است. برخی دیگر اعتقاد دارند که این وضعیت مخاطره آمیز، بازتاب خواست اخیر الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس برای ترک اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت رهبری روسیه است. به طور قطع، رئیس جمهور پوتین هر حرکتی از جانب بلاروس برای ترک اتحادیه را به عنوان گسترش نفوذ غرب در منطقه نفوذ روسیه می داند. با گذشتن ماه مارس، تظاهرات در مینسک شروع به فروکش نمود. با این حال، رسانه های روسی با انتساب اعتراضات به عنوان انقلاب رنگی که توسط غرب سازماندهی می شود و ادعای اینکه دولت مشروع بلاروس تحت فشار بوده، به دنبال شعله ور کردن این آتش بودند. (پوشش رسانه ای به نفع رئیس جمهور وقت روسیه بود که انتخابات ریاست جمهوری را به راحتی در اولین دور رأی گیری برنده شده بود. دوره فعلی او از ماه مه شروع می شود و تا سال ۲۰۲۴ ادامه دارد.)

با نزدیک شدن به پایان ماه مارس، تنش های

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم انداز ۹۸

زخم های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

چندپارگی در خاورمیانه



قدرت گرفتن را به رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب بدهند اما اصلاحات را حتی در صورت داشتن پشتوانه عمومی نخواهند پذیرفت. بنابراین، کشمکش بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در ایران ادامه خواهد یافت.

صرف نظر از صحت اتهامات ایران مبنی بر نفوذ عربستان سعودی بر سیاست ایالات متحده علیه ایران، این یک واقعیت است که این دو قدرت منطقه‌ای در یک جنگ سرد محلی گرفتار هستند. یکی از پیامدهای ناخواسته مداخله ایالات متحده در عراق، تشکیل دولت جدید با روابط نزدیک به ایران بود. تا بهار ۲۰۱۸، عربستان سعودی به لطف قدرت اقتصادی و نظامی خود و نفوذ منطقه‌ای از طریق سازمان‌های چندجانبه‌مانند شورای همکاری خلیج فارس و اوپک، اکثر برهه‌های بازی را در اختیار داشت. روابط خوب عربستان سعودی با مصر هم به ایجاد یک وضعیت منطقه‌ای اساسی، هرچند شکننده، کمک کرد؛ مستان با هشدار از جانب ناظران بین‌المللی همراه بود که عربستان سعودی در معرض تغییرات اساسی قرار داشت؛ مشابه آنچه که در شمال آفریقا مشاهده شد و شرایط را برای اولین بهار عربی مهیا کرده بود: جمعیت جوان، بیکاری بالا و رواج استفاده از رسانه‌های اجتماعی. عربستان سعودی نشانه‌هایی از خستگی جنگ ناشی از تقابل نظامی طولانی مدت در یمن و مداخله‌های نظامی گذشته در سوریه، را از خود نشان می‌دهد. و اقتصاد نسبتاً قدرتمند این کشور به دلیل تصمیم آن برای کاهش قیمت نفت به منظور کاهش درآمد‌های نفتی ایران - راهبردی که اثر معکوس آن، صدمه به توانایی عربستان سعودی برای حفظ سیستم رفاهی سخاوتمندانه خود بود - تحلیل رفته است. اما آن طور که رویدادها نشان دادند، شورش و بهار عربی جدید نه در عربستان سعودی بلکه در کشور کوچک همسایه یعنی پادشاهی بحرین آغاز شد.

درگیری‌ها در سوریه فروکش کرده اما تغییرات زیادی در نقاط دیگر در خاورمیانه و شمال آفریقا در حال انجام است. به دنبال ناکامی دولت اسلامی در ایجاد خلافت در منطقه دجله و فرات و حضور به عنوان منبع فشار سیاسی و اجتماعی در شمال آفریقا، جهادی‌ها در حال بازگشت هستند. کشورهای منطقه در مورد حضور جهادی‌ها هوشیار هستند اما منابع کافی برای مقابله با آنها را در اختیار ندارند. تونس در طول زمستان دستخوش چندین حمله تروریستی شده و شبکه‌های تروریستی جنوب لیبی در حال تحکیم جایگاه خود هستند. وضعیت لیبی با رقابت بین دولت‌های رقیب مدعی حق حاکمیت در کشور، تشدید شده است.

کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر جلوی پیروان دولت اسلامی گرفته نشود، از پایگاه‌های خود در شمال آفریقا به تروریسم و دزدی دریایی در مدیترانه روی خواهند آورد. کشورهای متعدد از جمله روسیه، پیشنهاد کمک به کشورهای آفریقای شمالی در بازدید و گشت زنی در سواحلشان را داده‌اند.

ناظران بین‌المللی بر این باورند که یک بهار عربی دوم می‌تواند منطقه را بی‌ثبات کرده و به سازمان‌های تروریستی آزادی عمل بیشتری بدهد.

♦ افزایش تنش بین عربستان سعودی و ایران

ایران در اواخر سال ۲۰۱۷، عربستان را به ترغیب دولت جدید ایالات متحده به تردید در مورد توافق بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران با برنامه جامع اقدام مشترک، متهم نمود. نفوذ سیاسی منطقه‌ای ایران در حال رشد است اما این کشور اصولاً متمرکز بر توسعه اقتصادی و بهره‌برداری از افزایش تجارت ناشی از این توافق است. چشم‌انداز رشد اقتصادی بالاتر همچنین بر سیاست‌های داخلی ایران نیز تأثیر می‌گذارد. جناح محافظه‌کار شاید اجازه

درصد کاهش خواهد یافت و این عمدتاً به دلیل مسدود شدن سرمایه‌گذاری‌ها توسط شرکت‌های خارجی است. کسب‌وکارهای بین‌المللی جایگاه خود را در روسیه حفظ خواهند کرد اما فعالیت‌های خود را به شدت کاهش داده و برخی از خطوط مونتاژ خود را موقتاً تعطیل خواهند کرد. روبل به‌طور شدیدی سقوط خواهد کرد و این باعث افزایش قیمت واردات خواهد شد. افزایش سریع تورم، قدرت خرید خانوارها را تحلیل می‌برد و بانک مرکزی روسیه نرخ‌های بهره را به شدت افزایش می‌دهد و این خود منجر به کسادی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد. درآمد‌های نفتی کشور کاهش یافت و این باعث سخت‌تر شدن جبران آسیب به مصرف‌کنندگان از طریق مالیات‌های کمتر خواهد شد. سرمایه‌گذاری عمومی در صنعت نفت کاهش خواهد یافت و این باعث کاهش ۱۰ درصدی تولید نفت خواهد شد. وضعیت کمبود قطعات یدکی بدتر خواهد شد و ارتباطات حمل و نقل بین‌المللی مختل خواهد گردید. همه اینها باعث سوق دادن اقتصاد روسیه به سمت رکود سریع شده و رشد اروپا را تا بیش از نصف کاهش خواهد داد.

♦ پیامدها برای شرکت‌های سوئدی

بنگاه‌های سوئدی در صنایع دفاعی و امنیت سایبری افزایش تقاضا برای محصولاتشان در اروپا را شاهد خواهند بود. غیر از آن، عمدتاً در روسیه و کشورهای خاص در اروپای مرکزی و شرقی است که این سناریو پیامدهایی برای شرکت‌های سوئدی خواهد داشت. اثر اقتصادی منازعات در سایر نقاط، محدود باقی خواهد ماند. شرکت‌های سوئدی بزرگ و متعددی دارای واحدهای تولیدی در روسیه هستند که از سرمایه‌گذاران بزرگ در آن کشور محسوب می‌شوند. روسیه همچنین تا اندازه‌ای به عنوان جایگاه صادرات به آسیای میانه قلمداد می‌گردد. شرکت‌های کوچک و متوسط با کمتر از ۲۵۰ نفر نیروی کار، سهم ۲۰ درصدی از درآمد شرکت‌های سوئدی در روسیه دارند.

در این سناریو، شرکت‌های سوئدی تمام سرمایه‌گذاری‌های خود در روسیه را به تعویق خواهند انداخت. فعالیت‌ها اما با سطوح کمتری ادامه خواهد یافت. شرکت‌ها از طریق کاهش حضور جغرافیایی خود در روسیه و رها کردن کسب‌وکارهای غیر از کسب‌وکار اصلی خود، به دنبال کاهش هزینه‌ها خواهند بود. برخی از کارکنان خارجی به کشورهای خود بازگشت داده شده و به جای آنها از نیروهای بومی استفاده خواهد شد. حاشیه سودها کاهش خواهد یافت زیرا شرکت‌ها نمی‌توانند زبان نرخ ارز را با قیمت‌های بالاتر جبران کنند. قدرت مالی هر شرکت و انتظارات آن از برگشت نهایی بازار، آینده حضور آن شرکت در روسیه را تعیین می‌کند.



منارعه ابر قدرت‌ها: ایالات متحده و چین

حق آنها را برآورده کند. در طول زمستان، زمانی که دولت جدید در سنول، نگرانی‌های پکن در ارتباط با همکاری دفاعی کره جنوبی با ایالات متحده را مرتفع نمود، چین و کره جنوبی روابط سازنده خود را مجدداً آغاز نمودند. زمانی که چین و کره جنوبی در سفر شی به سنول در فوریه، برنامه‌هایی را برای همکاری اقتصادی نزدیک‌تر از طریق یک توافق تجاری دوجانبه گسترده و سایر اقدامات اعلام نمودند، ایالات متحده عکس العمل شدیدی از خود نشان داد. ترامپ این توافق را به عنوان نمونه‌ای کلاسیک از این موضوع دانست که چگونه هم پیمانان از ایالات متحده برای پرداخت هزینه‌های امنیتی خود بهره برده و در عین حال، سیاست‌های تجاری نامطلوبی را پیگیری می‌کنند. وزیر دفاع ایالات متحده سریعاً به کره جنوبی و سایر هم پیمانان منطقه‌ای اطمینان داد که آمریکا هیچ نیرویی را از منطقه خارج نخواهد کرد. شایعات حاکی از آن است که وزیر امور خارجه ایالات متحده مجبور بود ترامپ را متقاعد نماید که از زیر سوال بردن سیاست به اصطلاح «چین واحد» و به کار بردن جدایی تایوان از چین خودداری کند. در سال ۲۰۱۶ نامزد وقت ریاست جمهوری، ترامپ، این کار را انجام داده بود و چین را تحریک کرده بود که ناراضی‌های خود را با اعزام تنها ناو خود به آب‌های تایوان نشان دهد.

♦ درگیری‌ها بالا می‌گیرد

زمانی که ترامپ در آغاز مبارزات انتخاباتی جمهوری خواهان در فلوریدا در ماه مارس اعلام نمود که ایالات متحده از اول مارس تعرفه ۴۵ درصدی را بر تمام واردات از چین اعمال می‌کند، یک شوک ایجاد نمود. گرچه این اقدام بر خلاف قواعد سازمان تجارت جهانی بوده و تهدیدی برای شروع یک جنگ تجاری قلمداد می‌گردد، اما دولت ترامپ اصرار داشت که سازمان تجارت جهانی به ابزاری تبدیل شده که چین از آن برای ضامن نگه داشتن ایالات متحده و بهره‌کشی از آن استفاده می‌کند. در همان هفته، وزیر امور خارجه پیشنهاد خود

تجارت آزاد، در کنگره حزب کمونیست در نوامبر ۲۰۱۷ هویدا بود. رئیس‌جمهور شی مجدداً خود را از حمایت‌گرایی که چین آن را به ایالات متحده نسبت می‌دهد میری دانست، گرچه ناظران بین‌المللی اشاره دارند که قبل از اینکه بازار چین بتواند از نظر آزادی با بازارهای غربی مقایسه شود، اصلاحات سیاسی و اقتصادی اساسی باید صورت پذیرد.

♦ جنگ تجاری آغاز می‌شود

در ژانویه سال جاری، رئیس‌جمهور ترامپ نهایتاً به وعده انتخاباتی خود برای بدنام کردن چین به عنوان یک دستکاری کننده نرخ ارز عمل نمود. دولت ایالات متحده که به دلیل عدم پیشرفت در مذاکرات دوجانبه سال گذشته در مانده شده بود، ادعا نمود که چین «بهترین مشتری خود را پیچیده است». (نظرات اقتصاددانان در این مورد اختلاف دارد که آیا چین از تضعیف مصنوعی پول خود برای کسب مزیت‌های صادراتی استفاده می‌کند). هدف واقعی پشت این حملات شفاهی، شاید میل به انحراف توجه عموم از نرخ رشد مایوس کننده ایالات متحده و تقویت حزب جمهوری خواه قبل از انتخابات میان دورهای کنگره باشد. نتایج این انتخابات، آزمون مهم پشتیبانی از ریاست جمهوری ترامپ و توانایی دولت برای اجرای بیشتر برنامه‌های سیاسی خود است. از زمان روی کار آمدن ترامپ، چین در جلب هم پیمانان متعدد آمریکا موفق بوده است. سیستم‌های ائتلافی زیادی در سرتاسر دنیا در طول دهه‌ها، به ایالات متحده در برابر چین برتری داده‌اند که فاقد پیمان یا قاعده رسمی است. در آسیا، ایالات متحده کشورهای ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و تایلند را در زمره هم پیمانان خود قلمداد می‌کند. آمریکا همچنین یک توافق امنیتی با تایوان دارد. اما بر خلاف ناتو، این ائتلاف‌های دوجانبه، قالب دفاع جمعی را به خود نمی‌گیرند. ناظران بیان می‌دارند که برخی از هم پیمانان منطقه‌ای آمریکا غالباً احساس کرده‌اند که ایالات متحده نمی‌تواند انتظارات به

پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، واشنگتن تعهد بالایی به نظم جهانی ایجاد شده پس از جنگ دوم جهانی و سازمان‌های چندجانبه مانند ناتو، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول داشت. تصمیم‌گیران ایالات متحده می‌دانستند که «قدرت نرم» آمریکا ارتباط نزدیکی با این مؤسسات، توانایی هدایت و نفوذ مالی و اقتصاد آن داشت. اما دولت جدید، تفسیر محدودی از منافع ملی ایالات متحده دارد.

هم ایالات متحده و هم چین در حال حاضر تحت هدایت انگیزه‌های ملی‌گرایی قوی هستند که با وجود کشمکش آنها برای نفوذ در آسیا، ریسک مقابله را افزایش می‌دهد. اندکی پس از پذیرش پست دبیر کلی حزب کمونیست توسط رئیس‌جمهور شی چین پینگ در سال ۲۰۱۲، وی مفهوم «رویای چینی» را جانداخت که یکی از موفق‌ترین اقدامات رهبری او بود.

چین با اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی، از منافع خود در منطقه آسیا-اقیانوسیه دفاع خواهد کرد. در میان سایر اقدامات، چین یک بانک منطقه‌ای جدید تحت عنوان بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برای رقابت با سازمان‌هایی همچون صندوق بین‌المللی پول که تحت نفوذ شدید ایالات متحده است، تأسیس کرده است. چین همچنین به دنبال نفوذ بیشتر در مجامع چندجانبه نیز است و در بهبود روابط با روسیه و نزدیک‌تر شدن به آن هم موفق بوده است. هدف نهایی این تلاش‌ها، ایجاد توازن نظامی و اقتصادی با ایالات متحده است. این اقدامات برای تحقق آرزوی چین مبنی بر تثبیت مجدد خود به عنوان «پادشاهی میانه» جهان، یا لاقول قدرت حاکم در آسیا-اقیانوسیه، ضروری به نظر می‌رسد. و چین در عجله است: رهبر این کشور می‌خواهد تولید ناخالص داخلی ملی را بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ و قبل از جشن سده حزب کمونیست در سال ۲۰۲۱، دو برابر نماید. نفوذ ایالات متحده در منطقه یکی از موانع در برابر بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک چین است. تمایل چین برای نشان دادن خود به عنوان مدافع

یادداشت

رونق تولید

انتخاب سردبیر

چشم‌انداز ۹۸

زخم‌های ایران

تهران - بغداد

نظام اداری

بازارها

ناسیونالیسم جدید

آینده دلار

نگاه سوئدی

برای محاصره جزایر مصنوعی در دریای چین جنوبی را که چین آنها را ساخته و به فرودگاه نظامی مجهز کرده، مجدداً مطرح نمود.

از ماه مه، مقامات ارشد در دولت ترامپ از اقدامات تجاری ایالات متحده در برابر انتقادات مبنی بر اینکه این اقدامات برخلاف متن و روح توافقات تجاری بین‌المللی هستند و اینکه ایالات متحده در حال برهم زدن نظم جهانی است، دفاع کرده‌اند. دیدگاه کاخ سفید این است که نظم جهانی تحت قیمومیت ایالات متحده یک اولویت منافع ملی نیست و ایالات متحده هم مانند سایرین صرفاً یک کشور است. (برخی ناظران، رویکرد جمع صفر رئیس‌جمهور در مورد مذاکرات بین‌المللی را مانند دیدگاه سایر قدرت‌های منطقه‌ای می‌دانند).

در مقابل این دورنمای افزایش تنش‌های منطقه‌ای، کشورهای دیگر هم این جسارت را پیدا کردند که منافع امنیت ملی خود را بدون نگرانی از اثرات منطقه‌ای آن پیگیری نمایند. این تاکتیک، باعث کاهش ثبات منطقه‌ای شده که متکی به همکاری است. در این بین، رنجش چینی‌ها از چالوس‌های ترامپ، پکن را تحریک نمود تا از طریق ایجاد یک مقابله با فیلپین، وجهه خود را حفظ نماید. چین با لحاظ اینکه فیلپین کم‌اهمیت‌ترین هم‌پیمان منطقه‌ای ایالات متحده است، اطمینان داشت که شروع درگیری با مانیل کمترین ریسک آغاز یک بحران بین‌المللی را به همراه دارد. بدین سان، دو هفته قبل یک ناوشکن فیلپینی گشت دریایی خود در دریای چین جنوبی را آغاز نمود که بعداً مشخص شد آخرین سفارش بوده است. هفت روز بعد یک کشتی نیروی دریایی چین، کشتی فیلپینی را مورد هدف قرار داد، پس از اینکه دو کشتی خود را در مسیر برخورد در نزدیکی جزایر اسپرانتلی یافتند. متعاقب این اتفاق، فیلپینی‌ها بر ضرورت حضور نظامی ایالات متحده در منطقه تأکید کردند و ادعا نمودند که شهرت آمریکا به عنوان یک هم‌پیمان قابل اعتماد، در معرض خطر است. روز بعد، مقامات دولت ترامپ به دنبال فرونشاندن تنش‌ها از طریق کم‌اهمیت جلوه دادن این رویداد بودند. با این حال، چین با اعزام کشتی‌های جنگی بیشتر به منطقه به منظور «دفاع از کارگران چینی در جزایر» واکنش نشان داد. ادعاهای ارضی چین در مورد جزایر دیاویو اسنکاکو در دریای چین شرقی باعث واژه ژاپنی‌ها از این موضوع شد که این می‌تواند هدف بعدی چینی‌ها پس از فیلپین باشد. همانطور که گفت‌وگوهای دیپلماتیک بین توکیو و مانیل ادامه پیدا می‌کند، پنتاگون اعلام نمود که ایالات متحده یک ناو هواپیمابر را برای «تضمین جریان آزاد افراد و کالاها در منطقه آسیا-اقیانوسیه» به دریای چین جنوبی اعزام خواهد کرد. این تردید وجود دارد که آیا این اقدام به ثبات در منطقه کمک می‌کند. منابع چینی ادعا می‌کنند که رهبری این کشور، افزایش حضور نظامی دریایی ایالات متحده را به عنوان تلاش دولت ترامپ برای اجرای طرح محاصره پیشنه‌های وزیر امور خارجه در زمان انتصابش می‌داند. پکن ممکن است چنین اقدامی را به عنوان یک اقدام برای جنگ برداشت نماید.

اما چیزی که بیشتر از یک هم‌زمانی ساده به نظر می‌رسد این است که شب گذشته، ایالات متحده دستخوش حملات سایبری گسترده در مواضع نظامی و غیرنظامی خود شد. یک وپروس، سیستم‌های نیروی

هوایی ایالات متحده را آلوده کرده و باعث قطع برق در فوریت می‌د. در مرلند، مرکز فرماندهی سایبری ایالات متحده، شد. منابع وزارت امور خارجه می‌گویند که شواهدی یافت شده که این حملات توسط چین سازماندهی شده است. چین این اتهام را رد کرده و فقط بالحنی خشک یادآور می‌شود که ایالات متحده دشمنان زیاد دیگری دارد که توانایی انجام چنین حملاتی را دارند. دیروز پکن پیشنهاد داد که اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن) مذاکراتی را در هفته آینده میزبانی نماید که در آن، چین، ایالات متحده و طرف‌های دیگر «خصوصاً در منطقه و بین ابرقدرت‌ها را رسیدگی نمایند». این پیشنهاد، تلاش چین برای نشان دادن خود به عنوان شریک مسئولیت‌پذیرتر نسبت به ایالات متحده و جلب توافق بین‌المللی است.

◆ پیامد اقتصادی منطقه‌ای و جهانی

اثر بی‌درنگ منازعه بین دو ابرقدرت، عمدتاً روانی است: مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها نگرانی این را دارند که تنش‌ها ممکن است بسالاً بگیرد و از کنترل خارج شود. در پس زمینه این نگرانی، ترس از مقابله مسلحانه و در بدترین حالت، با تسلیحات اتمی است که پتانسیل تخریب بخش‌های عظیمی از کره زمین را دارد. در زمان نگارش این گزارش، منازعات در حد محدود و تحت کنترل است. با این وجود، در حال حاضر موجب افزایش چشمگیر نااطمینانی اقتصادی جهانی شده است. سناریوی ما، از دست دادن اعتماد جهانی مصرف‌کننده و کسب‌وکار را به اندازه دو سوم میزان ثبت شده در بحران مالی ۲۰۰۸ تنظیم می‌کند. بازارهای جهانی سهام سقوط کرده‌اند و می‌توان انتظار داشت که بانک‌ها و دیگر موسسات مالی هم اعطای وام‌ها را کاهش داده و مهم‌ترین مشتریان خود را در اولویت قرار دهند. خانواده‌ها در سرتاسر جهان درباره آینده نگران هستند. مصرف کاهش و پس‌انداز افزایش خواهد یافت که این خود موجب کاهش رشد اقتصادی جهانی می‌گردد.

قیمت نفت با کاهش ۵۰ درصدی به ۲۷ دلار در هر بشکه خواهد رسید و ایالات متحده، صادرات نفت آمریکا را ممنوع خواهد نمود. کانادا مجبور به فروش تمام نفت مازاد مصرف داخلی خود با قیمت‌های بازار جهانی به ایالات متحده خواهد شد.

در ایالات متحده، تعرفه‌های تنبیهی ۴۵ درصدی در مورد کالاهای وارداتی چینی موجب افزایش سریع قیمت‌های لوازم الکترونیکی، پوشاک و کفش و لوازم خانگی بزرگ خواهد شد و این نیز عمدتاً به خانواده‌های کم‌درآمد آسیب خواهد زد. تقاضا برای کالاهای چینی کاهش خواهد یافت، در حالیکه واردات محصولات مشابه از کشورهای دیگر با افزایش همراه خواهد بود.

تقلب در خصوص کشور مبدأ در اظهار گمرکی و همچنین استفاده از کشورهای ترانزیت‌کننده برای کالاهای چینی افزایش خواهد یافت. ورود کالاهای وارداتی در گمرکات ایالات متحده بسیار زمان‌برتر و مشمول روش‌های تشخیصی خواهد شد. شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی دارای واحدهای تولیدی در چین - که نیمی از صادرات کالاهای چینی را شامل می‌شود - از کاهش سنگین فروش در بازار ایالات متحده به دلیل وضع تعرفه‌ها متضرر خواهند شد. ایالات متحده کنترل بر صادرات کالاهای با فناوری بالا به چین را

تشدید کرده و اختیار وسیع‌تری به کمیته دولت در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده برای ممانعت از تملک شرکت‌های آمریکایی توسط چینی‌ها و سایر سرمایه‌گذاری‌ها در ایالات متحده خواهد داد. واکنش چین به اعمال تعرفه توسط آمریکا، ظریف خواهد بود. سواً از طرح شکایت درباره نقض مقررات سازمان تجارت جهانی توسط ایالات متحده، چین واردات محصولات کشاورزی از ایالات متحده از جمله سویا را به استناد نگرانی در مورد سلامت عمومی ممنوع خواهد نمود. تحریم خرید کالاهای آمریکایی توسط مصرف‌کنندگان در سرتاسر کشور سازماندهی خواهد شد که این خود منجر به کاهش شدید فروش لوازم برقی مصرفی آمریکایی و سایر کالاها از جمله خودرو خواهد گردید. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی زمانی که فعالیت‌های خود را در شرکت‌های تابعه خود در چین که ۱۶ میلیون نفر را در چین به کار گرفته‌اند کاهش دهند، با جریمه‌های سنگین برای نقض قرارداد مواجه خواهند شد. در مقابل، پکن برای شرکت‌هایی که به خاطر جنگ تجاری مجبور به کاهش تولید و اخراج نیروهای خود شده‌اند، جبران خواهد نمود. چین تمام سفارش‌های مربوط به هواپیماهای غیرنظامی ساخت ایالات متحده را باطل کرده و از شرکت‌های اروپایی برای مذاکره در این زمینه دعوت به عمل می‌آورد. این کشور به‌طور گسترده نسبت به فروش اوراق بهادار ایالات متحده اقدام خواهد کرد، گرچه فدرال رزرو با یک برنامه جدید برای خرید اوراق، در مقابل این اقدام عکس‌العمل نشان می‌دهد. صادرات کالاهای چینی ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت در حالیکه صادرات کالاهای آمریکایی ۵ درصد کاهش می‌یابد. رشد اقتصادی در هر دو کشور اما به خصوص در چین دستخوش آسیب خواهد شد. اثرات اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم بر سایر نقاط جهان، اساسی خواهد بود. در اکثر نقاط اروپا و آسیا، فعالیت‌های اقتصادی به‌طور چشمگیری کاهش خواهد یافت. رشد اروپا به صفر خواهد رسید. اقتصاد جهان با نرخ رشد ۱ درصدی به رکود خواهد رفت.

◆ پیامد برای شرکت‌های سوئدی

تقریباً تمام شرکت‌های بزرگ سوئدی به شکلی در بازارهای ایالات متحده و چین حضور دارند. آنها در طیف وسیعی از بخش‌ها شامل تحقیق و توسعه، تولید، فروش، خدمات و پشتیبانی فعالیت کرده‌اند و از نیروهای سوئدی در کنار نیروهای بومی استفاده می‌کنند. ایالات متحده یکی از مهم‌ترین بازارها برای صادرات و فروش خارجی سوئد است. داده‌های موسسه کسب‌وکار سوئد نشان می‌دهد که درآمد شرکت‌های سوئدی در چین حدود ۲۵۰ میلیارد کرون سوئد بوده و ۱۸۰ هزار نفر را نیز به کار گرفته‌اند. کود در اقتصاد چین ناشی از این سناریو، عواقب جدی برای کسب‌وکارهای سوئدی خواهد داشت. فضای کسب‌وکار سخت‌تر خواهد شد زیرا ملی‌گرایی اقتصادی سدی در برابر روابط تجاری خواهد بود. در ایالات متحده، شرکت‌های سوئدی در سطح بی‌سابقه‌ای مورد تبعیض قرار خواهند گرفت. شرکت‌ها باید یک کاهش وسیع در تقاضای جهانی و در عین حال سیل کالاهای چینی در نظر گرفته شده برای ایالات متحده به سمت اروپا را مدیریت کنند. بسیاری از شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌ها را به تعویق انداخته و منابع را به بازارهایی انتقال می‌دهند که بهتر بتواند رکود جهانی را تحمل کند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان



واگذاری دفاتر تجاری ایران در آستاراخان روسیه

آدرس: رشت بلوار ولیعصر اتاق
بازرگانی و صنایع و معادن و
کشاورزی گیلان

تلفن: ۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۷ و
۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۸





پایگاه خبری اتاق ایران

مرجع اخبار روز

پارلمان بخش خصوصی



otaghiranonline.ir



[@otaghiranonline](https://t.me/otaghiranonline)



[iccima.ir](https://www.instagram.com/iccima.ir)

تجربه جهانی 
برای شفافیت ابزاری جز "رتبه‌بندی" وجود ندارد

رتبه‌بندی فعالان اقتصادی 
ساده‌ترین مسیر دریافت خدمات دولتی و جذب سرمایه‌گذاری

رتبه‌بندی 
کمک به توسعه اقتصاد پایدار و توانمندی اقتصاد ملی

رتبه‌بندی
کلید ورود به
عرصه جهانی